

موانع تاریخی
رشد سرمایه‌داری در ایران:
دوره قاجاریه

احمد اشرف



تهران، ۱۳۵۹

انتشارات زمینه

مجموعه تاریخ معاصر ۲

چاپ اول: خرداد ۱۳۵۹

صفحه ۷	مدخل: طرح مسئله، روش تحقیق، منابع و مأخذ
۲۳	فصل اول: موقعیت تجاری و اصناف در جامعه شهری
۴۶	فصل دوم: وضعیت نیمه استعماری و سرمایه داران غربی
۷۳	فصل سوم: رشد سرمایه داری تجاری در وضعیت نیمه استعماری
۸۹	فصل چهارم: ماهیت رشد اقتصادی در شرایط نیمه استعماری
۱۰۶	فصل پنجم: قیام بازاریان در برابر استبداد و استعمار
۱۲۶	نتیجه: موانع تاریخی رشد سرمایه داری و مردم‌سالاری
۱۳۵	بیوست: تصاویری از کسب و کار و اقتصاد دوران قاجار
	تصویر ۱) جمعی از کسبه در یکی از سراهای بازار اصفهان
	تصویر ۲) عکس یادگاری اهل محل: یک خشکبار فروشی سیار در اصفهان
	تصویر ۳) یک بقال اصفهانی و مناعهایش
	تصویر ۴) بساط پارچه فروشی کنار کوچه در اصفهان قدیم
	تصویر ۵) چند صراف اصفهانی کنار هم
	تصویر ۶) صورت جمع و خرج عملیات سالانه شرکت اسلامیه اصفهان
	تصویر ۷) نمونه ورقه سهام شرکت نجارتی مسعودیه اصفهان
	تصویر ۸) یک صفحه از دفتر روزنامه یک تجارت‌خانه بزرگ تهران
	تصویر ۹) فرمان واگذاری زمین سبز میدان آمل برای ایستگاه راه آهن
	تصویر ۱۰) منظره ایستگاه راه آهن آمل
	تصویر ۱۱) منظره بندر محمودآباد
	تصویر ۱۲) منظره یکی از سالنهای کارخانه فیلاطوری رشت
	تصویر ۱۳) دیگهای بخار کارخانه فیلاطوری رشت
	تصویر ۱۴) عکس یادگاری صاحبان و کارکنان کارخانه فیلاطوری رشت



مرکز پخش: انتشارات پیام

تهران، خیابان انقلاب، رویروی دانشگاه تهران (تلفن ۶۴۵۷۷۲)

حروفچی: لایتوترون شرکت افست (سهام عام)

از این کتاب هفت هزار نسخه در چاپخانه داد روی کاغذ نو دگرمنی پارس چاپ و صحافی شد.
همه حقوق محفوظ است.

مدخل:

طرح مسئله، روش تحقیق، منابع و مأخذ



طرح مسئله

تجار و اصناف بعدو گونه مددکار سیر تحول جوامع غربی از دوران کشاورزی بدوران شهرنشینی و صنعتی جدید بوده‌اند؛ یکی از راه رشد و توسعه تجارت، حمل و نقل، بانکداری و صنایع جدید و دیگر از راه دگرگون ساختن روابط دیرپایی قدرت فتوالی و استقرار مردمسالاری یا دموکراسی بورژوازی. با اینهمه نقش صاحبان سرمایه در تحولات سیاسی و اقتصادی در همه کشورهای مغرب زمین یکسان نبوده است. در انگلستان و فرانسه و آمریکا، تجار و اصناف نقش عمده‌ای در تعیین سیر تحولات تاریخی و حرکت جامعه بسوی سرمایه‌داری صنعتی و مردمسالاری ایفا کرده‌اند؛ حال آنکه در آلمان (وهنجین در ژاپن) تحول جامعه از راه انقلاب از بالا و به استعانت حکومتهای فاشیستی صورت گرفته است. تأمل در نقش تجار در تحولات این کشورها شنان می‌دهد که اوضاع و احوال ماقبل صنعتی در شکل گرفتن نقش طبقه سرمایه‌دار در تحولات سیاسی و اقتصادی تاحد زیادی مؤثر بوده است. از جمله شرایط مناسب برای شرکت فعلانه طبقه سرمایه‌دار در تحولات سیاسی و اقتصادی و استقرار مردمسالاری، استقلال تجار و اصناف در اجتماعات خودفرمان شهری وجود امکانات عینی برای برقراری تعادل قوایان نیروهای عمدۀ اجتماعی یعنی دستگاه سلطنت، اشراف زمیندار و طبقه نوخاسته سرمایه‌دار و نیز واکنش مساعد زمینداران به کاربرد شیوه‌های سرمایه‌داری در تولیدات کشاورزی است.*

صفحة ۱۴۹
۱۵۸
۱۶۳

- تصویر ۱۵) یک کاروان تجاری به همراهی محافظان خود
تصویر ۱۶) جشن افتتاح کارخانه برق تهران
تصویر ۱۷) نمایندگان اولین دوره مجلس شورای ملی
تصویر ۱۸) جشن پایان سال تحصیلی مدرسه رشدیه
- فهرست منابع و مأخذ
(الف) به زبان فارسی
(ب) به زبانهای دیگر
فهرست راهنمای

* در انگلستان و فرانسه (و نیز در آمریکا) که زمینداران به تولید وسیع برای بازار پرداختند، زمینه رشد سرمایه‌داری و مردمسالاری تجاری زودتر فراهم آمد؛ حال آنکه در آلمان که اشراف زمیندار برای افزایش درآمد خود بجای اعمال شیوه‌های نوین در تولیدات کشاورزی به استماره هر چه بیشتر روستاییان روی آوردن و حتی کار را بدانجا کشاندند که در برخی از نواحی، بهاری حکومت، روستاییان را وابسته و مقید بهاراضی مزروعی کردند، طبقه سرمایه‌دار نیز نقش مؤثری در مراحل نخستین تحولات اقتصادی ایفا نکرد و این نقش تاریخی را تا حدی ◀

تحت عنوان مفاهیم کلی استبداد داخلی و استعمار خارجی مشخص شده‌اند، باید از یکسو به‌چگونگی اوضاع و احوال حاکم بر اعمال و رفتار بازاریان در شرایط سنتی جامعه ایرانی، که تا قرن گذشته ادامه داشته است، پردازیم و از سوی دیگر وضعیت نیمه‌استعماری را که از نیمه دوم قرن گذشته بر جامعه ایرانی تحمیل شده است مورد بررسی قرار دهیم و سرانجام اینکه، چگونگی تحولات سیاسی و اقتصادی در دورهٔ موردنظر و نقش بازاریان در این تحولات را در نظر آوریم.

فالیت دوم، تعیین موارد و مضامینی است که برای مشخص نمودن این عوامل و وضعیتها باید آنها را در منابع و مأخذ گوناگون تاریخی جست‌وجو کنیم. این موارد به‌این شرح تعیین شده‌اند: موقعیت بازاریان در نظام اجتماعی و در سلسلهٔ مراتب طبقاتی اجتماعات شهری؛ تشكّل بازاریان در انجمنهای صنفی و موقعیت آنان در ساخت قدرت سیاسی و میراث استقلال آنان از نظام سیاسی ووابستگی آنان به‌دستگاه عمال دیوانی؛ عوامل و موضع رشد و توسعهٔ مبادلات بازارگانی و تولیدات صنعتی در بازار و چگونگی نوسانات آن در شرایط مستفاوت سیاسی؛ نایمنهای ناشی از نظام خان‌خانی و تحملات و تعدیات عمال دیوانی به‌بازاریان؛ نقشهای اقتصادی بازاریان و بخصوص طایفةٔ تجار از نظر تولید کالایی و سرمایه‌گذاری صنفی، گردآوری و مبادله و صادرات کالاهای داخلی و واردات و توزیع مصنوعات و کالاهای خارجی، فعالیتهای بانکداری، فعالیتهای کشاورزی و زمینداری، تدارک قرضه برای عمال دیوانی و مشارکت آنان در تشکیل شرکتهای تجاری به‌شیوهٔ نوین؛ نقش اجتماعی تجار در انجام دادن خدمات رفاهی و تأسیس مؤسسات عام‌المنفعه مانند مدارس و مساجد و کاروانسراها و بازارها و پلها و قناتها و نهرها و راهسازی؛ نقش سیاسی تجار در جنبش‌های ضداستبدادی و ضداستعماری و برخوردهای آنان با سرمایه‌داری غربی؛ خصوصیات اجتماعی و فرهنگی تجار و میزان سواد آنان و نیز برخوردهای آنان با فرهنگ غربی؛ چگونگی استقرار و وضعیت نیمه‌استعماری، ووابستگی اقتصاد سنتی ایران به‌اقتصاد نوبای جهانی و بازارهای بین‌المللی و نیز چگونگی همسازی اقتصاد سنتی در زمینه‌های تولیدات کشاورزی؛ تولیدات صنعتی و مبادلات بازارگانی با اوضاع و احوال تازه؛ چگونگی رشد مبادلات بازارگانی خارجی و ترکیب واردات و صادرات؛ نقش تجار ایرانی و تجارتخانه‌های فرنگی در مبادلات بازارگانی خارجی و نیز در تراکم سرمایه و سرمایه‌گذاریهای صنعتی؛ سیاستهای اقتصادی و مالی و گمرکی دولت ایران در این دوران؛ و سرانجام مشخصات عدهٔ رشد اقتصادی در وضعیت نیمه‌استعماری و واکنشهای تجار و بازاریان در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی و تعیین میزان موقفيت‌ها و ناکامیهای آنان در این جنبشها؛ نوع و

هدف اساسی از این تحقیق بررسی موضع تاریخی رشد سرمایه‌داری صنعتی جدید در کشور ما و نقشی است که جماعت بازاریان و بخصوص تجار بزرگ در سیر تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی در اوخر قرن گذشته و اوایل قرن کنونی هجری قمری ایفا کرده‌اند. فرضیه اساسی این تحقیق آنست که تجار بزرگ کشور ما در این دوران حساس تاریخی کوشش‌هایی بعمل آورده‌ند تا رسالت تاریخی طبقاتی خود را در سیر تحولات اجتماعی تحقق بخشد و جامعه ایرانی را از دوران نیمه‌فتوح‌الدالی و شبه‌آسیایی به‌دوران سرمایه‌داری و «شهری - صنعتی» جدید سوق دهند. با آنکه آنان در راه تحقق رسالت تاریخی خود کوشش‌های بسیار نمودند و به‌موفقیت‌هایی نیز نایل شدند - که دست‌آوردهای عدهٔ آن از نظر اقتصادی رشد مبادلات بازارگانی خارجی و از نظر سیاسی کوشش در راه ایجاد مشروطیت بود - لکن از دو جهت اساسی که یکی پیدایش سرمایه‌داری صنعتی و دیگری استقرار مردم‌سالاری (دموکراسی بورژوازی) است با ناکامی روبرو شدند. چراکه استبداد داخلی همراه با ویژگی‌های شیوه‌های تولید در اجتماعات ایلی، شهری و روستایی از یکسو و استعمار خارجی از دیگر سوی مانع رشد سرمایه‌داری جدید صنعتی و تحقق رسالت تاریخی سرمایه‌داری ملی در کشور ما گردیدند.

روش تحقیق

چنانکه از ماهیت طرح مسئله و چگونگی تنظیم فرضیه تحقیق پیداست، برداشت اساسی در این کار تحلیل شالوده‌های اجتماعی است. بدینگونه ابتدا باید نیروهای عده و نظامهای وسیعتری که در تعیین مسیر تحولات اجتماعی و چگونگی ایفای نقش بازاریان در این دگرگونیها تأثیر دارند مشخص شوند. این عوامل اساسی و بنیادی عبارتند از شیوه‌های تولید شهری، روستایی و عشایری و نظام سیاسی و اقتصادی جامعه شهری و بطور کلی نیروهای عده اجتماعی از یکسو و نیروهای استعمارگر غربی و اقتصاد نوبای جهانی از سوی دیگر. برای تعیین میزان و چگونگی برخورد این نیروها و نقش آنها در تحولات اجتماعی و برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش مراحلی پیموده شده که اشاره کوتاهی به‌آنها در این مقدمه از نظر روش نشدن موارد و مضامین اساسی، روش تحقیق، رویه کار پژوهشی و نیز فتونی که بکار گرفته شده ضروری است. فالیت اول تعیین وضعیتها و شرایطی هستند که بستر اجتماعی رفتارهای بازاریان را شکل می‌دهند. برای بررسی این عوامل که در فرضیه تحقیق

بر عهده دولت فاشیستی واگذاشت. برای توضیح پیشتر نگاه کنید به مقالهٔ نگارنده: «راههای سه‌گانه تحول از جامعه کشاورزی به‌جامعه صنعتی جدید» جهان نو (بهار - پاییز سال ۱۳۵۲) ص ۹ - ۲۲.

مجلس شورای ملی ابتداء موضوعات مورد بحث در مجلس بطور کلی بررسی شده و سپس طبقه‌بندی موضوعی شده‌اند. طبقه‌بندی اصلی شامل امور پارلمانی و انتخابات و قوانین، روابط مجلس با حکومت، روابط مجلس با مردم، امور مالی و اقتصادی، و سائل فرهنگی می‌باشد. در مرحله بعد کلیه دفعات سخن نمایندگان از متن اصلی به ۱۶۵۹ به گستاخ گردیده و بر حسب رده‌های اصلی و فرعی طبقه‌بندی شده‌اند. سپس دفعات سخن نمایندگان تجارت و اصناف در زمینه‌های مختلف شمارش شده و میزان مشارکت آنان در امور مختلف مجلس معین شده است. گذشته از آن زمینه‌های اجتماعی و طبقاتی نمایندگان مجلس از منابع مهم موجود بررسی و تعیین گردیده است. بطور کلی هدف اصلی آن بود که گذشته از تحلیل کمی که شامل شمارش دفعات سخن نمایندگان است هر موضوع خاص مورد تحلیل کیفی نیز قرار گیرد تا تصورات و آرمانهای نمایندگان متعلق به طبقات مختلف اجتماعی نیز روشن شود. لکن بعلت آنکه این کار نیازمند به زمان نسبتاً زیادی بود انجام دادن آن را به زمان دیگری موقول نمودیم.

در تحلیل «کتابچه ترقیم و تشخیص القاب» ابتداء کلیه مشاغل را با عنوان رسمی آنها به برگه‌ها (فیش) منتقل نمودیم و سپس کلیه مشاغلی را که دارای عنوانی برابر بودند رده‌بندی کردیم و سرانجام به تنظیم و تدوین رده‌های برابر عمال درباری و کشوری و نظامی و حکام ایالات و ولایات، علمای وابسته و علمای مستقل، مقامات شهری و تجارت و اصناف پرداختیم و ساخت سلسه‌مراتب شهری را در آن زمان و نیز موقعیت تجارت و اصناف در این سلسه‌مراتب را مشخص کردیم.

فعالیت پنجم در این پژوهش، تجزیه و تحلیل یافته‌ها و داده‌ها برای انجام دادن هدف تحقیق و نیز آزمون فرضیه تحقیق است. سازمان مطالب و تدوین یافته‌های پژوهش در ارتباط با هدف و فرضیه تحقیق صورت گرفته است، بدینگونه که ابتداء به تشریح موقعیت بازاریان در نظام سنتی اجتماعات شهری کشور پرداخته‌ایم و آنگاه پیدایش وضعيت نیمه استعماری و فعالیتهای بازرگانی و صنعتی بازرگانان و تجارت فرنگی را بررسی نموده‌ایم و سپس به رشد میادلات بازرگانی و سرمایه‌داری تجارتی در وضعيت نیمه استعماری پرداخته‌ایم. در بخش بعد بعنوان جمعبندی کلی، ماهیت و طبیعت رشد اقتصادی در شرایط نیمه استعماری را بررسی کرده‌ایم و پس از آن به نقش تجارت و بازاریان در جنبشهای ضداستبدادی و ضداستعماری اوخر قاجاریه پرداخته‌ایم. در آخرین بخش این گزارش از داده‌های ارائه شده برای بررسی فرضیه تحقیق استفاده کرده و نتایج عمده پژوهش را عرضه کرده‌ایم. گذشته از رسالت حاضر نتایج تحقیق در دو مقاله دیگر به زبان انگلیسی نیز تدوین و ارائه شده: یکی از آنها که در واقع

میزان وابستگی سرمایه‌داری ملی به سرمایه‌داری غربی و بررسی ماهیت سرمایه‌داری ملی و سرمایه‌داری وابسته و روابط آنها با یکدیگر و نیز میزان رشد سرمایه‌داری ملی در رابطه با رشد پرولتارهای صنعتی.

فعالیت سوم در این تحقیق، شامل بررسی و گردآوری داده‌های مربوط به موارد و مضامین یاد شده از منابع و مأخذ گوناگون تاریخی است که در دسترس قرار داشته است. به بیان دیگر موارد و مضامین تعیین شده به ترتیب خود از یکسو تعیین کننده انسانی و مأخذی بشمار می‌آیند که باید جستجو و بررسی شوند و از سوی دیگر نوع مطالبی را که باید در برگه‌برداری (فیش‌برداری) و تنظیم و طبقه‌بندی برگه‌ها مورد نظر باشند معین می‌کنند. منابعی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند در بخش بعد تشریح خواهند شد.

فعالیت چهارم در این تحقیق، بررسی و تجزیه و تحلیل برخی از منابع پراهمیت است، مانند تحلیل کمی و کیفی مشخصات خاندانهای تجارت محلات دهگانه شیراز، مندرج در جلد دوم فارسنامه ناصری، تحلیل محتوای مذاکرات مجلس اول از نظر تعیین نقش تجارت و اصناف در مجلس اول و تجزیه و تحلیل «کتابچه ترقیم و تشخیص القاب» که در سال ۱۲۷۹ هجری قمری بعدها ناصر الدین شاه تهیه گردیده و از نظر ترکیب قشرهای اجتماعی و تعیین موقعیت تجارت و اصناف در نظام مراتب اجتماعی در شهرها حائز اهمیت خاص است. روش تجزیه و تحلیل هر یک از منابع مذکور باید جداگانه و به تفصیل بررسی و ارائه شود، لکن توضیح مختصری درباره روش تجزیه و تحلیل این منابع در اینجا ضروری بنظر می‌رسد.

کتاب فارسنامه ناصری یکی از مهمترین آثار تاریخ نگاری دوران قاجاریه است و میرزا حسن فساتی نویسنده داشتمد آن حدود یکصد صفحه از جلد دوم کتاب را به شرح حال حدود ۱۰ خاندان از خاندانهای اعیان محلات شیراز در قرن گذشته اختصاص داده است که حدود ۲۰ خاندان آن را خاندانهای تجارت شیرازی تشکیل می‌دهند. روش کار در تحلیل فارسنامه ناصری تنظیم شجره‌النسب خاندانهای تجارت و تهیه برگه‌هایی بوده است حاوی ۱۶ اطلاع درباره تجارتی که در زمان نگارش فارسنامه فعالیت داشته‌اند. آنگاه برگه‌های اطلاعاتی از نظر چگونگی حرک اجتماعی تجارت بررسی شده‌اند. گذشته از آن چگونگی توزیع تجارت در محلات اعیان‌نشین و محلات کمتر اعیان‌نشین شهر، با استفاده از چند ملاک بررسی شده است. مشخصات اقتصادی و اجتماعی تجارت شهر در برگه‌های دیگری منعکس گردیده و در تحلیل موقعیت اجتماعی و نقش اقتصادی و اجتماعی تجارت مورد استفاده قرار گرفته‌اند و نتایج کار در گزارش جداگانه‌ای به زبان انگلیسی تدوین گردیده است. برای تحلیل محتوای مذاکرات مجلس اول و تعیین نقش تجارت و اصناف در دوره اول

مجموعه‌های خطی در کتابخانه مجلس سنای، کتابخانه ملک، کتابخانه سلطنتی، کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه و آرشیو وزارت امور خارجه و کتابخانه‌های شخصی نگاهداری می‌شوند. در این میان مهمترین مجموعه اسناد و مدارک درباره نقش تجارت در تحولات سیاسی و اقتصادی کشور، که مربوط به اوآخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری است، آرشیو عظیم امین‌الضرب است که بهمث دکتر علی اصغر مهدوی بطور کلی منظم و برحسب موضوعات عمدۀ طبقه‌بندی شده و تاکنون بخش بسیار کوچکی از این اسناد منتشر گردیده و تفحص در آنها به فرستت بسیار نیاز دارد.* در این تحقیق از بخش‌های منتشر شده و تعدادی از اسناد منتشر نشده این مجموعه استفاده شده است. مجموعه سودمند دیگری که در این زمینه موجود است مجموعه دفاتر کیه و نامه‌ها و اسناد و مدارک خاندان اتحادیه است که در اختیار خانم منصورة نظام مافی قرار دارد و برخی از اسناد آن انتشار یافته است. گذشته از این آرشیوها، دفاتر کیه و دفاتر حساب و مکاتبات رامی توان در گوش و کنار بدست آورده و از آنها در بررسی موقعیت و نقش تجارت سود جست.

دوم، در ارتباط با این دسته از اسناد و مدارک باید از آمارها و ارقام مالیاتی، گمرکی و نفوس یاد کرد. با آنکه در دوره قاجاریه آمارهای منظمی در این زمینه‌ها در دست نیست، لکن آمارها و ارقام پراکنده‌ای بجای مانده است که بجای خود بسیار سودمند است. از آن جمله است «کتابچه جمع و خرج کل همه‌السنّه‌ایت ایل ممالک محروسه مطابق سنه ۱۳۰۴ هـ». در مجموعه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، که از اسناد منحصر بفرد جامع درباره بودجه مملکت در آن زمان است. همچنین است جمع و خرج‌های آذربایجان و فارس و دستورالعمل‌های گیلان، فارس، آذربایجان، خمسه و طارم و گروس که در همان مجموعه آثار خطی نگاهداری می‌شود. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز تعدادی دستورالعمل‌های ولایات مختلف و کتابچه‌های جمع و خرج مملکت و ایالات موجود است. «دفاتر جز و جمع فارس برحسب بلوک و بلده»، در مجلد دوم مجموعه ناصری که در کتابخانه سلطنتی مضبوط است، نیز برای بررسی اوضاع مالی و اقتصادی این ایالت سودمند است. آمارهای نفوس شهرهای مختلف نیز حاوی اطلاعات سودمندی درباره شالوده جمعیت و گروههای عمده شغلی می‌باشند که تجزیه و تحلیل آنها برای شناخت جامعه آن روز شهری ضرور است. معروف‌ترین این سرشماریها تشخیص نفوس دارالخلافه، تألیف عبدالغفار نجم‌الدوله است که

خلاصه‌ای از رساله حاضر است، تحت عنوان «تجارت و اصناف و تحولات ایران در قرن نوزدهم»، هم اکنون بهجای رسیده است، و مقاله‌دیگر، که حاوی تجزیه و تحلیل مطالب فارسname ناصری و چند مأخذ دیگر است، زیر عنوان «تجارت شیراز در نیمة دوم قرن نوزدهم»، در دوره دوازدهم مجله مطالعات ایرانی در سال جاری بهجای خواهد رسید.

منابع و مأخذ

منابع و مأخذی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند شامل منابع و مأخذ فارسی و منابع خارجی است. منابع فارسی رامی توان بهیازده گروه عمده تقسیم کرد: یکم، اسناد تاریخی مانند فرمانها، دستورالعمل‌ها، و قننامه‌ها، نامه‌ها و گزارشها که گاهی در خلال مطالب آنها درباره تجارت و اصناف و روابط آنها با عمال دیوانی و مسائل مالی و اقتصادی کشور اشاره‌ها و نکته‌های سودمند یافته می‌شود. برخی از این اسناد و مدارک تاریخی هم اکنون بهجای رسیده‌اند نامه‌ها، عراض و مکاتبات مربوط به مجلس و کلای تجارت که در کتاب افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، بهمث دکتر فریدون آدمیت و دکتر هما ناطق گردآوری، بررسی و منتشر گردیده است و یا نامه‌هایی که ابراهیم صفائی در چند مجلد از اسناد دوران قاجار منتشر ساخته است، و یا مجموعه مفصلی از فرمانها و قبله‌ها و بنچاقها مربوط به استرآباد که در مجلدات ششم و هفتم کتاب از آستانه ای استان‌باد، تأليف مسیح ذیبحی و منوچهر سوده انتشار یافته است، و یا مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله که بهمث کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی انتشار یافته، و یا برخی اسناد که جهانگیر قائم‌مقامی در کتاب یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلایران تا بهلوی، گردآوری کرده است. برخی اسناد که به تفاریق در مجله راهنمای کتاب و در نشریات سالانه فرهنگ ایران‌زمین و مجله آینده بهمث ایرج افشار انتشار یافته و نیز اسناد و مدارک مربوط به جنبش تباک و نهضت مشروطیت ایران که از نظر نقش تجارت در این جنبشها حائز اهمیت بوده و در کتابهای عمده انقلاب مشروطیت ایران، که در جای خود معرفی خواهد شد، انتشار یافته‌اند نیز از اهمیت خاص برخوردارند.*

اسناد و مدارک منتشر نشده درباره اوضاع اقتصادی و مالی و نقش تجارت در اوآخر دوران قاجاریه بمراتب وسیعتر از اسناد منتشر شده می‌باشند. پاره‌ای از این اسناد و مدارک بصورت

* برای تفصیل نگاه کنید بمقاله دکتر اصغر مهدوی به زبان فرانسوی که مشخصات آن در فهرست منابع و مأخذ بجزیه‌های خارجی در آخر کتاب آمده است.

* برای آگاهی از مشخصات کامل این آثار و آثاری که در این بخش به آنها اشاره شده است نگاه کنید به فهرست منابع و مأخذ در آخر کتاب.

ادب‌الملک، سفرنامه خوزستان، از عبدالغفار نجم‌الملک و سفرنامه‌های ناصرالدین شاه را می‌توان بر شمرد.

پنجم، رساله‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است که برخی از آنها مانند «رساله مجده» از میرزا محمدخان مجد‌الملک، رسالات میرزا ملک‌خان نظام‌الدوله و رسالات متدرج در کتاب افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر شده دوران قاجار، بچاپ رسیده و بسیاری از آنها هنوز بصورت آثار خطی در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی محفوظ است. در برخی از این رساله‌ها مطالب و نکات بسیار سودمندی درباره اوضاع اقتصادی کشور، موقعیت تجارت و بازاریان و نقش آنان در تحولات سیاسی و اقتصادی کشور و بخصوص موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری ملی در ایران می‌توان بدست آورد.

ششم، مجموعه تأییفات محمدحسن خان اعتماد‌السلطنه (صنیع‌الدوله) و نیز مجموعه خطی معروف به مجموعه ناصری است که بهمثت وی تهیه شده و هشت مجلد آن در کتابخانه سلطنتی نگاهداری می‌شود. مهمترین کار اعتماد‌السلطنه در زمینه بحث ما کتاب المائر والآثار است که فهرستی از وقایع عده و بخصوص ابداعات و ابتکارات و صنایع جدید و فهرستی از اعیان کشور یعنی علماء و عمال بدست می‌دهد و برخی از بزرگان تجارت و القاب آنان را معرفی می‌کند. کتاب دیگر وی که از نظر موقعیت تجارت و روابط آنان با عمال دیوانی حاوی نکات قابل ملاحظه می‌باشد کتاب روزنامه خاطرات اعتماد‌السلطنه است. کتاب خلصه اعتماد‌السلطنه نیز از نظر تفسیری که بر اوضاع آن دوران و شرایط استبدادی و استعماری دارد از ارزش خاص برخوردار است. سالنامه‌هایی که وی منفردآویا یا به ضمیمه کتابهای متعدد تدوین و منتشر کرده است نیز از نظر شناخت ترکیب طبقاتی جامعه و بخصوص تشخیص مراتب عمال دیوانی و موقعیت تجارت در میان آنان قابل استفاده می‌باشد. در این میان کتاب مرآت‌البلدان ناصری از نظر برخی اطلاعات سودمند و بخصوص از نظر مجموعه ناصری که برای تدوین آن گردآوری شده و مورد استفاده اعتماد‌السلطنه قرار گرفته است از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. این مجموعه نفیس خطی، حاوی کتابهای رساله‌های مختلفی است که در دوران پادشاهی ناصرالدین شاه از سال ۱۲۹۰ هجری قمری به بعد تهیه شده و برای اعتماد‌السلطنه ارسال گردیده است و وی آنها را در این هشت مجلد گردآورده و نگاهداری کرده است. برخی از رساله‌ها و کتابهای این مجموعه از مهمترین منابع بررسی اوضاع اقتصادی و تحقیق در وضع تجارت و اصناف بشمار می‌آیند، مانند جفراء‌فی‌اصفهان، از میرزا حسین تحویل‌دار و سفرنامه خوزستان، از عبدالغفار نجم‌الملک که هم‌اکنون به طبع رسیده‌اند و برخی دیگر مانند «تاریخ قم» و «گنج شایگان» از جلد اول، «جزء جمع فارس بر حسب بلوك و بسلده» از جلد سوم،

بهمثت دکتر ناصر پاکدامن با تحقیقی فاضلانه در امر سرشماری و احوال مؤلف بچاپ رسیده است. چند سرشماری دیگر از شهرهای کرمان، مشهد، اصفهان، قم و تهران در دست است که همه آنها نیز بهمثت ایشان تجزیه و تحلیل شده و در حال انتشار است. در این میان یک مجموعه سه جلدی سرشماری از شهر تهران در دست است که حاوی اطلاعات بسیار سودمند در زمینه‌های جمعیتی و بخصوص آمارها و اطلاعات نادر و منحصر بفرد در زمینه اصناف تهران است. نخستین مجلد این مجموعه در سال ۱۳۰۴ شمسی توسط دایرة احصائیه بلدیه تهران زیر عنوان سالنامه احصائیه شهر طهران در سنه ۱۳۰۰ شمسی، در سال ۱۳۰۴ شمسی بچاپ رسیده است و مجلدات دیگر که دنباله کار را گرفته‌اند در سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۲ شمسی چاپ شده‌اند. با آنکه آمارها و اطلاعات این مجموعه مربوط به اوایل دوران بهلوی است لکن نظر به اینکه مشخصات آخرین سالهای عصر قاجاریه را در بردارد و نیز روشنگر برخی دیگر گونه‌های اجتماعی و اقتصادی در اوآخر دوره قاجاریه است از اهمیت خاص برخوردار است.

سوم، تاریخ و چهارگیانی نواحی و شهرهای فارس‌نامه ناصری، از میرزا حسین فساتی، آثار عجم، از فرست شیرازی، چهارگیانی اصفهان، از میرزا حسین تحویل‌دار، استرآبادنامه، گردآورده مسیح ذیبحی، تاریخ و چهارگیانی دارالسلطنه تیریز، از نادر میرزا، اصفهان نصف جهان، از محمد‌مهدی اصفهانی، الاصفهان، از سیدعلی جناب، تاریخ کاشان، از سهیل کاشانی، چهارگیانی کرمان، از وزیری کرمانی، اعلام‌الناس فی تاریخ بندرعباس، از سید‌السلطنه کبابی، و تاریخ عراق عجم، از وکیلی طباطبائی، از نمونه‌های بر جسته آن بشمار می‌آیند. در این آثار اطلاعات سودمندی درباره وضع اقتصادی شهرها، مشخصات تجارت و اصناف، فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی بازاریان و موقعیت بازاریان در نظام مراتب اجتماعی شهرها می‌توان یافت.

چهارم، کتابهای خاطرات و شرح حالها و سفرنامه‌های است که از زمان ناصرالدین شاه رواج و رونق یافته و ده‌ها کتاب خاطرات و سفرنامه از اوآخر دوران قاجاریه بجا مانده است. در این آثار پاره‌ای مطالب بالارزش درباره وضع بازاریان و چگونگی تحولاتی که در این دوران در جریان بوده است می‌توان بدست آورد. از نمونه‌های بر جسته این آثار شرح زندگانی من، از عبدالله مستوفی، شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا، برادر ناصرالدین شاه، سفرنامه کلالات، از احمد مجید‌الاسلام کرمانی، خاطرات و خطرات، از مخبر‌السلطنه هدایت، حیات یحیی، از یحیی دولت‌آبادی، روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، از سید احمد تفرشی حسینی (تعجید‌السلطان)، تاریخ بیداری ایرانیان، از ناظم‌الاسلام کرمانی، دافع الغرور، از

آثار تاریخ بیداری ایرانیان، از نظام‌الاسلام کرمانی، تاریخ انقلاب مشروطیت، از مجده‌الاسلام کرمانی، تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز، از محمد باقر و سجویه، روزنامه‌اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، از سید احمد تمجید‌السلطان تفرشی، یادداشت‌های تاریخی راجع به فتح تهران و اردبیل بر ق، از سالار قاتح، گوشاه‌ای از رویدادهای انقلاب مشروطیت، از امجد‌الواعظین تهرانی، تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو، از نصرت‌الملک می‌باشدند. برخی دیگر از آثار مربوط به انقلاب مشروطیت بعد از انقلاب و براساس آثار اصیل او لیه تدوین گردیده است و حاوی اطلاعات سودمند می‌باشند که اهم آنها تاریخ مشروطه ایران از مرحوم کسری است. کتب دیگر مانند گیلان در جنبش مشروطیت، از ابراهیم فخرایی، کاشان در جنبش مشروطه ایران، از حسن نراقی، تاریخ انقلاب طوس، از محمدحسن خراسانی، تلاش آزادی، از باستانی پاریزی و نیز آنچه درباره رهبران و فعالان مشروطیت مانند حیدرخان عمادوغلی و دیگران انتشار یافته است می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. گذشته از این آثار برخی از اهل علوم اجتماعی به تجزیه و تحلیل رویدادهای مشروطیت و نقش طبقات گوناگون اجتماعی در جنبش مشروطیت و جنبه‌های فکری و آرمانی آن پرداخته‌اند که بنویس خود برای درک و فهم نقش تجارت و بازاریان در این جنبش سیاسی و اجتماعی سودمند هستند. از اهم این آثار کتابهای دکتر فریدون آدمیت درباره فکر آزادی و متغیران عصر مشروطیت بخصوص کتاب ایدولوژی نهضت مشروطه ایران است که حاوی تجزیه و تحلیل روشنگری از آرمانهای مشروطیت ایران و نقش تجارت در مجلس اول می‌باشد. کتاب دیگر که اطلاعات بسیار مفید و تحلیل ساده و قابل استفاده از نهضت مشروطیت ایران و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی و منشأ طبقاتی نمایندگان ادوار مختلف مجلس شورای ملی در بردارد، کتاب نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست دوره قانونگذاری، از خانم زهراء شجاعی است. کتاب احسان طبری زیر عنوان فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران، نیز از نظر اینکه تحلیل تحولات اجتماعی و اقتصادی از دیدگاه خاص را مطرح می‌سازد حائز اهمیت است.

یازدهم، روزنامه‌های دوره ناصری و دوره مظفری است که برخی از آنها اطلاعات بسیاری در زمینه موقعیت و نقش بازاریان و مسائل مالی و اقتصادی و تحولات فکری و آرمانی دربر دارند و در تحقیقات مربوط به این دوران باید مورد استفاده قرار گیرند. از مهمترین این روزنامه‌ها و تایع آتفاقیه، روزنامه ایران، روزنامه اختر، روزنامه‌های سریا و پرورش، روزنامه حبل‌المتین، روزنامه قانون، روزنامه شرف و شرافت و روزنامه ادب می‌باشند.

منابع و مأخذ خارجی را نیز می‌توان به‌جند گروه تقسیم کرد:

«کتابچه نفوس و جغرافی بلده طبیه همدان»، از جلد پنجم، «اطلاعات درباره محلات قزوین»، از جلد ششم و اطلاعات برآئندۀ دیگر که بجای خود سودمند می‌باشند و هنوز بطبع نرسیده‌اند. هفتم، کتابهای تاریخ کلی و تاریخ سیاسی دوره‌ای یا تاریخ اجتماعی عصر قاجاریه که در آنها جسته و گریخته مطالبی در زمینه اوضاع اقتصادی و مالی و اوضاع عمومی کشور در ارتباط با بازاریان و تجارت و نیز روابط خارجی کشور در ارتباط با گسترش نفوذ نیروهای استعماری یافته می‌شود مانند تاریخ التواریخ، از لسان‌الملک سپهر، تاریخ نو، از جهانگیر میرزا، حقایق‌الاخبار، از جعفر خورموجی، و گزارش ایران از معتبر السلطنه هدایت. در مورد تاریخ این دوران برخی از آثار جدید نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند مانند تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، از سعید نفیسی، روس و انگلیس در ایران، از فیروز کاظم‌زاده (که در اصل بعنوان انگلیسی تهیه و سپس به فارسی برگردانده شده است)، ایران و انگلیس، از مهدی مجتبی‌زاده و تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، از معبوی اردکانی.

هشتم، کتابهایی که در باب امور اقتصادی و مالی او اخیر قاجاریه انتشار یافته‌اند و مطالب سودمند در آنها یافته می‌شود. پر اهمیت‌ترین این آثار کنج شایگان، از سید محمدعلی جمال‌زاده، ایران اقتصادی، از رحیم‌زاده صفوی، استقلال گمرکی ایران، از رضا صفی‌نیا و عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، از ابراهیم تیموری و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران، است.

نهم، منابع و مأخذ مربوط به شرح حال تجارت کشور و مشخصات عده آنهاست که بخصوص در تاریخ و جغرافیای شهرها، که شرح آن گذشت (مانند فارسنامه ناصری و تاریخ کاشان و جغرافیای کرمان)، مطالب سودمند در این زمینه می‌توان بدست آورد. منابع دیگر آثاری است که بعداً در این زمینه تدوین شده مانند تاریخ رجال ایران، از مهدی بامداد، «رجال صدر مشروطیت»، از حاجی میرزا ابوالحسن علوی، رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، از مهدی مجتبی‌زاده و «مختصر تاریخ مجلس شورای ملی ایران»، از سید حسن تقی‌زاده. بدینهی است که در این زمینه در لابلاع سایر منابع و مأخذی که ذکر آنها رفت و یا بعداً معرفی خواهند شد نیز مطالب سودمندی درباره تجارت و بازاریان وجود دارد که باید جست و جو و برگه برداری شوند.

دهم، منابع و مأخذ مربوط به انقلاب مشروطیت ایران که حاوی اطلاعات سودمند درباره نقش تجارت و بازاریان در این جنبش بزرگ می‌باشد. برخی از این آثار حاوی خاطراتی از جریان مشروطیت و نیز حاوی اسناد و مدارک اصیلی هستند که در همان زمان انتشار یافته است و حاوی اعلامات و نامه‌ها و شرح مذاکرات انجمنهای سری می‌باشند. از مهمترین این

بازرگانی خارجی، تجارت و اصناف ایرانی در اوخر قاجاریه به زبان انگلیسی نگاشته‌اند که از آن جمله است دو مقالهٔ خامن پرسور لمبتون درباره «مورد حاج نورالدین» و «موردن حاج عبدالکریم» و مقالات گلیبار درباره «تجارت و انقلاب مشروطیت ایران» و «کشاورزی ایران در اوخر قاجاریه» و مقالات فلور درباره «اصناف در ایران» و «تجارت ایران در عهد قاجاریه» و «گمرک در عهد قاجاریه» و مقالهٔ وحید توپشیرانی درباره «مقدمات تجاری شدن کشاورزی در ایران» و نیز مقالات نگارنده درباره «موانع تاریخی رشد بورژوازی در ایران»، «تجارت شیراز در اوخر قرن نوزدهم» و «تجارت و اصناف و فراگرد توسعه در ایران قرن نوزدهم» مطالبی را که برخی از محققان غربی دربارهٔ اصناف اسلامی نگاشته‌اند نیز در شناخت خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انجمنهای صنفی در دوران اسلامی از ارزش خاص برخوردارند مانند اثر لایپدوس دربارهٔ شهرهای اسلامی در اوخر قرون وسطی و کتاب فرای دربارهٔ بخارا که به فارسی نیز برگردانده شده است، و مقالات کائن، ماسینیون، بروکوزنتسو دربارهٔ اصناف در سرزمینهای اسلامی.

ششم، استاد و مدارک وزارت خارجهٔ انگلستان دربارهٔ ایران اوخر قاجاریه که در اداره اسناد عمومی (Public Record Office) و اداره هند (India Office) در شهر لندن نگاهداری می‌شود. این مجموعهٔ عظیم اسناد و مدارک که حاوی هزاران برگ گزارش و مکاتبه دیلماتیک و کنسولی است از منابع بسیار غنی و بالارزش، برای بررسی اوضاع کشور مادر اوخر قاجاریه است. پالانک در مجموعه‌های گوناگون این اسناد می‌توان مطالبی دربارهٔ اوضاع مالی و اقتصادی و نقش تجارت در تحولات این دوران بدست آورده لکن مجموعهٔ بزرگی که میان اهل تحقیق بنام گزارش‌های کنسولی معروف است منحصراً به آمارهای بازرگانی خارجی و بررسی اوضاع اقتصادی و تجاری مناطق مختلف کشور و یا سراسر کشور اختصاص دارد. تدوین این گزارشها، که از دهه ۱۸۶۰ بصورت گهگاهی آغاز گردید، در دهه بعد بصورت گزارش‌های متناوب سالانه درآمد و رفتارهای از مناطق پراهمیت برای بازرگانی خارجی بریتانیا به سایر مناطق کشور نیز گسترش یافت. مفصلترین و دقیق‌ترین این گزارشها ابتدا برای بنادر و جزایر خلیج فارس و بخصوص برای بوشهر، بندرعباس و بندرلنگه تدوین و از اوخر قرن نوزدهم برای بندر خرمشهر (مُحَمَّر) نیز تهیه شده است. سایر گزارش‌های کنسولی دربارهٔ شیراز و فارس، اصفهان، یزد، کرمان، کرمانشاه، تبریز و آذربایجان، مشهد و خراسان، رشت و گیلان و مازندران در دست است. یک سلسلهٔ گزارش کنسولی نیز دربارهٔ اوضاع اقتصادی کشور در دست است که حاوی اطلاعات سودمند دربارهٔ اوضاع مالی و اقتصادی و مبادلات بازرگانی خارجی کشور و نوسانات آن می‌باشد. این مجموعهٔ بالارزش و

یکم، سفرنامه‌ها و خاطرات که تعداد آنها به چند صد جلد می‌رسد و تنها برخی از آنان حاوی مطالب قابل استفاده – از نظر موضوع مورد بررسی این تحقیق – می‌باشد، مانند سه سال در دربار ایران از دکتر فوریه، سه سال در ایران از کنت دو گوینو، خاطرات کلنل کاساکوفسکی، خاطرات و سفرنامه نیکیتین، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، از هانری رنه‌دالمانی، سفرنامه اوژن فلاپن به ایران، که جملگی به زبان فارسی ترجمه شده‌اند. برخی از سفرنامه‌ها و خاطرات نیز که ترجمه نشده‌اند حاوی اطلاعات سودمندی می‌باشد، مانند کتاب بولاک دربارهٔ ایران و کتابهای فریزوینگ و کرلیوس. دوم، کتابهای تاریخ ایران مانند کتاب ملکم و کتاب سایکس و کتاب واتسن که به فارسی نیز ترجمه شده‌اند.

سوم، کتابهایی که به تحلیل اوضاع مالی و اقتصادی ایران در دورهٔ قاجاریه پرداخته‌اند که در رأس آنها کتاب ایران و قضیه ایران لرد کرزن فرار دارد و از نظر امور مالی و اقتصادی حاوی اطلاعات بسیار سودمند می‌باشد. کتاب دیگری که از اهمیت خاص برخوردار است و حاوی آمار و ارقام سودمند است کتاب لوینی تحت عنوان «اقتصاد معاصر ایران و مسئله پولی آن» می‌باشد که به زبان ایتالیایی در سال ۱۹۰۰ منتشر گردیده است. کتاب ویلهلم لیتن دربارهٔ ایران که در سال ۱۹۲۰ در برلن منتشر گردیده نیز حاوی اطلاعات سودمند فراوانی دربارهٔ اوضاع اقتصادی ایران در آن زمان است. مقالهٔ رایینو دربارهٔ بانکداری در ایران نیز که در سال ۱۸۹۱ انتشار یافته حاوی اطلاعات سودمند در این زمینه است. در این میان باید از مجموعهٔ بسیار مفیدی که پرسور چارلز عیساوی دربارهٔ تاریخ اقتصادی ایران در قرن نوزدهم منتشر نموده و حاوی اسناد و مقالات بالارزش فراوانی است و نیز از دورهٔ دوازدهم مجلهٔ مطالعات ایرانی که بهمین موضوع اختصاص یافته است نام برد.

چهارم، کتابهایی که غربیها دربارهٔ شورش تباکو و انقلاب مشروطیت ایران نوشته‌اند که خواه از نظر تحلیلهایی که بعمل آورده‌اند و خواه از نظر اسناد و مدارکی که ارائه داده‌اند باید بررسی شوند. کتاب پرسور ادوارد براؤن دربارهٔ انقلاب مشروطیت ایران، کتاب ویکتور برار تحت عنوان انقلابات ایران، کتاب نیکی که تحت عنوان تحریم تباکو در ایران، کتاب ایوانف تحت عنوان انقلاب مشروطیت ایران، و کتاب پاولویچ و دیگران تحت عنوان سه مقاله دربارهٔ انقلاب مشروطه ایران، که جملگی نیز به فارسی برگردانده و منتشر شده‌اند و نیز گزارش رایینو دربارهٔ مشروطه گیلان که در اصل به فارسی نگاشته شده است، حاوی مطالب سودمند دربارهٔ نقش تجارت و بازاریان در انقلاب مشروطیت می‌باشند. پنجم، چندین مقاله که پژوهشگران ایرانی و غربی در دهه اخیر دربارهٔ اوضاع اقتصادی،

نیز ترجمه و منتشر شده‌اند. مهمترین مجموعه‌های این استناد که به فارسی برگردانده شده‌اند یکی کتاب آبی مربوط به حوادث سالهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۲ است که در ۵ مجلد زیر نظر سردار اسعد در تهران منتشر گردیده و حاوی اخبار و اطلاعات سودمند بسیاری درباره تجارت و تجارت است و دیگر بخشی از استناد محترمانه وزارت خارجه انگلستان درباره نهضت مشروطیت ایران است که حسن معاصر آنها را گردآوری کرده و به فارسی برگردانده و تحت عنوان تاریخ استقرار مشروطیت در ایران منتشر نموده است.

همچنین، استناد و مدارک دولت روسیه تزاری است که برای بررسی اوضاع اقتصادی و مالی و تجاری این دوران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و تاکنون بعلل گوناگون کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. بخش عمده‌ای از این استناد را عبدالهیف در کتابی که درباره اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران در اوایل دوران قاجاریه تألیف نموده و سرشار از اطلاعات دست اول از آرشیوی‌های عظیم روسی است، مورد استفاده قرار داده است. تمامی این کتاب بهمئی خانم مارینا کاظم‌زاده برای این تحقیق به فارسی برگردانده شده است. کتاب عبدالهیف که سرشار از اطلاعات دست اول درباره اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی دوران مورد نظر ما می‌باشد، در مورد مشخصات تجارت‌برگ و بخصوص در مورد مشخصات سرمایه‌گذاری‌هایی که اتباع روسیه در ایران کرده‌اند و نیز مشخصات کارخانه‌های جدید که در این دوران تأسیس گردیده است از منابع بی‌نظیر بشمار می‌آید و از همین رو در بخش‌هایی از مربوط به این موضوعات بوده است از کتاب مذکور سود فراوان جسته‌ایم. بخش دیگری از استناد و مدارک روسی بوسیله ماروین انتر در کتاب با ارزشی که تحت عنوان روابط بازرگانی ایران و روسیه: ۱۹۱۴-۱۹۲۱، انتشار یافته مورد استفاده قرار گرفته است. این کتاب زیر نظر دکتر ناصر پاکدامن بوسیله عطاء الله نوریان به فارسی برگردانه شده و در سلسله انتشارات بررسی و تحقیق دانشکده اقتصاد در سال ۱۳۵۱ تکثیر شده است.

* * *

در اینجا بر خود فرض می‌دانم از موسسات و کسانی که در انجام دادن این کار ما را یاری کرده‌اند سپاسگزاری کنم. از اعضای کمیته علوم انسانی و کارشناسان دفتر ترویج و توسعه پژوهش‌های علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی که تسهیلات لازم برای انجام دادن این تحقیق که جزوی از طرح پژوهشی «نقش بورژوازی در تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران در قرن نوزدهم» است، فراهم ساخته‌اند و بخصوص از دکتر علی برزگر که در مراحل مختلف این تحقیق مارا یاری کرده‌اند صمیمانه سپاسگزارم و لازم به یادآوری می‌دانم که بدون تأمین هزینه‌های این تحقیق از سوی شورای تشویق و توسعه پژوهش‌های علمی، که شامل

اساسی در زمینه تاریخ اقتصادی ایران در اوایل قرن گذشته و اوایل قرن حاضر را که دکتر ناصر پاکدامن با لطف خاص در اختیار ما گذاشته، برای هریک از شهرها بر حسب موضوعات اساسی طبقه‌بندی کردیم تا در ارتباط با موارد و مضامین تحقیق مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است از همه اطلاعات فراوانی که در این مجموعه وجود دارد در تحقیق حاضر استفاده نشده و تنها از اطلاعاتی که مستقیماً با موارد و مضامین کتاب ارتباط داشته استفاده شده است.

بخش‌های دیگر استناد و مدارک وزارت خارجه انگلستان شامل بخش عظیمی از مکاتبات دیلماتیک است که با شماره FO/60 ضبط گردیده و درواقع مادر کلیه پرونده‌های مربوط به ایران است. با آنکه در خلال این مکاتبات مطالب بسیاری درباره امور اقتصادی نیز یافته می‌شود لکن عده‌ای تأکید آنها بر امور سیاسی و دیلماتیک و روابط بین‌المللی است. بخش دیگر با شماره FO/539 و نیز مکاتبات محترمانه درباره امور ایران با شماره FO/881 ضبط است که حاوی برخی مطالب مربوط به روابط اقتصادی و بخصوص امور امتیازات بوده و از این نظر قابل استفاده است. بعنوان مثال دو مجلد از این گزارشها که مربوط به سالهای ۱۸۷۲-۷۵ و ۱۸۸۰-۸۵ می‌باشد و به شماره‌های محترمانه ۵۵۷۴: ۲۷۱۰ و ۹۵۴۲: ۱۸۹۲ مربوط به سال ۹۵۴۲ طبقه‌بندی شده است. همچنین گزارش‌هایی درباره بانک شاهنشاهی در این مجموعه وجود دارد که اختصاص به امکانات معدنی ایران داشته و به شماره FO/881 با صرف وقت گردآوری شده و تا حد امکان مورد استفاده قرار گرفته است، کلیه این گزارشها به موقعی زمان مشروطیت اختصاص دارد و حاوی مطالب سودمند در این زمینه می‌باشد که بخصوص برای تحقیقات اختصاصی درباره انقلاب مشروطه ضروری است. همچنین فهرستها و بخش قابل ملاحظه‌ای از مطالب مجموعه FO/539 و تقریباً تمام مجلدات مجموعه محترمانه FO/881 با صرف وقت گردآوری شده و تا حد امکان مورد استفاده قرار گرفته است، لکن نظر باینکه مستقیماً با موارد و مضامین این رساله ارتباط نداشته انعکاس کمی در کتاب حاضر پیدا کرده است.

در این میان دو گزارش محترمانه درباره شرح حال شاهزادگان، اعیان و تجارت در دست است که از اهمیت خاص برخوردار است و در این تحقیق مورد استفاده کامل قرار گرفته‌اند. اول گزارش کلتلی بیکو است که در سال ۱۸۹۷ تهیه شده و دیگری گزارش جرج جرج جیل است که در سال ۱۹۰۹ تدوین یافته است.

در اینجا باید یادآور شد که برخی از استناد و مدارک وزارت خارجه انگلستان به فارسی

فصل اول:

موقعیت تجارت و اصناف در جامعه شهری

در این فصل می‌خواهیم بینیم که شالوده نظام اجتماعی و اقتصادی بازار چگونه در گذشته شکل گرفت و تجارت و اصناف چه پایگاه و موقعیتی در جامعه شهری داشتند و چه نتیجه‌ای ایفا می‌کردند و سرانجام اینکه عوامل و موائع فعالیتهای اقتصادی آنان چه بود و شالوده‌های سیاسی و اقتصادی چه موانعی در راه رشد و توسعه سرمایه‌داری نوبن ملی از بطن بازارها فراهم می‌ساختند.

ترکیب اجتماعی بازار

شهر چه در دوره باستان و چه در دوره اسلامی از ارکان اساسی زندگانی سیاسی و اقتصادی در جامعه ایرانی بود و پایگاه قدرت و جایگاه دستگاه اداری نظام شهری بشمار می‌آمد. چنانکه واژه‌های شهرستان (= شهر)، مصر، قصبه و مدینه جملگی به این معنی دلالت دارند.^۱ شهر اسلامی متشکل بود از ارکان سه گانه ارگ، مسجد جامع (= آدینه)، و بازارها که هر یک جایگاه یکی از عناصر متشکلۀ اجتماع شهری یعنی علماء، عمال دیوانی و بازاریان (= تجارت، کسبه و پیشه‌وران) بشمار می‌آمد. بازارهاستون فقرات نظام اجتماعی شهرها بودند و شالوده زندگی اقتصادی و اجتماعی در شهرها را تشکیل می‌دادند. در بازارها تجارت بزرگ و متوسط در رأس سلسله مراتب اجتماعی جای داشتند و پس از آنان کددخایان و ریش‌سفیدان جماعتهای اصناف قرار داشتند. هر حرفه و کسب و کاری در بازار از سه رده مشخص تشکیل می‌شد که شامل استادان و صاحبان دکان، کارگران و شاگردان بود.

اطلاعاتی که درباره ترکیب اقتصادی و اجتماعی بازارها در دست است بیشتر مربوط به انواع حرفها و جماعتهای کسبه و پیشه‌وران است که گاهی هرراه با ارقام درباره شاغلان هر یک از آنهاست. از نظر آگاهی از انواع اصناف در بازارهای اسلامی بهترین فهرستها را می‌توان در کتابهای «حسبت» یافت چنانکه این اخوه در کتاب حسبت خود از هفتاد و هفت پیش

حق التحقیق دستیاران و هزینه‌های مربوط به تهیه اسناد و مدارک و لوازم کار بوده است، گردآوری بسیاری از اطلاعات ضروری برای تدوین چنین رساله‌ای امکان‌پذیر نبود. در اینجا ذکر این نکته ضرور است که مطالب مندرج در رساله حاضر تنها بخشی از یافته‌های تحقیق مذکور را دربر می‌گیرد و نه تمامی آن را.

از دکتر هرمز حکمت که در تدوین و تنظیم «مقاله تجارت و اصناف و تحولات دوران قاجار» که به زبان انگلیسی انتشار یافته است، همکاری مؤثر داشتند و همچنین از دکتر غفار حسینی که در وارسی و نقد مأخذ متعدد همان مقاله همکاری کرده‌اند صمیمانه سپاسگزارم. از خانم مارینا کاظم‌زاده که کتاب عبدالله یف را برای استفاده در این تحقیق به فارسی برگردانده‌اند سپاس فراوان دارم. از دکتر شهاب شهناز که مجموعه استاد محترمۀ وزارت خارجه انگلستان به شماره FO/881 و نیز استاد شماره ۵۳۹ FO را با تحمل زحمت فراوان گردآورده‌اند و در اختیار ما قرار دادند سپاس دارم و توفيق ایشان را در انجام دادن تحقیقی که زمینه مشابهی با تحقیق حاضر دارد آرزو می‌کنم. از خانم شهلا کاظمی پور و نیز از آقایان احمد صدری و محمود صدری و منصور مدرسی که دستیاران این تحقیق در فعالیت مربوط به تجارت شیراز و مشخصات اجتماعی اعیان و تجارت کشور و تحلیل محتوای مذاکرات مجلس اول بوده‌اند و زحمات زیاد در این راه متحمل شده‌اند متشرکم.

از دکتر ناصر پاکدامن که با سعة صدر مجموعه بالرژش گزارش‌های کنسولی را در اختیار ما قرار داده و مطالب این رساله را خوانده و مارا راهنمایی کرده‌اند تشکر فراوان دارم. از دکتر علی بنوعزیزی که در تمام مراحل این تحقیق و بخصوص در تدوین دو مقاله که به زبان انگلیسی منتشر شده است مارا باری کرده و راهنمای مابوده‌اند صمیمانه سپاسگزارم. همچنین از دکتر فریدون آدمیت، دکتر ایرج افشار، دکتر علی اصغر مهدوی و دکتر وحید نوشیروانی که این نوشته را خوانده و در مواردی چند راهنمایی‌های سودمند کرده‌اند سپاس فراوان دارم؛ و سرانجام از همکار ارجمند خانم پرشهکپور که در تمام مراحل این تحقیق در چند سال گذشته با علاقه و هوشمندی مارا باری نموده و امور عمومی تحقیق را سپرستی کرده‌اند صمیمانه سپاسگزارم.

در خاتمه باید یادآور شوم که مسئولیت هر گونه خطای نظری و هر اشتباهی در زمینه یافته‌های این پژوهش و یا هر گونه خطای در باب تفسیر داده‌های تاریخی منحصر آثاراقم این سطور است و هیچگونه مسئولیتی در این زمینه‌ها متوجه استادانی که این رساله را خوانده و نویسنده را راهنمایی کرده‌اند نمی‌باشد.

تجار و اصناف با نظم خاصی در بازارها جای داشتند و هر بخشی از بازار به حرفه و صنعت معینی اختصاص داشت. بازارها با مسجد جامع که مرکز روحانی شهر بود ارتباط اجتماعی و کالبدی نزدیکی داشتند. معمولاً بنای مسجد جامع در محل مناسبی در کنار شاهراه اصلی شهر و یا در محل برخورد شاهراه‌های اصلی، در محوطه بزرگ مستطیلی شکلی بنا می‌شد. در یکسوی جامع ساختمانهای اصلی دولتی جاداشت و در سوی دیگر آن بازارها قرار داشتند. در شهرهای اسلامی تازه‌ساز ابتدا جامع را بنا می‌کردند و سپس بازارها را در کنار آن می‌ساختند و در شهرهای قدیمی جامع را در محل مناسبی در کنار بازارها پی می‌افکردند.

نخستین بازار در کنار مسجد جامع، بازار فروشندگان اشیای ملتهبی بود و شمع فروشان و عطاران و مهر و تسبیح فروشان و مانندان ایشان در این بازار بودند و در کنار آن بازار کتابفروشان و بازار صحافه‌ان و سپس بازار چرم‌سازان قرار داشت. پس از آن نوبت به بازار پارچه‌فروشان می‌رسید که «قیصریه» نامیده می‌شد و پراهمیت‌ترین مرکز بازرگانی بازار بود و معمولاً محوطه‌ای بزرگ و سرپوشیده داشت با درهای بزرگ که شبهای بر آنها قفل می‌زدند. گذشته از انواع پارچمهای کالاهای گران‌قیمت دیگر را نیز در این بازار نگاه می‌داشتند و خرد و فروش می‌کردند. بازار «قیصریه» را از بازارهای امپراتوری روم شرقی اقتباس کرده‌اند و الگوی آن، به‌اعتمال زیاد از سراهای انتظاکیه گرفته شده است و نام آن نیز حکایت از اصل رومی آن دارد. اهمیت اقتصادی «قیصریه» بعنوان مرکز اصلی بازار از آن جهت بود که صنایع نساجی در بازارهای اسلامی پایه اقتصادی بازار بود. پس از قیصریه، بازار درودگران و مسکران و قفل‌سازان و پس از آن بازار حلبي‌سازان و آهنگران قرار داشت. این بازارها به‌استهای مختلفی مثل راسته رویگران، قالب‌آفان، کفشگران و غیره تقسیم می‌شد. بازارها بی‌نیاز از غیر بودند، چون مواد خام به‌آنجا حمل می‌شد و صنعتگران که غالباً در پشت دکه‌خود زندگی می‌کردند، کالاهایی می‌ساختند که توسط بازرگانان بفروش می‌رفت. بازارهادر شهرهای مختلف کاملاً شبیه بهم بودند و بازرگانانی که در مراکز متعدد صاحب تأسیساتی بودند میان این بازارها ارتباط برقرار می‌کردند.

در حاشیه بازارها، کاروانسراها و بازار نعلبندان و زین‌سازان و پالان‌دوزان جای داشت که نزدیک دروازه شهر بود. در خارج دروازه بازارهای مردم روستایی و فروشندگان دوره گرد و پیله‌وران و سبد‌فروشان و مانند آن قرار داشت. حومه شهر جایگاه صنایع و یا فعالیتهای بود که هم بزمین بزرگ نیاز داشتند و هم از نظر آلوده کردن محیط جای آنها در بیرون شهر بود، مانند دباغ‌خانه، رنگرزخانه، سفال‌سازی، کوره‌های آجریزی و رویگرخانه و سلاخ‌خانه. بیرون شهر همچنین محل گورستانها، بازارهای هفتگی و ماهانه و سالانه مثل سه‌شنبه بازار و یکشنبه

نام می‌برد.^۷ فهرست کامل جالبی نیز از تجار و اصناف بازار اصفهان در سده گذشته در دست است که از جماعت تجار شهر و ۱۷۳ پیش، بنام «جماعت» یاد می‌کند.^۸ در کتاب تاریخ کاشان نیز که مربوط به‌مان دوره است، نام ۳۳ صنف پیشه‌ور و ۹۹ استادکار که در شهر کاشان فعالیت داشته‌اند آمده است. این ارقام تنها مربوط به‌پیشه‌وران است و طایفه‌ها و جماعتهای بازارگانان و کسبه را شامل نمی‌شود. در احصائیه اصناف تهران در سال ۱۳۴۵ هـ/۱۳۰۶ هـ ش که نمایانگر اوضاع اجتماعی در اوایل قاجاریه و اوایل دوره پهلوی است، تعداد ۲۰۲ نوع شغل مشخص شده است که توزیع دسته‌جمعی آنها بر حسب رده‌های اصلی و مشخصات عمده در جدول شماره ۱ آمده است. چنانکه ارقام این جدول نشان می‌دهد در آن زمان در بازار تهران ۷۳۴ نفر تاجر فعالیت داشتند که به ۱۴ رشته تجارتی اشتغال داشتند و حدود ۵/۳ درصد صاحبان حرفه و کسب (استادان) را تشکیل می‌دادند. تجار معمولاً در حجره‌هایی که در سراهای تاجر تشنین، تیمچه‌ها و یا در کاروانسراهای معتبر قرار داشت مستقر بودند و با کمک شاگردان حجره و پادوها به‌امور تجارتی می‌پرداختند. چنانکه جدول زیر نشان می‌دهد تجارت بازار تهران ۷۸۶ نفر شاگرد حجره و ۱۳۴ نفر پادو در اختیار داشتند. کسبه، که با ۸۹ رشته شغلی بطور کلی در جزئی فروشی اجنبان گوناگون و یا در رشته‌های خدمات فعالیت داشتند، بزرگترین نسبت را در بازار تشکیل می‌دادند، چنانکه بیش از ۹/۵ هزار نفر، یا نزدیک به دو سوم صاحبان حرفه و کسب (استادان) به‌این رشته‌ها اشتغال داشتند و با حدود ۶ هزار نفر شاگرد و ۱/۵ هزار نفر پادو امور خود را اداره می‌کردند. پیشه‌وران با ۹۹ رشته شغلی و نزدیک به ۵ هزار نفر استاد کار یا حدود یک سوم استادان، شالوده‌تولیدات صنعتی در بازار را تشکیل می‌دادند و با حدود ۷ هزار نفر شاگرد و ۲/۶ هزار نفر پادو به‌تولید کالاهای موردنیاز مردم می‌پرداختند.

جدول ۱ – مشخصات عمده تجار و اصناف تهران در سال ۱۳۴۵ هـ

رده‌های اصلی	انواع مشغله	تعداد دکان	استاد	شاگرد	پادو
تجار	۱۴	۸۲۲	۷۳۴	۸۷۶	۱۲۴
کسبه	۸۹	۹۵۸۹	۷۴۹۸	۶۱۹۷	۱۵۲۸
پیشه‌وران	۹۹	۴۹۸۸	۵۰۳۴	۷۱۲۸	۲۶۳۱
جمع	۲۰۲	۱۵۲۹۹	۱۳۲۶۶	۱۴۲۰۱	۴۲۰۳

مأخذ: بلدیه طهران، دومن سالنامه احصائی شهر طهران، ۱۳۱۰ هـ، ص ۷۶-۸۳

مصالح ایشان را در محاکم شریعت و دیوان بزرگ به عرض رسانیده بسر مقضاطی شرع و عدل ساخته گرداند و نگذارد که از هیچ آفریده بر ایشان زور و زیادتی رود و حقوق ایشان بر هر کس که ثابت گردد مستخلص گردانیده و تسليم کند... جماعت تجار ممالک می‌باید که او را اقدم و پیشوای خود و ملک التجار دانسته در جمیع قضایا رجوع با او کنند و بی استصواب او در هیچ مهم از مهام تجارت مدخل نسازند و اوامر و نواهی او را مطیع و منقاد باشند و در هیچ حال دعوا استبداد و انفراد نکنند.^۷

در زمان صفویه نیز این منصب با همین وظایف وجود داشته و مطابق معمول شاغل این مقام مباشر شاه در امور تجاری وی نیز بوده است. چنانکه کمفر می‌گوید: «ملک التجار صلاحیت آن را دارد که اختلافات فیما بین بازارگانان را فیصله بخشد و او این کار را در خانه خود انجام می‌دهد. در جوار این وظیفه، او سرپرستی کارگاههای بافتگی، صباغی و شمشیر و جاقوسازی و ابریشم‌دوزی [شاه] را نیز به عهده دارد اما بهر حال او این کار را زیر نظر ناظر انجام می‌دهد. وی در هر حال تاجر باشی و مشاور امور تجاری شاه نیز هست».^۸

در دوره قاجاریه نیز لقب و منصب ملک التجار دوام داشت و گذشته از ملک التجار پایتخت، در هر یک از شهرهای بزرگ نیز یکی از تجار معتبر بعنوان رئیس التجار از سوی شاه و یا حکام منصوب می‌گردید. لقب و منصب ملک التجار معمولاً از نسل به نسل دیگر به ارث منتقل می‌شد. در دوره قاجاریه تجار القاب دیگری نیز دریافت می‌داشتند مانند امین التجار، معتمد التجار، معین التجار، مؤمن التجار، و نظام التجار.^۹

قدرت اقتصادی تجارت از نظرات آنان بر بازارهای محلی و فعالیت آنان در گردآوری و صادرات مواد خام و مصنوعات داخلی و واردات مواد مورد نیاز خارجی نشأت می‌گرفت. تجارت بزرگ منابع تراکم نقدیته بشمار می‌آمدند و در موقع ضروری مددکار شاه و حکام بودند. در دوره قاجاریه، عباس‌میرزا نایاب السلطنه، پس از شکست از روسها و ناصرالدین شاه و مظفر الدین شاه هنگام حرکت به تهران برای احرار مقام سلطنت به تجارت مراغه و تبریز متول شدند.^{۱۰} بسیاری از حکام نیز نقدیته لازم برای خرید مقام دیوانی خود را از تجار قرض می‌گرفتند یا برای پرداخت مالیاتها و دیون معوقه دیوانی، دست به دامان تجارت می‌زدند.^{۱۱} صرافان که جماعت خاصی از بازاریان بودند و گاهی راسته خاصی از آن خود داشتند نقش بانک را ایفا می‌کردند و معتبران آنان با تجارت بزرگ پهلو می‌زدند. به گزارش کرزن، در دهه نخست قرن چهاردهم هجری قمری، ۱۴۴ صراف در بازار مشهد فعالیت می‌کردند که جمع سرمایه آنان ترذیک بدیک میلیون تومان بوده است و چند نفر آنان بیش از یکصد هزار تومان

بازار و بساط تعزیه‌خوانی و نقالی بود. محله‌های مسکونی گردآگرد بازارها جای داشت.^{۱۲}

پایگاه اجتماعی تجارت

در بازارهای اسلامی، تجارت بزرگ دارای موقعیت ممتاز بودند و پایگاه اجتماعی آنان از پایگاه اجتماعی کسبه و پیشمورانی که در اصناف مشکل می‌شدند کاملاً متمایز بود. به بیان دیگر تجارت از یکسو از اهل بازار متمایز بودند و از سوی دیگر در رأس هرم قدرت و منزلت و ثروت بازار جای داشتند. گذشته از آن، تجارت بزرگ همراه علمای روحانی و عمال دیوانی از اعیان شهر شمار می‌آمدند و در رده بندی قدرت و منزلت بعد از علماء و عمال دیوانی قرار داشتند. حتی در بسیاری از موارد از نظر ثروت و درآمد از رده‌های دیگر اعیان شهر نیز فراتر می‌رفتند. بسیاری از تجارت بزرگ روابط مالی درهم‌تیله‌ای با سران حکومت شهر پیدا می‌کردند و آنان را در فعالیتهای بازارگانی خود شریک و سهیم می‌نمودند و بدین ترتیب منافع مشترک میان تجارت بزرگ و سران حکومت پدید می‌آمد که از یکسو سبب حمایت تجارت از سوی حکومت و تأمین بخشی از نیازهای مالی حکومت از جانب تجارت می‌شد، و از سوی دیگر تجارت را وابسته و متکی به حکومت شهر می‌نمود و از پیدایش یک طبقه مستقل و خودفرمان از تجارت شهر جلو می‌گرفت. بخصوص آنکه فعالیتهای تجاری اختصاص به تجارت نداشت و در انحصار آنان نبود، بلکه فرمانروایان و حکام و عمال دیوانی نیز به تجارت پرداختند.

چنانکه شاردن توجه کرده است: «در مشرق زمین اعظم بزرگان، حتی شاه نیز به تجارت می‌پردازند، این رجال و ملوک بعانت بازارگانان عمال و مستخدمینی دارند که دارای همان عنوان منشیان تجارت می‌باشند. اغلب ایشان صاحب کشتهای مخصوص تجاری و مخازن بازارگانی مخصوص هستند فی المثل شاهنشاه ایران، ابریشم، منسوجات زربفت و سیم‌سافت و دیگر پارچه‌های نفیس، قالی و فرش و جواهر می‌فروشد، و از این کالاهای برای فروش بعمالک همسایه صادر می‌کند».^{۱۳}

با آنکه تجارت جماعت خاصی شمار می‌آمدند لکن مانند اصناف دارای تشکیلات صنفی نبودند، با اینهمه همچون اصناف زیر نظر حکومت شهر قرار داشتند، بدین معنی که از زمانهای قدیم رسم بر آن بوده است که شاه رئیسی که لقب ملک التجار داشت، برای آنان تعین کند تا رابط میان دیوان اعلی و جماعت تجارت باشد. فرمانی که از دوران جلایریان در دست است تا حد زیادی وظایف و موقعیت ملک التجار را نشان می‌دهد.

ملک التجاری جماعت تجارت در جمیع ممالک محروسه را به خواجه‌زین‌الدین علی توفیض فرمودیم... تا به ضبط احوال تجارت اشتغال نموده مجموع مهمنات و

مردمان شهر و روستا در صنعت و پیشدها به کار گمارده شدند. در این قرن بسود که تشکل افرامندان و صنعتگران براساس حرفه‌ها پیشدها آغاز شد و رشد و توسعه کامل شهرها در فرنهای پنجم و ششم هجری فعالیتهای اصناف را توسعه فراوان بخشید. برخی از خاورشناسان شوروی منشأ انجمنهای صنفی در شهرهای ایرانی را بعد از ساسانیان می‌رسانند.^{۱۰} برخی دیگر از خاورشناسان منشأ انجمنهای صنفی اسلامی را در فرقه‌های درویشان و صوفیان یا صنفهای غازیان جست و جو می‌کنند. مثلاً ماسینیون برآئی است که تاریخ اصناف با جنش کرامیه ارتباط نزدیک دارد. این جنبش یک شورش بزرگ اجتماعی و سیاسی و منبهی بود که جهان اسلام را از قرن سوم تا ششم فرا گرفت. کرامیان یک اجتماع بزرگ ماسونی (Masonic) پدید آوردند که در میان بازارگانان و پیشمهوران گسترش یافت و موجب پیدایش و پرورش و گسترش سازمانهای صنفی شد.^{۱۱} اما اثبات این ارتباط کار دشواری است. کلودیان که در زمینه اصناف اسلامی بروشهای با ارزشی کرده است، ضمن آنکه وجود نوعی سازمان صنفی را در سده‌های چهارم و پنجم تأیید می‌کند، می‌گوید که نمی‌توان با دقت تاریخ رشد و تکامل آنها را تعیین کرد و رابطه آنها را با اسماعیلیه و انجمنهای فتوت با اطمینان کامل تأیید کرد. وی می‌گوید استدلال ماسینیون در مورد وجود پیوند میان فتوت و اصناف خیلی کلی و مبهم است. در اخوان الصفا که چند بخش آن به کارهای دستی و حرفه‌ای اختصاص دارد، نیز در سایر منابع اشاره‌هایی هست مبنی بر اینکه نمایندگان اسماعیلیه می‌کوشیده‌اند فتوت و اصناف را به دیگر پیوند دهند، ولی علاقه اسماعیلیه به حرفه‌ها و اصناف به صورت محدود و نظری باقی ماند.^{۱۲} ریچارد فرای نیز می‌گوید: «به هر حال ارتباط دادن مستقیم صنفها با غازیان یا با صوفیه یا فرق دراویش تنها جنبه نظری می‌تواند داشته باشد، زیرا درباره آنها اطلاعات کافی نداریم. معهداً حقیقت آنست که جمعیتها یا گروههایی از مردم شهرنشین سرزمینهای شرقی جهان اسلام، به علت اشتراک منافع گردهم آمده بودند. بعضی از صنفها احتمالاً از ابتدا صبغه مذهبی داشتند، همچنانکه در میان اعضای بعضی از سازمانهای اخوت صوفیه، افرادی از طبقات مختلف وجود داشت. البته مشهورترین پیشمهوری که در عین حال غازی بود، معقوب لیث مؤسس صفاریان است، و می‌توان پذیرفت که نظایر این قبیل افراد کم نبوده‌اند. در بعضی مآخذ، سازمان غازیان را اهل «فتوت» خوانده‌اند، و تعجب آور نیست که مجاهدینی که داوطلبانه به جنگ کفار می‌رفتند قواعد و رفتاری زاهدانه یا زندگی صوفی مشانه را پذیرفته باشند و این قواعد بعد از هر سمت سازمانی یافته باشد. می‌توان حدس زد که بعد از خاتمه جهادها در آسیای مرکزی، این قبیل سازمانها، هر چند به طرقی دیگر، همچنان در شهرها نُضج گرفت. شاید همین امر رشته‌های

سرمایه داشته‌اند.^{۱۳} بازارهای شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، بروشهر، شیراز و دیگر شهرهای تجاری نیز دارای صرافان معتبری بودند که در سطح کشور و حتی در سطح مبادله ارزهای خارجی فعالیت داشته‌اند.^{۱۴}

تجار بزرگ از زمانهای قدیم در تدارک تأسیسات عمومی و عام المنفعه نیز مشارکت می‌نمودند. آثار اوآخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری شواهدی از مشارکت تجار در ساختن سراهای پلها، کاروانسراها، قناتها، مدرسه‌ها، دارالایتامها و مسجدها بدست می‌دهند. یعنوان نمونه می‌توان از سرای امیر نام برد که به فرمان امیر کبیر و به همت محمد مهدی ملک التجار در بازار تهران بربا گردید، یا آنکه حاج محمد حسن امین التجار بازار نوی با ۱۲۰ باب غازه و دو کاروانسرای در کاشان بنا نمود و یا آنکه حاجی عباس تاجر باشی کاروانسرایی برای نزول قوافل و مسافران در شیراز بنا کرد.^{۱۵} در اوآخر قرن گذشته حاج زین العابدین ملک التجار چند دارالایتام در شیراز و عتبات عالیات تأسیس نمود و تجار تبریز نیز یک مرکز آموزشی برای گدایان شهر بربا گردند.^{۱۶} در همان زمان مدرسه حاج علی اکبر تاجر و مدرسه حاج محمد کریم تاجر در شهر رشت تأسیس گردیده است.^{۱۷} حاجی علی تاجر مشهور به چکمدوز و حاجی میرزا محمد تاجر شیرازی در اوآخر قرن گذشته دو مسجد بزرگ در شیراز بنا کرده‌اند و حاج محمد صادق تاجر اصفهانی نیز چند کاروانسرا و پل و آب انبار را در فارس تعمیر و احداث و چندین عمارت خیریه در امامکن مشفره بنا نموده است.^{۱۸} حاجی علینقی کاشی چندین کاروانسرا در راه تهران به مشهد برای استفاده زوار و کاروانهای تجاری بربا کرده است.^{۱۹} در شهر تبریز حاج ناظم التجار و حاج صالح و حاج سید حسین هر کدام قنات معتبری برای استفاده اهالی شهر احداث کرده‌اند.^{۲۰}

تجار بزرگ در اوآخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری گذشته از وظایف سنتی خویش وارد فعالیتهای جدید مانند احداث کارخانه‌ها، استخراج معدن، راهسازی، کشتیرانی و مانند آن گردیده‌اند که هنگام بررسی نقش تجار در تحولات اقتصادی جامعه به آنها خواهیم پرداخت.

انجمنهای صنفی

یکی از ویژگیهای اساسی بازارها تا سده کتونی، تشکل بازاریان در انجمنهای صنفی، یعنی «اصناف» بوده است. این انجمنها اصولاً صاحبان حرفه‌هارا در خود مشکل می‌گردند و دارای وظایف اجتماعی وسیعی بودند. منشأ اصناف اسلامی به قرن سوم هجری می‌رسد که دوره شکوفان تمدن اسلامی و رونق تجارت و شهرنشینی بود. در این دوران هزاران نفر از

روزگار مملوکان، کسبه و پیشموران، همچون گیلدهای روم شرقی، تحت سلطه شدید و نظارت سازمانهای غیر صنفی قرار داشتند و فعالیتهای آنان در محدوده سیاسی و اقتصادی و مالی و اخلاقی معینی قرار داشت. اماً لازمهٔ تفتیش و نظارت سازمانهای دولتی بر امور انجمنهای صنفی ادغام انجمنها در سازمانهای دولتی نبود. در شهرهای اسلامی نظارت اصلی بر کسبه و پیشموران به عهدهٔ محتسب یا مقتض بود.^{۶۵}

در دورهٔ صفویه، بعلت رونق اقتصاد کشور و رشد شهرنشینی، بر شمار اصناف و کار و کوشش آنها افزوده شد. منابع و مأخذ تاریخی مربوط به‌این دوره، بیش از آثار پیش از آن، از انجمنهای صنفی پیشموران سخن می‌گویند، و این بخاطر اهمیتی است که پیشموران در این دوره یافتند. در این دوره نیز اصناف زیر نظر دستگاه حکومت شهر از استقلال کامل بسی‌بهره بودند. انجمنهای صنفی از نظر گاههای مختلف زیر نظارت دستگاه حکومتی شهر بودند. داروغه از نظر انتظامی و امور جزائی با کمک عمسها، بازارهای زیر نظارت داشت. محتسب بر جزئیات فعالیتهای اصناف از لحاظ کیفیت کار و اوزان و مقیاسات و تنظیم فهرست قیمتنهای جاری نظارت می‌کرد و خلافکاران را به‌شدیدترین و موهنت‌ترین وجهی کیفر می‌داد و کلانتر شهر نیز که بظاهر باید از اصناف حمایت کند، عملاً مهمنربن وظیفه‌اش سهیمه‌بندی مالیاتها بود و در واقع واسطه‌ای بود میان دستگاه مالیاتی و پیشموران شهری.^{۶۶}

هر صنف مشکل بود از مجموعهٔ استادان صنف که با کمک کارگران و شاگردان فعالیت می‌کردند. معمولاً استادان هر صنف از میان خود یکی از انفراد موردن اعتماد را که حداقل دو سوم استادان صنف به‌اورای تعایل می‌دادند، نامزد ریش‌سفیدی یا کددخایی صنف می‌کردند و آن را به‌شهادت نقیب‌الملک، که سرپرستی کددخایان اصناف و محلات و نیابت کلانتر شهر را داشت، می‌رساندند، و آنگاه آن را برای صدور حکم به کلانتر شهر ارائه می‌کردند. میرزا رفیعاً در دستورالملوک خود در این باره می‌گوید: «رضاء نامچه تعیین استادان اصناف و کددخایان محلات که موافق دستور، منوط به‌ضرای چهاردانگ از هر صنف یا سکنه محله می‌باشد، به‌اعتراف جماعت مزبوره، نقیب شهادت می‌نویسد، و بعد از آن کلانتر تعلیمه می‌دهد». میرزا رفیعاً در شرح وظایف کلانتر اصفهان می‌گوید: «کددخایان محلات و استادان اصناف به‌نصب او منصوب و به‌عزل او معزول می‌باشند، و أحدی را مدخلیتی نیست».^{۶۷}

انجمنهای صنفی از نظر دستگاه حکومت وسیلهٔ مناسبی بودند تا سازمان گردآوری مالیات و بیگاری بتواند با پیشموران شهری بطور دسته‌جمعی روپرورد شود و باسانی وظیفه‌اش را انجام دهد. چنانکه سلسلهٔ مراتب مذکور که از کلانتر آغاز می‌شود و از طریق نقیب‌الملک و ریش‌سفیدان یا کددخایان اصناف به استادان صنف‌منتهی می‌گردید این وظایف را بخوبی

پیوندی میان غازیان و صاحبان حرف ایجاد کرده باشد.»^{۶۸}

بمehr حال منشأ انجمنهای صنفی هرچه باشد در سده‌های چهارم و پنجم بر شمار این انجمنها افزوده شد و پیشموران هر حرفه برای خود صنف جداگانه‌ای پدید آوردند. چنانکه این بوطه در سدهٔ هشتم دربارهٔ اصناف اصفهان می‌گوید: «هر دسته از پیشموران اصفهان رئیس و پیشکسوتی برای خود انتخاب می‌کند که او را کلو می‌نامند».^{۶۹}

مسئلهٔ اساسی در شناخت پایگاه اجتماعی و سیاسی و اقتصادی انجمنهای صنفی موقعیت آنها در برابر حکومت و مسئلهٔ خودفرمانی آنهاست. در اینجا بی‌مناسب نیست که انجمنهای صنفی شهرهای اسلامی و انجمنهای صنفی شهرهای قرون وسطی اروپا و شهرهای امپراتوری روم شرقی را به اختصار با یکدیگر مقایسه کنیم:

از آنجا که در شهرهای اروپایی قرون وسطی نیز مردمان شهرنشین در انجمنهای صنفی مشکل می‌شدند، بسیاری از صاحب‌نظران گمان کرده‌اند که انجمنهای صنفی در شهرهای اسلامی برابر با انجمنهای صنفی شهرهای اروپایی هستند که گیلد (Guild) نامیده شده‌اند. گیلد‌های اروپای غربی نوعاً انجمنهای اختیاری و خودمختار بوده‌اند. این انجمنها ابتدا بعنوان انجمنهای برادری که رنگ و بسوی دینی داشت، تشکیل شدند و بعد از بصورت انجمنهایی برای دفاع از منافع اقتصادی اعضاء را آمدند. گیلدهای غربی با قانونی کردن منافع صنفی و یا با مبارزات سیاسی و اقتصادی دعواوی خویش را تأمین و ثبت می‌نمودند تا بتوانند در برابر زورگیری و فشارهای خارجی ایستادگی کنند. گیلدها بعنوان انجمنهای صنفی در قلمرو فعالیتهای خود، خودمختار و مستول بودند. آنها می‌توانستند اعضای گیلد را تعیین کنند. رهبران خود را برگزینند و اموال مشترک و جمعی انجمن را اداره کنند.

اماً انجمنهای صنفی در امپراتوری روم شرقی وضع دیگری داشتند و با گیلدهای غربی تفاوت داشتند. انجمنهای صنفی این امپراتوری را نیروی دولت مرکزی سازمان گرداند، نه اراده و اختیار اعضای آنها، و مقصود از ایجاد آنها انجام وظایف اقتصادی و مالی بوسود دولت بود و از این‌رو در قلمرو فعالیتهای خود امتیازها و انصهارهایی داشتند. با این‌همه، گیلدهای روم شرقی خودمختار نبودند و دارایی و خزانه مشترک نداشتند و مدیران آنها برگزیده اعضا بشمار نمی‌آمدند. نه تنها مدیران گیلدها از خارج گمارده می‌شدند بلکه قوانین و مقررات مربوط به‌آنها نیز از خارج به‌آنها تحمیل می‌شد. هر چند که چنین وضعی از همبستگی درونی انجمنها جلو نمی‌گرفت، ولی نظارت کسبه و پیشموران را بر امور اقتصادی‌شان از میان می‌برد. چنانکه آیرا لاپیدوس بدرستی بیان کرده است، در معنای محدود و مشخص و دقیق کلام، همانند گیلدهای اروپایی و روم شرقی در بازارهای کشورهای مسلمان مبالغه شده است. در

جمعی گردآوری مالیات، دوم، وظيفة جمعی ثبت قيمتها، سوم، وظيفة قضائی. بدین معنی که دادگاه عالی صنفی مرکب بود از نقیب و ریش‌سفیدان صنف که به اختلافات جزئی اصناف رسیدگی می‌کردند. اصناف پیشه‌وران معمولاً بدادگاه مظالم و دادگاه شرع که برای آنان گران تمام می‌شد، مراجعت نمی‌کردند و دادگاه صنفی را که مجانی بود ترجیح می‌دادند.^{۲۱}

اینک می‌توانیم فرقه‌ای اساسی «گیلد»‌های غربی با اصناف شرقی را با اختصار بیان کنیم: یکم، وظایف و کارکردهای اختصاصی اصناف از گیلدها وسیعتر بود. دوم، قدرت اقتصادی گیلدها و قدرت نظارت آنان بر امور حرفه‌ای، به مراتب بیش از اصناف بود. سوم، گیلدها معمولاً شامل افزارمندان و بازارگانان بود، در حالی که اصناف شرقی از یکسو جدا از تجارت بود و از سوی دیگر حرف متعددی را در بر می‌گرفت و حتی شامل صنف رفاسان و جماعت گدایان می‌شد. چهارم، رؤسای اصناف به نایندگی از طرف حکومت شهری وظایف اداری و مالی داشتند و مباشر مالی حاکم شهر بودند، حال آنکه رؤسای گیلدها دارای چنین وظایفی نبودند. پنجم، رؤسای گیلدها را اعضای انجمن انتخاب می‌کردند، در حالی که رؤسای اصناف را، با توافق اعضاء، حاکم شهر رسمی منصوب می‌کرد. بدین ترتیب رؤسای گیلد خدا این اصناف در برابر حاکم شهر مسئول وصول مالیات و اداره امور صنف خود بودند. ششم، جنبش‌های آزادی‌خواهانه سیاسی و مذهبی در سده‌های پستجم و ششم هجری در اجتماعات شهری سبب شد که اصناف اسلامی دارای بینانهای عمیق اجتماعی و سیاسی بشوند، در حالی که گیلدهای غربی در سراسر تاریخ‌شان دارای چنین زمینه‌هایی نبودند. هفتم، اصناف شرقی هم از نظر شکل شهر و قرار داشتن بازارها در جوار مسجد جامع و مساجد دیگر، و هم بخاطر اوضاع و احوال اجتماعی و نیز انجام دادن وظایف شرعاً مانند پرداخت خمس و زکات با جامعه روحانیت ارتباط نزدیک داشتند، در حالی که گیلدها چنین نبودند. هشتم، گیلدهای غربی در شهرهای خود مختار، فعالیت می‌کردند و در آن نظام میان صنعت و بازارگانی از یکسو و کشاورزی، از سوی دیگر جدایی اساسی وجود داشت، بدین ترتیب که فواد‌الهادر دزهای می‌زیستند و پیشه‌وران و بازارگانان در شهرها. از این‌رو شهر و روستا کاملاً از یکدیگر جدا بود. حال آنکه در شهرهای شرق میانه عاملان حکومت و زمینداران جملگی در شهر می‌زیستند و در نتیجه محله‌های شهر و اصناف شهری همراه با اجتماعات روستایی زیر سلطه آنان قرار داشت. این امر از یکسو از آزادی و خود مختاری جلو می‌گرفت و از سوی دیگر مانع ایجاد تضاد میان شالوده‌های تولید شهری و روستایی می‌شد، یعنی تضادی که در مغرب زمین از عوامل مؤثر پیدایش نظام سرمایه‌داری بود.^{۲۲}

انجام می‌داد. نقيب‌الملك «در سمهایه اول هر سال محصل تعین و بنیجه هر صنف را به تصدیق و تجویز ريش‌سفیدان و كخدایان و سنگین‌باران آن صنف مشخص نموده طومار مفصل متوجهی بر اساس جماعت بنیجه کش و مفرزی هر صنف نوشته و به مهر كخدایان رسانیده و بعد از آن خود مهر نموده به کلانتر سپارد که رقم نموده به ثبت سرنشته محصل مملکت رسانیده متوجهات دیوانی و استصوابیات مملکتی به توجیه آورد و توجیه‌نامچه را به مهر کلانتر رسانیده محصلان دیوانی از آن قرار مطالبه و رعایا از آن قرار از عهده حصة و رسید خود برآیند.»

در برخی از شهرها همه اصناف را در یک سازمان واحد مشکل می‌کردند، مثل اصناف شهر نخجوان در اواخر سده دوازدهم و اوایل سده سیزدهم هجری قمری. در این صورت همه اصناف یک رئیس داشتند؛ ولی هر صنفی مراسم و جشن‌های خود را جداگانه اجرا می‌کرد. در شهرهای آذربایجان شمالی (قفقاز) در اوایل سده گذشته ریاست اصناف شهر با یک نقيب یا اوستان‌باشی بود. وی رهبری روحانی اصناف را داشت و محتملاً شغل وی انتخابی بود. وظایف وی شامل نظارت بر رفتار اعضاء، اجرای وظایف قضائی، رسیدگی به امور شاگردان و گماردن آنان به مقام استادی، بررسی شعایر صنفی، تعیین مالیات صنف و توزیع آن با نظر کددایان صنف میان پیشه‌وران، توزیع کالاهای میان پیشه‌وران، تعیین قيمتها و تنظیم روابط هر صنف با اصناف همسایه بود. وظيفة اصلی کددایان هر صنف سرشکن کردن مالیات میان اعضای صنف بود. وظيفة ريش‌سفیدان نظارت بر آموزش استادان به شاگردان، گردآوری مالیاتها، واسطه شدن میان بازارگانان و پیشه‌وران بود.^{۲۳}

انجمن صنفی، در واقع، مجموعه‌ای بود از استادان هر صنف که پرداخت کننده مالیات و عوارض بودند. هر استاد می‌توانست به میل خود شاگردانی داشته باشد. در ایران، بطور متوسط هر استاد یک شاگرد داشت و در اوایل قرن نوزدهم، ۷۲۲ استاد و ۶۶۷ شاگرد در آن شهر اشتغال داشتند. سن ورود به شاگردی معمولاً از ۱۲ سالگی بود و ۱۰ سال طول می‌کشید که شاگرد به مقام استادی برسد. استادان شاگردان خود را در امور دینی و رموز حرفه‌ای آموزش می‌دادند. شاگرد از استادش غذا و لباس می‌گرفت و لباس می‌گرفت و لباس می‌گرد و فقط شاگردانه می‌گرفت. هنگام ارتقا به مقام استادی، شاگرد کربند مخصوصی، با تصویب کلانتر دریافت می‌کرد. در مواردی نیز اصناف، کارگر روزمزد استخدام می‌کردند. برخی از پیشه‌وران کارگر روزمزد می‌گرفتند و برخی دیگر هم کارگر روزمزد و هم شاگرد داشتند.^{۲۴}

به نظر کوزنتسوا، در این دوره اصناف سازمانی مالی و اداری بودند که در داخل نظام حکومتی قرار داشتند. در نتیجه، وظایف اصلی انجمنهای صنفی ازین قرار بود: یکم، وظيفة

از تمایز مطلق و کشاکش میان شهر و ده سخن گفت. در نتیجه مناسبترین مفهومی که می‌توان بکار برد مفهوم «منطقه شهری» است که شامل شهر و منطقه نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی آن در روستاهای پیرامون است که مجموعه بهم بسته و یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند.

شیوه تولید عشايری و پیامدهای آن

گذشته از نظام سیاسی و اقتصادی شهرها و موقعیت تجار و اصناف در اجتماعات شهری که به ترتیب خود موانع تاریخی عمدۀ ای در راه رشد سرمایه‌داری پدید می‌آورد، هجوم تورانیان به ایران از قرن پنجم تا قرن دهم و ادامۀ سلطه آنان بر جامعه ایرانی تا اوایل قرن کنونی، موانع اساسی تازه‌ای در راه توسعه اقتصادی جامعه و رشد سرمایه‌داری جدید از بطن بازارها فراهم ساخت. در این بخش برخی از خصوصیات عمدۀ شیوه تولید عشايری و سلطه سیاسی و نظامی عشاير بر جامعه شهری و روستایی و بازتاب آن را بر رشد سرمایه‌داری با اختصار برمی‌شمریم.

هجوم تورانیان به ایران، با غلبه سلوچیان که ایران زمین را در قرن پنجم هجری به روی تورانیان گشودند، آغاز گردید و با هجوم قبایل مغول در قرن ششم، ابعاد گستره و تازه‌ای یافت و با ایلقار تیمور لنگ و تشکیل سلسله‌های آق قوینلو و قراقوینلو و سلطه قرلباشان تا قرن دهم ادامه پیدا کرد. بدینگونه با هجوم این قبایل ترکیب قومی و اجتماعی جامعه ایرانی به توازن تازه‌ای رسید و جمعیت قبایل تورانی و ایرانی به حدود یک‌چهارم جمعیت کشور بالغ گردید. بخار آنکه شیوه تولید و زندگی عشايری در فلات ایران، مستلزم تحرک و جابجائی مکانی در مناطق صعب‌العبور کوهستانی است، قبایل فاتح به اتکای سواره نظام پر تحرک خود تا اوایل قرن کنونی تفوق نظامی خود را محفوظ داشتند و منبع اصلی تدارک نیروی نظامی و جنگی کشور را تشکیل دادند و بدینگونه سلطه سیاسی و نظامی خود را بر جامعه ایرانی و بر اجتماعات شهری و روستایی کشور به صور گوناگون تداوم بخشیدند.^{۲۵}

ابن خلدون درباره شیوه تولید عشايری و آثار و نتایج سیاسی و اجتماعی آن بیان روشنگر دارد. وی ابتدا در اهمیت شیوه تولید در زندگی انسان می‌گوید: «بساید دانست که تفاوت عادات و رسوم و شئون زندگانی مردم در نتیجه اختلافی است که در شیوه تأمین معاش (اقتصاد) خود پیش می‌گیرند. چه اجتماع ایشان تنها برای تعماون و همکاری در راه بدست آوردن وسایل معاش است؛ و البته در این هدف از تخصیص ضروریات ساده آغاز می‌کنند و بدینگونه اجتماعات ابتدایی و ساده، نوعی تلاش و فعالیت پیش از مرحله شهرنشینی و رسیدن

موقعیت سیاسی شهر

در اینجا این برسش پیش می‌آید که چرا شهرهای اسلامی، برخلاف شهرهای غربی در عهد باستان و در قرون وسطا، دارای موجودیت مستقل سیاسی نبودند. گروهی از صاحب‌نظران برآنند که در مورد نبودن خود فرمانی در شهرهای اسلامی اغراق شده، و در نتیجه، موجودیت سیاسی و خودفرمانی این شهرها، چنانکه در واقع وجود داشته، در نظر گرفته شده است. این گروه علت اینگونه برداشت را اثکای پیش از حد پژوهشگران برآن دسته از منابع تاریخی می‌دانند که بوسیله تاریخ‌نگاران وابسته به حکومتهای مرکزی تدوین شده است، و برآنند که اگر به تاریخ محلی یکایک شهرها توجه بیشتری پشود، چه بسا پایه‌های این نظریه که شهر موجودیت و استقلال سیاسی نداشته است سست شود. با آنکه بررسی منابع محلی اهمیت زیادی دارد، ولی هوداران این نظریه به‌این واقعیت توجه نکرده‌اند که حتی در مواردی که مقامات محلی حکومت شهر را در دست گرفته و اعلام استقلال کرده‌اند باز هم نظام مردم‌سالاری در شهرها توسعه نیافر و حکومت مستقل محلی نماینده منافع مستقل اصناف شهری نبوده است، و در نتیجه در شهرهای شرقی مفهوم شهروند (Citizen) چنانکه در شهرهای عهد باستان بوده، و یا مفهوم شهرنشین (Burger) که در اروپای قرون وسطی دیده می‌شد، پدید نیامد. برخی از صاحب‌نظران نیز می‌گویند کارکردهای زندگی شهری در دوره اسلامی چندان در هم آمیخته است که نمی‌توان یک وظيفة اصلی و مشخص برای آن تعیین کرد. برخی دیگر از صاحب‌نظران می‌گویند شهر اسلامی وظيفة معین و مشخصی دارد و این امر را می‌توان در مفهوم «مدينه» یعنی سکونتگاهی که قدرت سیاسی در آنجا مستقر است، آشکارا دید. پدید نیامدن اجتماع شهری بعنوان اجتماعی همبسته و خودفرمان از شهروندان – که نقشی پر اهمیت در تحولات اجتماعی غرب بازی کرده است – به علت حضور قدرت سیاسی در شهر و زور فرمانی حکومت بر جامعه شهری بوده است. حضور دولت در شهر مانع رشد این جمනهای خودفرمان صنفی و غیره بود. نه تنها حکومت شهر نماینده و برگزیده مردم نبود، بلکه شهرها قوانین و مقررات و قانون اساسی و دادگاههای مستقلی که برگزیده شهرنشینان باشد نیز نداشتند. بدین ترتیب؛ شهرهای اسلامی از مشخصات پنجگانه‌ای که ماکس وبر برای شهر خود فرمان آورده است تنها برج و بارو و بازار داشتند، ولی از این جمනهای مستقل و قانون اساسی مشخص و دادگاههای مشتمل از اهالی شهر و حکومت مستقل و برگزیده مردم بی‌بهره بودند.^{۲۶} از سوی دیگر، ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی شهرهای اسلامی تا حد زیادی نظریه کارل مارکس را درباره توسعه نیافرگی تقسیم کار اجتماعی میان کشاورزی، مبادلات و تولیدات صنعتی تأیید می‌کنند.^{۲۷} از همین رو نیز در شهرهای ایرانی در دوره اسلامی نمی‌توان

به مرحله تمدن کامل است.^{۲۶} وی سپس می‌گوید که «دو دسته مزبور که به کار کشاورزی و پرورش حیوانها می‌پردازند مجبورند در دشتها و صحراءها برند و زندگی صحرانشینی را برگزینند... بنابراین اختصاص بافت‌نمای طوایف مزبور به بادیه‌نشینی امری ضروری و اجتناب ناپذیر بوده است.^{۲۷} ابن خلدون در بیان تکامل بادیه‌نشینی به شهر نشینی می‌گوید: «ولی هنگامی که وضع زندگی همین طوایف... توسعه یابد و در توانگری و رفاه به مرحله‌ای برتر از میزان نیازمندی برسند، آنوقت وضع نوین، آنان را به آرامش طلبی و سکونت گزیند و امنی دارد و برای بدست آوردن میزان بیشتر از حد ضرورت و نیاز با یکدیگر همکاری می‌کنند... و در صدد توسعه خانه‌ها و بنیان‌گذاری شهرهای کوچک و بزرگ بر می‌آیند، سپس رسوم و عادات توانگری و آرامش زندگی آنان فزو نمی‌یابند... و از این شهر نشینان دسته‌ای برای بدست آوردن معاش خوش به کار صنایع می‌پردازند و گروهی بازرگانی را پیشه می‌کنند. و حرفه‌ها و مشاغل شهر نشینان نسبت به مشاغل چادر نشینان بارورتر و مقوون‌تر بهره‌فاه است، زیرا عادات و رسوم زندگانی آنان از حد ضروریات در می‌گذرد و امور معاش به تناسب وسایلی که در دسترس آنان هست ترقی می‌کند.^{۲۸}

ابن خلدون برتری شیوه تولید شهری را بدینگونه تشریح می‌کند: «اجتماعات بادیه‌نشین نسبت به اجتماعات شهرهای کوچک و بزرگ ناقص است زیرا کلیه امور ضروری و لازم که در اجتماع مورد نیاز است برای بادیه‌نشینان فراهم نیست و تنها ممکن است در سرزمینهایی که جایگاه سکونت ایشان است زمینه کشتو کار یافته شود، لیکن وسایل اساسی فلاحت که بیشتر آنها مربوط به صنایع است در آن نواحی نایاب است... همچنین فاقد دینار و درهم می‌باشند، لکن اجنسی را که می‌توان به پول تبدیل کرد از قبیل مخصوصلات کشاورزی و حیوانات اهلی یا فرآوردهای آنها... در اختیار دارند که مورد نیاز شهر نشینان می‌باشد. اینست که آنها را با درهم و دینار تعویض می‌کنند. با این تفاوت که نیاز بادیه‌نشینان به شهریان در امور ضروری است لیکن شهریان به آنان در وسایل تجملی و غیر ضروری احتیاج دارند. بنابراین بادیه‌نشینان از لحاظ حفظ موجودیت خوش به شهریان نیاز دارند... و ناگزیراند فرمانبری کنند.^{۲۹}

بدینگونه بنظر ابن خلدون با پیدایش شهر نشینی که همکام با تداوم بادیه‌نشینی است، دو شیوه معيشت عشايری و شهری رودرروی یکدیگر قرار می‌گیرند، در حالی که هر کدام از جهتی بر دیگری تفوق و برتری دارد. شیوه تولید و زندگی شهری از جهت اقتصادی و فرهنگی بر شیوه تولید عشايری برتری دارد، در حالی که شیوه تولید و زندگی عشايری از جهت روحیه جمعی و تعاون و فدائلاری در راه خاندان و طایفه با عصیت خانوادگی و ایلی که

موجب دلاوری و پرخاشگری و سلطه‌جویی است بر شیوه تولید و زندگی شهری رجحان دارد. از این‌رو هر گاه جامعه شهری در دوران زوال عصیت رویارویی قبایل و طوایف کوچ رو فرار گیرد و با آنان در گیری پیدا کند مغلوب آنان می‌شود و آن طوایف بر جامعه شهری حکومت پیدا می‌کند و در شهر سکنی می‌گزینند. لکن اسکان آن طوایف در شهرها موجب تباہی عصیت آنان در طول سه نسل (هر نسل ۴۰ سال) گردیده و در نتیجه هنگام رویارویی با قبایل و طوایف و عصیت‌های پرخاشگر و دلاور مقهور آنان می‌شوند. به گمان ابن خلدون این سیر حلقة‌وار تاریخ، در جریان رویارویی شهر نشینان و بادیه‌نشینان همچنان ادامه می‌یابد.

با آنکه ابن خلدون برخی از جنبه‌ها و ابعاد شیوه‌های تولید و معيشت شهری و ایلی و رویارویی آنان را بایکدیگر بدرستی بررسی و تحلیل کرده، لکن بهدو نکته اساسی چنانکه باید توجه نکرده است. یکی تمايز میان شیوه تولید عشايری با شیوه تولید روسنایی^{*} و دیگر مبانی اقتصادی و معيشتی دلاوری و پرخاشگری و سپاهیگری مردان عشاير و قبایل کوچ رو است. سپاهیگری و دلاوری مردان عشاير بطور عمدۀ از شالوده‌های اساسی شیوه تولید عشايری شناست می‌گیرد. چرا که شیوه تولید و تقسیم کار در جامعه ایلی بگونه‌ای است که بخش عمدۀ وظایف مربوط به نگاهداری و ترتیب دام و تهیۀ فرآورده‌های دامی و نیز صنایع جنبی همچون بافندگی قادر از موی بز و گلیم بافی و قالیچه بافی و دیگر مصنوعات از پشم گوسفندان به زنان و کودکان واگذار می‌شود، در خالی که نگاهبانی از اموال خاندان و حفظ و حراست مراتع و چراگاههای طبیعی در بنه‌های وسیع قلمرو ایلی در بیلاق و قشلاق که نیازمند تخصص در جنگ‌گاری و سوارکاری است، اگر نه تنها وظیفه بلکه وظیفة عمدۀ مردان طایفه‌ها می‌گردد؛ مردانی که با انتکاء به اسپانی که به سهولت و ارزانی پرورش می‌یابند، نیروی سوارنظام بر تحرکی را تشکیل می‌دهند. بنابراین شیوه تولید عشايری از یکسو امکان تجهیز نیروی کار اضافی مردان برای سوارکاری و سپاهیگری را فراهم می‌سازد و از دیگر سوی مستلزم تجهیز سپاهیان برای دوام و بقای زندگی ایلی می‌باشد. حال آنکه شیوه تولید و زندگی روسنایی مستلزم کار مردان در مزارع و خدمات جنبی دیگر است که مانع آزاد شدن نیروی کار اضافی برای خدمات جنگی می‌باشد. گذشته از آن یکجا نشینی در مقایسه با کوچ روی از امنیت بیشتری برخوردار است، بخصوص آنکه غالباً در مناطق پر خطر، روستاهارا بادیوار و برج و بارو حفاظت می‌کند. از این گذشته تجربه کشور ما نشان می‌دهد که نرود و درآمد و قدرت و

* نادیده گرفتن تمايز میان شیوه تولید بادیه‌نشینی و شیوه تولید روسنایی از سوی ابن خلدون بخاطر آنست که جوامع مرد بررسی وی بیشتر قبایل و طوایف بادیه‌نشین عربستان و بادیه‌نشینان سرزمینهای خلافت غربی بوده‌اند که تواناً بدمداری و کشاورزی می‌پرداخته‌اند.

نایمینی تجارت و کسبه و پیشه‌وران بطور خاص بود. جیمز فریزر که در اوایل دوران قاجاریه از ایران دیدن کرده است در این باره می‌گوید:

مانع عدمه بهبود و رونق کشور ایران نایمینی جان و مال و ناموس مردمان این سرزمین است که از سرشت حکومت و نیز از انقلابهای که چنین حکومتی بطور مداوم در معرض آنست نشأت می‌گیرد. این وضع همواره مانع کوشش‌های مردم در راه تولید صنعتی است. چرا که هیچکس دست به تولید کالایی که ساعتی بعد از چنگش بدر برند، نخواهد زد.^{۱۱}

سلطه حکومت خودکامه و دستگاه حاکمه فاسد بر بازار ایران، سبب اعمال فشارهای گوناگون بر اموال و حقوق تجاری آنان می‌گردید. نمونه‌هایی از این فشارها از اینقرار بودند: یکم، مصادره اموال تجارت بزرگ که از شواهد مشهور آن مصادره حدود ۸۰۰ هزار تومان از حاج محمدحسین امین‌دار‌الضرب در اوایل سلطنت مظفر الدین شاه بهبهانه سوءاستفاده در ضرب مسکوکات است.^{۱۲} دوم، مصادره بخش قابل ملاحظه‌ای از اموال در گذشتگان از سوی شاه، برخی از حکام و در مواردی از سوی برخی از روحانیون. اعتمادالسلطنه می‌گوید: «شنیدم تاجر دهدشتی حاجی عبداللطیف نام مرده، وزیر تجارت، شبانه عرضه عرض کرده بود که این مرد یک کروز نقد دارد. همان شب حکم شد امین‌السلطان بفرستد حاجی محمدحسن برود تحصیل پول کند». همچنین می‌نویسد: «مذکور شد حاجی ابوالفتح بلور فروش که دویست هزار تومان مکنت دارد فوت شد، خوش بحال شاه و وزیرش که این راه هم به‌سایر راهها علاوه شد». سوم، خودداری حکام و عمال بلندپایه دیوانی از پرداخت قرضه‌هایی بود که از تجارت دریافت می‌کردند.^{۱۳} بنچامین نقل کرده است که یکی از تجارت‌اصنفهان که از ظل السلطان طلب زیادی داشت و موفق به‌وصول آن نشده بود، به ناصر الدین شاه منظلم می‌شود و فرمانی از شاه برای وصول طلب خود دریافت می‌دارد و به‌امید فراوان آن را به‌ظل السلطان ارائه می‌دهد. ظل السلطان در خشم می‌شود و می‌گوید تو باید بزرگ داشته باشی که جرئت و جسارت چنین عملی را به‌تو داده باشد و بلاfacسله امر می‌کند تا دل او را درآورده و برای مشاهده حجم آن به‌حضور آورند.^{۱۴} چهارم، خودداری از پرداخت بهای کالاهایی که از تجارت خریداری می‌کرددند که از نمونه‌های بر جسته آن استنکاف کامران میرزا نایاب‌السلطنه از پرداخت بهای شالهایی بود که از میرزا رضای کرمانی خریداری کرده بود.^{۱۵} پنجم، غارت کاروانها و بازارها از سوی شاهزادگان و قشون دولتی بود که از موارد آن غارت کاروان حامل بوست از سوی شاهزاده اجلال‌الدوله و غارت ۸۰۰ دکان در بازار اصفهان از سوی سربازان اقبال‌الدوله و نیز شکایت طلایب از مغشوش بودن شهر و اینکه «الوط و سرباز عنانًا مال کسبه

منزلت ایلات و عشایر ایران در هزاره آخر تاریخ ایران بمراتب بسیش از روستاییان این سرزمین بوده است که خود از عوامل اساسی تمايز میان جوامع ایلی و روستایی در این دوران بشمار می‌آید.

بدینگونه سلطه تورانیان بر ایران که از قرن پنجم هجری تا اوایل قرن کنونی ادامه داشت آثار و نتایج پراهمیتی در ویژگیهای تاریخ ایران و روابط اجتماعات سه‌گانه ایلی، شهری و روستایی و شالوده‌های سیاسی و اقتصادی جامعه ایرانی بر جای گذارد. سلطه سیاسی و نظامی جوامع ایلی بر اجتماعات شهری و روستایی موجب سکون اقتصادی در جامعه گردید. زیرا از یکسو مانع رشد تولیدات کشاورزی و سبب کندی جریان آن به اجتماعات شهری شد^{*} و از سوی دیگر محدودیتها برای رشد و توسعه درون‌زای سرمایه‌داری از بطن بازارها فراهم ساخت. از نظر سیاسی نیز حضور پرقدرت عشایر در جامعه و ادغام آنان در نظام سیاسی، نوعی توازن میان نهادهای قدرت مرکزی که در ایران ساقبه‌ای کهن داشت، و نیروهای عشایری پدید آورد و در نتیجه موانع مضاungی در راه رشد سیاسی سرمایه‌داری ملی در اجتماعات شهری بر پا نمود؛ چرا که حضور عشایر نیرومند و سلطه آنان بر اجتماعات شهری، روستایی و ایلی در منطقه نفوذشان، مانع اساسی برای تداوم سلطه کامل قدرت مرکزی که از لوازم رشد و توسعه سرمایه‌داری است پدید آورد و جریان سرمایه‌را در دوران ماقبل سرمایه‌داری دشوار ساخت و سبب کندی فعالیتهای تولیدی در زمینه‌های کشاورزی و صنایع دستی و نیز موجب کندی و دشواری مبادلات بازارگانی گردید.

موانع داخلی رشد سرمایه‌داری: نایمینی

موانع داخلی رشد سرمایه‌داری در دوره قاجاریه بطور کلی از خصوصیات بنیانی نظام سیاسی و اقتصادی ایران نشأت می‌گرفت که در طی قرون متعدد با نوسانهایی همچنان پا بر جای بود. لکن در دوره قاجاریه وضع خاصی پدید آمده بود که بنوبه خود این موافع را شدت می‌بخشید. بدین معنی که حکومت قاجارها معایب نظامهای نیرومند مرکزی و معایب نظامهای ملوک‌الطوایفی را، از نظر ایجاد شرایط لازم برای رشد سرمایه‌داری مستقل، در خود گرد آورده بود و با ایجاد نایمینی‌های گوناگون مانع رشد و توسعه سرمایه‌داری صنعتی که نیازمند ثبات و امنیت است می‌گردید و تنها روزنهایی برای رشد سرمایه‌داری تجاری باز می‌گذاشت. از مهمترین موافع رشد سرمایه‌داری ملی در این دوران نایمینی شدید مردم بطور عموم و

* بهسب رقبت اجتماعات عشایری با اجتماعات روستایی بر سر توزیع اراضی میان مراعع و مزارع.

خوانین، متنفذین محلی، شاهزادگان و مردم صورت گرفت که بطور متوسط حدود چهار شورش در هر سال بود.^{۵۹} یکی از عوامل اساسی این نایابی وجود ایلات متعدد و پراکنده بودن آنان در مناطق مختلف کشور بود. ایلات و عشایر که غارت زدن کاروانهای تجاری در قلمرو سلطه خود را از امتیازات مشروع خویش می‌دانستند، معمولاً اینست راههای تجاری را بخطیر می‌انداختند و مال التجاره‌های تجارت را غارت می‌کردند. نتهاهارهای تجاری بلکه شهرها نیز از دستبرد سارقان و دسته‌های دزدان در امان نبودند و دایم‌آمد در معرض چاپوی اینگونه عناصر قرار داشتند.^{۶۰} بر طبق گزارش نایابدگان سیاسی بریتانیا در ایران، در فاصله سالهای ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ هق، سرکتهای تجاری و تجارت انجلیسی ۶۴ بار مورد راه‌راهی قرار گرفته‌اند که ۴۲ مورد آن بوسیله عشایر، ۱۵ مورد بوسیله روستاییان، ۳ مورد بوسیله قراولان راه و ۴ مورد نامعلوم بوده است.^{۶۱}

ناصرالدین شاه خود به‌آثار و نتایج نامطلوب نایابهای ناشی از دخالت نامشروع حکام و عمال دیوانی در فعالیت‌های اقتصادی اشاره‌ای روشنگر دارد:

اطمینان عامه حاصل نمی‌شود مگر به‌امنیت. امنیت فرع قانون است و قانون لازمه‌اش اجرا... چون چنین شود، قلوب عامه از هر جهت اطمینان حاصل خواهد کرد و در آن وقت طبیعت مخلوق و طبیعت آب و خاک، آنچه در خود مکنون و مخفی دارند روز بروز در معرض ظهور و بروز خواهند رسانید. آبها جاری می‌شود و زمینها آباد. صناعات ترقی می‌کند و معادن استخراج می‌شود. بولهای مردم از زیر خاک بیرون می‌آید.... معادن ایران کم نیست، ولی اهل محل، آنها را کور کرده‌اند که اسیاب زحمت آنها نشود، همانطور که مال رعیت تاراج می‌شود، همینطور مال دیوان بهدر می‌رود.... حدواندازه، هیچ در کار نیست، باید مردم بدانند که اگر آبی جاری کنند اقلای پنج سال مالیات نمی‌دهند. اگر کسی چیزی اختراع می‌کند نافع آن حق اوست. حالی کسی داخل کاری نمی‌شود و خرجی که نفع عامه در آن باشد نمی‌کند.^{۶۲}

در چنین اوضاع و احوالی بود که جامعه ایرانی در دوران فرمایه‌ای قاجارها پا به عرصه روابط بین‌المللی نهاد و نیروهای استعماری در شمال و جنوب کشور شرایط نیمه استعماری را بر کشور ما تحمیل کردند. از این زمان بعد برخوردهای نیروهای اجتماعی درون کشور با نیروهای استعمارگر خارجی، عوامل تعیین کننده طبیعت و ماهیت و مسیر تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی را تشکیل می‌دهند.

را غارت می‌برند» می‌باشد.^{۶۳} بگفته رئیس پلیس، دارالخلافه تهران دویست نفر پلیس دارد و در مقابل هزار پانصد دزد از سربازهای فوج مخصوص نایاب‌السلطنه.^{۶۴} ششم، احاذی از تجارت به‌عنایین و بهانه‌های گوناگون مانند پیشکش و تعارف و تأمین مخارج فسون. اعتمادالسلطنه می‌گوید: «امروز شاه کار غریبی کرده‌اند چون جوانی و ولخرجی حاجی میرزا حسین صراف شیرازی را شنیده بودند، بخيال اینکه اگر آنجا تشریف ببرند اقلاییک دو هزار تومان پیشکش خواهند داد... خانه صراف تشریف ببرندند.»^{۶۵} در سنديگی آمده است که «حالا علاوه از پول ماليات حسامی پول بی حساب هم به‌تجارت و عمالة و رعایا از برای مصارف جنگ حواله شد و گرفته شده و می‌شود، احدی قدرت ندارد یک کلمه حرف بزنند.»^{۶۶} هفتم، اعمال فشار بر تجارت و بازاریان در صورت ایستادگی در برایر زور گوییهای حکومت. استاد و مدارک تاریخی نشان می‌دهند که اعمال فشار حکام خود کامه بر تجارت و بازاریان محدود به امور مالی نبود، بلکه هر گاه که آنان برای احقيق حقوق حقه خود در برایر حکام به‌چون و چرا بر می‌خاستند با مجازاتهای سنگین و تغییر آمیز همچون چوب و فلک، زندان و تبعید روبرو می‌شدند.^{۶۷} پاسخ ظل‌السلطان به عرضه تجارت اصفهان در باب اعتراض به عقد «قرارداد رژی» بخوبی روحیه حکام ناصری را می‌نمایاند: «عرضه‌ای را که از طریق امام جمعه ارسال کرده بودید و اصل گردید، شما مستحق هستید که به‌دارالحکومه احضار شده و به مجازات اعمال ناشایست خود چوب و فلک شوید. در واقع باید سر از تن شما جدا کرد تا آنکه هیچکس قادر نباشد که در امور حکومت چون و چرا کند. اما بخاطر احترام امام جمعه این بار از تقصیر شما می‌گذریم، مشروط بر آنکه از این پس از اعمال ناشایست و مخالفت با فرامین حکومت دست بردارید. اعلیحضرت شاه مالک‌الرّقاب همه اهالی ایران و اموال آنان هستند و بهتر از هر کس از منافع رعایای خود آگاهند. شما هیچ حقی برای ابراز چنین مخالفتی ندارید. بروید و در فکر کار خودتان باشید و بدون آنکه گرد اعمال ناشایست بگردید فضولی در اینگونه امور را موقوف کنید.»^{۶۸}

از موارد مشهور رفتار ناشایست حکام با تجارت، چوب و فلک سید‌هاشم قندی و اسماعیل خان، تجارت عمده قند و شکر به‌دستور علامه‌الدوله، حاکم تهران در آغاز جنبش مشروطیت است. سید‌هاشم را تا هنگامی که تعهد کتبی بر کاهش بهای قند و شکر داد در زندان حاکم تهران نگاهداشتند.^{۶۹}

یک دیگر از موانع داخلی رشد سرمایه‌داری که از سرشت حکومت و نهادهای سیاسی نشأت می‌گرفت، نایابی عمومی در کشور بود. بعنوان مثال در چهل سال نخستین سلطنت ناصرالدین شاه که اوضاع کشور بطور نسبی آرام بود، ۱۶۹ شورش و قیام مسلحانه از سوی

۱۹ - شاهزاده نادر میرزا. *تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز*. به کوشش محمد مشیری، تهران: اقبال، ۱۳۵۱، ص ۵۶-۵۵.

۲۰ - پیگلوسکایا و دیگران. *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هزدهم*. ترجمه کریم کشاورز، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۶، ج ۱، ص ۲۷۶.

۲۱ - نگاه کنید به:

Louis Massignon. «*Islamic Guilds*» in *Encyclopedia of the Social Sciences*. N. Y. 1943; «*Karamatians*» and «*Sinf*» in *Encyclopedia of Islam*. Leiden, 1913-31; «*Les corps de métiers et la cité islamique*.» In *Revue Internationale de Sociologie*. 1920, Vol 28, pp. 73-88.

۲۲ - نگاه کنید به:

C. Cahen. «*Y-a-t-il eu des corporations professionnelles dans le monde musulman classique?*» In A. H. Hourani and S. M. Stern eds. *The Islamic City: A Colloquium*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 1970, pp. 51-64.

۲۳ - ریچارد فرای. بخارا، دستاوردهای قرون وسطی. ترجمه محمود محمودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸، ص ۲۲۱-۲۲۰.

۲۴ - نگاه کنید به: این بطوره سفرنامه. ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷، ص ۲۱۲.

۲۵ - نگاه کنید به:

Ira M. Lapidus. *Muslim Cities in the Later Middle Ages*. Cambridge: Harvard University Press, 1967, pp. 77-78.

۲۶ - نگاه کنید به: میتورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی. ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: زوار، ۱۳۴۴، ص ۱۵۲؛ تاورنیه، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان: ۱۳۳۶، ص ۵۹۶، ۶۰۶، ۶۱۲؛ سفرنامه شاردن، ج ۴، ص ۲۹۹.

۲۷ - میرزا رفیع، دستورالملوک، به کوشش محمد تقی داشنیزوه، ضمیمه سال ۱۶ شماره ۵ و ۶ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران: ۱۳۴۷-۴۸، ص ۱۲۱.

۲۸ - همان کتاب، ص ۹۵.

۲۹ - نگاه کنید به:

N. A. Kuznetsova. «*Urban Industry in Persia During the 18th. and Early 19th. Centuries*.» In *Central Asiatic Review*. Vol. XI, No. 3. 1963, pp. 308-21.

۳۰ - همان مقاله، ص ۳۱۷-۳۱۵.

۳۱ - همان مقاله، ص ۳۱۸.

۳۲ - تفاوت میان اصناف شرقی و گلدهای غربی از نظری که نگارنده بر کتاب *معالم القریب فی احکام العصیّ*، نوشته اخذ شده است. نگاه کنید به «برخی از ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در دوره اسلامی»، راهنمای کتاب، شماره ۶-۵ (مرداد و شهریور ۱۳۴۸)، ص ۲۵۷-۲۵۱.

۳۳ - نگاه کنید به:

Max Weber. *Economy and Society*. New York: Bedminster Press, 1968, Vol. 3. pp. 1226-30.

حواله‌ها:

۱ - برای آکاهم از مفهوم شهر نگاه کنید به مقاله نگارنده تحت عنوان «ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی» در نامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره ۴ (تیرماه ۱۳۵۳)، ص ۱۱-۱۴.

۲ - ابن‌اخوه، آین شهرباری (*معالم القریب فی احکام العصیّ*). ترجمه دکتر جعفر شمار، تهران: بیان فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.

۳ - میرزا حسین خان تحولیدار، جغرافیای اصفهان، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۲.

۴ - عبدالرحیم کلانتر ضرابی (سهیل کاشانی). *تاریخ کاشان*. به کوشش ایرج افشار، تهران: این‌سینا، ۱۳۴۱، ص ۲۳۶-۲۴۰.

۵ - برای اطلاع یافتن از سیمای شهرهای اسلامی، نگاه کنید به مقاله نگارنده «ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران، دوره اسلامی»، ص ۱۸-۲۴.

۶ - شاردن، سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، مجلد چهارم، چاپ دوم، ۱۳۵۰، ص ۳۶۴.

۷ - محمدبن هندوشاه نخجوانی، *دستورالکاتب فی تعیین المرائب*. مسکو: اداره انتشارات دانش، ۱۹۷۶، ج ۲، ص ۱۵۹-۱۶۰.

۸ - انگلبرت کمپفر، در دربار شاهنشاه ایران. ترجمه کیاکاووس جهانداری، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، ص ۱۰۶.

۹ - محمدحسن اعتمادالسلطنه، المأثر والآثار، تهران: چاپ سنگی، ۱۳۰۶، هـ، ص ۲۲۷-۲۴۲.

۱۰ - محمدحسن اعتمادالسلطنه، خوابنامه، به کوشش محمود کنیرایی، تهران: طهوری، ۱۳۴۸، ص ۲۲؛ احمد مجدد اسلام کمانی، *تاریخ اتحال مجلس* (فصلی از تاریخ اتفاقات مشروطیت ایران)، مقدمه و نسخه‌ی محمود خلیل‌پور، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۱، ص ۱۵۰؛ عبدالعلی ادیب‌الممالک، *دفع الغرور*. به کوشش ایرج افشار، تهران: خوارزمی، ۱۳۴۹، ص ۸؛ خاطرات کلشن کاساکوفسکی، ترجمه عباسقلی جلی، تهران: کتابهای سیرغ، ۱۳۴۴، ص ۷-۱۵۴.

۱۱ - مهدیقلی هدایت، خاطرات و خطرات، تهران: زوار، ۱۳۴۴، ص ۲۷۵.

۱۲ - نگاه کنید به این کتاب:

George N. Curzon. *Persia and the Persian Question*. London, 1892, Vol. 1, p. 167.

۱۳ - بانک ملی ایران، *تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران*. تهران: ۱۳۳۸، ص ۱۹.

۱۴ - عبدالرحیم کلانتر ضرابی، *تاریخ کاشان*. ص ۲۷۷؛ مهدی بامداد، *تاریخ رجال ایران*. تهران: زوار، ۱۳۴۷، ج ۳، ص ۱۴۱؛ میرزا آقای فرست حسینی شیرازی، آثار عجم، بیانی: چاپ سنگی، ۱۳۱۲، هـ، ص ۵۰۴.

۱۵ - میرزا حسن حسینی فسانی، *فارستنامه ناصری*. تهران: چاپ سنگی، ۱۳۱۲، هـ، ج ۲، ص ۶۰؛ خاطرات و خطرات، ص ۲۰۲.

۱۶ - میرزا حسین فراهانی، سفرنامه، به کوشش حافظ فرمانفرما بیان، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۲، ص ۳۷-۳۶.

۱۷ - فارستنامه ناصری، ص ۲۷، ۲۶.

۱۸ - خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح، تهران: ۱۳۴۶، ص ۱۱۶.

- تاریخ بیداری ایرانیان. به کوشش سعیدی سیرجانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶، ج. ۲، ص. ۶۹.
- ۴۸ - روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. ص. ۱۰۵۳.
- ۴۹ - همان، ص. ۷۷۵.
- ۵۰ - فخرخان امین‌الدوله. مجموعه اسناد و مدارک. به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت الله روشنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، ج. ۱، ص. ۳۵۴.
- ۵۱ - مهدی بامداد. تاریخ رجال ایران. ج. ۵، ص. ۲۹۶ - ۲۹۷؛ روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. ص. ۹۷۴ - ۹۷۵.
- ۵۲ - این متن ترجیمه‌ای است از گزارش سیاسی سفارت انگلیس، F0/60, 533, From Kennedy to Salisbury, No. 210, September, 19, 1891.
- ۵۳ - تاریخ بیداری ایرانیان. ج. ۲، ص. ۹۱ - ۹۴.
- ۵۴ - محمدحسن اعتمادالسلطنه. المأثر والآثار. چاپ سنگی، تهران: ۱۳۰۷ هـ، ص. ۳۷ - ۵۲.
- ۵۵ - روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. ص. ۱۰۵۳؛ خاطرات و خطرات. ص. ۲۴۹؛ تاریخ کاشان. ص. ۲۴۳.
- ۵۶ - کتاب آبی. ج. ۵، ص. ۲۱۲ - ۲۱۶.
- ۵۷ - خاطرات و خطرات. ص. ۸۰.



۲۴ - نگاه کنید به:

Karl Marx. *Pre-Capitalist Economic Formation*. ed. by E. Hobsbawm. New York: International Publishers, 1964, p. 78.

۲۵ - نگاه کنید به:

John Masson Smith Jr. «Turanian Nomadism and Iranian Politics.» In *Iranian Studies*. Vol. XI, 1978, pp. 57-81.

۲۶ - عبدالرحمون بن خلدون. مقدمه. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵، ج. ۱، ص. ۲۲۵.

۲۷ - همان کتاب. ص. ۲۲۶.

۲۸ - همان کتاب. ص. ۲۲۶ - ۲۲۷.

۲۹ - همان کتاب. ص. ۲۹۲ - ۲۹۳.

۳۰ - برای بحث جالبی در این زمینه نگاه کنید به:

Leonard M. Helfgott. «Tribalism as a Socioeconomic Formation in Iranian History.» In *Iranian Studies*. Vol. X, Nos. 1-2, Winter-Spring 1977, pp. 36-61; Reinhold Loeffler. «Tribal Order and the State: The Political Organization of Boir Ahmad.» In *Iranian Studies*. Vol. XI 1978, pp. 145-172; James Reid. «The Qajar Uymaq in the Safavid Period, 1500-1722.» In *Iranian Studies*. Vol. XI, 1978, pp. 117-144.

۴۱ - نگاه کنید به:

James Fraser. *Narrative of a Journey into Khorasan in the Years 1821 and 1822*. London: Longmans, Green and Co., 1825, p. 190

۴۲ - مهدیقلی هدایت. خاطرات و خطرات. ص. ۱۰۰ - ۱۰۱؛ کلتل کاساکوفسکی. خاطرات کلتل کاساکوفسکی. ص. ۱۶۷ - ۱۷۰.

۴۳ - محمد حسن اعتمادالسلطنه. روزنامه خاطرات. به کوشش ابرج افشار تهران: امیر کبیر، ۱۲۵۰، ص. ۴۷۵؛ ۴۷۶، ۵۳۱؛ احمد مجید‌الاسلام کرمانی. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران: سفرنامه کلات. ج. ۱، ص. ۱۰۴ - ۱۰۵؛ حاج سیاح. خاطرات حاج سیاح. ص. ۲۲۸.

۴۴ - کشت دوگوینو. سمسال در ایران. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران: مطبوعاتی فرقه، ص. ۳۱؛ خاطرات و خطرات. ص. ۱۰۱؛ خاطرات کلتل کاساکوفسکی. ص. ۱۵۶؛ کتاب آبی (اسناد وزارت خارجه بریتانیا) نترجمه سردار اسعد بخاری. تهران: ج. ۱، ص. ۶۷.

۴۵ - نگاه کنید به کتاب بنجامین که نخستین سفیر آمریکا در ایران بوده است. S. G. W. Benjamin. *Persia and the Persians*. Boston: Ticknor and Company, 1887, pp. 186-87.

۴۶ - ظهیرالدوله. خاطرات و اسناد. به کوشش ابرج افشار. تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۵۱، ص. ۸؛ خاطرات حاج سیاح. ص. ۳۴۰؛ خاطرات کلتل کاساکوفسکی. ص. ۵۰ - ۶۱.

۴۷ - تاریخ استقرار مشروطیت ایران. (اسناد معمرا نه و زارت خارجه انگلستان)، گردآوری و ترجمه حسن معاصر. تهران: این سینا، ۱۳۴۷، ص. ۵۷؛ خاطرات و خطرات. ص. ۵۴؛ کتاب آبی. ج. ۲، ص. ۱۷۴؛ نظام‌الاسلام کرمانی.

بریتانیا بر حکومت قاجارها وارد آوردند و عهدنامه‌های ترکمان‌چای (۱۲۴۳ هق.) و عهدنامه پاریس (۱۲۷۲ هق.) را بر آنان تعجیل کردند.^۱ این عهدنامه‌ها نه تنها سرزمینهای قفقاز و افغانستان را از قلمرو حکومت قاجارها جدا کردند بلکه با برقراری حق «کاپیتولاسیون» و نیز برخی امتیازات تجاری، راه را برای استقرار نفوذ اقتصادی همسایگان شمالی و جنوبی و جلب سرمایه‌داران غربی به کشور ما هموار ساختند.

شرایط نیمه استعماری که بدنبال تعجیل این عهدنامه‌ها رفتگر فته در کشور ما پدید آمده بود، همراه با انعقاد یک سلسله عهدنامه‌های دیگر با همسایگان شمالی و جنوبی و سایر کشورهای غربی که به استناد شرایط دول کامله الوداد از مقاد عهدنامه ترکمان‌چای و پر نکل تجاری ضمیمه آن بهره‌مند می‌شدند، تسهیلاتی برای فعالیتهای بازار گانی تجار غربی در کشور ما فراهم آورد و سبب شد تا بازار گانان وابسته به همسایگان شمالی و جنوبی بسا استفاده از امکانات بازار نوبای جهانی و حمایت و تشویق قدرتهای استعماری و فرستنهای اقتصادی که بطور نسبی در کشور ما وجود داشت در اوآخر قرن گذشته و اوایل قرن کوئن هجری قمری به‌این سرزمین روی آورند و دامنه فعالیتهای خود را گسترش دهند.

نیاز بازارهای جهانی به برخی از مواد خام که در ایران تولید می‌شد و نیاز صنایع در حال رشد کشورهای غربی و بخصوص همسایگان شمالی و جنوبی به بازارهای فروش کشور ما، زمینه مساعدی برای جلب سرمایه‌داران خارجی، و بخصوص سرمایه‌داران روسی و انگلیسی به‌ایران، فراهم آورد. در این میان علاقه دولتهای روس و انگلیس به جلب کشورهای خود به‌ایران که از علایق سیاسی آن دولتها نشأت می‌گرفت، نقش عمده‌ای داشت؛ چرا که علایق قدرتهای استعماری در ایران ابتدا متوجه منافع صرفاً سیاسی بود و اگر هم در تحلیل نهایی هدف غایی آنان از نفوذ در ایران تسلط بر هند و یا آبهای گرم خلیج فارس و بحر عمان بود که مالاً صبغه اقتصادی داشت، تسلط بر ایران بعنوان وسیله‌ای سیاسی برای نیل به اهداف سیاسی – اقتصادی برون مرزی مورد توجه بود. لکن همزمان با پیدایش و گسترش بازار جهانی در نیمه دوم قرن نوزدهم، هم منافع اقتصادی همگام با منافع سیاسی مورد توجه خاص قرار گرفت و هم اینکه گسترش فعالیتهای اقتصادی بعنوان وسیله‌ای برای تحکیم و تثیت موقعیت سیاسی در نظر آمد. این امر بخصوص در مورد سرمایه‌داران روسی مصدق داشت که دولت تزاری بخاطر مستحکم نمودن موقعیت نیمه استعماری خود در مناطق شمالی کشور، آنان را با دادن مساعدتهای مالی، گمرکی و مالیاتی به انجام دادن عملیات بازار گانی و صنعتی در ایران تشویق می‌کرد.^۲

فصل دوم:

وضعیت نیمه استعماری و سرمایه‌داران غربی

وضعیت نیمه استعماری

وضعیت نیمه استعماری هنگامی پدیدار می‌شد و استقرار می‌یافت که دو نیروی متقاضی استعماری در حوزه‌های نفوذ سیاسی و اقتصادی خویش در سرزمینی که دارای نهادهای حکومتی مناسبی برای اداره امور داخلی خود بود بایکدیگر برخورد می‌کردند و رویارویی یکدیگر قرار می‌گرفتند. بدینگونه بدون آنکه نیروهای استعماری آن سرزمین را بهدوپاره بخشند و مستقیماً اداره امور را بدست خود گیرند و آن را به شیوه‌های متدالوی استعمار کهن اداره کنند، آن سرزمین را همچون حایلی میان خود نگاه می‌داشتند و آن را به حوزه‌های نفوذ تقسیم می‌کردند و برای تثیت نفوذ خویش در آن سرزمین برقابت می‌پرداختند. رقابت نیروهای استعمار گر در وضعیت نیمه استعماری بی‌آمدهای پر اهمیتی از نظر ماهیت تحولات سیاسی و اجتماعی در سرزمینهای نیمه مستعمره در برداشت که از مهمترین آنها حمایت از نهادهای کهن حکومتی و حفظ وضع موجود سیاسی و زیر نفوذ قراردادن اعیان و اشراف این سرزمینها و دست‌زدن به تحریکات مداوم در سرزمینهای نیمه مستعمره بود. از نظر اقتصادی، ادغام نواحی نیمه مستعمره به بازار جهانی، سرآغاز پاشیدگی بازارهای کوچک و غیر قابل انعطاف محلی، رشد تجارت خارجی، تخصص در تولید و صدور مواد خام، زوال صنایع دستی، اعتیاد به مصرف مصنوعات غربی و بطور کلی وابستگی اقتصادی به قدرتهای استعماری بود. از مشخصات وضع تازه، برهم خوردن توازن پرداختها، افزایش قرضه‌های خارجی، سلطه قدرتهای استعماری بر مؤسسات اقتصادی مانند بانکها، گمرکها و بازارهای محلی و همچنین تسلط آنان بر بازار گانان و اصناف بود.

وضعیت نیمه استعماری در ایران، در جریان نیم قرن کشاورزی میان همسایگان شمالی و جنوبی با حکومت نوبای قاجارها رفتگر فته پدید آمد و استقرار یافت. و قایع عمده‌ای که به استقرار وضعیت نیمه استعماری انجامید شکستهایی بود که ابتداروسیه تزاری و سپس

امتیازهای خارجیان در ایران

مکام با تثیت وضعیت نیمه استعماری در اواخر قرن گذشته و اوایل قرن کنونی هجری قمری، گروهی از سرمایه‌داران روسی و انگلیسی با حمایت حکومتها خود به ایران روی آورده‌ند و همراه با دولتها خود به شکار امتیازات در کشور ما برخاستند. یکی از خصوصیات اساسی شکار امتیازات در ایران که مستقیماً از طبیعت و ماهیت شرایط نیمه استعماری جامعه ما نشأت می‌گرفت، آن بود که این امتیازات به دنبال یک سلسله بازیهای حسابگرانه در جریان برقراری موازنۀ مثبت و موازنۀ منفی در روابط سیاسی و اقتصادی با همسایگان شمالی و جنوبی بسته می‌آمد. بدین معنی که گاهی فشارهای متقابل قدرتهای استعماری نیروهای یکدیگر را خنثی می‌کرد و به نوعی موازنۀ منفی در امر اعطای امتیازات به آنان می‌انجامید در حالی که در مواردی اعطای امتیاز به یکی از قدرتهای رقیب، سبب اعطای امتیازات مشابهی برقیب دیگر می‌شد.

امتیازهای عده‌ای که در اوخر قرن سیزدهم و اوایل قرن کنونی به روشهای اعطاشد از اینقرار بود: یکم، هفت قرارنامه با دولت روسیه در زمینه استفاده و تفتيش خطوط تلگراف شمال و شمال شرقی کشور که از سال ۱۲۹۸ هق / ۱۸۸۱ بم تا سال ۱۳۱۹ هق / ۱۸۸۱ بم تا ۱۹۰۲ هق / ۱۸۸۱ بم از سوی دولت ایران به اداره تلگراف هند و اروپا و کمپانی تلگراف هند و اروپا اعطای گردید.

دوم، اعطای امتیاز به بارون زولیوس دور رویتر، برای تأسیس بانک شاهنشاهی ایران، استخراج معدن و نشر اسکناس در سال ۱۳۰۶ هق / ۱۸۸۹ بم.

سوم، اعطای یک سلسله امتیاز به اتباع انگلستان برای احداث راه و راه‌آهن در مناطق جنوبی کشور. بر اساس چهار امتیاز که در سالهای ۱۳۰۷ هق / ۱۸۹۰ بم و ۱۳۰۸ هق / ۱۸۹۱ بم و ۱۳۱۶ هق / ۱۸۹۸ بم، به بانک شاهنشاهی ایران اعطای گردید، احداث و بهره‌برداری از راههای تهران – اهواز، بروجرد – اصفهان، تهران – قم و قم – اصفهان به بانک مذکور واگذار شد. کمپانی حمل و نقل ایران متعلق به برادران لینچ نیز در سال ۱۳۲۵ هق / ۱۹۰۶ بم، امتیاز احداث و بهره‌برداری از راه قم – سلطان‌آباد را دریافت کرد. در سال ۱۳۳۱ هق / ۱۹۱۲ بم نیز سندیکای راه‌آهن ایران برای بررسی احداث راه‌آهن خرمشهر – خرم‌آباد – بروجرد امتیازی دریافت نمود.

چهارم، اعطای امتیاز اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری از معدن نفت و موم طبیعی در ایران (به استثنای آذربایجان، گیلان، مازندران، خراسان و استرآباد) به ولیام نوکس دارسی در سال ۱۳۱۹ هق / ۱۹۰۱ بم.

پنجم، اجازه احداث فانوسهای دریایی در خلیج فارس به دولت بریتانیا در سال ۱۳۳۱ هق / ۱۹۱۳ بم.^۶

استقراضی اعطای شد، احداث و بهره‌برداری از راه شوسة جلفا – تبریز – قزوین و نیز استخراج معدن ذغال‌سنگ و نفت در اطراف راه مذکور به آن بانک واگذار شد. بر اساس امتیاز دیگری که در سال ۱۳۳۱ هق / ۱۹۱۲ بم به بانک استقراضی ایران اعطای گردید، حق احداث و بهره‌برداری راه‌آهن جلفا – تبریز و صوفیان – شرفخانه و انحصار استخراج معدن زغال‌سنگ و نفت در دو طرف خط آهن مذکور و نیز حق تقدیم استخراج سایر معدن در آن خط و در خط تبریز – قزوین به آن بانک واگذار شد.

هشتم، اعطای امتیاز به شرکت برادران نوبل در بادکوبه برای احداث خط لوله انتقال نفت از ارزلی برشت در سال ۱۳۲۹ هق / ۱۹۱۱ بم.^۷

قرارنامه‌ها و امتیازهایی که دولت بریتانیا و یا اتباع آن دولت با دولت ایران منعقد کرده بودند به این شرح بود: یکم، امتیاز نامه‌ای احداث خطوط تلگرافی میان تهران – خانقین و تهران – بوشهر و تهران – بلوچستان و تهران – تبریز – جلفا و خط تلگرافی میان بنادر گوادر – جاسک – بندرعباس بر اساس پنج قرارنامه که از سال ۱۲۷۹ هق / ۱۸۶۲ بم تا سال ۱۲۸۴ هق / ۱۸۶۸ بم از سوی دولت ایران به اداره تلگراف هند و اروپا و کمپانی تلگراف هند و اروپا اعطای شد.

دوم، اعطای امتیاز به بارون زولیوس دور رویتر، برای تأسیس بانک شاهنشاهی ایران،

استخراج معدن و نشر اسکناس در سال ۱۳۰۶ هق / ۱۸۸۹ بم.

وی به سرشن گورکی لیانازوف، بر اساس ۶ امتیازنامه که میان سالهای ۱۳۰۵ هق / ۱۸۸۸ و ۱۳۲۴ هق / ۱۹۰۶ بم، انعقاد یافت.

سوم، اعطای امتیاز تأسیس بانک استقراضی به پولیاکوف و رافائلویچ در سال ۱۳۰۷ هق / ۱۸۹۰ بم.

چهارم، اعطای امتیاز انحصاری به پولیاکف برای تأسیس شرکت بیمه حمل و نقل در سال ۱۳۰۸ هق / ۱۸۹۱ بم.

پنجم، اعطای چهار امتیاز به شرکت بیمه حمل و نقل در ایران برای احداث و بهره‌برداری راه ارزلی – قزوین، راه قزوین – همدان و راه قزوین – تهران و لا ریوی و بهره‌برداری از مرداب ارزلی در سالهای ۱۳۱۰ هق / ۱۸۹۲ بم و ۱۳۱۳ هق / ۱۸۹۵ بم.

ششم، اعطای امتیاز استخراج معدن قراجمدادغ در آذربایجان به شرکت معادن روس متعلق به گرائینوف (Gerainov) و ایناکیف (Inakiev) در سال ۱۳۱۶ هق / ۱۸۹۸ بم.

هفتم، اعطای دو امتیاز به بانک استقراضی ایران برای احداث و بهره‌برداری راه شوسه و راه‌آهن در منطقه آذربایجان. بر اساس امتیازی که در سال ۱۳۱۹ هق / ۱۹۰۲ بم به بانک

نهدید به غارت بازارها به بازگردان مغازه‌هایشان فرا می‌خوانند.^۱

گذشته از تاجر باشیها عدهٔ زیادی از اتباع مسلمان و ارمنی روسيه در ایالات شمالی کشور فعالیتهای بازرگانی داشتند. مثلاً حاجی فرج صراف که از اتباع معروف روس بشمار می‌آمد در دوران مشروطیت از بزرگترین تجارت‌آذربایجان بود و اغلب عملیات روسها در تبریز بواسطه او انجام می‌گرفت.^۲ در مشهد نیز مشهدی عبدالله ترک که از اتباع روس بود از تجارت معتبر و معروف مشهد بشمار می‌رفت.^۳ برخی از تجارت معروف تبعه روس در گیلان عبارت بودند از حاجی اکبر قلب، حاجی زین‌العابدین حاتم، حاجی آقا کریم‌اف و حاجی میرزا محمد ارباب که در موقع ضروری بخصوص در جریان انقلاب مشروطیت برای مصنون ماندن از تعریضات احتمالی، پرچم روس را بالای سردر عمارت شناس بر می‌افراشتند.^۴ گذشته از اتباع روس برخی از بازرگانان معتبر ایرانی نیز تحت حمایت دولت روس بودند، مانند حاجی محمد‌کاظم ملک التجار که داستان تحصّن وی در سفارت روس برای فرار از بدهیهایی که در اثر سوه اداره در شرکت عمومی بیار آورده بود، مشهور خاص و عام بود.^۵

بطور کلی مؤسسه‌های عدهٔ تجارتی روسی در ایران که در زمان جنگ بین‌الملل اول فعالیت داشتند از این‌قرار بودند: یکم، یانک استفراضی ایران که دارای نمایندگیها و شعبه‌هایی در تهران، تبریز، ارومیه، جلفا، رشت، ارزلی، بارفروش، مشهد، سبزوار، قزوین، کرمانشاه، همدان، اصفهان، جلفا و نصرت‌آباد بود. دوم، تجارت‌خانه سوریان کوسيچ (Severian Kossyach) که بموارد کردن و فروش چینی و بلور‌الات در تهران اشتغال داشت و معاملات سالانه‌اش بالغ بر ۱۰۰ هزار روبل بود. سوم، اداره حمل و نقل ایران که در آستانه، بندرگز، جلفا، رشت، تهران و مشهد دارای شعبه و نمایندگی بود. چهارم، شرکت تجارتی روس و ایران که در بوشهر فعالیت داشت. پنجم، کمپانی کشتی بخاری روس که در بندر بوشهر، بندرلنگه و بندر خرمشهر (محمره) شعبه و نمایندگی داشت. ششم، کشتیرانی قفقاز مرکوری که در بندر ارزلی شعبه داشت. هفتم، تجارت‌خانه آرزومنوف که دارای شعبه در مسکو، تهران و همدان بود و به کار صدور خشکبار، پوست و صمغ اشتغال داشت و حجم معاملات سالانه‌اش حدود ۶۰۰ هزار روبل بود. هشتم، شرکت برادران نوبل که بکار واردات مواد نفتی می‌برداشت و در ارزلی، رشت، همدان و اصفهان شعبه و نمایندگی داشت. نهم، کمپانی استاکن (Stuken) که در مشهد و سبزوار شعبه داشت. دهم، شرکت برادران زنزنیف (Zenzinov) که در مسکو و محمره شعبه داشت. یازدهم، تجارت‌خانه باراتسکی (Baratskii) که در سبزوار فعالیت داشت. سیزدهم، تجارت‌خانه مارک بندیکت (Marc Benedict) که در ساکو، تبریز و تهران شعبه داشت.

تجارت و تجارتخانه‌های غربی در ایران

فعالیتهای اقتصادی سرمایه‌داران و تجارت‌غیری در ایران بدوقوعه بود. آنان ابتدا برای امور تجارتی یعنی صدور مواد خام کشور و وارد نمودن کالاهای صنعتی به ایران روى آوردن و سپس گروهی از آنان و بخصوص برخی از سرمایه‌داران روسی، گذشته از امور بازرگانی به فعالیتهای صنعتی، کشاورزی و سرمایه‌گذاری در ارتباطات نیز گرایش پیدا کردند، حال آنکه سرمایه‌گذاران انگلیسی فعالیت خود را منحصر به امور تجارتی و بانکی و ارتباطی نمودند و با سرمایه‌گذاری در صنایع نفت جنوب تنها در یک رشته صنعتی مشارکت کردند.

پس از العاق سرزمینهای قفقاز و آسیای میانه به امپراتوری تزارهای در نیمة نحس‌تین قرن سیزدهم، نظر به سوابق فرهنگی و روابط هم‌جواری، بخش عده‌ای مبادلات بازرگانی روسيه تزاری با ایالات شمالی کشور بوسیله تجارت این سرزمینها و اقلیت ارامنه صورت می‌گرفت. گذشته از این گروهها عده‌ای از تجارت‌یونانی نیز با استفاده از چتر حمایتی امپراتوریهای روسيه و عنمانی در آذربایجان و گیلان فعالیت داشتند. چنانکه در نیمة قرن نوزدهم تجارت تبریز در دست پنج تجارت‌خانه بود که اغلب گردانندگان آنها یونانیانی بودند که یا تحت‌الحمایه روس و یا تحت‌الحمایه عنمانی بودند.^۶ روسهای تزاری به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای فعالیتهای بازرگانی و مبادلات میان دو کشور عده‌ای از تجارت‌قفقازی را که روابط بازرگانی با ایران داشتند، به‌اقامت در شهرهای عده‌ای تجارتی تشویق می‌نمودند و آنان را با عنوان تاجر باشی (که به رویی اگنت agent می‌گفتند) به سربرستی و نمایندگی منافع تجارتی روسيه در آن شهر منصوب می‌کردند. در آثار عجم آمده است که «جناب حاجی عباس تاجر باشی است و هم اگنت و وکیل روس است. مولدش اردباد می‌باشد. مرحوم والدش حاجی جلیل بوده از مشاهیر تجارت و خود مشارکه چهل سال است در شیراز سکونت دارد و انتظام امور تجارت روسيه بکف کفايت اوست». تاجر باشیهای روس بخصوص در ایالات شمالی کشور دارای نفوذ و اقدار زیاد بودند و فعالیتهای در امور تجارتی و دیسپله‌های سیاسی با سایر عمال روسيه تزاری همراهی و همکاری می‌کردند. گذشته از مراکز ایالات شمالی مانند تبریز، رشت، استرآباد و مشهد در شهرهای مانند طالش، لاهیجان، لنگرود، ارزلی، رودسر و قزوین نیز تاجر باشیهای روس فعالیت داشتند.^۷ مشهدی فتح‌علی تاجر باشی روس در مشهد و تاجر باشی روس در فروین و حاجی عباس ترک تاجر باشی در شیراز از تجارت نرومند و متند این شهرها بشمار می‌آمدند.^۸ حاجی صمد بادکوبه‌ای تاجر باشی روس در رشت و حاجی زکریا تاجر باشی روس در تبریز در جریان انقلاب مشروطیت و نیز در جریان اشغال تبریز و رشت بوسیله قوای روسیه تزاری با بازاریان آزادیخواه به مبارزه برخاستند و آن را به مژور سالاداتهای روس و با

ایران نداشتند و روابط بازار گانی ایران با بریتانیا بیشتر از طریق کمپانی هند شرقی انجام می‌گرفت که از راه بنادر خلیج فارس کالاهای هندی را با کالاهای ایرانی مبادله می‌کرد. کالاهای انگلیسی به تبعیت از شبکه‌های ارتباطی آن روز از طریق اسلام‌آباد و طرابوزان وارد بازار تبریز می‌شد. بدینگونه تجار انگلیسی که از نیمه قرن سیزدهم راهی ایران شدند تبریز را پایگاه عملیات تجاری خود قرار دادند. از نخستین تاجران انگلیسی که به تجارت با ایران کشیده شدند برادران برجرس (Burgess) (بنامهای چارلز و ادوارد بودند) که در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به تبریز آمدند و راه طرابوزان به تبریز را از روی سوابق راه کهن و معروف ابریشم گشودند.^{۱۶} سپس در سال ۱۲۶۴ هـ / ۱۸۴۸ م شرکت انگلیسی میلز (Mills and Co) که در لندن مستقر از شفشاری برای فروش ۱۰۰ هزار تنگ از دولت ایران دریافت نمود و بر آن بود تا در اصفهان و شیراز نیز شعبه‌هایی تأسیس نماید تا بتواند با تجارت روس در ایران رقابت کند. در همان زمان یک بازار گان انگلیسی به نام الکساندر هکتور (Alexander Hector) که در بغداد مستقر بود مقداری تنگ از دولت ایران فروخت.^{۱۷}

در نیمة دوم قرن سیزدهم شرکت رالی و آنجلاستو (Ralli and Angelasto) که تحت حمایت بریتانیا قرار داشت و بوسیله پنج برادر تاجر پیشه یونانی‌الاصل تأسیس شده بود، بزرگترین و فعالترین تجارتخانه تبریز بشمار می‌آمد. این تجارتخانه به وارد کردن قسمات منجستر و صدور ابریشم گیلان می‌پرداخت تا آنکه پس از بروز بیماری کرم ابریشم در سال ۱۲۸۸ هـ / ۱۸۷۱ م کار خود را تعطیل کرد.^{۱۸}

در اوخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم حدود پانزده شرکت تجاری انگلیسی در ایران فعالیت داشتند. یکم، شرکت هلندی الاصل هاتس و پسر (Hotz and Son) که در دهه ۱۲۷۰ هـ / ۱۸۵۰ م در بوشهر مستقر شد و پس از ثبت شرکت در لندن تحت حمایت بریتانیا قرار گرفت و حدود بیست سال بمواردات و صادرات کالا اشتغال داشت. در آثار عجم آمده است که «تجارتخانه خارجه هاتس معاملاتش فروش اقشہ و امتعه دیگر است. رئیس این اداره دنلاب صاحب است... و وی هالندی است.»^{۱۹} دوم، شرکت زیگلر (Ziegler and Co.) که سویسی‌الاصل بود و فعالیت تجاری خود را از تبریز با واردات قماش منجستر و صادرات ابریشم گیلان در دهه ۱۲۷۰ هـ / ۱۸۵۰ م آغاز نمود و پس از ثبت شرکت در لندن رسمآ تحت حمایت دولت بریتانیا قرار گرفت.^{۲۰} شرکت زیگلر در تهران نیز شعبه داشت و به معامله نقره هم می‌پرداخت. این دو شرکت در اوخر قرن نوزدهم به کار تجارت قالی و توسعه فعالیتی پرداختند که بعداً به تفصیل بیشتر به آن می‌پردازیم.

سوم، شرکت مویر و توییدی (Messrs. Muir, Tweedy, and Co.) که بعداً به شرکت

چهاردهم، شرکت تولیدات صنعتی لودویک رومنک (Ludwig Rubenek) که مرکز آن در مسکو بود و بمواردات چیت گلدار از روسیه اشتغال داشت و جمعاً ۵۳۰۰ عدل چیت گلدار وارد می‌کرد و در مازندران، تبریز، تهران، اصفهان و جنوب ایران بفروش می‌رساند و جمع معاملات سالانه اش به یک میلیون روبل می‌رسید. پانزدهم، تجارتخانه اصلانیاس در تهران که بمواردات شکر و صادرات پوست بر، خشکبار و مانند آن اشتغال داشت و ارزش معاملات سالانه اش به ۸۰۰ هزار روبل می‌رسید. شانزدهم، کمپانی بیمه روسیا (Russia) که در مسکو و تهران شعبه داشت و شعبه داشت. هفدهم، تجارتخانه پروخورف (Prokhorov) که در مسکو و تهران شعبه داشت و بمواردات چیت گلدار و سایر منسوجات کتانی اشتغال داشت و معاملات سالانه اش به هزار عدل پارچه به مبلغ ۳۰۰ هزار روبل بالغ می‌گردید. هجدهم، کمپانی تجاری رزنبلوم (Rosenblum) که در تهران و بارفروش دارای شعبه بود و به کار خرید و صدور پنجه اشتغال داشت. نوزدهم، شرکت صادرات روس که در مسکو و تهران شعبه داشت و بمواردات مصنوعات روسی می‌پرداخت. بیستم، شرکت تجاری پروودنیک (Provodnik) که در تهران، رشت، تبریز، شعبه داشت و بموارد کاردن کالاهای لاستیکی و گالش اشتغال داشت و جمع معاملاتش به ۹۰ هزار روبل در سال می‌رسید. بیست و یکم، تجارتخانه ترمیکر ترشف (Ter Mikirtirshov) که در تربت حیدریه فعالیت داشت. بیست و دوام، تجارتخانه نیکلا آواگینیانس که به صادرات پوست از شیراز اشتغال داشت و بیست و سوم، کمپانی اوسر (Osser) که در بازارفروش به صدور پنجه می‌پرداخت.^{۲۱}

مجموع سرمایه گذاریهای دولت و اتباع روسیه در ایران در حوالی جنگ جهانی اول حدود ۱۷۳ میلیون روبل و اقلام عده آن از اینقار از بود: خطوط تلگرافی یک میلیون روبل، بانک استقراری ایران ۱۱ میلیون روبل، عملیات رهنی ۴۸ میلیون روبل، قرضه سال ۱۳۱۸ هـ / ۱۹۰۰ م مبلغ ۲۲/۵ میلیون روبل، قرضه سال ۱۳۲۰ هـ / ۱۹۰۲ م مبلغ ۱۰ میلیون روبل، قرضه یک کاسه شده در سال ۱۳۲۹ هـ / ۱۹۱۱ مبلغ ۱۲ میلیون روبل، کمپانی راه ازولی ۱۰ میلیون روبل، کمپانی بندر ازولی ۱۳ میلیون روبل، معادن قراچمدادغ ۵۰۰ هزار روبل، شیلات شمال ۱۰ میلیون روبل، کمپانی راه جلفا - تبریز - قزوین ۴ میلیون روبل، حمل نفت ازولی - تهران ۱۰۰ هزار روبل، کمپانی راه آهن جلفا - تبریز - قزوین ۷ میلیون روبل، سهام قرضه ۲۴ میلیون روبل، سهام راه آهن‌های سلزیکی ۲ میلیون روبل، بهره برداری از جنگلها ۵۰۰ هزار روبل، و شرکتهای حمل و نقل دریایی و تجارتخانه‌ها ۲۰ میلیون روبل.^{۲۲}

تاجران انگلیسی تا نیمة دوم قرن سیزدهم هجری قمری چندان رغبتی به معامله تجاری با

می‌کرد، و پانزدهم کمپانی برادران شومان (Schumann) که در ارومیه فعالیت می‌کرد.^{۲۵} گروهی از تجارت‌برجسته و معروف ایران در آن زمان نمایندگی تجاری این شرکتها را داشتند، مانند حاجی عبدالرحیم تاجر شیرازی مدیر کمپانی تجاری فارس که نمایندگی شرکت مویر و توییدی را داشت و یا حاجی میرزا محمود کازرونی بزرگترین تاجر شیراز که عامل شرکت دیوید ساسون بود و یا میرزا محمد صادق دهدشتی تاجر شیرازی که عامل شرکتهای زیگلر و گری پل بوده است. حاجی آقا محمد صدر ملک التجار اصفهانی، ثرومندترین و متقدّرین تاجر اصفهان، شریک و عامل شرکت دیوید ساسون بود و حاجی علی‌اکبر یزدی مشهدی نمایندگی شرکتهای زیگلر و هاتس را داشت.^{۲۶}

یکی از فعالیتهای عمدۀ تجارت‌انگلیسی در دهۀ آخر قرن سیزدهم می‌باشد آنان در تجارت قالی و توسعه قالیابافی در کشور است. سه شرکت انگلیسی در اینکار شرکت داشتند: شرکت زیگلر، شرکت تولید قالی ایران و شرکت تولید قالی شرق. منطقه سلطان‌آباد مرکز فعالیت این شرکها و نخستین منطقۀ توسعه قالیابافی صادراتی کشور در اوآخر قرن سیزدهم بود. در نتیجه فعالیت این شرکتها تعداد دارهای قالی در منطقه از ۴۰ واحد در دهۀ ۱۲۹۰ هق / ۱۸۷۰ ب م به ۳ هزار واحد در دهۀ ۱۳۱۰ هق / ۱۸۹۰ ب م افزایش یافت.

شرکت زیگلر، که از نیمه دوم قرن سیزدهم کار خود را با صادرات ابریشم گیلان آغاز کرده بود پس از بروز بیماری کرم‌ابریشم به کار تجارت قالی روی آورد و برای آنکه بتواند صادرات قالی را وسعت بدهد متوجه نظارت بر تولید قالی به‌منظور حصول اطمینان در مورد کیفیت و کمیت کار و بخصوص تولید قالی چنانکه باب طبع بازارهای اروپا و آمریکا بود گردید و منطقه سلطان‌آباد (اراک) را برای این منظور انتخاب نمود. شرکت زیگلر برای مرکز شرکت، قلعه وسیعی در جنوب شهر برپا کرده و تووانست تا سال ۱۳۱۸ هق / ۱۹۰۰ ب م نظارت ۲۵۰۰ دار قالی را در دست بگیرد. روش کار شرکت آن بود که تهیه نقشه و طرح قالی و رنگ آمیزی و نیز تهیه خامه در محل تجارت‌خانه بعمل می‌آمد و قالی طبق قرارهایی بوسیله زنان در خانه‌ها باقته می‌شد.^{۲۷}

شرکت دیگری که به دنبال زیگلر به سلطان‌آباد شناخت شرکت هاتس و پسر بود که در دهۀ ۱۳۰۰ هق / ۱۸۸۰ ب م شرکتی به نام شرکت تولید قالی ایران (The Persian Carpet Manufacturing Co.) تشکیل داد و با همان سبک و روش کمپانی زیگلر به کار نظارت در تولید، جمع‌آوری و صدور قالی پرداخت.^{۲۸} سومین شرکت انگلیسی که به کار تجارت قالی پرداخت، شرکت تولید قالی شرق بود که در سال ۱۳۲۴ هق / ۱۹۰۶ ب م در لندن از ادغام شش کمپانی که در کار تجارت قالی ترکیه بودند تشکیل گردید و بصورت بزرگترین شرکت

تجارتی خلیج فارس (Persian Gulf Trading Company) تغییر نام داد. این شرکت دارای شعبه در اصفهان و نمایندگی‌هایی در بغداد، بصره، بوشهر، شیراز و تهران بود. چهارم، شرکت گری، پل (Gray, Paul and Co.) که از سال ۱۲۸۳ هق / ۱۸۶۶ ب م در بوشهر استقرار یافته و نقش عمده‌ای در توسعه تجارت در جنوب و جنوب غربی کشور در این دوران ایفا نموده است. این شرکت وابسته به شرکت گری، داوز (Gray, Dawes and Co.) که نمایندگی تجارت و کشتیرانی لندن را داشت وابسته بود و در بوشهر و سایر بنادر خلیج فارس نماینده شرکت کشتیرانی تجاري هند بریتانیا بود (The British India Steam Navigation Co.). این شرکت در سال ۱۲۸۸ هق / ۱۸۷۱ ب م برای نخستین بار پیشنهاد کشتیرانی کارون را به دولت بریتانیا و نایب‌السلطنه هند ارائه نمود. این شرکت تا بهار از به نام شرکت گری، مکنزی (Gray, Mackenzie) در ایران فعالیت دارد.^{۲۹}

پنجم، شرکت هیلدر برانت استیونس و پسر (Hild. B. Stevens and Son). هیلدر برانت فعالیت خود را ابتداء در سال ۱۲۹۲ هق / ۱۸۷۵ ب م در شرکت زیگلر آغاز نمود و سپس تجارت‌خانه مذکور را که از بزرگترین واحدهای بازار گانی آن زمان بشمار می‌آمد در تبریز تأسیس کرد و با زیگلر برقابت پرداخت. این شرکت یک واحد معتبر بازار گانی بود و فعالیت آن تا سال ۱۳۵۳ هق / ۱۹۳۴ ب م ادامه داشت.^{۳۰} ششم، شرکت دیوید ساسون (Messrs. D. Sassoon and Co) که به تجارت خارجی و واردات و صادرات میان بریتانیا و ایران و بخصوص صادرات تریاک اشتغال داشت و در شهرهای بوشهر و اصفهان دارای نمایندگان تجارتی بود.^{۳۱} هفتم، برادران لینچ (Lynch Brothers) که از سال ۱۲۵۷ هق / ۱۸۴۱ ب م در بغداد مستقر بود و نخستین کشتی راهنمگام افتتاح کارون در سال ۱۳۰۶ هق / ۱۸۸۸ ب م وارد عمل کرد و با حمایت بریتانیا سرویس منظم کشتیرانی بین مُحمره و اهواز و شوشتار برقرار نمود. در سال ۱۳۱۶ هق / ۱۸۹۸ ب م راهی به طول ۲۷۰ مایل بین اهواز و اصفهان ساخت که به راه لینچ معروف بود. این شرکت در مُحمره (خرمشهر)، اهواز، دزفول و شوشتار دارای شعبه بود و تا سال ۱۳۸۰ هق / ۱۹۶۰ ب م در ایران فعالیت داشت.^{۳۲}

هشتم، شرکت لیوینگستن (Livingston) که در بندرعباس، بندرلنگه و بندر بوشهر فعالیت داشت. نهم، تجارت‌خانه ملکم (Malcolm) که در بنادر جنوب فعالیت داشت. دهم، کمپانی دیکسن (Dixon) که در لندن، منچستر، بوشهر و اصفهان شعبه و نمایندگی داشت. یازدهم، تجارت‌خانه سایکس (Sykes) که در منچستر و در کرمانشاه فعالیت داشت. دوازدهم، کمپانی فوربس (Forbes) که در لندن و مشهد فعالیت می‌کرد. سیزدهم، کمپانی لویید اسکات (L. Scott) در مُحمره. چهاردهم، شرکت هودز (Hoods) که در لندن، منچستر و تهران فعالیت

پولی و نیز تمايل همسایگان شمالی و جنوبی به حمایت از اتباع تجارت پیشنهاد خود و تثبیت موقعیت اقتصادی خویش در ایران، سبب تأسیس و گسترش یک بانک انگلیسی و یک بانک روسی در دهه اول این قرن گردید. لرد کرزن در سال ۱۳۰۹ هـ / ۱۸۹۲ م در باب لزوم ایجاد بانکداری بهشیوه جدید، چند دلیل اساسی می‌آورد: ناسامانی نظام پولی کشور، نوسانات شدید اسعار خارجی، کمیابی پول در بازار مبادلات، توزیع نامتعادل فلزات گرانها، هزینه گزاف حمل سکه، دشواریهای عظیم در ارسال پول، اسعار خارجی و فلزات قیمتی بهارویا و شیوع ریاخواری با بهره‌های بسیار سنگین.^{۲۲}

سالها پیش از تأسیس بانکهای روسی و انگلیسی در ایران، ناصرالدین شاه که اوصاف مؤسسه‌های بانکی در مغرب زمین و نقش آنها را در رشد و توسعه بازار گانی کشورهای اروپایی شنیده بود، بدستیاری یک بانک بهشیوه فرنگی تمايل پیدا کرده بود. از این‌زمان در سال ۱۲۸۰ هـ / ۱۸۶۳ ب م که میرزا محمود خان ناصرالملک و حسنعلی‌خان، وزرای مختار ایران در لندن و پاریس مشغول مذاکراتی با سرمایه‌گذاران غربی برای تأسیس راه‌آهن در ایران بودند موضوع تأسیس بانک را نیز دنبال می‌کردند. بدنبال ابراز علاقه وزرای مختار ایران چند پیشنهاد از سوی سرمایه‌گذاران غربی برای تأسیس بانک داده شد که از آنجمله پیشنهاد زان سوالان (Jean Savalan) فرانسوی بود که به نمایندگی از سوی گروهی از سرمایه‌داران و صرافان بزرگ فرانسه در ماه رمضان سال ۱۲۸۱ هـ / ۱۸۶۴ ب م پیشنهادی برای تأسیس یک بانک با سرمایه ۲۰ میلیون لیره انگلیسی بدولت ایران داد و خود برای پیگیری امر به تهران آمد. لکن باوجود اینکه ناصرالدین شاه با پیشنهاد مذکور موافقت داشت جانب احتیاط پیش گرفت و از امضای آن خودداری کرد. حال آنکه براساس قرارنامه تنظیمی، این بانک کامل‌زیر نظارت دولت ایران قرار می‌گرفت و به نیروهای استعماری که در ایران منافع تجاری و سیاسی داشتند، وابسته نبود و شاید بهمین دلیل هم کارش بجا نرسید.^{۲۳}

نخستین بانک اروپایی که در ایران شعبی دایر کرد، بانک جدید شرق (The New Oriental Banking Corporation) بود. این بانک بدون آنکه استیازی دریافت دارد و با قرارنامه خاصی با دولت ایران به امضارساند در سال ۱۳۰۵ هـ / ۱۸۸۸ ب م شعبی در تهران، مشهد، تبریز، رشت، اصفهان، شیراز و بوشهر دایر کرد و در مدت دو سال که به فعالیتهای پولی و بانکی اشتغال داشت با استقبال صاحبان سرمایه و نقدینه از یکسو و بارقابت شدید صرافان ایرانی از دیگر سوی روپرتو گردید. «بانک جدید شرق با توانی به عملیاتی که در تاریخ صرافی ایران بی سابقه بود، برقابت (با صرافان ایرانی) پرداخت و مؤسسه‌ای بزرگ ایرانی نیز که تا آن زمان بین خود رقابت داشتند، برای مقابله با وضع متفق گردیده، اشکالاتی در کار بانک

درآمد. در کتاب تاریخ عراق آمده است که «دویم تجارتخانه معتری که بساط معامله خرید قالی را در عراق برپا کرد کمبانی معروف به ازmir با شرق پهشراکت انگلیسیها و عثمانیها به یک سرمایه خیلی عمدۀ در سال [۱۳۲۴ هـ.] در عراق ایجاد شد... عمدۀ تجارت اینها به اسلامبول و آمریکا است. دستگاه تجارت این کمبانی هنوز خیلی معتری و موجود است.^{۲۴}

انگلیسیها گذشته از تجارت و شرکت‌های تجارتی خود، از تجارت‌هندی نیز برای انجام دادن عملیات بازرگانی و بسط نفوذ بریتانیا در ایالات جنوبی و شرقی کشور استفاده می‌کردند. این تجارت در کرمان، شیراز، بزد و برخی شهرهای دیگر فعالیت داشتند. مثلاً براساس یک گزارش کنسولی از کرمان عده‌ای تجارت‌هندی که نماینده تجارت‌هندی شکرپور بودند و تقریباً تمام واردات از هند را در اختیار خود داشتند و به عملیات صرافی و مرابحه کاری نیز اشتغال داشتند فعالیت می‌کردند.^{۲۵} جز این افراد عده‌ای از تجارت‌معتر ایرانی نیز بخطاب نایمنی شدید داخلی و برای تأمین حمایت بریتانیا به تبعیت یا تاخت‌الحمایگی این دولت در می‌آمدند. از آنجمله اند حاج عبدالکریم و حاجی محمد قوام التجار، تاجران مشهده‌ی که از معتران و بزرگان مشهده بوده و تابعیت بریتانیا را داشته‌اند. همچنین حاجی میرزا محمود مشکی از تجارت‌معتر و متقدّ اصفهان که تحت‌الحمایه انگلیس بوده است.^{۲۶} سبب عمدۀ تحت‌الحمایگی تجارت ایرانی نایمنی شدیدی بود که اعمال قدرت دلخواهی عمال دیوانی برای آنان پذیده می‌آورد، جنانکه حاجی‌بابا صاحب از تجارت‌معتر بوشهر که دارای چندین کشتی بازرگانی نیز بوده است بسبب اعمال فشار حکام فارس و بوشهر به تابعیت انگلیس در می‌آید.^{۲۷}

مجموع سرمایه گذاری انگلیسیان در ایران در سالهای جنگ جهانی اول نزدیک به ۹/۷ میلیون لیره استرلینگ و اقلام عمدۀ آن از اینقرار بود: اداره تلگراف هند و اروپا ۲۷۵ هزار لیره، کمبانی تلگراف هند و اروپا ۵۰ هزار لیره، بانک شاهنشاهی ایران یک میلیون لیره، قرضه سال ۱۳۲۹ هـ / ۱۹۰۴ ب م حدود ۳۱۴ هزار لیره؛ قرضه سال ۱۳۲۹ هـ / ۱۹۱۱ ب م مبلغ ۱/۲۵ میلیون لیره؛ مساعدة سال ۱۳۳۰ هـ / ۱۹۱۲ ب م مبلغ ۱۴۰ هزار لیره؛ کمبانی حمل و نقل ایران (برادران بنج) ۱۰۰ هزار لیره؛ شرکت نفت ایران و انگلیس حدود ۲/۷ میلیون لیره؛ سندیکای راه‌آهن‌های ایران ۳ میلیون لیره؛ کمبانی زیگلر ۲۰۰ هزار لیره؛ شرکت ۲۰۰ هزار لیره؛ خطوط کشتیرانی و مؤسسه‌تجاری ۴۰۰ هزار لیره.^{۲۸}

بانکهای خارجی در ایران

میادلات بازرگانی خارجی در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری گسترش میادلات بازرگانی خارجی در اوایل قرن چهاردهم هجری قمری و دشواریهای بازرگانی غربی بخصوص تجارت انگلیسی در زمینه امور بانکی و مبادلات

اعطا گردید. بر اساس مفاد «امتیاز نامچه»، بانک شاهنشاهی ایران دارای امتیاز انحصاری نشر اسکناس در کشور بود و علاوه بر عملیات متدال صرآنی می‌توانست به کارهای تجاری و صنعتی و معدن نیز مبادرت ورزد و امتیاز انحصاری استخراج و بهره‌برداری از معادن آهن، سرب، جیوه، زغال‌سنگ، نفت، مانگانز وغیره را (به استثنای طلا و نقره و احجار کریمه) در اختیار داشت.^{۳۸} بانک شاهنشاهی بلا فاصله کار خود را آغاز کرد و فعالیتهای خود را با سرعت گسترش داد و گذشته از تهران که مرکز شرکت بود، در شهرهای آبادان، اهواز، بوشهر، زاهدان، اصفهان، کرمانشاه، خرم‌شهر، شیراز، اراک، یزد، بیرجند، بند عباس، بروجرد، دزفول، شوشتر، مسجد سلیمان، کرمان، زابل، تبریز، رشت، پهلوی، قزوین و بابل بدایر کردن شعبه دست یافت.^{۳۹}

بانک شاهنشاهی ایران گذشته از نشر اسکناس و سلطه بر بازار بول کشور، در تجارت خارجی نیز نقش عمده‌ای داشت و پس از چندی بر بازار مبادله اسعار خارجی سلطه کامل پیدا کرد و عملأ صرآفان ایرانی را از میدان رقابت بدر کرد. گذشته از آن بانک شاهنشاهی عامل مؤثری در گسترش فعالیت بازرگانان انگلیسی و حفظ منافع آنان در ایران بود.^{۴۰} با آنکه فعالیت منظم بانک و بخصوص کارداری مدیران بانک (رابینزون‌شیندلر) سبب جلب اعتماد عمومی به بانک شاهنشاهی گردید، لکن سلطه بانک بر بازار پولی کشور و دشواریهایی که غالباً تجار و صرآفان ایرانی در معاملات خود با بانک داشتند سبب ایجاد نفرت در آنان نیز گردید. چنانکه مأمور سیاسی انگلستان در گزارشی که هنگام شورش تنبکو می‌دهد اظهار می‌دارد که نفرت بازاریان شیراز بیش از آنکه متوجه امتیاز تنبکو باشد معطوف به فعالیتهای بانک شاهنشاهی است. وی در گزارش خود می‌افزاید که:

«بازرگانان که از بانک شاهنشاهی بسیار ناراضی هستند، شرکتی برای تأسیس یک بانک با ۴۰۰۰ سهم هر سهمی بالغ بر ۲۵ تومان تشکیل داده‌اند این اقدام چند روز دیگر تکمیل خواهد شد. به این معنی که تجار از بانک شاهنشاهی نه برای خواهند خرید و نه برای خواهند فروخت.^{۴۱}

گذشته از جنبه‌های اقتصادی موضوع، از نظر سیاسی نیز بانک شاهنشاهی با ایجاد ارتباط با رجال سیاسی کشور از طریق اعطای وامهای مدت‌دار به تحکیم سلطه سیاسی بریتانیا در ایران مدد می‌رساند.

یک سال پس از اعطای امتیاز بانک برویتر، یکی از اتباع دولت روسیه به نام لازار پولیاکوف (L.Poliakov) در سال ۱۳۰۷ هق / ۱۸۹۰ ب م با حمایت پرنس دالگوروکی وزیر مختار روسیه در تهران، امتیازنامه انجمن استقراری ایران «را که در سال ۱۳۰۹ هق / ۱۸۹۲

(خاصة در تبریز) فراهم می‌نمودند.»^{۴۲} رقابت صرآفان ایرانی با بانک جدید شرق، مقدمات آشنایی آنان را با فنون جدید بانکداری فراهم می‌ساخت و فرست مناسبی برای رشد و توسعه درون‌زای بانکداری از بطن بانکداری سنتی بوجود می‌آورد. لکن یک سال پس از تأسیس بانک جدید شرق، رقیب نیرومندی به نام بانک شاهنشاهی ایران با به عنصره فعالیت گذارد و کلیه تأسیسات بانک جدید شرق را خریداری نمود و موانع اساسی در راه رشد و توسعه درون‌زای بانکداری جدید در ایران فراهم آورد.

بانک شاهنشاهی ایران بر اساس امتیازی که در سال ۱۳۰۶ هق / ۱۸۸۹ ب م با حمایت کامل در اموند ول夫 و زیر مختار بریتانیا در تهران و امین السلطان صدر اعظم مقنن ناصر الدین شاه، بارون ژولیوس دورویتر اعطای شد، تأسیس گردید. رویتر در سال ۱۲۸۹ هق / ۱۸۷۷ ب م نیز موفق به دریافت امتیاز بسیار گسترده‌ای که بخش بزرگی از منابع زیرزمینی و فعالیتهای بازرگانی کشور را در بر می‌گرفت، شدید بود.^{۴۳} این امتیاز که در محاذل اقتصادی و سیاسی اروپا با شکفتی بسیار تلقی شده بود، موجب نگرانی عمیق همسایه شمالی گردید و سرانجام بدنبال تحریکات سفارت روس در تهران و مخالفت روحانیون و گروهی از رجال کشور از سوی ناصر الدین شاه لغو گردید. لکن رویتر دنبال کار را رها نمی‌کرد و همواره مدعی خسارات وارد برخود بود تا آنکه با اعزام سردار اموند ول夫 به تهران که از دوستان وی بود و نفوذ زیادی در امین السلطان داشت، در سال ۱۳۰۶ هق / ۱۸۸۹ ب م دوباره ادعاهای خود را مطرح ساخت. ناصر الدین شاه که عازم سفر دیگری به فرنگستان بود به مسوسة امین السلطان با انعقاد قرارداد بانک شاهنشاهی ایران که شامل تأسیس بانک و بهره‌برداری از برخی معادن کشور (از جمله منابع نفتی) بود، موافق ناصر الدین شاه با انعقاد این قرارداد چند سبب داشت: یکم، فشار شدید سیاسی از سوی مقامات انگلیسی و نیز حصول اطمینان از اینکه روسها مخالفت جدی با انعقاد این قرارداد ندارند (شاید از علل عدم تساهل روسها این بود که آنها نیز خود در فکر تأسیس یک بانک دولتی در ایران بودند); دوم، نیاز فوری و مبرم ناصر الدین شاه به فراهم ساختن بول لازم برای سفر قریب الوقوع به فرنگستان، چنانکه قرار شد مبلغ ۴۰ هزار لیره با بهره صدی شش به مدت ده سال از بانک وام گرفته شود و بانک آن را از محل عواید دولت ایران تسویه نماید؛ سوم، رهایی از مطالبات و دعاوی و مزاحمت‌های مداوم رویتر؛ چهارم، نیاز مبرم شاه و خزانه دولت به عواید جدید؛ سرانجام، پنجم، تمايل ناصر الدین شاه به تأسیس بانک بشیوه جدید در ایران که از سال‌ها قبل فکر آن را در بدینگونه اجازه انحصاری تأسیس بانک شاهنشاهی ایران به مدت ثبت سال به رویتر

می شد برگزیدند و در سال ۱۳۱۳ هق/ ۱۸۹۶ ب م کارخانه تصفیه روغن رو دبار را تأسیس نمودند. ماشین آلات این کارخانه از انگلستان وارد شد و ماشینهای سنگین و دستگاههای پرس را از راه سفید رود به محل کارخانه حمل نمودند.^{۴۶} کلیه محصولات این کارخانه به رویه صادر می شد و از همین رو پس از افزایش عوارض گمرکی در روسیه برای روغن زیتون از ۴۰ کپک برای هر پود بهمراه روبل و ۲۰ کپک و برای زیتون از ۲۰ کپک به چهار روبل و ۵۰ کپک شرکت زیتون رو دبار قادر به ادامه کار نشد و سرانجام کارخانه را تعطیل نمود و ماشین آلات آن بدون مصرف ماند.^{۴۷}

در سال ۱۳۰۸ هق/ ۱۸۹۱ ب م به تشویق امین‌الدوله یک شرکت روسی به نام شرکت صنعتی و تجاری ایران به ریاست پولیاکوف (Poliakov) ۲۰ هزار لیره برای تأسیس یک کارخانه کبریت‌سازی در خلازیر (خرازین) در نزدیکی زرگنده که ملک امین‌الدوله بود سرمایه‌گذاری کرد، لکن چون «خلاصیر آن مقدار چوب بعمل نمی‌آورد که کفاف کارخانه را بدهد» و نیز بخاطر آنکه توانست با کبریت اتریش و سوئد رفایت نماید، بسته شد.^{۴۸} همزمان با تأسیس این کارخانه مهندس لوتنین (Leontin)، مدیر کارخانه در محله اروپایی شیخ‌تهران کارگاهی برای تهیه قوطی کبریت تأسیس نمود. در این کارگاه منحصر آکارگران یهودی که غالباً دختر بودند کار می‌کردند. پس از تعطیل کارخانه کبریت‌سازی این کارگاه نیز تعطیل گردید.^{۴۹}

در سال ۱۳۱۳ هق/ ۱۸۹۶ ب م کمپانی بلژیکی موسوم به «کمپانی بلژیکی قندسازی ایران» به تشویق امین‌الدوله و با واسطه وزیر مختار بلژیک در تهران با سرمایه بزرگی به ایران آمد و در زمستان همان سال شروع به چغندر کاری در املاک امین‌الدوله واقع در کهریزک نمود و اقدام به تأسیس کارخانه تصفیه چغندر در همان محل کرد. به گفته ریتیچ (P. Rittich) کمپانی بلژیکی قطعه زمین بسیار وسیعی در کهریزک تملک نموده و در آنها بنای بزرگ سنگی با سله سالان بسیار وسیع ساخته و قریب ۵۰ موتور کاملاً جدید که بوسیله دینامو کار می‌کند در آن نصب نموده است. همچنین چهار ساختمان دیگر نیز برپا داشته‌اند که سه واحد آن مسکونی و یک واحد اختصاص به آزمایشگاه داشته است. بیشتر کهای برای شخص زمینهای چغندر کاری ۱۰۰ دستگاه گاو آهن از اروپا وارد می‌کنند و بلاعوض در اختیار زارعین قرار می‌دهند، لکن زارعان از آنها استفاده نمی‌کنند. کارخانه در سال اوّل ۱۶۰ هزار و در سال دوم ۲۴۰ هزار و در سال سوم ۳۰۰ هزار من شاهی چغندر مصرف نمود.^{۵۰} بعلت آنکه کارخانه تازه تأسیس شده بود، از نظر مرغوبیت نمی‌توانست با قند روسی رقابت کند و از این جهت بهای آن از قند روسی ارزان‌تر بود، با اینهمه روسها که صادر کننده عده‌قند به ایالات

ب م بانک استقراضی ایران^{۵۱} نامیده شد، برای مدت ۷۵ سال بدبست آورد. این بانک در سال ۱۳۱۱ هق/ ۱۸۹۴ ب م رسماً به بانک دولتی بطریبورگ واگذار شد و عمل‌آذیر نظر وزارت دارایی روسیه در آمد.^{۵۲} بانک استقراضی ایران در تهران و ایالات شمالی کشور فعالیت گسترده‌ای داشت و در سال ۱۳۳۲ هق/ ۱۹۱۴ ب م در تهران، استرآباد، مشهد، رشت و تبریز شعبه داشت و در بار فروش کاشان، نیشابور، قزوین، بندگز، اصفهان، قوچان، سبزوار، محمدآباد، ارومیه، همدان، بیرجند و ارزلی عامل داشت. در خود روسیه در نیژنی نووگورود شعبه تأسیس کرد و در مسکو، باکو، عنق آباد و مرو باجه داشت. در جلفا و آستانه باجه تأسیس کرد و در کرمانشاه، مازندران، خراسان، سیستان، تربت و شیراز کارگزار داشت.^{۵۳}

فعالیتهای اساسی بانک استقراضی روس از اینقرار بود: یکم، اعطای وام به رجال کشور بهمنظور تحکیم سلطه سیاسی امپراتوری تزارها در ایران، چنانکه محمد علی جمالزاده در این باره می‌گوید: در سال ۱۳۳۲ هق/ ۱۹۱۴ ب م «علمون گردید که از ۳۰ میلیون منات سرمایه اولیه بانک، فقط سه میلیون منات در صندوقهای آن باقی مانده و بقیه در محلهای بسی اعتبار در قرض اعیان و تجارت و علمای ایرانی بود».^{۵۴} دوم، انجام دادن عملیات بانکی و تجارتی بهمنظور تسهیل و توسعه روابط تجاری میان روسیه و ایران در زمینه ترویج بازار کالاهای روسی و تهیه مواد مورد نیاز آن کشور از ایران. سوم، انجام دادن فعالیتهای مربوط به بیمه و حمل و نقل و نیز سپرستی و اجرای امتیاز شوسه کردن راههای شمال، چهارم، واسطه دریافت و باز پرداخت وامهای که دولت ایران از دولت روسیه دریافت می‌کرد. پنجم، رقابت با بانک شاهنشاهی ایران و در صورت لزوم ایجاد کارشناسی در پیشبرد مقاصد رقبای انگلیسی.

سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع

سرمایه‌گذاران غربی که ابتدا برای فعالیتهای بازارگانی به ایران روی آوردند بودند از اوایل قرن چهاردهم به سرمایه‌گذاری صنعتی در کشور ما علاقه پیدا کرده و کار خود را رفته‌رفته گسترش دادند. در این میان سرمایه‌گذاران روسی و یا تاختت‌الحمایگان آنان سهم عمده‌ای در سرمایه‌گذاری خارجی داشتند.

یکی از نخستین سرمایه‌گذاریهای نسبتاً پراهمیت در این دوران، سرمایه‌گذاری در روغن زیتون رو دبار بود. در سال ۱۳۰۷ هق/ ۱۸۹۰ ب م دو تاجر یونانی به نامهای کوسویس و ثوفیلاکتوس که تحت حمایت دولت روسیه تزاری بودند، امتیاز گردآوری و تصفیه زیتون گیلان را برای مدت ۲۵ سال از ناصر الدین شاه گرفتند.^{۵۵} آنگاه کارشناسی برای یافتن بهترین روش روغن‌گیری بهاروپا گسیل داشتند و سرانجام روشی را که در کارخانه‌های مارسیل عمل

۱۸۸۹/ ب م همزمان با دریافت امتیاز بهره‌برداری از منابع زیستون گیلان، قرارداد دیگری با دولت ایران بهمنظور بهره‌برداری از جنگلهای گیلان و مازندران منعقد شد. برطبق این قرارداد امتیاز انحصاری قطع و صدور سالانه ۱۰۰ هزار درخت شمشاد و سرو از جنگلهای گیلان و مازندران در برای سالی ۵ هزار تومان به شرکت مذکور اعطای گردید. این شرکت بلافاصله دست به غارت منابع جنگلی شمال زد و توانت سرمایه‌شرکت را در حدود سال ۱۳۲۰ هق/ ۱۹۰۲ ب م به ۵۰۰ هزار روبل افزایش دهد. حدود امتیاز این شرکت در سال ۱۳۱۷ هق/ ۱۸۹۹ ب م وسیعتر گردید و برای ۸ سال دیگر تمدید شد.^{۵۲}

چند نفر دیگر از اتباع روس نیز در این دوران به اجاره و غارت جنگلها مشغول بودند که از آنجلمه‌اند هیبت زیتل اف از اهالی لنگران در ناحیه اردبیل، نقی اف و مایکووف ملیونرهای بادکوبه‌ای در جنگلهای گیلان، مرابعه کار روسی تسارف در مازندران، مانگویی که امتیاز درختهای بلوط جنگلی تنکابن را برای تهیه چلیک نفت بدست آورده بود و اولين کف که امتیاز جنگلهای مجاور رشت را داشت. ضمناً یک کارخانه تخته‌بری که متعلق به اتباع روس بوده است در سالهای نزدیک به جنگ جهانی در ارومیه تأسیس می‌شود.^{۵۳}

با اینهمه مهمترین مؤسسه بهره‌برداری از جنگلهای شمال به خشتاریا تعلق داشت. خشتاریا که سرباغبان املاک یکی از شاهزادگان روسی در سواحل بحر اسود بود و سرمایه کافی نداشت، بهیاری نکراسف (Nekrassov) کنسول روس در رشت در سال ۱۳۲۹ هق/ ۱۹۱۱ ب م امتیازات عمده‌ای برای بهره‌برداری از جنگلهای طالش بدست آورد و در مدت کوتاهی سرمایه بزرگی فراهم نمود. وی در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ هق، قراردادی با خوانین گیلان برای بهره‌برداری از ۱۵ هزار دستain از جنگلهای طالش منعقد شد و در سال ۱۳۲۹ از سه نفر از ملاکین طالش قطعه جنگلی به مساحت هفت هزار دستain اجاره کرد. وی پس از مدتی کوشش یک نفر تاجر روسی به نام اولين کوف را با سرمایه ۱۳۰ هزار روبل وارد کار کرد و شرکت صنایع چوب ایران و روس را در سال ۱۳۳۰ هق تشکیل داد. خشتاریا هم صاحب سهم، و هم مدیر عامل شرکت بود. شاهزاده تومانف ویک و کیل دادگستری، لیانوزوف و حمید یک ذوالقدر از جمله سرمایه‌گذاران در این شرکت بودند. این شرکت از جنگلهای طالش بهره‌برداری می‌کرد و محصولات خود را در محل و در خارجه به فروش می‌رساند. شرکت دارای کارخانه‌های جوب‌بری و برق، راه‌آهن و راههای فرعی و بندر و سایر تأسیسات بود.^{۵۴}

نیکیتن از اعضای کنسولگری روس در رشت می‌گوید خشتاریا «عمارت مجللی به سبک کاخهای ایواندار هندی در جزیره میان پنهان ساخته که شبها در نور الکتریک غرق بود و در

شمالی ایران بودند موقتاً بهای قدر ارزان کردند تا آنکه کارخانه قدر ارزان درآوردند. گذشته از آن تهیه چندر ببهای مناسب نیز در محل ناحدی دشوار بود چنانکه به گفته مخبر السلطنه «در کهربایزک چندر آنقدرها نبود و چون دهات اطراف دور بود چندر زیاد کرایه بر می‌داشت و با وجود گمرک صد پنج قند به قیمت تمام نمی‌شد، کارخانه خواهد بود»^{۵۵} گسترش سریع صادرات پنبه به روسیه و لزوم پاک کردن پنبه صادراتی، سبب سرمایه‌گذاری عده‌ای از اتباع روس در این رشته گردید. در حدود سال ۱۳۲۰ هق/ ۱۹۰۲ ب م آدام اوسر (Adam Osset)، با گدانیانس و پانیانس سه کارخانه پنبه پاک کنی در بار فروش تأسیس کردند. یکی دیگر از اتباع روس به نام صادق علیوف که از اهالی ماوراء قفقاز بود در ساری کارخانه پنبه پاک کنی تأسیس کرد. آدام اوسر یک کارخانه نیز در اشرف (بهشهر) تأسیس نمود. در بندرگز کاراپتیان و بطریوسیان دو کارخانه تأسیس کردند. دو کارخانه دیگر نیز در آمل و بارفروش (در سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۴ هق.) و دو کارخانه در میان آباد و یک کارخانه در جوین تأسیس شده است که از تابعیت و نام صاحبان آنها اطلاعی در دست نیست، لکن با احتمال زیاد باید آنها نیز از اتباع روسیه باشند. این کارخانه‌ها که بطور کلی در تملک سرمایه‌داران غیر ایرانی قرار داشتند علاوه بر سودی که از خرید پنبه به قیمت ارزان و از استثمار کارگران بدست می‌آوردند همه ساله از راه تقلب در وزن کردن، از ۷ الی ۱۲ هزار پود پنبه تمیز بر ایشان باقی می‌ماند.

در اوخر سال ۱۳۲۲ هق/ ۱۹۰۴ ب م با کمک بانک استقراضی روس نشیه‌ای برای ایجاد «شرک سهامی پنبه پاک کنی» در ایران طراحی کردند تا به گردآوری، پاک کردن و بسته بندی پنبه پردازد، در سال ۱۳۲۳ هق/ ۱۹۰۵ ب م مؤسسه آخناریانس و شرکا، کارخانه‌ای با موتور نفتی یا ۲۶ قوه اسب در نیشابور تأسیس کرد. در سال ۱۳۲۴ هق/ ۱۹۰۶ ب م تریکوچ در همان ناحیه کارخانه دیگر نفتی یا ۲۵ قوه اسب بیریا تأسیس. در سال ۱۳۲۳ هق/ ۱۹۰۵ ب م علیوف در این ناحیه یک کارخانه نفتی یا ۱۶ قوه اسب دایر نمود. در سال ۱۳۲۸ هق/ ۱۹۱۰ ب م تریکوچ یک کارخانه دیگر که با موتور نفتی کار می‌کرد و ۵۰ قوه اسب نیرو داشت دایر نمود که از بهترین کارخانه‌های پنبه پاک کنی شمار می‌آمد. در سال ۱۳۲۹ هق/ ۱۹۱۱ ب م نیز در بندرگز دو کارخانه پنبه پاک کنی دایر بود که یکی از آنها احتمالاً در سال ۱۳۲۵ هق/ ۱۹۱۷ ب م بیریا شده بود. پژنانسکی نیز در نیشابور یک کارخانه پنبه پاک کنی دایر کرده بود.^{۵۶}

از اوایل قرن کوئی سرمایه‌داران روسی به جنگلهای گیلان و مازندران روی آوردند و به غارت منابع طبیعی شمال پرداختند. تجارتخانه کوئیس و ثوفیلاکتوس در سال ۱۳۰۷ هق

بلورسازی در ایران کارخانه‌ای تأسیس نمود که پس از مدتی از کار افتاد و از میان رفت.^{۶۰} در سال ۱۳۱۸ هق / ۱۹۰۰ ب م محمد اف که تبعه روسیه بود یک کارخانه دخانیات در مشهد دایر کرد. در بهار سال ۱۳۲۱ هق / ۱۹۱۲ ب م ترکیگوریان از اتباع روس اوّلین کارخانه آسیاب بخاری را با ظرفیت تولیدی ۸ پود آرد در ساعت در قزوین دایر کرد. در سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۳ هق، چندین مؤسسه کوچک صنعتی که متعلق به اتباع روسیه بود در خراسان فعالیت داشتند. از جمله سه مؤسسه روسی در نیشابور فعالیت داشتند که یکی از آنها به شخصی موسوم به پژنانسکی از اهالی لودز تعلق داشت. در سال ۱۳۲۱ هق کارخانه‌ای متعلق به خلفیان آغاز به کار کرد و در سال ۱۳۲۴ هق / ۱۹۱۶ ب م کارخانه‌ای متعلق به آروتوینان و شرکا دایر بود. همچنین چند نفر دیگر از اتباع روس در این دوره در خراسان دارای تأسیسات کوچک صنعتی بوده‌اند. در دوره جنگ جهانی اوّل برخی از سرمایه‌داران روسی در صدد ایجاد کارخانه‌های مشروبات الکلی در ایران بودند، مثلاً شخصی بنام، سیتوستف (Sitostov) و چند نفر دیگر در سال ۱۳۲۲ هق / ۱۹۱۴ ب م در صدد تأسیس یک کارخانه تقطیر الکل بوده‌اند و در ارومیه نیز یک شرکت روسی برای تصفیه الکل تشکیل گردید.^{۶۱}

در غالب موارد بنگاههای سرمایه‌داری بزرگ، دارای برخی فعالیتهای صنعتی جنبی با نکیلی بوده‌اند. مثلاً در اوایل قرن کنونی وقتی روسها در شمال امتیاز ساختن راه شوسه را تحصیل نمودند، در رشت کارگاههایی برای تعمیر آلات کار، ساختن چرخهای دستی و ابزار بسیار ساده و نیز یک کارگاه کوچک تخته‌بری تأسیس کردند. در این کارگاههای استگاه آهنگری با دو کوره و آلات تراش آهن و پنج کوره قابل حمل صحرایی نصب شده بود که همیشه سه نفر صنعتگر در آن مشغول بکار بودند. در کارگاه سراجی یک نفر استاد و در قسمت درودگری هشت نفر سرگرم بودند.^{۶۲}

آلمانیها در آستانه جنگ بین الملل اوّل متوجه ایران شدند و عده‌ای از سرمایه‌داران آلمانی با حمایت و تشویق دولت آلمان در تبریز و ارومیه سرمایه‌گذاری کردند. در سال ۱۳۲۸ هق / ۱۹۱۰ ب م یک کارگاه بزرگ مونتاژ در تبریز دایر کردند که شامل شعبه‌های چلنگری، درودگری، اره‌کشی، غله‌باق‌کنی، آسیاب و آهنگری بود و تمام دستگاهها بوسیله ماشین بخار مرکزی، دارای سی قوه اسب حرکت می‌کردند و دیگر بخار کارخانه با زغال‌سنگ گرم می‌شد، لکن پس از مدتی این کارخانه تعطیل شد. آلمانیها یک کارگاه بزرگ قالی‌بافی نیز با شعبه‌های پشم‌باق‌کنی و تهیه رنگ نیز در تبریز تأسیس نمودند. در آستانه جنگ اوّل آلمانیها یک کارخانه آجرسازی و یک کارخانه آسیاب بخاری نیز در ارومیه تأسیس نموده بودند. شاهزاده امام قلی‌میرزا که از هواداران آلمانیها بود با شینومان (Shineuman) فرادری برای

پهلوی آن کارخانه اره‌کشی بنا کرده بود تا چوبهای جنگلی طالش را در آن آماده کنند.^{۶۳} وی یک کارخانه نیز در طالش با شش دستگاه ماشین بخار به قدرت ۱۶۵ اسب تأسیس کرده بود. ضمناً شرکت دارای کارخانه برق با کابل سیم زیرآبی در ارزلی و غازیان بود که نفر کارگر داشت. خشتاریا همچنین دارای امتیاز حمل و نقل با اتومبیل هم بود و گاراز بسیار بزرگی در غازیان بنا کرده بود. راه‌آهن نیز در کنار دریا به طول دوازده کیلومتر بین رشت و پیرسازار احداث کرده بود که کارگاهی نیز در جنوب تأسیسات آن قرار داشت. سرمایه شرکت خشتاریا در سال ۱۳۲۵ هق / ۱۹۱۷ ب م به حدود ۲۰ میلیون روبل افزایش یافته بود.^{۶۴}

در اوایل قرن کنونی هجری قمری بمدتبال رشد شتابان نفوذ سرمایه خارجی در ایران برخی از صنایع تکمیلی در ایران بوجود آمد که وابسته به صنایع بزرگ در کشور مبدأ بودند. مثلاً در ارزلی پنج کارخانه کوچک تصفیه نفت بوسیله اهالی محل و نیز مهاجران قفقازی تأسیس گردید. صاحبان کارخانه‌ها نفت خام را از بادکوبه وارد می‌کردند و پس از تصفیه با سود زیاد آن را عرضه می‌کردند. برگترین این کارخانه‌ها به یک نفر ارمنی تبعه روسیه به نام ساتورووف تعلق داشت. محصول این کارخانه‌ها در شباه روز به ۲۴۰۰ پسod می‌رسید. در بارفروش و مشهدسر نیز کارخانه‌های به‌ظرفیت ۲۵ پود و ۱۵۰ تا ۲۰۰ پود دایر بود.

شرکت نوبل که قسمت عمده صنایع نفت بادکوبه را در اختیار داشت، در آستانه انقلاب مشروطیت به شمال ایران علاقمند شد و پس از تهیه مقدمات کار در سال ۱۳۲۶ هق / ۱۹۰۸ ب م بطور آزمایشی ابزارهای نفتی برادران علیوف را در ارزلی و رشت اجرا کرد. این شرکت رفته رفته عملیات خود را توسعه داد و دو ابزار بزرگ در ارزلی و رشت و لوله برای نفت سفید به طول ۱۶ و رست ساخت. در تابستان سال ۱۳۲۲ هق / ۱۹۱۴ ب م این شرکت دارای هفت ابزار نفت کاملاً مجهز بود و شبکه کاملی برای توزیع نفت ترتیب داده بود. از سوی دیگر دو نفر از اتباع روس به نامهای حبیب‌الله‌یف و ستار اووف در آستانه ای ایران صاحب مخزنها بزرگ نفت خام و نفت سفید بودند که از فروش آن در اردبیل و تبریز سود کلی می‌برند و در آستانه کارگاههایی برای ساختن بیت نفت آهنی و صندوق چوبی برای حمل نفت سفید دایر کرده بودند. برادران رمضان اوف نیز در ارزلی و رشت ابزارهای بزرگ و کارگاه تهیه محفظه‌های چوبی و سایر لوازم برپا کرده بودند.^{۶۵}

صنایع دیگر نیز از سوی سرمایه‌گذاران خارجی در ایران تأسیس شده است که از این قرارند: یک کارخانه ابریشم تابی در برکاده نزدیک رشت با سرمایه روسها و بوسیله آقامحمد حسن رشتی که در اوایل دهه ۱۳۰۰ هق / ۱۸۸۲ ب م تأسیس یافت، لکن به ملاحظات سیاسی و سوداداره پس از جندي تعطیل شد.^{۶۶} در سال ۱۳۰۹ هق / ۱۸۹۱ ب م کمپانی بلزیکی

واگذار گردید و در سال ۱۳۳۵ هق/ ۱۹۱۷ بم با صرف ۱۶ میلیون روبل طلا آساده بهره‌برداری شد. طول این راه با خط فرعی صوفیان - شرفخانه حدود ۱۰۰ کیلومتر بود و دارای ۱۱ استگاه اصلی و ۱۲ استگاه کوچک بود. وسایل حمل و نقل شامل ۱۰ واگن باری، ۱۳۲ واگن روباز باری، ۱۲ مخزن، ۲۰ واگن مسافری، ۲ واگن بهداری، یک واگن بوفه برای کارمندان و یک واگن کارگاهی بود. این مؤسسه دارای کارگاههایی مجهر و دستگاههای جدید موتوری و آهن تراشی و چرخسازی و غیره بود.

دومین خط آهن نسبتاً قابل ملاحظه در این دوران راه آهن ماکو بود که در سال ۱۳۳۵ هق/ ۱۹۱۷ بم آماده بهره‌برداری شد و شاه تختی، ماکو، بازیزد و قره‌کلیسا را بهم متصل می‌کرد. طول این راه آهن حدود ۱۲۰ کیلومتر بود که حدود ۱۰ کیلومتر آن از ایران عبور می‌کرد. راه آهن عمده دیگر، راه آهن میر جاوه - زاهدان بوده است که در سال ۱۳۳۶ هق/ ۱۹۱۸ بم با ۱۵۰ کیلومتر بوسیله انگلیسیها ساخته شد. این راه آهن نیز دارای کارگاههای فنی آهنگری، تراش چرخ، درودگری و غیره بود.^{۶۴}

در این میان اعطای امتیاز بهره‌برداری از شیلات شمال بدیکی از اتباع روسیه تزاری و اعطای امتیاز اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی جنوب کشور به اتباع انگلیس، از اهم و قایع مربوط به سرمایه‌گذاری خارجیها در صنایع بشرمار می‌آمد.

امتیاز بهره‌برداری از شیلات شمال در سال ۱۲۹۳ هق/ ۱۸۷۶ بم به لیانازو夫 بازار گان تبعه روسیه و اگذار شد و چند بار تا انقلاب اکبر ۱۹۱۷ تمدید گردید. لیانازو夫 تأسیسات وسیعی در سراسر سواحل شمال برپا کرد که شامل کشتیهای مجهر، سرداخانه، کارگاههای دود دادن و نمک زدن ماهی، واحدهای مسکونی، ابشارها، تأسیسات اداری، راه، کارخانهای برق و تأسیسات دیگر بود. شرکت لیانازو夫 با غارت ماهی شمال سود سرشاری بددست می‌آورد، چنانکه تنها در قره‌سو در سال ۱۳۳۲ هق/ ۱۹۱۴ بم ۳۰۰ هزار بود ماهی و بلا (Vobla) صید کرد و ۵۱۰ هزار روبل سود خالص برد. در آمد وی از تمام نواحی شیلات بالغ بر چند میلیون روبل می‌گردید.^{۶۵}

در سال ۱۳۱۹ هق/ ۱۹۰۲ بم ویلیام نوکس دارسی، امتیازی برای اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفت ایران بجز منابع نفتی شمال کشور به مدت ۶۰ سال بددست آورد. پس از اکتشافات نخستین، شرکت نفت ایران و انگلیس در سال ۱۳۲۷ هق/ ۱۹۰۹ بم تشکیل گردید و عملیات اکتشاف و استخراج و تصفیه نفت بسرعت گسترش یافت. به گفته مصطفی فانع «توسعه عملیات بین سالهای ۱۳۲۶ - ۱۳۲۴ هق/ ۱۹۱۴ و ۱۹۰۸ هق/ ۱۹۰۰ بم با سرعت هر چه تمامتر پیشرفت داشت. تا سال ۱۳۳۲ هق/ ۱۹۱۴ بم سی حلقه چاه در مسجد سلیمان حفر

ساختن کشتنی در دریای ارومیه امضا نمود و بیعانه‌ای بمبلغ ۹ هزار تومان پرداخت کرد. آلمانیها سعی داشتند بوسیله این کارگاهها و نیز کارخانه رستندگی قزوین که بوسیله آنان اداره می‌شد، نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در آذربایجان گسترش دهند و از این‌رو سعی داشتند تا تجاری محل را در تمام این کارگاهها سهیم نمایند. طبق گزارش کنسول روس در تبریز در سال ۱۳۳۲ هق/ ۱۹۱۴ بم مؤسسات آلمانی به این شرح از دولت آلمان کمک مالی می‌گرفتند: کارگاه قالي ۱۰ هزار پوند استرلینگ، کارخانه قزوین ۲ هزار پوند، کارگاه نجاری هزار پوند. گذشته از آن هر یک از اتباع آلمان نیز مساعدۀ تقاضی از دولت دریافت می‌داشتند. در نتیجه این فعالیتها تعداد اتباع آلمان در تبریز از چند نفر در سال ۱۳۲۷ هق/ ۱۹۰۹ بم به ۶۰ نفر در سال ۱۳۳۱ هق/ ۱۹۱۳ بم افزایش یافت.

در سال ۱۳۲۴ هق/ ۱۹۰۶ بم صنعت دوله که ریاست مجلس را بر عهده داشت، امتیاز ساختن کارخانه ماهوت سازی با حق مشارکت خارجیها و نیز حق واگذاری امتیاز به خارجیها را بددست آورد؛ لکن چون خود دارای امکانات مالی لازم نبود با میسیون دیبلوماتیک آلمان در تهران وارد مذاکره شد تا سرمایه‌داران آلمانی را برای ساختن این کارخانه جلب نماید. بطوریکه اوستروگرادسکی (Ostrogradski) در تلگرام خود یادآور شده آلمانیها نسبت به این امتیاز نه چندان از نظر تجاری بلکه از نظر سیاسی علاقه نشان می‌دهند و آن را عنوان جاپانی برای وارد شدن به فعالیتهای اقتصادی و صنعتی در ایران در نظر می‌آورند. لکن این طرح بعلت دخالت و مخالفت روسها عقبی می‌ماند.^{۶۶}

همزمان با دوران انقلاب مشروطیت و در دهه پس از آن، سرمایه‌داران خارجی بیش از پیش متوجه کشور می‌شدند و به سرمایه‌گذاریهای بزرگ دست زدند. سرمایه‌گذاریهای بزرگ خارجی در این دوران شامل اکتشاف، بهره‌برداری و تصفیه نفت، بهره‌برداری از شیلات شمال و نیز تأسیس چند رشته راه آهن در خاک کشور است.

یک دیگر از سرمایه‌گذاریهای خارجیها و بخصوص روسها در ایران مربوط به تأسیسات راه آهن است که بخصوص در آن زمان نوعی سرمایه‌گذاری صنعتی بشرمار می‌آمد. اولين راه آهن در ایران در سال ۱۲۰۳ هق/ ۱۸۸۶ بم در تهران تأسیس شد. شرکت روسی و بلژیکی پلیاکف امتیاز راه آهن حضرت عبدالعظیم و اگن اسپی نهران را دریافت نمودند و با ۵ میلیون فرانک سرمایه حدود ۱۰ کیلومتر راه آهن میان نهران و حضرت عبدالعظیم و چند کیلومتر راه و اگن اسپی در تهران ساختند.

همترین خط آهن ایران در این دوران خط جلفا - تبریز بود که امتیاز تأسیس و بهره‌برداری از آن در سال ۱۳۳۱ هق/ ۱۹۱۳ بم به مدت ۲۵ سال به بانک استقراضی روس

ارتباطی لازم در کشور ما شد و تنها چند رشته راه در حوزه‌های نفوذ این دو قدرت استعماری احداث گردید. توسعه نیافتن شبکه‌های ارتباطی بنوبه خود از موانع اساسی رشد و توسعه اقتصادی در کشور بود.

هشتم اینکه، تأسیس و گسترش فعالیتهای بانک شاهنشاهی ایران و بانک استقراری روس، که بر بازار بول کشور تسلط کامل داشتند، نه تنها موجب تحکیم و ثبات نفوذ استعماری همسایگان شمالی و جنوبی در کشور ما گردید، بلکه موانع اساسی در راه توسعه درون‌زای بانکداری نوین از بطن بانکداری سنتی پدید آورد.

سرانجام مجموعه این عوامل در شرایط نیمه استعماری سبب انحراف در مسیر نوسازی جامعه ایرانی شد و موانع اساسی در راه رشد و توسعه مطلوب اقتصادی و اجتماعی در جامعه ما را فراهم ساخت.

حوالی:

۱ - برای آگاهی از متن عهدنامه‌ای گلستان و ترکمان چای نگاه کنید به: میرزا محمد تقی سپهر (السان الملک). ناسخ التواریخ. ج ۱ (تاریخ قاجاریه) تهران: چاپ سنگی، ۱۲۷۳. حق. برای آگاهی از قراردادهای بازارگانی سایر کشورهای غربی که با استفاده از شرایط دول کاملهای از مقررات بازرگانی و نیز مقررات قضائی و کنسولی قرارداد ترکمان چای سود برده‌اند، نگاه کنید به: رحیم‌زاده صفوی. ایران اقتصادی. نهران: ۱۲۰۸، ص ۱۰۶-۱۲۴؛ همچنین نگاه کنید به: ماروین انتن. روابط بازرگانی ایران و روسیه ۱۹۱۳-۱۸۲۸. ترجمه عطاء‌الله نوریان. نهران: انتشارات دانشکده اقتصاد، ۱۲۵۱، ص ۲۴۴.

۲ - برای تحقیق جالبی در زمینه روابطهای سیاسی روس و انگلیس در ایران نگاه کنید به: R. Greaves. *Persia and the Defence of India*. London: The Athlone Press, 1959.

۳ - فهرست زمانی قرارنامه‌ها و امتیازنامه‌ای که بادولت یا با اتباع رویه منعقد گردیده در فصل ۳۰ کتاب بولهم لین ذکر شده که خلاصه آن در کتاب عیساوی نیز آمده است:

Charles Issawi. *The Economic History of Iran, 1800-1914*. Chicago: The University of Chicago Press, 1971, p.360.

برای آگاهی بیشتر از این امتیازات رجوع کنید به:

گنج شایگان. ص ۱۰۱-۱۰۷؛ عصر بی‌خبری ص ۲۲۷-۴۰۹.

۴ - برای آگاهی از فهرست زمانی امتیازات نگاه کنید به فصل ۱۶ کتاب بولهم لین که در کتاب عیساوی ص ۳۵۸-۳۵۹ نیز نقل گردیده است. برای تفصیل نگاه کنید به: گنج شایگان. ص ۱۰۷-۱۱۵؛ عصر بی‌خبری. ص ۸-۲۲۶ و ۴۰۹-۲۶۵؛ فیروز کاظم‌زاده. روس و انگلیس در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران: کتابهای جی، ۱۳۵۴.

گردید و خانه‌هایی برای کارکنان نفت ساخته شد و خطوط لوله به چاههای نفت و صل گردید و آب خوراکی از رود کارون با لوله آورده شد و کارخانه تعمیر و اپبار ملزمات و بیمارستان و درمانگاه و باشگاه و غیره بنا گردید. یک خط لوله از مسجد سلیمان به آبادان کشیده شد که در سال ۱۳۳۱ هـ/ ۱۹۱۲ م ب اتمام رسید... و می‌توانست سالی چهارصد هزار تن نفت از مسجد سلیمان به آبادان حمل کند. چهار ایستگاه تلمبه... ایجاد گشت که فشار کافی ایجاد کرده نفت را به آبادان می‌رساند.^{۶۶}

ساختن پالایشگاهی در آبادان که در سال ۱۳۳۰ هـ/ ۱۹۱۲ م آغاز گردید، سه سال بعد خاتمه یافت. ابتدا ظرفیت آن پالایشگاه سالی ۱۲۰ هزار تن بود که بتدريج توسعه یافت. بدینگونه فعالیت سرمایه‌داران غربی در ایران دارای چند مشخصه عمده بود: یکم اینکه، سلطه اقتصادی در شرایط نیمه استعماری بیشتر معطوف به اهداف سیاسی همسایگان شمالی و جنوبی بود. بدین معنی که علاوه‌قدرتهاست از استعماری در نیمه دوم قرن نوزدهم، هم منافع اقتصادی با سود و سپس با پیدا شدن و گسترش بازار جهانی در نیمه دوم قرن نوزدهم، هم منافع سیاسی موردن توجه خاص قرار گرفت و هم اینکه گسترش فعالیتهای اقتصادی بعنوان وسیله‌ای برای تحکیم و ثبات موقعیت سیاسی در نظر آمد.

دوم اینکه، در شرایط نیمه استعماری که در این دوران شکل گرفت سرمایه‌داران روسی و انگلیسی در کشور ما فعالیت داشتند و از این‌رو کوشش‌های دیگر سرمایه‌داران غربی مانند سرمایه‌داران آلمانی بلژیکی و فرانسوی بسیار محدود و ناموفق بود.

سوم اینکه، تا اواخر این دوره، یعنی تا دران جنگ جهانی اول، فعالیت سرمایه‌داران غربی بیشتر معطوف به تجارت خارجی بود تا به سرمایه‌گذاریهای صنعتی و تنها در اوخر این دوران بود که فعالیتهای صنعتی آنان تا حدی گسترش پیدا کرد.

چهارم اینکه، بخاطر مشارکت فعال تجارت ایرانی، سرمایه‌داران غربی هرگز در امر مبادرات خارجی سلطه کامل پیدا نکردند.

پنجم اینکه، فعالیت سرمایه‌گذاران انگلیسی در این دوران محدود به امور تجاری و بانکی بود و تنها در اوخر این دوران با سرمایه‌گذاری در صنعت نفت وارد فعالیتهای صنعتی، آنهم تنها در یک رشته خاص گردیدند. حال آنکه سرمایه‌داران روسی بطور نسبی در فعالیتهای صنعتی نیز مشارکت داشتند.

ششم اینکه، فعالیت سرمایه‌داران خارجی در امور صنعتی، بجز صنعت نفت و شیلات، بگونه‌ای بود که سرمایه‌داران ایرانی نیز توانایی انجام دادن آن را داشتند.

هفتم اینکه، شرایط نیمه استعماری و رقابت روس و انگلیس مانع رشد و توسعه شبکه‌های

۴۶ - ص ۳۲۴، ۱۳۹۵، به گفته نویسنده این اثر، سه شرکت دیگر اروپایی نیز در اوایل قرن کنونی در کار تجارت قالی سلطان آباد دست داشته‌اند. بکی تجارتخانه آلمانی، دیگری تجارتخانه آمریکایی سرباکان و سرانجام شرکت ایتالیایی کاساطلی و برادران برای بررسی مفصل توسعهٔ قالی‌افی ایران نگاه کنید به اثر ادوارد رکه خود نسماینده شرکت تولید قالی شرق در ایران بوده است.

C. Edwards. *The Persian Carpet*. London: Gerald Duckworth and Co., 1960.

۲۰ - نگاه کنید به:

Great Britain Parliament. *House of Commons, Sessional Papers*. Persia, "Report for the Year 1904-05 on the Trade of the Kerman Consular District", London 1905, cd. 2236-118, Vol. LXXXI, p. 7.

۲۱ - نگاه کنید به گزارش پیکر. ص ۹۱ و ۹۸ همچنین نگاه کنید به این مقاله:

Ann Lambton. "The Case of Hajji Abd al-Karim: A Study on the Role of the Merchants in Mid-nineteenth-Century Persia." in G.E. Bosworth ed. *Iran and Islam*. Edinburgh: Edinburgh University Press, 1977, pp. 331-360

۲۲ - گزارش میرزا تقی خان حکیم‌باشی به ظل السلطان. اسناد تسویه‌اته، ص ۱۰۴، ۱۱۵، همچنین نگاه کنید به همان مقاله لبتن در باره حاج عبدالکریم.

۲۳ - فصل ۲۱ از کتاب ویلهلم لبتن که در کتاب عیساوی ص ۳۶۱ نیز نقل شده است.

۲۴ - جرج کرز، ایران و قضیة ایران. ترجمهٔ محمد مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ ۱۳۴۹، ۱۳۵۱، ص ۶۱۴-۶۱۳؛ همچنین نگاه کنید به مقالهٔ رابینو، نخستین رئیس بانک شاهنشاهی ایران، دربارهٔ بانکداری در ایران: J. Rabino. "Banking in Persia." London: The Institute of Bankers, 1891.

۲۵ - برای آگاهی از متن و صورت قرارنامهٔ بانک مذکور رجوع کنید به ابراهیم تیموری. عصر بی خبری. ص ۱۷۹ - ۱۸۲

۲۶ - تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران. ص ۲۱

۲۷ - برای اطلاع از متن امتیازنامهٔ نگاه کنید به: عصر بی خبری. ص ۱۱۲ - ۱۱۰؛ برای آگاهی از متن انگلیسی امتیازنامه و مکاتبات معترمانه دربارهٔ آن نگاه کنید به این مأخذ از مجموعهٔ اسناد وزارت خارجهٔ انگلستان: Great Britain, FO/881 Persia, Correspondence Respecting the Reuter and Falkenhagen Concessions, 1872-75, Confidential, 2710.

۲۸ - برای آگاهی از متن «امتیازنامهٔ بانک شاهنشاهی ایران» رجوع کنید به: عصر بی خبری. ص ۱۹۹-۱۹۱؛ همچنین نگاه کنید به: روس و انگلیس در ایران. ص ۲۰۰-۱۹۰؛ برای آگاهی از برحی مکاتبات مهم دربارهٔ جریان اعطای امتیاز و نیز موافقت ضمنی پرنس دالگورکی نگاه کنید به اسناد زیر: FO/539, Vol. 40, pp. 181, 183, 186, 187, 190, 194; Vol. 41, pp. 13, 36, 38, 54, 106, 182, 192; VOL. 42, pp. 11, 13.

۲۹ - تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران. ص ۴۲

۴۰ - در گزارشهای سال ۱۸۹۹ و ۱۹۰۴ هیئت مدیرهٔ بانک به مجمع عمومی توسعهٔ تجارت انگلیس در ایران از رظایف عمدهٔ بانک عنوان شده است. به نقل از تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران. ص ۴۲

۴۱ - نگاه کنید به نیکی کدی تحریر نشایکو در ایران ترجمهٔ شاهرخ فائز مقامی. تهران: کتابهای جی، ص ۸۳

۵ - نگاه کنید به:

Denis Wright. *The English Amongst the Persians, During the Qajar Period, 1787-1921*. London: Heinemann, 1977. p. 97.

۶ - آثار عجم. ص ۵۰-۴: همچنین نگاه کنید به گزارش پیکر:

H.Picot. *Biographical Notices of Members of the Royal Family, Notables, Merchants, and Clergy*. Fo/881, Confidential, 7028, December, 1897, p. 72.

۷ - ابراهیم فخرابی. گیلان در جشن مشروطیت. تهران: جی، ۱۳۵۲، ص ۲۱۴.

۸ - گزارش پیکر. ص ۱۰۸: عباس‌میرزا مملک آرا سرخ حال. به کوشش عبدالحسین نوابی. تهران: بابک، ص ۱۶۴.

۹ - ادوارد براؤن. نامه‌هایی از تبریز. ترجمهٔ حسن جوادی. تهران: خوارزمی، ۱۳۵۱، ص ۱۸۷؛ گیلان در جشن

مشروطیت. ص ۲۳۸ و ۲۴۸؛ خاطرات و سفرنامهٔ نیکتن. ص ۸۶ و ۱۱۲.

۱۰ - نامه‌هایی از تبریز. ص ۱۸۷.

۱۱ - «واقع مشهد» ضمیمهٔ مشروطهٔ گیلان. به کوشش محمد روشن. رشت: کتابفروشی طاعنی، ۱۳۵۲، ص ۱۴۵.

۱۲ - گیلان در جشن مشروطیت. ص ۱۹۷.

۱۳ - حمل العین. سال ۱۲۲۵ هـ. ق. شمارهٔ ۲۰ ص ۱.

۱۴ - فهرست شرکت‌های روسی از فصل ۲۹ کتاب ویلهلم لبتن گرفته شده است که در کتاب عیساوی. ص ۳۶۰.

۱۵ - کتاب عیساوی. ص ۳۶۱.

۱۶ - نگاه کنید به:

Charles Stuart. *Journal of a Residence in Northern Persia and The Adjacent Provinces of Turkey*. London: R.Bentley 1854, p. 225.

۱۷ - کتاب Wright. ص ۹۷.

۱۸ - همان کتاب. ص ۹۹-۹۸.

۱۹ - آثار عجم. ص ۵۳۹.

۲۰ - کتاب Wright. ص ۹۹ - ۱۰۰.

۲۱ - همان کتاب. ص ۱۰۱-۱۰۰.

۲۲ - همان کتاب. ص ۱۰۰.

۲۲ - کتاب Curzon. ج ۲. ص ۵۷۳.

۲۴ - همان کتاب. ج ۲. ص ۵۷۳.

۲۵ - نگاه کنید به کتاب عیساوی. ص ۲۵۹.

۲۶ - گزارش پیکر. ص ۹۰، ۹۱، ۷۲ و ۸۴.

۲۷ - ابراهیم دهگان. تاریخ اراک. اراک: ۱۳۲۰، قسمت دوم، ص ۱۶۸-۱۶۶؛ همچنین نگاه کنید به این کتاب.

H. J. Whigham, H.J. *The Persian Problem*. London: C.Scribner and Sons, 1903, P. 290.

۲۸ - نگاه کنید به کتاب Wright. ص ۹۹.

۲۹ - رضا و کیلی طباطبایی بزدی (حاج میرزا رضاحان). «تاریخ عراق عجم». فرهنگ ایران زمین. ج ۲، سال

فصل سوم :

رشد سرمایه‌داری تجاری در وضعیت نیمه‌استعماری

ظهور تجارت بزرگ

پیدایش و استقرار وضعیت نیمه‌استعماری و واستگی اقتصاد کشور به بازارهای جهانی، همراه با رشد مداوم و شتابان بازارگانی خارجی در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری، نه تنها تجارت و سرمایه‌داران خارجی را به بازارهای بکر و قابل توسعه ایران جلب کرد، بلکه تجارت ایرانی رانیز که در گذشته بیشتر در بازارهای محدود محلی فعالیت داشتند، بحرکت آورد و به گسترش فعالیتهای خود واداشت. در این میان تجارت و شرکتهای تجارتی خارجی در بحرکت درآوردن چرخهای بازارگانی خارجی که بتویه خود نیازمند دگرگونیها و همسازیهایی در اقتصاد سنتی جامعه ایرانی بود، تأثیر زیادی داشتند و در واقع نقش محرك و نمونه و المgor برای تجارت ایرانی ایفا می‌کردند. چنانکه گسترش بازارهای فروش مواد خام، مانند تریاک و پنبه و ابریشم از سوی تجارت خارجی، تجارت صاحب سرمایه ایرانی را به گردآوری و صدور این محصولات تشویق نمود. از سوی دیگر واردات مصنوعات غربی و بخصوص واردات قماش و منسوجات نسخی از بریتانیا و افزایش و گسترش علاوه مردم به مصرف این کالاهای که به کوشش تجارت انگلیسی تحقق یافته بود، راه کار را به تجارت ایرانی نشان داد و آنان را به اختصاص درآمدهای ارزی حاصله از صدور مواد خام برای واردات اینگونه کالاهای ترغیب و تشویق نمود. لکن چنانکه خواهیم دید وضعیت نیمه‌استعماری و واستگی به اقتصاد جهانی مانع رشد سرمایه‌داری صنعتی در کشور ما گردید و کوششهای سرمایه‌داران ایرانی را در این زمینه عقیم گذاشت. خلاصه آنکه رشد شتابان و بی‌سابقه مبادلات بازارگانی خارجی همراه با تأسیس شعب بانک شاهنشاهی ایران بوسیله انگلیسیها در تهران و شهرهای دیگر و نیز تأسیس بانک استقراری ایران بوسیله روسها و دایر نمودن نمایندگیهای تجارتی شرکتهای خارجی و حضور تجارت خارجی و از دیدار رفت‌آمد خارجیها به کشور ما، زمینه مساعدی برای رشد فعالیتهای بازارگانی، تراکم سرمایه در میان

۴۲ - برای آگاهی از متن امتیازنامه بانک استقراری رجوع کنید به کتاب عصر بی خبری ص ۳۳۷-۳۴۷؛
همچنین نگاه کنید به: کتاب روس و انگلیس در ایران، ص ۲۵۵-۲۶۲؛ و کتاب روابط بازارگانی ایران و روسیه، ص ۷۰-۰۵

۴۳ - همان کتاب، ص ۵۷.

۴۴ - گنج شایگان، ص ۱۰۴.

۴۵ - برای متن فرارداد نگاه کنید به: ابراهیم تموری، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران: اقبال، ۱۳۳۲، ص ۳۲۴-۳۲۵.

۴۶ - نگاه کنید بعدو گزارش زیر درباره زیتون گیلان:

Great Britain Parliament. *House of Commons, Sessional Papers. Persia, «Report on the Cultivation of Olives in Northern Persia.» London: 1890-91, Vol. LXXXIV, cd. 6206-11, pp. 1-3; and «Report on the Cultivation of Olives in the Districts of Ghilan», London: 1897, Vol LXXXVIII, cd. 8278-6, pp. 1-4.*

۴۷ - کتاب عبدالله‌یف، ص ۱۳۱.

۴۸ - مهدیقلی هدایت، گزارش، تهران: جاپ سنگی، ۱۳۲۲ ۵ ق، ص ۱۲۸؛ گنج شایگان، ص ۹۴

۴۹ - کتاب عبدالله‌یف، ص ۱۲۹.

۵۰ - همان، ص ۱۳۰.

۵۱ - گزارش هدایت، ص ۱۲۸.

۵۲ - کتاب عبدالله‌یف، ص ۱۳۶ و ۱۴۱؛ گنج شایگان، ص ۹۵.

۵۳ - کتاب عبدالله‌یف، ص ۱۳۱.

۵۴ - همان، ص ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۵۴.

۵۵ - نیکتین، خاطرات و سفرنامه ترجمه ع. فرهادی، تهران: معرفت، ۱۳۲۶، ص ۱۰۷-۱۰۸؛ کتاب عبدالله‌یف، ص ۱۵۶-۱۵۷.

۵۶ - نیکتین، خاطرات و سفرنامه، ص ۱۰۵.

۵۷ - همان کتاب، ص ۱۰۶.

۵۸ - کتاب عبدالله‌یف، ص ۱۳۱، ۱۴۲.

۵۹ - گنج شایگان، ص ۹۴.

۶۰ - همان کتاب، ص ۹۳.

۶۱ - کتاب عبدالله‌یف، ص ۱۰۳-۱۰۴.

۶۲ - همان، ص ۱۳۲.

۶۳ - نگاه کنید به: عصر بی خبری، ص ۱۵۰-۱۵۱.

۶۴ - نگاه کنید به: عصر بی خبری، ص ۲۹۶-۳۰۵.

۶۵ - نگاه کنید به: نگاه کنید به: روابط بازارگانی ایران و روسیه، ص ۲۷۴-۲۷۵.

۶۶ - مصطفی فاتح، بنجاه سال نفت ایران، تهران: انتشارات جهر، ۱۳۳۵، ص ۲۵۰-۲۵۸.

ملک التجار اصفهان (۴۰۰ هزار تومان)، برادران آرزومنیان (۳۰۰ هزار تومان)، مشهدی محمد آقا کمپانی و شرکت آرامیان (هر کدام ۲۰۰ هزار تومان)، حاجی علی اکبر شیرازی و حاجی محمد علی کاشانی داماد امین‌الضرب (هر کدام ۱۵۰ هزار تومان)، حاجی آقا محمد فروینی و آقا محمد صادق فروینی تجارت اصفهانی (۱۴۰ هزار تومان)، عبدالباقي و محمد امین ارباب، حاجی عبدالرضا اسکویی، حاجی عبدالباقی فروینی، حاجی شکرالله و برادران کوزه کشانی (هر کدام ۱۰۰ هزار تومان). هفت نفر از تجارت از ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان و ۲۰ نفر از تجارت هر کدام از ۱۰ تا ۴۰ هزار تومان سرمایه داشته‌اند. از معارف تجارتی که بعد از گروه اخیر تعلق داشته‌اند حاجی محمد تقی شاهروانی، حاج محمد اسماعیل مغازه، حاجی میرزا محمد مشکی، حاجی عبدالحسین کاشانی و میرزا حبیب‌الله کاشانی و پسرش میرزا اسدالله رامی نوان نام برد.

در فارستنامه ناصری، دامنه فعالیت تجارت بین‌المللی با عباراتی بدینگونه تصویر شده است: «حاجی میرزا ابوالقاسم چندین سال در بندر هنگان چین رحل اقامت افکند و باعث رواج معامله و تجارت تریاک ایرانی گردید و عمارتی مخصوص برای فروش تریاک در آن بندر ساخته».^۲ یا آنکه «حاجی میرزا محمد تاجر شیرازی در زمان زندگانیش جز صیت سوداگری او را کسی نشید و جز کاروان تجارت او را کسی ندید، عامل و گماشته‌گانش از حدود چن تا اقصی بلاد فرنگستان پراکنده بودند».^۳ یا آنکه «حاجی محمد هاشم خان تاجر نمازی شیرازی سالها در بندر بمبای مشغول تجارت بود، و در بیشتر از بلاد هندوستان و ایران عامل و وکیل برای رواج تجارت خود می‌داشت و سالها به بریاست تجارت ایرانی ساکن بمبای برقرار بود».^۴ یا آنکه «حاجی میرزا محمد علی ساکن بندر هنگان چین گشته تجارت ایرانی عموم تریاک اصفهان و بزد و فارس را به حواله او روانه چین نمایند».^۵ یا آنکه «حاجی زین‌العابدین امین التجار مدتها در بندر بمبای برای تجارت رحل اقامت بینداخت و صیت تجارت شبه‌اقصی بلاد رسیده رجوع معامله تجارت مالک را با خود بدانست».^۶ چنانکه گفتم گذشته از تجارت این پنج شهر بزرگ، تجارت معتبری که دارای تجارت بین‌الملل بودند در شهرهای رشت، کرمانشاهان، همدان، بزد، کرمان و کاشان و شهرهای دیگر نیز فعالیت داشتند. مثلاً در کرمان حاجی محمد

علی امین‌الرعا، حاجی آقا حسین، آقا مهدی تاجر تبریزی مشهور به عمومی، حاجی ملا غلامحسین و حاجی محمد تقی و حاجی محمد باقر تاجران بزدی از بزرگان تجارت بشمار می‌آمدند. در کاشان نیز چند تاجر معتبر فعالیت داشتند از جمله حاجی سید اسدالله لا جوردی، حاجی محمد حسن امین التجار و امین‌الرعا و حاجی محمد حسن ملک التجار و «حاجی محمد باقر و حاجی یوسف و حاجی محمد حسن و حاجی شریف که صاحب دو کرور

تجارت بزرگ و نیز برخورد فرهنگی میان تجارت ایرانی و همتأهای خارجی آنان پدید آورد. بدینگونه اوایل قرن کوتني شاهد ظهور تئی چند از تجارت بر جسته و صاحب سرمایه در ایران گردید که رونق کار خود را مدیون گسترش بازارگانی خارجی و ادغام بازارهای محدود محلی در بازار جهانی بودند. یکی از بزرگترین سرمایه‌داران این دوران حاج محمد حسن امین‌الضرب و فرزندش حاج محمد حسن امین‌الضرب بودند. مجموع دارایی‌ی غیر منقول و املاک و اراضی و سرمایه تجارتی امین‌الضرب و فرزندش حاج محمد حسن در اوایل قرن کوتني هجری قمری به چند میلیون تومان تخمین می‌شود که در آن زمان رقم قابل ملاحظه‌ای شمار می‌آمد و آنان را در رده ثروتمندترین خانواده‌های کشور قرار می‌داد. گستره فعالیت آنان از واردات و صادرات گرفته تا سرمایه‌گذاری در صنایع جدید و معادن، راهسازی و احداث راه‌آهن را دربر می‌گرفت. حاج محمد حسن و حاج محمد حسن امین‌الضرب، به شهادت آرشیو عظیمی که از آنان بر جای مانده است، با غالب شهرهای بزرگ دادوستد تجارتی برقرار کرده و شرکا و نمایندگی داشته و در رویسه و اروپا دارای نمایندگی تجارتی بوده‌اند. امین‌الضرب در شهرهای قاهره و بیروت که به آنجا تباکو صادر می‌کرد نماینده داشت. وی به رویسه ابریشم، بشم و محصولات دیگر صادر می‌کرد و در مسکو که دارای زمین و مستغلات بود، نماینده تجارتی داشت. وی با ادسا، استرخان و قسطنطینیه از طریق طرابوزان تجارت وسیعی داشت و در هر یک از شهرهای مذکور دارای نماینده تجارتی متفقی بود. امین‌الضرب یک کارخانه ابریشم‌کشی نیز در کالاز در نزدیکی مارسیل داشت.^۷

فهرستی که از مشخصات عمومی ۷۴ نفر از تجارت عمده و یا تجارت‌تخانه‌ای معتبر کشور در دهه دوم قرن چهاردهم هجری قمری در دست است، میزان سرمایه در گردش ۴۲ نفر از آنان را بدست می‌دهد.^{*} ثروتمندترین و معتبرترین تجارت این زمان حاج محمد حسن امین‌الضرب و برادران تومانیانس هستند که سرمایه‌های کدام از آنان از دو تا سه میلیون تومان تخمین شده است. دارایی سیزده تن از تجارت‌تخانه‌ها از ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان برآورد شده است که عبارتند از حاجی محمد کاظم، ملک التجار دارالخلافه (۵۰۰ هزار تومان)، حاجی آقا محمد،

* این فهرست حاوی اسامی و منحصرات ۷۸ تاجر تهرانی، ۱۵ تاجر اصفهانی، ۱۱ تاجر تبریزی و ۱۰ تاجر مشهدی است. باید توجه داشت که این شهرها همترین شهرهای تجارتی کشور در این دوران بوده و قسم اعظم مبادلات بین‌الملل از طریق تجارت این ۵ شهر عمده انجام می‌گرفته است. بدینهی است که شهرهای دیگر مانند بزد، کاشان، کرمانشاهان، همدان و رشت و بازگردن نیز در تجارت بین‌الملل دست داشته‌اند ولی سهم آنان کمتر از سهم پنج شهر مذکور بوده است: نگاه کنید به گزارش پیکر، ص ۹۰، ۹۷ – ۹۱.

پس از مدتی کوتاه مورد ثنوق و اعتماد کامل بازار گانان خارجی و ایرانی قرار گرفت و شهرت زیادی به مردانه.^{۱۶} هفتم، شرکت مسعودیه اصفهان که در حدود سال ۱۳۱۶ هـ / ۱۸۹۸ بـ م به اهتمام حاج محمد حسین کازرونی و با مشارکت حاجی آقا محمد قزوینی و آقامحمد صادق قزوینی صراف، حاجی محمد علی تبریزی، حاجی محمد مهدی سمسار، و حاجی محمد صالح عرب به منظور عملیات صرافی و بازار گانی با خارج تشکیل گردید.^{۱۷} هشتم، شرکت عمومی ایران که در سال ۱۳۱۸ هـ / ۱۹۰۰ بـ م به منظور عملیات صرافی و مبادلات خارجی با سرمایه یک میلیون تومان برای است حاج سید محمد صراف و با مشارکت هفده نفر از تجار معتر تشکیل گردید، لکن بعد امور شرکت بدست حاج محمد کاظم سلک التجار افتاد و بسب دخالت‌های وی شرکت برهم خورد و اعتماد تجار و مردم به شرکتهای تجاری سنت گردید.^{۱۸}

نهم، شرکت آرامیان که بوسیله حدود ۲۰ نفر از کارکنان تجارتخانه تومنیانس تشکیل گردید، لکن بعداً شمارش رکابه ۹ نفر کاهش یافت. سرمایه شرکت در سال ۱۳۱۵ هـ / ۱۸۹۷ بـ م بالغ بر ۲۰۰ هزار تومان بود. این شرکت در باکو، مسکو، ادسا، رشت و تبریز نمایندگی تجاری داشت و در کار صادرات پنبه و پشم بهروسیه و واردات نقره و گاهی قماش از روسیه بود.^{۱۹} دهم، کمپانی محمودیه که بوسیله حاجی سید علی تاجر قزوینی و حاجی میرزا ابوالقاسم تاجر قزوینی و حاجی میرزا محمد حسن تاجر دهدشتی با سرمایه ۲۰۰ هزار تومان در سال ۱۳۱۶ هـ / ۱۸۹۸ بـ م در اصفهان تأسیس گردید.^{۲۰}

رونق تجارت خارجی و گسترش فعالیتهای بازار گانی سبب رونق صرافی و بانکداری شد و چند مؤسسه بزرگ ایرانی به این رشتہ روی آوردن و اهمیت پیدا کردند. لکن نظر به اینکه در ایران تخصص در فعالیتهای تجاری کمتر مورد توجه بود، بسیاری از تجار و شرکتها، تجارت و صرافی را با هم انجام می‌دادند و از این‌رو مؤسسات صرافی بزرگی که در این دوره تأسیس شد به تجارت خارجی و حتی به تولید مواد خام مورد نیاز برای صادرات مؤسسات خود نیز اقدام می‌نمودند. گذشته از کمپانی تجاری فارس و شرکت اتحادیه و شرکت عمومی ایران که بصورت شرکتهای جدید عمل می‌کردند، چند تجارتخانه معتبر نیز برای انجام دادن عملیات بانکی و نیز تولید و صدور مواد خام و واردات کالاهای غربی تشکیل گردید؛ یکم، تجارتخانه تومنیانس که با ۲ تا ۳ میلیون تومان سرمایه تجاری از مهمترین مؤسسات اقتصادی ایران در اوایل قرن چهاردهم بشمار می‌آمد. این تجارتخانه گذشته از صرافی، در رشته‌های مختلف صادرات و واردات و زمینداری نیز فعالانه شرکت داشت. مؤسس این تجارتخانه هاراتون تومنیانس از تجار تبریز بود که خشکبار و ابریشم بهروسیه صادر می‌کرد و آهن آلات و سایر کالاهای مورد نیاز بازار را وارد می‌نمود. پس از رونق کار تومنیانس و مشارکت چهار

استطاعت^{۲۱} بودند. یا آنکه حاجی محمد حسن و کبیل الدوله و پسرش حاجی عبدالرحیم در کرمانشاه که به گفته حاج سیاح تجارت با همه جات پارس و لندن داشته و کثیراً را رواج داده است.^{۲۲}

رایینو در گزارش جامعی که در سال ۱۳۲۰ هـ / ۱۹۰۲ بـ م از اوضاع اقتصادی و تجارتی کرمانشاهان داده اسامی و مشخصات کلی هفتاد و هشت نفر از تجار کرمانشاهان را بدست داده است. اسامی برخی از تجار بزرگ بین المللی که در این فهرست آمده است از اینقرارند: حاج محمد علی معین التجار، حاجی سید علی میر عبدالباقي اصفهانی، حاجی ابوالقاسم کاشی، حاج علی کاشی، حاجی سید حسن میر عبدالباقي اصفهانی و حاج عبدالعظيم اصفهانی.^{۲۳}

تأسیس شرکتهای بازار گانی

در اوخر قرن گذشته و اوایل قرن کنونی هجری قمری، برای نحسین بار در تاریخ اقتصادی ایران تجار بزرگ با مشارکت یکدیگر اقدام به تأسیس شرکتهای بازار گانی نمودند که مهمترین آنها از اینقرارند: یکم، کمپانی تریاک اصفهان که در اوخر قرن گذشته به منظور نظارت در عمل آوردن، بسته‌بندی و صدور تریاک اصفهان به بازارهای لندن و هنگ‌کنگ، به اهتمام آقا محمد مهدی ارباب اصنهانی و با مشارکت جمعی از بزرگان تجارت اصفهان تشکیل گردید.^{۲۴} دوم، کمپانی افته که در حدود سال ۱۳۰۰ هـ / ۱۸۸۲ بـ م به دستیاری مشهدی کاظم امیله در طهران تشکیل شد.^{۲۵} سوم، کمپانی تجاری ایران که در سال ۱۳۰۴ هـ / ۱۸۸۵ بـ م با سرمایه یک میلیون روپیه (حدود ۲۵۰ هزار تومان) به مدیریت آقا محمد خان شفیع و با مشارکت عده‌ای از تجار معتبر بوشهر تشکیل گردید و در دفتر مجلس تجارت بوشهر به ثبت رسید.^{۲۶} چهارم، شرکت اتحادیه که به منظور عملیات صرافی در حدود سال ۱۳۰۵ هـ / ۱۸۸۸ بـ م به مشارکت حاج مهدی کوزه کنانی و برادران و حاج سید مرتضی صراف و چهار تاجر دیگر تشکیل شد و مدیریت شعبه تهران شرکت را حاجی لطفعلی صراف تبریزی مشهور به اتحادیه بر عهده گرفت. سرمایه شرکت اتحادیه در سال ۱۳۱۵ هـ / ۱۸۹۷ بـ م بالغ بر ۱۰۰ هزار تومان بوده است.^{۲۷} پنجم، کمپانی منصوریه که در حدود سال ۱۳۱۰ هـ / ۱۸۹۲ بـ م در پیزد تشکیل گردید.^{۲۸} ششم، کمپانی تجاری فارس که در حدود سال ۱۳۱۵ هـ / ۱۸۹۷ بـ م بوسیله حاجی عبدالرحیم شیرازی، آفاسیخ ابوالقاسم، حاج محمد صالح و حاج عباس ترک (ناجرباشی روس در شیراز)، به منظور عملیات صرافی و تجارت خارجی در شیراز تشکیل گردید. سرمایه اولیه این شرکت ۵۰ هزار تومان بود و مبادلات قابل ملاحظه‌ای با اروپا داشت. این شرکت

بوشهری که از بندر عباس تا بوشهر و خوشهر را در اوایل قرن کتونی هجری قمری زیر نفوذ خود قرار داده بود، امتیاز استخراج معادن گل سرخ و نمک، گچ و گوگرد جزایر اریمه هرمن، قشم، هنگام و لارک را در اختیار داشت.^{۱۸} حاج محمدحسن امین الضرب و برادرش حاج ابوالقاسم ملک التجار خراسان، امتیاز استخراج معادن فیروزه خراسان را داشتند. حاجی علی اصغر و برادرش حاجی علی اکبر که از تجارت شهران بودند، در سال ۱۲۹۷ هق / ۱۸۸۰ ب م طی چهار فرمان مالکیت سی و پنج معدن مختلف در شاهرود، بسطام، سبزوار، سمنان و دامغان را از ناصر الدین شاه دریافت نمودند. حاجی علی اکبر که بعد از لقب امین معادن گرفت، امتیاز و مالکیت معادن سرب و مس و کات کبود و زغال سنگ و نفت کویر خوریان را نیز دریافت داشت. وی همچنین به استخراج معادن فیروزه در زرند و ساوه اشتغال داشته است.^{۱۹} تجارتخانه تومنیانس نیز در اوایل قرن کتونی «به استخراج چند معدن، از جمله مس و زغال سنگ و گوگرد» اقدام نموده است.^{۲۰} عبدالباقي ارباب و محمدامین ارباب و نیز حاجی محمدحسن معاون التجار و حاجی علی اکبر معین التجار نیز به نوبت امتیاز استخراج فیروزه نیشاپور را داشته‌اند.^{۲۱}

احداث راه آهن و راه شوسه یکی دیگر از فعالیتهای جدید تجارت بود، چنان‌که حاج محمدحسن امین الضرب در سال ۱۳۰۶ هق / ۱۸۸۹ ب م طی ۱۲۰ کیلومتر میان آمل و محمودآباد ساخت. این خط آهن دارای دو لکوموتیو^{۲۰} و اگن رو باز و یک اگن برای سرنشین بود. برادرش حاج ابوالقاسم ملک التجار خراسان نیز راه عشق آباد به مشهد را از طریق قوهچان ساخت.^{۲۲}

در حدود سال ۱۳۲۰ هق / ۱۹۰۲ ب م شرکت عمومی ایران اقدام به تأسیس شرکت راه آستارا و اردبیل و احداث راه مذکور نمود که بعلت برهم خوردن شرکت عمومی ایران اداره راه مذکور به یک نفر روسی به اجاره داده شد.^{۲۳} حاج زین العابدین امین التجار، به گفته صاحب فارسنامه ناصری «اول کسی است که جمعی را با خود شریک نموده چندین کشته را خرید و حمل و نقل مال التجارة هندوستان را به سواحل دریای فارس می‌رسانید و از منافع آنها تاکنون چندین کشته آتشی دیگر خریده‌اند و در خلیج فارس تردد می‌نمایند». چند تن از تجارت معتبر شیراز و بوشهر در زمان ناصر الدین شاه شرکت کشتیرانی ناصری را تأسیس نمودند که در رود کارون و بین بوشهر و جده به حمل کالا و مسافر می‌پرداخت. این شرکت در اوایل مشروطیت دارای هیجده کشته بود.^{۲۴}

حاجی ابوالقاسم بوشهری نیز در اوخر دوران ناصری از صاحبان سرمایه در کشتیرانی بشمار می‌آمد، چنان‌که میرزا تقی خان حکیمباشی ظل السلطان در گزارشی درباره‌وی می‌گوید

فرزندش، کار تجارتخانه گسترش یافت و رسماً وارد عملیات صرافی و تجارت نقره و صدور پنبه بعروضیه گردید، تا آنکه «امور بانکداری تجارتخانه در ایران بخوبی و سرعت رونق گرفت و در مدت کوتاهی مؤسسه مزبور با بانکهای مقتدری که در ایران فعالیت داشتند همراه گردید و مخصوصاً در خرید و فروش ارزهای خارجی با بانک شاهنشاهی رقابت می‌کرد». «^{۲۵} تجارتخانه دارای شعبی در مسکو، بادکوبه، ادسا، قفیس، تبریز، رشت، قزوین، سبزوار و مشهد بود و شعبه روسی شرکت معاملات و سیمی با مارسیل، پاریس و وین داشت.^{۲۶}

دو مین تجارتخانه که اهمیت زیادی داشت در سال ۱۳۱۲ هق / ۱۸۹۴ ب م بوسیله خسروشاه جهان و برادرانش پرویز، گودرز، رستم و بهرام که از ملاکان بزرگ بودند، برای فعالیتهای تجارتی و صرافی در بیزد تشکیل گردید. این تجارتخانه ابتدا در کار صدور پنبه بود و پس از رونق تجارت و تراکم سرمایه، وارد امور صرافی و بانکی گردید و در شهرهای بزرگ تهران، اصفهان، شیراز، کرمان، بندر عباس، و رفسنجان شعبه داشت و در بعضی و لندن دارای نمایندگی بود.^{۲۷}

سومین تجارتخانه معتبر، تجارتخانه جمشیدیان بود که بوسیله ارباب جمشید از کسبه بزرگ به منظور صرافی و ملکداری تأسیس گردید و شعبی فریزد، شیراز و کرمان و نمایندگیهایی در بغداد، بیانی، کلکه و پاریس دایر نمود. این تجارتخانه به «آنواع عملیات صرافی مستداول مشتریان خود فراهم می‌ساخت».^{۲۸}

چهارمین تجارتخانه متعلق به بدل آرزو مانیان و برادران بود. فعالیتهای این تجارتخانه همانند فعالیت تجارتخانه‌های تومنیانس و آرامیان بود، بدین معنی که به تولید و گردآوری مواد خام مورد تقاضا در بازارهای روسیه پرداخته و شمش نقره و کالاهای ساخته شده از روسیه وارد می‌کردند. سرمایه تجارتخانه حدود ۳۰۰ هزار تومان تخمین شده است.^{۲۹}

گذشته از این شرکتها و تجارتخانه‌ها چهار شرکت تجارتی دیگر در تهران و اصفهان و شرکت تجارتی کوچکتر در ساوجبلاغ، شاهرود، گیلان و تبریز تشکیل گردید.^{۳۰} یک شرکت تجارتی نیز بمنظور اشاعه امتناع ایران در عشق آباد تشکیل شد.^{۳۱}

گسترش و تنوع فعالیتهای تجارت

هراء با گسترش بازرگانی و افزایش در آمد و ترثیت تجارت، فعالیتهای آنسان نیز در زمینه‌های جدید اقتصادی گستره شد؛ چنان‌که برخی از بزرگان تجارت اقدام به سرمایه‌گذاری در صنایع جدید، معادن، کشتی رانی، راه و راه آهن و تلفن نمودند. حاج آقا محمدعبین التجار

حاج امین‌الضرب، برادران تومنیانس، تجارتاخانه جمشیدیان، تجارتاخانه جهانیان و برادران آرزومنیان.^{۳۲}

منابع و مأخذ دیگر نیز حاکی از تعامل تجار به سرمایه‌گذاری در اراضی مزروعی است، مثلاً، در نغمه سفینه آمده است که «جهار دانگ بندر جز راحاجی آقای امین‌الضرب از ورثة سردار امجد خریداری کرد.»^{۳۳}

یا آنکه در جفرانیای اصفهان آمده است که «تجار در این بلد سپارند و همه معامله اقمشه و اجناس دارند، این سنتات غالب دست بزراعت برداشته و ملکداری هم می‌نمایند.»^{۳۴} یا آنکه در تاریخ کاشان آمده است که حاجی میرزا اسدالله تاجر کاشانی مزرعه جدید الادهای در یک فرسخی شرق کاشان دایر نموده است.^{۳۵} یا آنکه در جفرانیای کرمان آمده است که «حاجی محمدعلی امین‌الرعايا که ریاست تجار کرمان را دارد ضیاع و عقار کلی در بلوك خیص و حومه و مخصوصاً در ماهان تحصیل کرد.» یا آنکه، حاجی آقا حسین که بسبب ملک و مال التجاره در کرمان کسی بر او فزونی ندارد.^{۳۶} یا آنکه در سندي آمده است که ناصر الدین شاه به فروش اراضی و املاک متعلق به حاجی محمدحسین داماد ملک التجار خراسان به اتباع روسیه اعتراض می‌کند.^{۳۷} یا آنکه چند آبادی در غرب تهران (جلالیه امروزی) که در گرو باank استقراضی روس بود و به فیروز میرزا نصرالدوله رسیده بود، به بهای نازلی به حاج رحیم اتحادیه و ارباب گیو فروخته شد.^{۳۸}

در فارسنامه ناصری نیز هشت خاندان تجارت‌شیرازی که در کار ملکداری بوده‌اند معرفی شده‌اند: میرزا محمدحسن تاجر «چون متاع تجارت را کاسد دید سرمایه خود را داده املاکی را در بیضا خرید و از منافع آنها بهمیشتی که از حوصله تجارت بیرون است گذران کند و سرمایه به ولد سعادتمند خود میرزا خلیل مشهور به میرزا آقا که در اول سن تیز است داده او را به شغل تجارت گذاشته است.»^{۳۹} همچنین شیخ زین‌العابدین «چیزی از اندوخته خود را بداد و چندین قریه و مزرعه در بلوك بیضا و حومه شیراز در عوضش گرفته ضمیمه املاک مورونه خود نموده، مالک ضیاع و عقاری لایق گشته سربرستی املاک را شغل خود نمود و سرمایه تجارت را به اولاد و امجادش داده هر یکی را به‌اندازه رتبه مشغول تجارت بداشت.»^{۴۰} یا آنکه، میرزا آقا تاجر «در این چند ساله که متاع تجارت کاسد و بازار معاملات فاسد گشته از سرمایه خود ضیاع و عقاری در بلوكات فارس خریده‌اند و (به جهت معامله تریاک) این جماعت را تاجر تریاکی گویند.»^{۴۱} همچون مورداخیر عده‌ای دیگر از تجار نیز به تجارت و زمینداری می‌پرداختند، چنانکه حاجی لطفعلی که «در زمان زندگی خود در خدمت فرماتروايان فارس اعتباری تمام داشت و علاوه بر مال التجاره صاحب ضیاع و عقاری لایق گردید و بینتر املاکش

دارای جهازات متعدد بخصوص یک جهاز بزرگ دودی است که از جمیع جهازات خارجه مقلم و بهتر است و وکیل چند جهاز فرانسه و کمپانیهای خارجه است.»^{۴۲} برادران تومنیانس نیز دو کشتی تجاری در دریای خزر برای حمل مال التجاره هایشان میان بنادر ایران و بنادر روسیه بکار انداختند.^{۴۳} در دوران جنگ اول جهانی نیز عده‌ای از تجار ایرانی ساکن بمبئی به دستیاری حاجی سلطانعلی صاحب شوستری و شرکا، کمبانی کشتیرانی شوستریها را تأسیس نمودند. این شرکت نا سال ۱۳۲۵ هق/ ۱۹۱۷ م چهار کشتی به آب انداخت که قیمت یکی از آنها به نام سردار ۳۰۰ هزار تومان بود و محل اداره شرکت را به مبلغ ۸۵ هزار تومان خریداری کرده بود که تا حدی اهمیت تراکم سرمایه در دست شرکای شرکت را نشان می‌دهد.^{۴۴}

یکی دیگر از فعالیتهای تجار، سرمایه‌گذاری در امور مخابرات بود، چنانکه برادران جهانیان «در تأسیس شرکت تلفن ایران که بمنظور ایجاد ارتباط بین تهران و شهرهای دیگر و همچنین ایجاد ارتباط داخلی در تهران تشکیل گردید مداخله داشته و از مؤسسان آن بوده‌اند.» حاج سید احمد مرتضوی از تجار معتبر تبریز نیز موسس نخستین شبکه تلفن شهری در آن شهر بوده است.^{۴۵}

یکی از خصوصیات قابل ملاحظه تجارت بزرگ در اوآخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم اختصاص بخش عمده‌ای از منافع تجاری در سرمایه‌گذاری روی اراضی مزروعی و مستغلات شهری است. در این دوران بسبب تراکم سرمایه در دست تجارت بزرگ از یکسو و تنگdestی نسی عمال دیوانی و مالکان از سوی دیگر و اعمال سیاست فروش اراضی خالصه دولتی، تجارت بزرگ رفته رفته اراضی بسیاری بدست آوردند. حاج سیاح در انتقاد از این وضع می‌گوید:

آنها که می‌باشد بول ایشان در تجارت مملکت و ترویج متاع وطن و ترویج صنعت ایران صرف شود، آنان هم با فریب دادن مالکان دهات اطراف بدادرن مال التجاره به چند مقابل و رفق فرعها به سند بیع شرطها، بیچاره دهاقن را مستأصل می‌نمودند و مالک املاک می‌شدند.^{۴۶}

براساس گزارشی که از وضع هفتاد و چهارتن از تجارت بزرگ و شرکتهای تجاری شهرهای تهران، تبریز، مشهد، اصفهان و شیراز در دهه دوم قرن چهاردهم در دست است، دوازده تاجر بزرگ که دارای املاک و اراضی وسیعی بوده‌اند معرفی شده‌اند. برخی از این تجارت در اراضی وسیع خود به تولید محصولات کشاورزی مانند، پنبه، تریاک، ابریشم و خشکبار برای صادرات به کشورهای خارجی می‌پرداخته‌اند که از آن جمله‌اند:

در سال ۱۲۹۶ هـ ب م در آمد ناخالص کارخانه بالغ بر ۱۰ هزار تومان و سود خالص آن معادل ۴ نا ۶ هزار تومان بوده است.^{۵۶}

در حدود سال ۱۳۰۶ هـ ب م حاج محمد حسن امین‌الضرب با پشتیبانی امین‌السلطان طرح نسبتاً وسیع و جاه طلبانه‌ای برای توسعه و عمران مازندران تدارک دید و دست‌بکار انجام دادن آن شد. از اجزای عده‌ای این طرح یکی استخراج معدن آهن ماهان تور همراه با شعبه‌تغه‌بری و دیگری تأسیس خط آهنی به طول ۲۱ کیلومتر میان آمل و محمودآباد بود.

در ایستگاه‌های محمودآباد و آمل کارگاه‌هایی برای تعمیرات لکوموتیو و واگن‌ها تأسیس شده بود. این کوشش نسبتاً وسیع، پس از مدتی عقیم ماند و سرمایه‌بکار رفته در آن تغیری از میان رفت.^{۵۷}

در سال ۱۲۹۴ هـ ب م مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله، از خاندانهای عمال بلند پایه دیوانی که در آلمان تحصیل کرده و بمدرجه مهندسی تکنولوژی نایل آمده بود، با مشارکت حاج محمد تقی تاجر معروف بشاهرودی که از نزدیکان و بستگان وی بود، اقدام به تأسیس یک کارخانه ریسندگی در بیرون دروازه دولت کرد. مهدیقلی مخبر‌السلطنه برادر صنیع‌الدوله درباره این مشارکت می‌گوید: «در سال ۱۲۹۱ هـ ب م حاجی محمد تقی تاجر معروف بشاهرودی خواب دیده بود که شهر را چراغان کرده است. به فکر افتاد که در امری عام المتفقه اقدام کند. نزد مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله آمد و عقیده به کاغذ‌سازی داشت. صنیع‌الدوله ریسندگی و بافندگی را ترجیح داد.»^{۵۸} مجموع سرمایه کارخانه حدود ۵۲ هزار تومان بود که حدود نیمی از آن را محمد تقی شاهرودی و نیم دیگر را صنیع‌الدوله و پسرش تأمین نموده بودند.^{۵۹} ماشینهای کارخانه گران‌قیمت و مرغوب بود و ۲۳۰۰ دوک تمام برای کارخانه سفارش شده بود.^{۶۰} با آنکه محصولات این کارخانه اعلاً بود به مناسبت رقبات تولید کنندگان خارجی که با کاهش موقت بهای کالا به میدان آمدند نتوانست دوام بیاورد و از میان رفت. مخبر‌السلطنه در این باره می‌گوید: «صنیع‌الدوله گمان می‌کرد تفاوت کرایه صرفه‌ای است که ریسمان ریسی نسبت به ریسمان خارجی بیشتر پیشرفت خواهد کرد. در سیاست تجارت ریسمان را ارزان کردند، کارخانه بدین واسطه از عهده بر نیامد. در مملکت تا اختیار گمرک بدست دولت نباشد کارهای صنعتی رواجی نمی‌گیرد، خصوصاً که صنایع در خارجه توسعه یافته است و ما باید از نوشروع کنیم.»^{۶۱} صنیع‌الدوله کارخانه دیگری نیز برای آهن تراشی در تهران تأسیس کرده بود که مورد بازدید مکرر ناصر الدین شاه قرار می‌گرفت.^{۶۲} در سال ۱۳۲۶ هـ ب م حاج رحیم آقا قزوینی پسر حاجی فتحعلی با ۲/۵ میلیون

در بلوک خفر بوده و مدت‌ها باحترام گذراند. همچنین « حاجی میرزا نصیر بهشتی مادام زندگانی به شغل تجارت و زراعت معیشتی به وسعت مینمود.» یا آنکه حاجی محمد صادق تاجر اصفهانی « بنیان تجارت گذاشته صیت شهرش به‌اقصی بلادر سبده مالک ضیاع و عقاری لایق گشته.» همچنین حاجی میرزا کریم صراف « جمع میانه عمل صرافی و تجارت و زراعت ضیاع و عقاری فراهم آورد.» مورد دیگر حاجی محمد علی تاجر نمایی شیرازی است که « سالی به شغل تجارت پرداخت چون سرمایه خود را افزون دید چندین قریب در بلوک فارس خرید و جز خسaran بهره ندید پس آنها را فروخته... باز بر سر عمل تجارت آمده.»^{۶۳}

سرمایه‌گذاری تجارت ایرانی در صنایع

رشد شتابان بازگانی خارجی، جلب توجه سرمایه‌داران خارجی به کشور و پیداپیش گروهی از تجارت ثروتمند در اوایل قرن کوتني هجری قمری، موجب تراکم حداقل سرمایه‌لازم برای مشارکت تجارت ایرانی در سرمایه‌گذاری محدود صنعتی گردید.*

نخستین سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه صنعتی در این دوره تأسیس کارخانه ابریشم تابی در رشت بود که در سال ۱۳۰۲ هـ ب م با سرمایه حاج محمد حسن امین‌الضرب و با همکاری برادران دیوکرو (Diocro) که دو مهندس از اهالی فرانسه بودند، برپا گردید. این کارخانه را با اسباب و ادوات کامل از شرکت برتو (Berteaue) در لیون فرانسه وارد کردند. حدود بیست سال بعد یعنی در آستانه انقلاب مشروطیت، کنسول تزاری در رشت گزارش می‌دهد که ماشین‌آلات این کارخانه از جدیدترین دستگاهها بوده و امور فنی کارخانه بوسیله بک مهندس فرانسوی و نیز چهار کارگر زن اسپانیایی اداره می‌شود. نیروی تولید کارخانه ۲۰ هزار باتمان ۲۰ کیلو گرم) پیله ابریشم بوده و کلیه ۲ تا ۲ هزار باتمان نخ ابریشمی تولید شده به مارسیل صادر می‌شود تا در کارخانه‌های حریر بافی آنجا مورد استفاده قرار گیرد. در سال

* فکر ایجاد صنایع چوب و کوشش‌های نخستین برای معرفی صنایع مائیتی در ایران، ابتدا از سوی عباس میرزا نایب‌السلطنه، هنگام جنگهای ایران و روس آغاز گردید و در سالهای نخستین سلطنت ناصر الدین شاه از سوی میرزا تقی خان امیر کبیر با جذب یشتری دنبال شد. لکن با برکناری امیر، صنایع نوبایی که بمحض اول و پیروانش برپا شده بود از میان رفت و توسعه صنعتی کشور که از سوی حکومت و نه از سوی تجارت و طبقه سرمایه‌دار آغاز شده بود عقیم ماند تا آنکه در اوایل قرن کوتني هجری فرعی تأسیس صنایع جدید مورد توجه گردید. است نگاه کید به: المأثر والأثار، ص ۵۰-۵۳، همچنین نگاه کید به: فریدون آمیت. امیر کبیر و ایران. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶، ص ۲۷۸-۲۰۱.

مولود برق را از آلمان وارد کرد و در سال ۱۳۲۲ هـ برق بهره‌برداری از آن را آغاز نمود. در این زمان یک کارخانه برق در رشت دایر شد و یک کارخانه برق دیگر در تبریز با ۱۲۵ قوه' اسب بوسیله قاسم‌خان امیر تومن تأسیس شد.^{۶۴}

سوه، کارخانه‌های نظامی که از زمان عباس میرزا و امیر کبیر وارد شده بود و در این دوره نیز برخی از آنها دایر بود و چند کارخانه دیگر نیز بدانها اضافه شد مانند کارخانه تفنگ‌سازی که ماهی یکهزار قبضه تفنگ می‌ساخت و کارخانه جبهه‌خانه در تهران و اصفهان و کارخانه پاروک‌کوبی با چرخهای بخار اروپایی، و «ایجاد کارخانه فشنگ‌سازی که ورود اسباب و آلات آن از فرنگ در شهر سنه هزار و سیصد و سه از هجرت شد و ابتدای این ادوات و آلات به متوجه جناب دکتر طولوزان فرانسوی بود».^{۶۵}

چهارم، کارخانه‌های پنبه‌پاک کنی که برای پاک کردن پنبه‌های صادراتی به رویه تأسیس شده بودند، شامل کارخانه پنبه‌پاک کنی حاج میرزا علی‌محمد اصفهانی در سبزوار، کارخانه‌های پنبه‌پاک کنی حاجی سید ابوالحسن اصفهانی در بارفروش و ساری، (کارخانه پنبه‌پاک کنی ساری بعداً به ملکیت حاجی محمد حسن امین‌الضرب درآمد) و کارخانه پنبه‌پاک کنی عبادزاده و هراتی با دو موتور به قدرت ۱۰ قوه' اسب و دو دستگاه ماشین جین در نیشاپور.^{۶۶}

پنجم، کارخانه‌های آسیای بخاری، آجریزی، صابون‌پزی و منگنه‌زنی، شامل یک کارخانه آسیای بخاری که در حدود سال ۱۳۲۵ هـ / ۱۹۰۷ ب م بوسیله حاجی سید ابوالقاسم رضوی اصفهانی از تجارت معروف قزوین با ماشین آلات روسی تأسیس گردید. یک کارخانه آجریزی که در سال ۱۳۲۲ هـ / ۱۹۰۴ ب م بوسیله حاج امین‌الضرب در نزدیکی تهران با ماشینهای جدید تأسیس شد و یک کارخانه صابون‌پزی (نظافت) که در تهران بوسیله ریبع‌زاده و شرکا در سال ۱۳۲۸ هـ / ۱۹۱۰ ب م تأسیس شد.^{۶۷} حاج امین‌الضرب همچنین سه دستگاه برای منگنه‌کردن پشم در شهرهای قم، رفسنجان، و کرمانشاهان دایر کرده بود.^{۶۸}

بدینگونه سرمایه داران مادر او اخراجاریه دارای چند خصیصه عمده بودند: یکم ایستگه، تجارت ایرانی قابلیت خود را برای گسترش فعالیتهای بازرگانی و استفاده از فرستهای مناسب بخوبی نشان دادند و در زمینه بازرگانی به رقابت با تجارت فرنگی بس رخاستند و مانع سلطه انحصاری آنان بر بازارهای مبادلات خارجی شدند.

دوم اینگه، تجارت ایرانی روش‌های جدید فعالیتهای بازرگانی همچون تأسیس شرکتهای تجاری با مشارکت دسته‌جمعی را پذیرا گشتند و چندین شرکت معتبر به سبک فرنگی تأسیس کردند.

قران سرمایه، یک کارخانه‌ریستندگی در تبریز تأسیس نمود. این کارخانه در اوایل سال ۱۳۲۹ هـ / ۱۹۱۱ ب م افتتاح شد. مهندس ترسکینسکی (Treskinski) مدیر راه تبریز که در گشایش کارخانه حضور داشته گزارش می‌دهد که این کارخانه بوسیله دو مهندس آلمانی به نامهای شوینمن (Schiuneman) و موسیک (Mussig) نصب و آماده بهره‌برداری شده است. تعداد دو کهای نخ‌رسی حدود ۱۵۰۰ واحد و تعداد کارگران ۴۰ تا ۵۰ نفر بوده است. به گفته مهندسان آلمانی محصول کارخانه ۲۰ خروار نخ بوده و کارخانه صدی ۶۰ سود می‌داده است. نخ محصول این کارخانه برای تهیه جوراب و تارو بود قالی بمصرف می‌رسیده است. این کارخانه از مؤسسه‌های بزرگ صنعتی آن زمان بود که همانند کارخانه ابریشم کشی حاج امین‌الضرب در گیلان توانست در شرایط دشوار سیاسی و اقتصادی کشور به کار خود ادامه دهد.^{۶۹}

گذشته از این کارخانه‌های نسبتاً بزرگ چند کارخانه متوسط و کوچک نیز در سه دهه نخستین قرن کنونی هجری قمری از سوی تجارت و مقامات ایرانی تأسیس گردید: یکم، کارخانه‌های چینی‌سازی که نخستین بار در اوایل سلطنت ناصر الدین شاه بوسیله مسیو ولاتز تأسیس شد و بعدها برهم خورد تا آنکه در سال ۱۳۰۵ هـ / ۱۸۸۷ ب م « حاجی محمد حسن اصفهانی امین دارالضرب در شهر تهران کارخانه بلورسازی دیگر احداث کرده و بدتجدید و تکمیل این صنعت پرداخته است».^{۷۰} گذشته از آن حاجی عباسعلی و حاجی رضا کارخانه چینی‌سازی در تبریز دایر گردند که به گفته جمال‌زاده « بواسطه دسایس روشهای خود و قریب ۱۳۰ هزار تومن به آنان ضرر وارد آمد».^{۷۱}

دوم، کارخانه‌های کوچک چراغ‌گاز و چراغ برق است. برای نخستین بار در سال ۱۲۹۷ هـ / ۱۸۸۰ ب م کارخانه چراغ گاز با ۳۰ هزار لیره در خط خیابان شرقی میدان توپخانه بوسیله حاج میرزا حسین خان قزوینی سپه‌سالار اعظم و به حکم دولت ناصری تأسیس گردید و تا اوایل قرن کنونی روشنایی خیابان ارک و اینه خاصه سلطنتی را تأمین می‌کرد ولی بسبب کمبود زغال تعطیل شد، و بعد یک نفر ایرانی آن را به ۱۰ هزار لیره خرید و در سال ۱۳۰۹ هـ / ۱۸۹۱ ب م به یک کمپانی بلژیکی موسوم به «کمپانی عمومی بلژیکی روشنایی و حرارت ایران» فروخت، لکن این کمپانی هم پس از آنکه ماشینهای زیادی برای بکار انداده‌خن کارخانه وارد کرد کارش پیشرفت ننمود و سرانجام کارخانه بسته شد. در سال ۱۳۲۰ هـ حاجی محمد باقر میلانی معروف به رضایف بدستور مظفر الدین شاه برای روشنایی حرم مطهر یک دستگاه کارخانه چراغ برق به مبلغ هشت هزار تومن از روسیه وارد و در مشهد نصب نمود. در سال ۱۳۲۱ هـ / ۱۹۰۳ ب م نیز حاج محمد حسین امین‌الضرب ماشین آلات

سوم اینکه، اقداماتی برای تأسیس بانکهای ایرانی بعمل آوردن تابا با بانکهای روسی و انگلیسی به رقابت برخیزند و دست خارجیها را از بازار پولی کشور کوتاه کنند، لکن دست آوردهای عمدۀ ای در این راه نداشتند.

چهارم اینکه، تجار ایرانی در حمل و نقل و ارتباطات نیز بطور محدود سرمایه‌گذاری کردند، لکن در این زمینه بخاطر موانع داخلی و خارجی موفقیت چندانی بدست نیاوردند. پنجم اینکه، تجار بزرگ بخش عمدۀ ای از سرمایه و نیروی خود را در زمینداری بکار آوردند و بدینگونه از مسیر اصلی فعالیت‌های خود انحراف حاصل کردند.

ششم اینکه، تجار ایرانی کوشش‌هایی نیز برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی بعمل آوردن که شاموفق و بسیار محدود بود، نگاهی به مشخصات و سرتوشت کارخانه‌هایی که در این دوران تأسیس شده‌اند نشان می‌دهد تنها کارخانه‌هایی موفق بودند که به آماره‌سازی محصولات کشاورزی می‌پرداختند مانند کارخانه‌های پیشه پاک کنی، حال آنکه کارخانه‌هایی که با مصنوعات خارجی رقابت داشتند مانند کارخانه‌های ریستندگی و بافندگی و کارخانه قند با شکست رو برو می‌شدند.

حوالی:

- ۱۲ - گنج شایگان. ص. ۹۸.
- ۱۳ - تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران. ص. ۹.
- ۱۴ - گزارش پیکو. ص. ۱۱۴.
- ۱۵ - گنج شایگان. ص. ۹۸.
- ۱۶ - نگاه کنید بهاین گزارش:

Great Britain Parliament. *House of Commons, Sessional Papers. Persia, «Report for the Year 1893-94 On the Trade of Shiraz.»* London: 1895, Vol. XCIX, cd. 7581-14, pp. 2-3.

- ۱۷ - گزارش پیکو. ص. ۹۱.
- ۱۸ - تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران. ص. ۵۳: جبل المتنین. سال ۱ (۱۳۲۶ق.)، شماره ۳۹ ص. ۶ - ۸.
- ۱۹ - گزارش پیکو. ص. ۶۴.
- ۲۰ - رونامه تبریا. سال ۱، شماره ۴۸، ص. ۱۲.
- ۲۱ - تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران. ص. ۴۸.
- ۲۲ - گزارش پیکو. ص. ۶۷.
- ۲۳ - تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران. ص. ۵۰.
- ۲۴ - همان کتاب. ص. ۵۱.
- ۲۵ - گزارش پیکو. ص. ۶۴.
- ۲۶ - نگاه کنید به کتاب عبدالله یف، ص. ۳۴ - ۴۰.
- ۲۷ - تبریا. سال ۲ (۱۳۱۶ق.)، شماره ۹، ص. ۷.
- ۲۸ - محمدعلی سبدالسلطنه (کیا)، *اعلام الناس فی احوال بندرعباس. تصحیح احمداقتداری*. تهران: این سینا، ۱۳۴۲، ص. ۴-۲.
- ۲۹ - محمدحسن اعتماد السلطنه. *تاریخ منظمه ناصری*. تهران: چاپ سنگی، ۱۲۹۸ق. ج. ۲، ص. ۲۸۱.
- سی‌سفرنامه: هرات، مرود، مشهد. بااهتمام قدرت الله روشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، ص. ۲۲۵؛
- مصطفی فانح. پنجاه سال نفت ایران. تهران: ۱۳۳۵، ص. ۳۲۲.
- ۳۰ - تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران. ص. ۴۹.
- ۳۱ - گزارش پیکو. ص. ۱۰۱، ۶۳.
- ۳۲ - خاطرات حاج سیاح. ص. ۳۱۴ و ۳۱۸.
- ۳۳ - گنج شایگان. ص. ۹۹.
- ۳۴ - فارسname ناصری. ج. ۲، ص. ۶۰.
- ۳۵ - گنج شایگان. ص. ۹۹.
- ۳۶ - ابراهیم صفائی. استناد نو باته. تهران: ۱۳۴۹، ص. ۱۰۶ - ۱۰۷.
- ۳۷ - گزارش پیکو. ص. ۶۷.
- ۳۸ - گنج شایگان. ص. ۹۹.
- ۳۹ - تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران. ص. ۵۱.
- ۴۰ - محمد مجتبه‌ی. رجال آذربایجان در عصر مشروطیت. تهران: ۱۳۲۷، ص. ۱۴۰.
- ۴۱ - خاطرات حاج سیاح. ص. ۲۲۲.

- ۱ - نگاه کنید به: گزارش پیکو. ص. ۶۵ - ۶۶؛ و آرشیو این‌الضرب.
- ۲ - فارسname ناصری. ج. ۲، ص. ۷۷.
- ۳ - همان. ص. ۷.
- ۴ - همان. ص. ۱۳۱.
- ۵ - همان. ص. ۴۵.
- ۶ - همان. ص. ۶۰.
- ۷ - احمدعلی وزیری. جغرافیای کرمان. به کوشش ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: این سینا، ۱۳۵۳، ص. ۷۸.
- ۸ - تاریخ کاشان. ص. ۲۲۶.
- ۹ - خاطرات حاج سیاح. ص. ۲۲۲.
- ۱۰ - نگاه کنید بهاین گزارش:

Great Britain. *House of Commons, Sessional Papers. Persia, «Report on the Trade and General Condition of City and Province of Kermanshah, by Mr. H. L. Rabino, Agent of the Imperial Bank of Persia.»* London: 1903, Vol. LXXIII, cd. 1387-3, pp. 72-75.

- ۱۱ - الساری و الآثار. ص. ۵-۶.

فصل چهارم:

ماهیت رشد اقتصادی در شرایط نیمه‌استعماری



چنانکه دیدیم اقتصاد سنتی ایران در نیمة دوم قرن نوزدهم به ابتکار سرمایه‌داران غربی و تجار ایرانی و با تشویق و اعمال نفوذ قدرتهای استعماری که در شمال و جنوب کشور مستقر بودند، به اقتصاد نوپای جهانی و بازارهای بین‌المللی وابستگی پیدا کرد. وابستگی به بازار جهانی در شرایط نیمه استعماری مستلزم دگرگونیهای در اقتصاد سنتی جامعه ایرانی و اجزای مشکله آن یعنی کشاورزی، صنایع دستی و مبادلات بازارگانی بود. آشکارترین بی‌آمد وابستگی به بازار جهانی، رشد شتابان بازارگانی خارجی در دهه آخر قرن گشته و اوایل قرن گذونی هجری قمری^۱ بود. چنانکه مجموعه مبادلات بازارگانی با همسایه شمالی در این دوره به بیش از ده برابر و مجموع مبادلات با همسایه جنوبی به بیش از سه برابر افزایش یافته و مجموع مبادلات بازارگانی با سایر کشورها بخصوص با فرانسه، بلژیک، آلمان و عثمانی نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد.^{*} رشد شتابان تجارت خارجی در این دوران موجب تحولاتی در نظام مبادلات بازارگانی در کشور، توسعه وسایل حمل و نقل و راههای تجاری و رشد گروهی از تجارت بزرگ و ثروتمند و متقدّر نیز روی آوردن گروهی از بازارگانان و بنگاههای غرب به کشور ما گردید.

رونق تولید مواد خام

مهمترین دگرگونی در اقتصاد سنتی، توسعه مواد خامی بود که از یکسو بازار جهانی به

* مجموعه مبادلات بازارگانی با همسایه شمالی از ۹ میلیون روبل طلا در سال ۱۲۹۲ هق/ ۱۸۷۵ ب م به حدود ۲۴ میلیون روبل در سال ۱۳۱۲ هق/ ۱۸۹۵ ب م رسید و به ۹۶ میلیون روبل در سال ۱۳۳۲ هق/ ۱۹۱۴ ب م افزایش یافت. در همین دوره ارزش مبادلات بازارگانی همسایه جنوبی با سواحل و بنادر خلیج فارس نیز از ۱/۷ میلیون لیره افزایش یافت.

- ۴۲ - گزارش پیکو، ص ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۷۴، ۷۲، ۷۰، ۷۴، ۷۳ هق/ ۱۸۷۵ ب م به حدود ۲۴
- ۴۳ - تاریخچه سی ساله بانک ملی، ص ۴۷، ۵۰، ۵۱: گزارش پیکو، ص ۶۴ و ۶۷
- ۴۴ - نخبه سفینه، مندرج در استرآباد نامه، به کوشش مسیح ذیبی، تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۲۸، ص ۳۱؛ براساس آرشیویں الضرب ۵ دانگ بوده است.
- ۴۵ - چرافیای اصفهان، ص ۹۲
- ۴۶ - تاریخ کاشان، ص ۹۸
- ۴۷ - چرافیای کرمان، ص ۷۸
- ۴۸ - پنجاه نامه تاریخی، ۱۳۶-۱۳۵ هق/ ۱۸۸۶-۱۸۸۵
- ۴۹ - تاریخ رجال ایران، ج ۱، ص ۲۱۶
- ۵۰ - فارسname ناصری، ج ۲، ص ۴۳
- ۵۱ - همان، ص ۷۶-۷۷
- ۵۲ - همان، ص ۶۳
- ۵۳ - همان کتاب، ص ۴۵، ۷۴، ۱۳۱
- ۵۴ - کتاب عبدالله یف، ص ۱۲۸-۱۲۷
- ۵۵ - آرشیو امین الضرب.
- ۵۶ - گزارش ایران، ص ۱۳۹
- ۵۷ - خاطرات و خطرات، ص ۷۲
- ۵۸ - همان، ص ۷۴
- ۵۹ - گزارش ایران، ص ۱۳۹-۱۴۰
- ۶۰ - خاطرات و خطرات، ص ۷۳
- ۶۱ - گنج شایگان، ص ۹۵؛ کتاب عبدالله یف، ص ۱۲۸
- ۶۲ - المأثر والآثار، ص ۱۰۲
- ۶۳ - گنج شایگان، ص ۹۲
- ۶۴ - المأثر والآثار، ص ۹۳؛ گنج شایگان، ص ۹۲-۹۵
- ۶۵ - المأثر والآثار، ص ۶۸، ۸۲، ۱۰۳ و ۱۱۲
- ۶۶ - کتاب عبدالله یف، ص ۱۵۸؛ آرشیو امین الضرب.
- ۶۷ - گنج شایگان، ص ۹۵؛ کتاب عبدالله یف، ص ۱۲۹
- ۶۸ - آرشیو امین الضرب.



قرن حاضر، محصولات صنعتی کارخانه‌های غربی و بخصوص منسوجات منجستر و قندو شکر بود. ابتدا نسبت منسوجات در کل واردات حدود سه‌جهارم و نسبت قند و شکر و چای حدود یک‌دهم بود، حال آنکه در اوایل قرن حاضر با خاطر گسترش اعتیاد عموم مردم به چای، سهم قند و شکر و چای رفته افزایش یافت و به حدود یک‌سوم کل واردات رسید و سهم منسوجات به کمتر از نصف واردات کاهش یافت.^۷

رونق کالاهای فرنگی و زوال صنایع نساجی

بکی از آثار و نتایج رشد سریع بازارگانی خارجی، رونق کالاهای فرنگی و اعتیاد مردم کشور به مصرف این کالاهای و بخصوص قماش منجستر که ظاهری بهتر و بهایی ارزان‌تر از قماش وطنی داشت، و قند و شکر و چای بود. چنانکه اعتناد‌السلطنه در ضمن بیان حوادث و وقایع جهل سال نخستین سلطنت ناصر الدین شاه تحت عنوان «رواج تام و شیاع عام مال التجاره فرنگ در ایران» می‌گوید: «کسانی که در این سوابع مال التجاره همه بازارگانان قلمرو این شهریار را بهمیزان اعتبار سنجیده‌اند، دیده‌اند که نسبت امتعه اروپا به کالاهای ایشان همانا نسبت ثلث است به خمس کماهُ أَظْهَرُ مِنَ الشَّعْسِ».^۸ گردنیز در دهه آخر قرن نوزدهم می‌گوید، گذشته از اشیای تجملی غربی که طبقات بالا به آن معتقد شده‌اند تا پوشان همه طبقات جامعه از مردان گرفته تا زنان، جملگی از غرب وارد می‌شود. ابریشم، ساتن و ماہوت برای طبقه اعیان و قماش نخی و پنبه‌ای برای همه طبقات. لباس یک روستایی ساده از منجستر یا مسکو می‌آید و نیلی را که همسر او بکار می‌برد از سعیانی وارد می‌شود. در واقع از بالاترین تا پایین ترین مراتب اجتماعی بطور قطع وابسته و متکی به کالاهای غربی شده‌اند.

حاج سیاح درباره آثار و نتایج نامطلوب رونق و رواج کالاهای فرنگی می‌گوید: «این تجارت به این ترتیب در اندک زمان صنایع ایران را نابود و اهل ایران را پریشان و گرسنه خواهد کرد. راست بگوییم سیل نفتی که از راه روسیه به ایران جاری است... ثروت ایران را خواهد برد و این هزاران خروار قند و شکر دندان ایرانیان بیچاره را کند خواهد کرد و این اشیاء شکستنی شیشه و بلور با رفتن و غیرها سر ایشان را خواهد نشکست و بالاخره با کبریت تجارت خرمنهای کاغذ و البسه که به ایران می‌رسید آتش خواهد گرفت.»^۹ یکی دیگر از شاهدان عینی در این باره می‌گوید: «به اندکی ملاحظه معلوم شد که در این شهر (تبریز) تجارت عمده هست و مردم هم به تجارت مایلند ولی چم‌سود که همه امتعه خارج است و از امتعه داخله نشانی دیده نمی‌شود مگر در گوشه و کنار.»^{۱۰} بر اثر رواج کالاهای فرنگی و بخصوص منسوجات نخی، صنایع نساجی کشور و

آنها نیاز داشت، و از سوی دیگر موجب فراهم آوردن منابع مالی لازم برای خرید فرآورده‌های صنعتی کشورهای غربی می‌گردید. ابتدا مهمترین ماده خام صادراتی، ابریشم گیلان و برخی دیگر از نواحی کشور بود. رایینو درباره اهمیت ابریشم گیلان می‌گوید «رشت در زمان شاه عباس دوم و کریم خان زند و آغا محمدخان قاجار به سبب بازرگانی خود شهرت فراوانی داشته است. کاروانهای متعدد از هند و بخارا و ترکیه و سایر کشورها به این شهر می‌آمدند و ابریشم گیلان را با خود به بنادر مختلف دریایی مدیترانه و خلیج فارس حمل می‌کردند. در سایه بازرگانی ابریشم که تا سال ۱۲۷۷ هق / ۱۸۶۰ ب م به صورت قابل توجهی پیشرفت داشت، رشت توансست زیانها و کمبود جمعیت خود را که به سبب طاعون سال ۱۲۴۶ هق / ۱۸۳۰ ب م پیش آمده بود جبران کند.»^{۱۱} در این دوران بنا به گزارش دبیر سفارت انگلیس در آمد ارزی کشور از صدور ابریشم حدود ۷۰۰ هزار لیره استرلینگ بوده است. تا آنکه در دهه ۱۲۸۰ هق / ۱۸۶۳ ب م بعلت بروز بیماری کرم ابریشم میزان تولید به یک چهارم کاهش یافت و با کاهش این محصول اهالی گیلان به تولید برنج برای صادرات به روسیه روی آوردند و آن را تاحدی جایگزین کاهش صادرات ابریشم نمودند. چنانکه در اواخر قرن گذشته و اوایل قرن حاضر ارزش صادرات برنج در کل صادرات کشور در حدود ۱۰ درصد توسان می‌گردد.^{۱۲}

در این میان تریاک از مهمترین مواد خامی بود که در توسعه بازارگانی خارجی ایران در ربع آخر قرن نوزدهم نقش عمده‌ای ایفا نمود. صادرات تریاک در دهه ۱۲۹۰ هق / ۱۸۷۰ ب م با سرعت چشمگیری رو به افزایش نهاد و حجم صادرات آن از ۸۷۰ هزار قوطی (هر قوطی معادل ۲۲ من تبریز) در سال ۱۲۸۸-۸۹ هق / ۱۸۷۱-۷۲ ب م به ۷۷۰۰ هزار قوطی در سال ۱۲۹۷-۹۸ هق / ۱۸۸۱-۸۲ ب م رسید در حالیکه با خاطر افزایش بهای آن در بازارهای چین و اروپا ارزش آن از حدود ۷۰۰ هزار روپیه به حدود ۸/۵ میلیون روپیه افزایش یافت.^{۱۳}

بکی دیگر از مواد خام که بخصوص در زمان چنگهای داخلی آمریکا تولید و صادرات آن رونق گرفت، کشت پنبه بخصوص در خراسان بود. بازارگانان روسی در توسعه پنبه و ترویج بذر مرغوب آن نقش عمده‌ای داشتند. بطور کلی نسبت ارزش صادرات پنبه در کل ارزش صادرات کشور در اوخر قرن گذشته و اوایل قرن حاضر در حال افزایش بود و سرانجام به حدود یک چهارم کل ارزش صادرات کشور رسید.^{۱۴}

خشکبار نیز در این دوره از اقلام عمده صادرات کشور بود و نسبت آن از ۳ درصد کل صادرات در سال ۱۳۰۶ هق / ۱۸۸۹ ب م به حدود ۱۸ درصد در سال ۱۳۲۸ هق / ۱۹۱۰ ب م افزایش یافت.^{۱۵}

در برایر تولید و صدور مواد خام، مهمترین واردات کشور در اوخر قرن گذشته و اوایل

بود که در ضمن شرح فعالیت تجار انگلیسی از آن یاد کردیم.

سیاستهای اقتصادی حکومت

سیاستهای نادرست اقتصادی حکومت و به عبارت بهتر بی سیاستهای دولت که ناشی از تسليم و رضا در برابر تعییلات خارجی، روحیه سوء استفاده از وضعیت و سودجویی آنی سران حکومت و نیز ناشی از ندانم کاری زمامداران کشور بود، بهنوبه خود موانع اساسی بر سر راه رشد سرمایه‌داری در کشور فراهم می‌آورد و آثار نامطلوب نایابنیهای سیاسی را تشید و تقویت می‌نمود. از اهم اینگونه عوامل سیاستهای پولی و گمرکی بود. سیاست پولی دولت و تقلیباتی که در ضرب مسکوکات بعمل می‌آمد و نیز توازن منفی پرداختهای خارجی و خروج صیاغ و ندایف و عمله کازرخانی که بسته و پیوسته به این صنف بودند بیشتر ایشان از میان رفتند. سایر اصناف خلائق را هم از پرتو این شکستگی، ضررها رسید.^{۱۰}

فلاندن که در اوایل قرن چهاردهم از کاشان دیدن کرده است، درباره اثر واردات کالاهای غربی بر صنایع نساجی شهر می‌گوید: «واردات انگلیسی که پیوسته از سی سال پیش در ایران رو به تراوید گذاشته روز بروز از تعداد کارخانهای کاشان می‌کاهد. با اینکه هنوز کارخانهایش دایر است ولی انسان از تماشای قسمتهای عده‌انها که بایر و بیکار افتاده سخت مغموم می‌شود. باعث حسرت است که شهری به زمان صفویه اویین شهر صنعتی باشد و امروز بدچنین وضعی درآید.»^{۱۱} گذشته از کاشان شهرهای اقاماری آن نیز به همین سرنوشت دچار آمدند چنانکه وصف بیدگلی درباره بیدگل می‌گوید: «در این زمان نسبت به ازمنه سابقه خراب و ویران... خلقش... زیادتر نساج و حلجاند... و از قرار تقریر پیشینیان شمار خلقش به چهل هزاری رسیده و مشهور است که یک هزار و هفتصد دستگاه شعرافی (دارد)... کسادی و ناروائی اقشة این قریه بواسطه رواج و رونق اجناس دول خارجه در ایران، این قریه را کم کم ویران و خلقش را کم نمود که الان تمام مردمش... از شش هزار بیشتر در شمار تیاید ولی مساجد و حمام و حسینیه و بازار حالیه به فراخور این قلت جمعیت افزون و از قاعده بیرون است.»^{۱۲}

شهر یزد نیز که سومین شهر عده‌صنعتی در ایران بود و ابریشم تابی از صنایع عده‌آن بشمار می‌آمد به همین سرنوشت دچار آمد. چنانکه تا اواسط قرن سیزدهم درخت توت بهمیزان زیاد در اطراف شهر بعمل می‌آمد و ۱۸۰۰ کارگاه ابریشم تابی و ابریشم بافی با ۹۰۰۰ کارگر در آن دایر بود، لکن پس از شیوع بیماری کرم ابریشم و نیز رونق بازار تریاک، کشت و صدور این محصول جای ابریشم را گرفت و صنایع ابریشم بافی یزد بشدت تنزل نمود.^{۱۳}

در این میان تنها رشته‌ای که در شرایط نیمه استعماری و بخاطر فعالیت شرکتهای

انگلیسی و نیز بسبب نبودن رقابت در مغرب زمین رواج و رونق گرفت، صنایع قالیبافی ایران

بخصوص صنایع نساجی شهرهای صنعتی مرکزی کشور یعنی اصفهان، کاشان و یزد را بزوالي نهاد. در جفر امیای اصفهان آمده است که «سابق که پارچه‌های فرنگی شایع نبود از اعلی و ادنی حتی در ارکان دولت و بعضی از شاهزادگان عظام، قدک پوش بودند... چندین سال است پارچه‌های زرد و سرخ باطن سست فرنگستان رواج گرفته، هر دفعه اقمشة ایشان طرح تازه بوده و هر کدام به نظرها تازگی داشته مردم ایران جسم و جان خود را رها کردند و دنبال رنگ و بوی دیگران بالا رفته در واقع در این مرحله به ضررها رسیدند. اقلأً عشر اصناف این شهر نساج بود که خمس آن باقی نیست... همچنین اصناف بزرگ دیگر مانند صیاغ و ندایف و عمله کازرخانی که بسته و پیوسته به این صنف بودند بیشتر ایشان از میان رفتند. سایر اصناف خلائق را هم از پرتو این شکستگی، ضررها رسید.»^{۱۴}

فلاندن که در اوایل قرن چهاردهم از کاشان دیدن کرده است، درباره اثر واردات کالاهای غربی بر صنایع نساجی شهر می‌گوید: «واردات انگلیسی که پیوسته از سی سال پیش در ایران رو به تراوید گذاشته روز بروز از تعداد کارخانهای کاشان می‌کاهد. با اینکه هنوز کارخانهایش دایر است ولی انسان از تماشای قسمتهای عده‌انها که بایر و بیکار افتاده سخت مغموم می‌شود. باعث حسرت است که شهری به زمان صفویه اویین شهر صنعتی باشد و امروز بدچنین وضعی درآید.»^{۱۵} گذشته از کاشان شهرهای اقاماری آن نیز به همین سرنوشت دچار آمدند چنانکه وصف بیدگلی درباره بیدگل می‌گوید: «در این زمان نسبت به ازمنه سابقه خراب و ویران... خلقش... زیادتر نساج و حلجاند... و از قرار تقریر پیشینیان شمار خلقش به چهل هزاری رسیده و مشهور است که یک هزار و هفتصد دستگاه شعرافی (دارد)... کسادی و ناروائی اقشة این قریه بواسطه رواج و رونق اجناس دول خارجه در ایران، این قریه را کم کم ویران و خلقش را کم نمود که الان تمام مردمش... از شش هزار بیشتر در شمار تیاید ولی مساجد و حمام و حسینیه و بازار حالیه به فراخور این قلت جمعیت افزون و از قاعده بیرون است.»^{۱۶}

شهر یزد نیز که سومین شهر عده‌صنعتی در ایران بود و ابریشم تابی از صنایع عده‌آن بشمار می‌آمد به همین سرنوشت دچار آمد. چنانکه تا اواسط قرن سیزدهم درخت توت بهمیزان زیاد در اطراف شهر بعمل می‌آمد و ۱۸۰۰ کارگاه ابریشم تابی و ابریشم بافی با ۹۰۰۰ کارگر در آن دایر بود، لکن پس از شیوع بیماری کرم ابریشم و نیز رونق بازار تریاک، کشت و صدور این محصول جای ابریشم را گرفت و صنایع ابریشم بافی یزد بشدت تنزل نمود.^{۱۷}

در این میان تنها رشته‌ای که در شرایط نیمه استعماری و بخاطر فعالیت شرکتهای

جستجوی توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود بودند، شبکه‌های ارتباطی آنهم بطور محدود در حوزه‌های نفوذ‌یک توسعه پیدا کرد و سیاستهای استعماری مانع گسترش شبکه‌های ارتباطی جدید در سراسر کشور گردید.^{*}

یکی دیگر از موانع داخلی رشد سرمایه‌داری در این دوران که بطور متقابل با موانع سیاسی و اقتصادی در هم می‌آمیخت و دشواریهای زیادی فراهم می‌آورد سوانح طبیعی است که مهمترین آنها خشکسالی و آفات نباتی و حیوانی و شیوع بیماریهای واگسیر بخصوص بیماری وبا بود. این عوامل سبب کاهش تولید محصولات کشاورزی و رکود صنعت و تجارت می‌گردید و در میادلات بازارگانی خارجی نیز اثر می‌گذارد.^{**}

وابستگی تجار به خارجه

در اوضاع و احوالی که رونق تجارت خارجی از صادرات مواد خام و واردات محصولات صنایع در حال رشد فرنگستان و وابستگی بازارهای محلی به بازارهای نوبای بین‌المللی نشأت می‌گرفت، افزایش رفت و آمد تجارت خارجی و برقراری فزاینده روابط تجاری میان تجارت ایرانی و بازارگانان خارجی خواه ناخواه به وابستگی تجارت ایرانی به مؤسسات بازارگانی غرب می‌انجامید و به گفته قاطع و روشن حاج سیاح «تجارت هم شدلا لی خارجه نه ترویج متع وطن».^{۱۱} آنچه که در این عبارت آمده مورد تأیید بسیاری از ناظران روشنکر و آزادخواه آن زمان نیز بوده و برخی از آنان چگونگی این وابستگی را تشریح کرده و آن را تحدی زیادی نتیجه سیاست گمرکی تحمیلی و نداشتن سیاست اقتصادی درست دانسته‌اند. جریان وابستگی تجارت ایرانی به خارجه در اوایل قرن گذشته هجری قمری رامیرزا علی جناب به موضوع شرح داده است: «تجارت اصفهان قبل از این تاریخ سده چهاردهم بصورت بازارگانی و پیلموری و مضارب کار کنی بوده. در نزدیکی سده چهاردهم به التفات تجارت اروپایی صادرات و واردات اصفهان ترقی نمود و تجارت اصفهان نظر به اینکه هر جن را وارد می‌ساختند به اصفهان یک گمرک صد و نیم در بوشهر می‌دادند و یکی در گمرک خانه

* مانند راه‌آهن‌های جلفا- تبریز و سیرجانوه - زاهدان و راه انزلی - قزوین و راه شوشتر - اصفهان و کشتی رانی کارون. نگاه کنید به: انتر. روابط بازارگانی ایران و روسیه. ص ۸۰-۵۵.

** از معروفترین خشکسالیها و قحطیها مربوط به سال ۱۲۸۷ هق بود که خسارات کلی به اقتصاد کشور وارد آورد. از آفات معروف حیوانی بروز و شیوع بیماری کرم ابریشم در دهه آخر قرن ۱۳ هق بود که بیژوال پرورش ابریشم در گیلان انجامید. از آفات معروف غلات در جنوب کشور من‌زدگی محصولات در اوایل قرن ۱۴ هق در ایالت فارس بود. بیماری وبا از نیمه دوم قرن سیزدهم تقریباً بصورت بیماری بوم در ایران در آمده بود.

دست نیاز بسوی همسایگان شمالی و جنوبی دراز کردند و با استفراض از خارج اقدام نمودند. بالاتر از همه سیاست نادرست گمرکی کشور، نظام اجارة گمرکات و چگونگی عملکرد آن بود که به نوبه خود، هم برای توسعه تجارت و هم برای رشد صنایع ملی موانع اساسی پدید آورد. بطور کلی میزان عوارض گمرکی کالاهای وارد و صادر شده کشور، بر اساس مقررات پر تکلی تجاری ضمیمه عهدنامه ترکمان‌چای تعین گردیده بود که بعداً سایر کشورهای غربی نیز بر طبق شرایط دول کاملة‌الولاد از آن استفاده می‌کردند. بر اساس این قرارداد، از کالاهای وارد شده تجارت خارجی، بنچ درصد ارزش کالا در گمرک سرحدی، بعنوان حقوق گمرکی و یا عوارض راهداری دریافت می‌گردید. حال آنکه از کالاهای تجارت ایرانی سه درصد حقوق گمرکی دریافت می‌گردید و گذشته از آن در شهرهایی که کالا از آن عبور می‌کرد نیز عوارض گمرکی اخذ می‌شد و گاهی بر حسب فاصله تا محل ورود کالا از یک محموله چندین بار (و گاهی تا ۱۰ بار) عوارض گمرکی و راهداری دریافت می‌شد.^{۱۲} این وضع نه تنها بازارها مورد اعتراض تجارت و نویستگان آزادخواه ایرانی قرار گرفته،^{۱۳} بلکه ناظران و مأموران انگلیسی نیز آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند، چنانکه دبیر سفارت انگلیس در این باره می‌گوید: هر چقدر هم که موقعیت تجارت خارجی در ایران نا مساعد باشد وضع آنان بهیچوجه قابل مقایسه با طبقات پیشمر و کشاورز ایرانی نیست که بخطاطر دلبخواهی بودن مالیاتها، نظام ویرانگر اخذ عوارض از کالاهای عبوری در شهرها و عوارض راهداری قادر به گسترش فعالیتهای تولیدی خود نیستند. بنظر من باید عوارض گمرکی یکسانی از تجارت ایرانی و تجارت فرنگی اخذ شود. عوارض گمرکی کالاهای عبوری از شهرها بکلی ملغی گردد. عوارض گمرکی واردات از ۵ درصد به ۸ درصد افزایش یابد، و عوارض گمرکی صادرات (۳ درصد) رفتاره کاهش یابد تا سرانجام ملغی گردد.^{۱۴}

ضمف سیاسی و اقتصادی دولت مرکزی در دوره قاجاریه و سردرگمی کارگزاران دولتی در برابر اعمال نفوذ قدرتهای استعماری سبب شد تا دولت قاجار هم موانع رشد سرمایه‌داری توسعه سرمایه‌داری را از اسلاف خود بهارث بپردازد در حالیکه تواند عوامل رشد سرمایه‌داری وابسته به حکومت را که دولتهای نیرومندتر در طول تاریخ ایران تدارک می‌دیدند، فراهم آورد. گذشته از سیاستهای مساعد پولی و گمرکی، توسعه شبکه‌های ارتباطی و تأمین امنیت راههای تجارتی از عوامل مؤثر رشد فعالیتهای تجارتی و وسعت بخشیدن به بازار ملی است که همواره دولتهای مرکزی نیرومند در تاریخ ایران بدان می‌پرداخته‌اند. حال آنکه قاجارها نتوانستند اقدامات مؤثری در این زمینه بعمل آورند و تنها در زیر فشار همسایگان شمالی و جنوبی که در

همان مفهوم بورزو ازی گُبَرَادُر است. چنانکه زین العابدین مراغه‌ای می‌گوید: «اینان که به نام تاجر یاد می‌کنند و من هم معاملات تجاری ایشان را تا یک درجه دیده‌ام، تاجر نیستند، مزدوران فرنگانند و بلکه دشمنان وطن خودشان هستند؛ زیرا که همه ساله بدامن نقد مملکت را بار کرد، به ممالک خارجه می‌ریزند و در مقابل امتعه قلب و نایابی‌دار فرنگستان را بمهزار گونه رحمت و مشقت بر خودشان حمل کرده به وطن نقل می‌دهند.»^{۴۲} حاج سیاح نیز در مقدمه عبارتی که پیش از این نقل کردیم می‌گوید: «در چنین عصری که بواسطه کارخانجات اروپا و سهولت حمل و نقل بواسطه راه آهن و غیره محصولات به طریق آسان و ارزان وارد می‌شود، اهل ایران رو کردن بخرید متابع خارجه و بتدریج، هر صنعت که در خود ایران بود بر افتاد... اگر کسانی هم به خیال دایر کردن کارخانه یا ساختن راه می‌افتدند سیاست شمال و جنوب بدست دولت ایران مانع می‌شدند... و هر کس هم اسم تجارت را بر خود جز این ندانست که متابع خارجه را در داخله مملکت غلط انداز رواج داده، یکی بر صدگران فروخته، ثروت و نقد مملکت را حمل به خارجه نماید. تجارت هم شد دلالی خارجه نه ترویج متابع وطن.»^{۴۳}

ماهیت رشد صنایع جدید

در شرح فعالیتهای اقتصادی سرمایه‌داران خارجی و تجارت بزرگ ایرانی نقش آنان را در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی بررسی نمودیم و کارخانه‌هایی را که در آن دوران بهشت آنان تأسیس شده بود یک به یک معرفی کردیم. در این بخش تحلیلی از ماهیت رشد صنایع جدید با توجه به نوع و میزان سرمایه‌گذاریها و حجم کارخانه‌ها بر اساس آمارهای بدست آمده در زمینه تعداد کارگران آنها بدست می‌دهیم و بر اساس این آمارها میزان سرمایه‌گذاری تجارت ایرانی و همراهی فرنگی آنان را مورد سنجش و مقایسه قرار می‌دهیم.^{۴۴}

بطورکلی در نیمة اول قرن کنونی هجری قمری نیروی کارگری کشور که در صنایع دستی شهری اشتغال داشته‌اند حدود صد هزار نفر تخمین شده است که حدود صست و پنج هزار نفر آنان در قالی‌بافی، بیست هزار نفر در صنایع نساجی، دو هزار نفر در صنایع فلزی، هزار نفر در تولید مصنوعات چرمی و حدود ده هزار نفر در صنایع متفرقه مانند عمل آوردن ترباک و توتون و تباکو، سفال‌سازی، صابون‌بزی و روغن‌کشی اشتغال داشته‌اند. در فعالیتهای تولیدی و اقتصادی دیگر نیز حدود دویست نفر در معادن، حدود سیصد نفر در چوب‌بری، دویست نفر در راه آهن و حدود پانصد نفر در چاپخانه‌ها اشتغال داشته‌اند. گذشته از اینها صنایع و کارگاههای تولیدی جدید که در دهه آخر قرن گذشته و اوایل قرن کنونی در کشور تأسیس گردیده بود شامل ۶۱ کارخانه و کارگاه متوسط و کوچک بود که جمعاً حدود ۱۷۰۰ نفر کارگر در

شیراز و یکی در گمرکخانه اصفهان (و تجارت اروپائی فقط یک صد پنج در سرحد می‌برد) اختند و جواز گرفته که در سایر شهرها چیزی نپردازند) با وصف اتحاد قیمت خربید و فروش ممکن بوده جنس تجارت اروپائی منفعت ببرد و اجتناس تجارت اصفهان ضرر کند، بنابر این تجارت اصفهان خود را نماینده تجارت‌خانه‌های اروپائی کردند و مدتی تجارت اصفهان عبارت از همین نماینده‌گی و حمالی اجناس تجارت اروپائی بود. بعد از آن تجارت اروپائی که تا این تاریخ بیشتر در سرحدات سکونت داشتند احساس نمودند احتیاجات اهالی نسبت به آنها زیاد شده و آن نظرهای توہین آمیز را دیگر به آنها نمی‌کنند و بسبب امنیت در مزلوها و راه‌ایشان محتاج به مستحفظ نیستند به اصفهان آمدند، و در اوایل سده چهاردهم چندین تجارت‌خانه و باشک در اصفهان تأسیس نمودند و بسبب مساهلت اروپائی‌ها در معاملات، بازارهای اصفهان رونقی پیدا کرد. و تجارت این شد که اجناس را بطور عمدی از تجارت‌خانه‌ای اروپائی خریداری کند و مدرجآخورده خورده به کسبه بازار بفروشند.^{۴۵}

در گزارش دیگری میرزا تقی خان حکیم‌باشی، شکایت تجارت بوشهر را بدینگونه نقل می‌کند: «شکایت دیگر از تجارت بوشهر که فی الحقيقة سبب نقصان کلی برای تجارت ایرانیان و مایه خرابی آنها است و هم سبب می‌شود که متمويلین رعایای ما خود را تبعه خارجه قرار دهد و یا آنکه از کمپانیهای خارجه ملزومات خود را بخرند و کمپانیهای خارجه در مملکت ما بسیار شده تجارت ایران از خرید خارج صرف نظر نمایند، تفاوت گمرک است که از ابتداء معلوم نیست کدام شخص از عقلاء وضع گمرک گرفت مارا معکوس قرار داده است و حال آنکه در تمام ممالک خارجه یک صد پنج در بندرا داده همه جا آزاد و بدون گمرک است. لیکن اگر تجارت ما متابعی وارد می‌کنند در بندرا یک دفعه گمرک می‌دهند، در شیراز یک گمرک دیگر، در اصفهان و سایر بلاد باز گمرک دیگر می‌دهند، در عرض راهها چند بار راهداری می‌دهند. لهذا گمرک تجارت رعایای داخله ما چند برای ایرانی صرر از گمرک کمپانیهای خارجه می‌شود. پس تجارت ما بواسطه این ضرر ناچارند که با خارج معامله ننمایند تا آنکه کمپانیهای رعایای خارجه مال التجاره آورده از آنها بخرند، به این واسطه هم تجارت ما از حیز انتفاع افتاده باب معاملات‌شان بالمره مسدود شده و هم کمپانیهای خارجه در بلاد مازیاد شده و می‌شود و هم رعایای ما ناجار می‌شوند که برای دفع این ضرر خود را رعیت خارجه کنند، پس باید گمرک کلیتاً همه جا چه از رعایای خارجه و چه داخله به یک میزان و در یک مکان وصول شود و هم بالمساوات باشند و برای رفع ضرر دولت قدری از داخله کم کرده و بر خارجه بیفزایند تا هم رفع ضرر تجارت ایرانی بشود و هم فیما بین همه مساوات باشند و هم بعد از ضرری عاید نشود.^{۴۶}

این وضع را برخی از ناظران ایرانی بدلاًی و مزدوری فرنگیها تعبیر کرده‌اند که در واقع

کارخانها و کارگاهها متعلق به سرمایه‌داران خارجی نیز غالباً از نوع واحدهای کوچک بود و تنها سه واحد از آنها دارای ۵۰ تا ۳۰ کارگر بودند که بیش از یک‌سوم کارگران را

جدول ۳ - مشخصات کارخانه‌ها و کارگاههای فرنگی در ایران - اوخر قاجاریه

نام کارخانه یا کارگاه	محل کارگران	تعداد کارگران در صد کارگان	تعداد تابعیت	تعداد کارگاه	بلوکی	۳۰۰	۲۶/۰				
کارخانه قند		کهریزک		۱		کارخانه قند					
کارخانه قالیبافی		تبریز		۱		آلمانی					
کارخانه کبریتسازی		تهران		۱		روسی					
تأسیسات نقی		انزلی -		۵		روسی					
آستانه		-		-		-					
کارگاههای بنده باک کنی		مازندران -		۱۷		روسی					
خراسان		-		-		-					
کارگاههای ساختمانی		آذربایجان		۱		روسی					
ابرشم تابی		برکاده		۱		روسی					
کارگاه مونتاژ		تبریز		۱		آلمانی					
کارخانه برق		انزلی		۲		روسی					
آجریزی		ارومیه		۱		آلمانی					
روغن‌گیری		رودبار		۱		روسی					
کارخانه تباکو		مشهد		۱		روسی					
الکل‌سازی		ارومیه		۱		روسی					
پخش‌سازی خوشتاریا		انزلی		۱		روسی					
کارخانه آسیای بخاری		قزوین -		۲		روسی -					
ارومیه		-		-		آلمانی					
کارخانه چوب‌بری		گیلان -		۳		روسی -					
ارومیه		-		-		آلمانی					
فشنگ‌سازی		اصفهان		۱		آلمانی					
جمع						۱۱۵۲					
۱۰۰/۰						۱۰۰/۰					

مأخذ: کتاب عبدالله بف. ص ۱۹۸-۲۱۳.

جدول ۲ - مشخصات کارخانه‌ها و کارگاههای ایرانی - اوخر قاجاریه

نام کارخانه یا کارگاه	محل	تعداد کارگران در صد کارگان	تعداد	تابعیت	محل کارگاه	تعداد کارگران	بلوکی				
کارخانه ابریشم تابی		گیلان		۱		۱۵۰					
حاج امین‌الضرب		مازندران -		۱		۱۴۴					
کارگاههای بنده باک کنی		خراسان		-		۱۴۴					
کارخانه کاغذسازی		تهران		۱		۶۰					
کارخانه نخرسی قزوینی		تبریز		۱		۹۵					
کارخانه برق		تبریز - مشهد -		۳		۹۵					
تهران		تهران		-		-					
کارخانه بلورسازی امین‌الضرب		تهران		۱		۲۰					
کارخانه صابون‌بزی نظافت		تهران		۱		۲۰					
کوره آجریزی حاج امین‌الضرب		تهران		۱		۲۰					
کارخانه فشنگ‌سازی		تهران		۱		۱۰					
کارخانه آبجوسازی		تهران		۱		۱۰					
جمع						۵۲۴					
۱۰۰/۰						۲۰					

مأخذ: کتاب عبدالله بف. ص ۱۹۸-۲۱۳.

بزرگترین واحد جدید صنعتی که به همت سرمایه‌گذاران ایرانی تأسیس شده کارخانه ابریشم تابی حاج امین‌الضرب در گیلان با ۱۵۰ کارگر و سپس کارخانه کاغذسازی تهران با ۶۰ کارگر و کارخانه نخرسی قزوینی در تبریز با ۴۵ کارگر بوده است که جمعاً ترددیک به نیمی از کل کارگران واحدهای صنعتی جدید را در اختیار داشته‌اند. در حالیکه نیمی دیگر از کارگران در واحد صنعتی کوچک که گستره تعداد کارگران آنها از ۱۰ تا ۲۰ نفر بوده است اشتغال داشته‌اند.

تشویق نمایند و این هر دو مطلب بزودی انجام گرفت.^{۷۷} در همین زمان حاج محمد حسین تاجر کازرونی نیز انجمنی به نام انجمن اسلامی برای ترویج پارچه‌های وطنی تأسیس نمود.^{۷۸} در نتیجه این اقدامات زمینه تشکیل یک شرکت بزرگ ملی برای بسیاری از امتعه خارجه فراهم آمد و در سال ۱۳۱۶ هـ ب م شرکت اسلامیه اصفهان از طبقات «علماء اعلام و امراء کرام و تجارت دوی الاحترام و کسبه از خواص و عوام» با انتشار یک کرور تومان سهام که به ۵۰ هزار سهم ۱۰ تومانی تقسیم شده بود، تشکیل گردید و بزودی ۱۵۰ هزار تومان سرمایه اولیه در شرکت گرد آمد. هدف شرکت در فصل پیستویکم کتابچه و نظاننامه آن بدینگونه آمده است: «این شرکت بکلی از داد و ستد متعاق خارجه منوع است. فقط هم خود را صرف ترقی متعاق داخله و آوردن چرخ اسباب و کارخانجات مفیده خواهد نمود و حمل متعاق داخله را به خارجه برحسب اقتضاء و موقع خود در کشیدن راه شوese و آهن اقدام خواهد کرد.» همچنان در ماده بیست و چهارم آمده است که «تعام اجزاء از رئیس و مرئی و امنی شرکت حسب الشرط مجبورند لباس خود را از منسوجات و متعاق داخله مصرف رسانند.^{۷۹}

رباست شرکت اسلامیه بر عهده حاجی محمد حسین تاجر کازرونی گذارده شد و چهار نفر از تجار اصفهانی بعنوان وكلاء و امنی اداره مرکزی اصفهان برگزیده شدند: حاجی میرزا محمد مشکی، حاجی محمد جعفر، حاجی میرزا اسدالله نقشینه و حاجی محمد کاظم مثقالی. حاجی میرزا اسدالله نقشینه ملقب به ادب التجار برباست کلی شعبه اصفهان و حاج محمد حسن امین الضرب برباست کلی شعبه تهران شرکت برگزیده شدند و امنی مجلس شرکت در تهران حاجی میرزا حبیب تاجر کاشانی، حاجی محمد تقی شاهروانی، حاجی محمد علی تاجر کاشانی و حاجی میرزا علی تاجر اصفهانی بودند. شرکت اسلامیه در بدو تأسیس از میان تجار هجدۀ شهر و کلایی معین نمود که نشان دهنده استقبال و پذیرش جماعت تجار کشور از شرکت مذکور است. شرکت در شهرهای بوشهر، شیراز، قمشه، کرمان، یزد، مشهد، سمنان، تهران، قم، کاشان، سلطان‌آباد، رشت، قزوین، بارفروش، اشرف، تبریز، همدان و ستننج نماینده داشت. علمای اعلام اصفهان از تأسیس شرکت پشتیبانی کامل بعمل آوردند، بخصوص حاج شیخ محمد تقی معروف به آقانجفی که در اصفهان سمت رباست ریاست داشت. به گفته مجدد اسلام «بسیاری از علماء بزرگ اصفهان مثل مرحوم ثقة‌الاسلام حاجی شیخ محمد علی و جناب ثقة‌الاسلام آقای حاجی شیخ نور‌الله تمام ملبوس خود را حتی عمامه از پارچه‌های اصفهان قرار دادند.^{۸۰}

شرکت کارگاههایی در اردستان برای تهیه منسوجات دایر نمود که پارچه‌های بسیار عالی معروف به پارچه‌های اسلامیه تهیه می‌کرده است ولی محصول آن بسیار کم بوده است. شرکت

بخود اختصاص می‌دادند، و بدین ترتیب دو سوم بقیه کارگران در ۲۸ کارگاه که گستره تعداد کارگران آنها از ۱۰ تا ۲۰ نفر بود به کار اشتغال داشتند. از نظر تابیت سرمایه‌داران و صاحبان این کارگاهها نیز نزدیک بمدونجم کارگران در کارگاههای متعلق به سرمایه‌گذاران روسی، بیش از یک‌چهارم در کارخانه بلژیکی و حدود یک‌ششم در کارگاههای آلمانی اشتغال داشتند. در این میان فعالیت سرمایه‌داران روسی، هم از نظر وسعت سرمایه‌گذاری و هم از نظر تنوع و هم از نظر گستردگی فعالیتهای آنان در سراسر استانهای شمالی کشور از آذربایجان تا خراسان از اهمیت خاصی برخوردار بود. بخصوص آنکه روسها در شمال کشور سرمایه‌گذاری وسیعی در شیلات با حدود ۴۲۰۰ کارگر (که ۳۰۰۰ نفر آنان اتباع روسیه بودند)، در صنایع چوب با ۳۰۰ کارگر، در ساختمان راه و راه‌آهن با ۳۲۰۰ کارگر روسی و تعدادی کارگر ایرانی بعمل آورده بودند.

مقایسه شمار کارگرانی که در کارخانه‌ها و کارگاههای متعلق به سرمایه‌گذاران ایرانی اشتغال داشته‌اند با کارگاهها و کارخانهای متعلق به سرمایه‌داران غربی نشان می‌دهد که اگر تنها کارگاههای متوسط و کوچک را که در جدولهای شماره ۲ و ۳ آمده‌اند در نظر بگیریم از کل کارگران این کارگاهها ۲۱ درصد در کارگاههای متعلق به ایرانیان و ۶۱ درصد بقیه در کارگاههای متعلق به خارجیها اشتغال داشته‌اند. لکن اگر تعداد کارگرانی را که در نفت جنوب و نیز در شیلات و صنایع چوب و حمل و نقل اشتغال داشته‌اند در نظر آوریم، نسبت کارگرانی که در واحدهای متعلق به ایرانیان اشتغال داشته‌اند حتی به یک‌دهم کل کارگران واحدهای تولیدی و اقتصادی جدید هم نمی‌رسد. این آمارها بخوبی ناکامی و ضعف بورژوازی ملی ایران را در رقابت با سرمایه‌داران خارجی در زمینه توسعه و گسترش صنایع ملی نشان می‌دهد.

جنبش اجتماعی برای ترویج صنایع ملی

یکی از وقایع مهم دهه‌ی که به انقلاب مشروطیت انجامید، پیدایش سور و شوق ملی برای ایجاد شرکتهای صنعتی بود تا وابستگی به کالاهای وارداتی غربی را کاهش دهد و مآل آن را از میان بردارد. این جنبش را ابتدا تنی چند از تجار و روشنفکران اهل علم در اصفهان آغاز کردند. بدینگونه که در سال ۱۳۱۵ هـ ب م احمد مجدد‌الاسلام کرمانی به باری سید جمال واعظ و ملک‌المتكلمين و میرزا علی جناب، انجمنی به نام انجمن شرقی تشکیل دادند که هدفش رفع احتیاج از خارجه بود. به گفته مؤسس این انجمن «یکدسته که اهل منبر بودند قرار شد در ماه مبارک رمضان در منبر مردم را به استعمال امتعه داخله ترغیب کنند و دسته دیگر مأمور شدند که با تجار مذاکره نموده آنها را به جمع کردن سرمایه و تشکیل شرکت وطنی

نامساعد سیاسی و اقتصادی کشور از یکسو و کارشنکنیهای بانکهای روس و انگلیس در ایران از دیگر سوی سبب شد تا این جنبش اجتماعی و اقتصادی که بازاریان و تجارت کشور در آن نقش رهبری داشتند، بجای نرسد. بر اون درباره کارشنکنیهای بانکهای خارجی در راه تأسیس بانک ملی چنین می‌گوید: «اشکالاتر اشیاهای دیگری از طرف بانکهای روس و انگلیس سد راه شد، تا آنجا که در قوه داشتند اشکال کمیابی پول را به میان آوردند، چه معتقد بودند و مسلم بود که اگر بانک ملی با سرمایه شش میلیون تومان در ایران بوجود آید، آنها دیر یا زود کار از^{۲۵} دستشان بیرون رفته و مجبور خواهند شد بی کار خود بروند.»

بدینگونه ماهیت رشد اقتصادی در شرایط نیمه استعماری این خصوصیات را داشت: یکم اینکه، تولید مواد خام که مورد نیاز بازارهای بین‌المللی بود افزایش پیدا کرد. دوم اینکه، واردات کالاهای فرنگی رونق پیدا کرد و مردم کشور به مصرف این کالاهای بخصوص قماش منجستر و قند و شکر و چای اعتیاد پیدا کردند.

سوم اینکه، با خاطر تنزل ارزش نقره در جهان و فزونی واردات پر صادرات ذخایر ارزی کشور از دست رفت و ارزش پول کشور در برابر اسعار خارجی تنزل کرد. چهارم اینکه، با ورود امتعه خارجی و بخصوص قماش منجستر صنایع نساجی کشور و بخصوص صنایع نساجی شهرهای صنعتی مرکزی کشور یعنی اصفهان، کاشان و یزد رو بزوای نهاد.

پنجم اینکه، سیاستهای نادرست اقتصادی و مالی و گمرکی حکومت قاجارها نیز به نوبه خود موانعی در راه رشد سرمایه‌داری ملی و صنعتی فراهم آورد. ششم اینکه، تجارت بزرگ ایرانی که در کار مبادلات خارجی بودند به سرمایه‌داری غربی وابستگی پیدا کردند.

هفتم اینکه، کوشش‌های سرمایه‌داران ایرانی در زمینه ایجاد صنایع جدید ماشینی عقیم ماند و در مقایسه با سرمایه‌گذاری خارجیها در صنایع نسبت کمی را تشکیل داد.

هشتم اینکه، با خاطر حضور تجارت بزرگ که در عین وابستگی به خارج، خود را رقیب سرمایه‌داران غربی می‌دانستند و از این‌رو دارای تمایلات سرمایه‌داری ملی نیز بودند در اوایل قرن کنونی جنبشی اجتماعی و سیاسی برای ترویج امتعه وطنی و تأسیس بانک ملی و مالاً کوتاه کردن دست خارجیها از اقتصاد کشور پدید آمد که سرانجام بصورت قیام بازاریان در بر ایر استبداد و استعمار در شورش تباکو و نهضت مشروطیت تبلور یافت.

همچنین در نظر داشت که یک کارخانه ریسندگی تأسیس نماید.

در نخستین سالهای انقلاب مشروطیت (سال ۱۳۲۵ هـ / ۱۹۰۷ م) فکر تشکیل شرکت‌های ملی برای توسعه صنایع داخلی در سه مورد ظهرور کرد: نخست در تابستان این سال انجمن تجارت یزد شرکتی با سرمایه هجدۀ هزار تومان برای تأسیس و بکارانداختن کارخانه‌های پارچه‌بافی تشکیل دادند. آنان در نظر داشتند ماشین‌آلات و متخصصین مربوط را از روسیه وارد کنند و از علماء تقاضا کنند تا قماش فرنگی رانجس اعلام نمایند.^{۲۶} دوّم، پیشنهاد کاشف‌السلطنه، مبتکر کشت و توسعه چایکاری در ایران، به مجلس شورای ملی برای تشکیل شرکتی از بازرگانان بهمنظور توسعه چایکاری در کشور و تأسیس کارخانه‌های چای در گilan، مازندران و تهران بود.^{۲۷} سوم، پیشنهاد تجارت و اصناف مشهد است برای تشکیل شرکت ملی چنانکه طی تلگرامی میرزا محمد اسماعیل خرازی به مجلس شورای ملی می‌نویسد: «یکصد و چهل و چهار نفر از اصناف و یک نفر از علماء متعدد شده جهت ترویج امتعه وطنیه می‌خواهند تأسیس شرکتی بکنند موسوم به شرکت انجمن اثی عشریه ماذون به اقدام هستند یا اینکه منتظر قوانین شرکتی مجلس شورای ملی باشند.»^{۲۸}

در این میان شور و شوق اجتماعی برای تأسیس بانک ملی که مالاً فعالیتهای بانکی کشور را در اختیار خود گیرد، در مسأله ضروری برای دولت سرمایه فراهم آورد و دولت را از قرضه‌های خارجی بی‌نیاز سازد و به نشر اسکناس پردازد، مهمنترین جنبش ملی اقتصادی در آغاز انقلاب مشروطیت ایران بود. فکر تأسیس چنین بانکی سالهای پیش از انقلاب مشروطیت طی نامه مستدلی بوسیله حاج محمدحسن امین‌دار‌الضرب به ناصر الدین شاه داده شده و بی‌نتیجه مانده بود.^{۲۹} مسئله بانک ملی از نخستین مسائلی بود که در مجلس اول مطرح گردید که بعداً به آن خواهیم پرداخت. پس از اعلان تشکیل بانک ملی، بزرگان تجارت در تهران و شهرهای دیگر از آن استقبال کردند.* لکن این کوشش عقیم ماندو اوضاع احوال

* اسامی برخی از معارف تجاریه که نقش فعال در جنبش تأسیس بانک ملی داشتند از این‌نحوه: حاجی یید مرتضی مرتضوی، حاجی محمد تقی شاهروانی، حاجی محمدعلی شاهروش، حاجی محمدآقا تاجر تبریزی، حاجی محمد ابراهیم ملک التجار اصفهان، حاجی محمدحسین کازرونی، آقامیرزا محمد شفیع ملک التجار، حاج فرج آقا صراف تبریزی، حاج باقر آقا صراف، حاجی لطفعلی آقا صراف تبریزی معروف به اتحادیه، میرزا علی صراف اصفهانی، معاون التجار دهدشتی، حاجی مشیر التجار محمر، حاجی میرزا احمد تاجر لاری، حاجی سید محمد حسن شبانکاره بوشیری، حاجی میرزا حسن کاشانی معروف به شاهروش، حاجی میرزا بعقوب آقا تاجر امینی قزوینی، آقامحمد آقا کیانی عراق و تجارت خانه‌های بزرگ آن زمان یعنی تجارت خانه تومانیان و تجارت خانه ارباب چمشید و عده زیاد دیگری از تجارت کشور از همان آغاز بهمایت از تأسیس بانک ملی اقدام نمودند: نگاه کنید به مذاکرات مجلس اول، ص ۱۱-۱۵.

- کاساکوفسکی، ص ۱۶۷-۱۷۰؛ خاطرات عباس میرزا ملک آرا، ص ۱۲۱؛ همجنین نگاه کنید به: نامه حاجی محمد حسن امین‌الضرب به امین‌السلطان در ابراهیم صفائی، پنجاه نامه تاریخی، ص ۱۳۸-۱۴۲.
- ۱۷ - نگاه کنید به کتاب Lorini، ص ۴۰۰.
 - ۱۸ - نگاه کنید به کتاب Frazer، ص ۲۱۲.
 - ۱۹ - بعنوان نمونه نگاه کنید به: الاصفهان، ص ۲۱۸؛ خاطرات حاج سیاح، ص ۴۷۲؛ گزارش میرزانقی خان حکیمباشی، اسناد نویافته، ص ۱۰۷-۱۰۸.
 - ۲۰ - نگاه کنید به این گزارش:

Great Britain. *House of Commons, Sessional Papers. Persia, «Report by Mr. Dickson on the Trade of Persia.»* London: Vol. ZIX, cd. 549, P.140.

 - ۲۱ - خاطرات حاج سیاح، ص ۴۷۲.
 - ۲۲ - سیدعلی جناب، الاصفهان، اصفهان: مطبعة فرهنگ، ۱۳۰۳، ص ۱۱۸.
 - ۲۳ - اسناد نویافته، ص ۱۰۷-۱۰۸.
 - ۲۴ - سیاحت‌نامه ابراهیم بیک، ص ۱۶۴.
 - ۲۵ - خاطرات حاج سیاح، ص ۴۷۲.
 - ۲۶ - کلیه آمارهایی که در این بخش ارائه شده از کتاب عبدالله یف، صفحات ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۰۳، ۱۹۹ و ۲۱۳ مورد استفاده و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.
 - ۲۷ - احمد مجdal‌الاسلام کرمانی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مقدمه و تحشیه از محمود خلیل‌بور، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۰، مجلد دوم از جلد اول، ص ۳۱۳.
 - ۲۸ - ابراهیم صفائی، رهبران مشروطه، تهران: انتشارات جاویدان علمی، ۱۲۴۴، ص ۳۴۲.
 - ۲۹ - نگاه کنید به: «کتابچه و نظام‌نامه شرکت اسلامیه اصفهان» در تریا، سال ۱، شماره ۴۹ (۱۳۱۶ هـ)، ص ۱۶-۱۲.
 - ۳۰ - تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۳۱۲.
 - ۳۱ - کتاب عبدالله یف، ص ۱۴۰-۱۳۹.
 - ۳۲ - مجلس شورای ملی، مذاکرات مجلس اول، ص ۱۲۴.
 - ۳۳ - نظام‌الاسلام کرمانی، تاریخ پیداری ایرانیان، به‌اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، بخش دوم، ص ۵۹.
 - ۳۴ - تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران، ص ۷۴-۶۶.
 - ۳۵ - ادوارد براؤن، انقلاب ایران، ترجمه و حواشی احمد پژوه، تهران: کانون معرفت، چاپ دوم، ۱۳۳۷، ص ۱۳۶.



حواله‌ها:

- ۱ - نگاه کنید به سه اثر زیر:

M. Entner, *Russo-Persian Commercial Relations: 1828-1914*. University of Florida Press, Gainsville, 1965, pp. 8-9; E. Lorini, *La Persia, Economico Contemporanea la sua question Monetaria*. Roma, 1900, p. 409.

Great Britain Parliament. *House of Commons, Sessional Papers.* "Statement on the Trade of British India with British Possessions and Foreign Countries for the Five Years 1870-71." London: 1876, Vol LXXVII, cd., 1616; B. Busch. *Britain and the Persian Gulf: 1894-1914*. Berkeley University of California Press, 1976, appendix F.

- ۲ - راینو، ولایات دارالعرز گیلان، ترجمه جعفر خامیزاده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰، ص ۷۷.
- ۳ - نگاه کنید به این گزارش:

Great Britain Parliament. *House of Commons, Sessional Papers. Persia, "Report by Mr. Dickson on the Trade of Persia."* London: 1882, Vol LXIX, cd. 3409, pp. 495-502.

- ۴ - نگاه کنید به این گزارش:

Great Britain Parliament. *House of Commons, Sessional Papers. Persia, "Report by Mr. Baring on Trade and Cultivation of Opium in Persia."* London: 1882, Vol LXIX, cd. 3409, pp. 48-62.

- ۵ - نگاه کنید به گزارش کسوی اینگلیس از خراسان:

Great Britain Parliament. *House of Commons Sessional Papers. Persia, "Report for the Year 1894-95 on the Trade, etc. of Khorasan".* London: 1895, Vol. IC, cd. 7828-24؛ همجنین نگاه کنید به: سیدمحمد علی جمالزاده، کنج شاپگان، بریل: انتشارات کاوه، ۱۳۳۵ هـ، ق، ص ۱۲.

- ۶ - همان، ص ۱۶.
- ۷ - همان، ص ۱۶؛ همجنین نگاه کنید به این کتاب: George Curzon, *Persia and the Persian Question*, ج ۲، ص ۵۶۱.
- ۸ - المائر والآثار، ص ۱۱۸.
- ۹ - نگاه کنید به کتاب *Persia and the Persian Question*, ج ۲، ص ۵۶۰.
- ۱۰ - خاطرات حاج سیاح، ص ۲۱۱-۲۱۰.
- ۱۱ - حاج زین‌العابدین مراغه‌ای، سیاحت‌نامه ابراهیم بیک، تهران: کتابهای صدف، ۱۲۴۴-۱۲۴۳.
- ۱۲ - جفراءی اصفهان، ص ۱۰۱.
- ۱۳ - اوزن فلاندن، سفرنامه اوزن فلاندن به ایران، ترجمه حسین پورصادقی، تهران: اشرافی، ۱۳۵۶، ص ۱۲۵.
- ۱۴ - تاریخ کاشان، ص ۴۸۹.
- ۱۵ - نگاه کنید به کتاب *Persia and the Persian Question*, ج ۲، ص ۲۲۲.
- ۱۶ - سفرنامه ابراهیم بیک، ص ۱۶۳؛ روزنامه خاطرات اعتماد‌السلطنه، ص ۱۰۵۳، ۹۳۲؛ خاطرات کلشن

بیش از یک ربع قرن تداوم یافت ابتدا در کوشش مشکل آنان برای ایجاد مجلس و کلای تجارت در تهران و شهرهای بزرگ آغاز گردید و آنگاه در جنبش تباکو اوج گرفت و سپس در نهضت مشروطیت به کمال خود رسید.

* مقدمات قیام بازاریان: مجلس و کلای تجارت

با آنکه جماعت تجارت در پایتخت و شهرهای بزرگ از منزلت اجتماعی و قدرت اقتصادی و تا حدی از نفوذ سیاسی بهره‌مند بودند و در ردهٔ پایین اعیان شهرها جای داشتند لکن دلخواهی بودن امور و نبودن ضوابط معین در روابط میان عمال دیوانی و قشraphای دیگر اجتماعی و بخصوص تعیینات حکام ولایات به جماعت تجارت موجبات تعریضات و درگیریهای مداوم میان آنان و عمال دیوانی را فراهم می‌ساخت. این وضع در زمانی که مبادلات تجارت رو به افزایش می‌گذاشت و نقش تجارت در اقتصاد کشور اهمیت بیشتری می‌یافتد و قدرت اقتصادی آنان رو به فروتنی می‌رفت و بخصوص سران حکومت و جماعت تجارت به موقعیت والای تجارت در ممالک فرنگی بی می‌بردند چندان قابل دوام نبود. از این‌رو مطابق معمول نظامهای شهپری که راه حل مشکلات و دشواریها را از بالا تعیین می‌کنند، از همان آغاز نوسازی و اصلاح دستگاه اداری، به‌فکر ایجاد وزارت تجارت افتادند و در دوران صدارت میرزا حسینخان مشيرالدوله در سال ۱۲۸۹ هـ / ۱۸۷۲ بـ م وزارت تجارت و فلاتحت را تأسیس کردند که عهده‌دار حمایت از منافع تجارت و در واقع دفاع از حقوق آنان در پرایر تعیینات عمال دیوانی و فراهم‌آوردن اسباب رشد و توسعهٔ مبادلات بازارگانی در کشور بود.^۱ لکن در عمل این وزارت‌خانه مانند دیگر دستگاههای دیوانی آن زمان نه تنها وظایف خود را انجام نمی‌داد بلکه خود وسیله‌ای بود برای سرکیسه کردن جماعت تجارت و راهی شد برای مداخل عمال دیوانی. چنانکه تجارت در عربیه‌ای به ناصرالدین شاه می‌نویست «این بندگان را به شخصی بسپارید که دولتخواه باشد، بی طمع باشد، بی غرض باشد، گرسنه نباشد، مقتدر باشد، حکمش در همهٔ بلاد و وزارت‌خانه‌ها نفاذ داشته باشد، تجارت و فقرار ا محل مداخل و تعیش خود قرار ندهد... این جناب نصیرالدوله که وزارت تجارت را به او تفویض فرموده‌اید... از

* این بخش مبتنی است بر تحلیل ارزندهٔ دکتر فریدون آدمیت و دکتر هما ناطق در بارهٔ مجلس و کلای تجارت بر اساس آرشیو این‌الضرب که برای نخستین بار موضوع را مطرح کرده‌اند و همانطور که اشاره کرده‌اند جریان تشکیل مجلس و کلای تجارت در بررسی نقش تجارت در جنبش تباکو و انقلاب مشروطیت ایران از اهمیت خاص برخوردار است. فریدون آدمیت و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر شدهٔ دوران فاجران. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۵۶، ص ۲۹۹-۳۷۱.

فصل پنجم:

قیام بازاریان در برابر استبداد و استعمار

رشد شتابان تجارت خارجی و برخورد فزایندهٔ تجارت ایرانی با مغرب‌زمین که افزایش نسبی قدرت اقتصادی و منزلت اجتماعی تجارت بزرگ را در پی داشت، سبب برهم خوردن روابط متداول قدرت، میان بازاریان و عمال دیوانی گردید. تجارت بزرگ که با کشورهای مغرب‌زمین روابط بازارگانی داشتند، رفته‌رفته باب مراؤده و رفت و آمد به‌غرب را گشودند و با اعلای وضع همتایان فرنگی خود و موقعیت ممتازی که در جامعهٔ جدید بدست آورده بودند بیش از پیش آشنا شدند. آگاهی به موقعیت والای تجارت فرنگ و حمایت بی‌دریغ دولتهای مغرب‌زمین از آنان و مشارکت آنان در امور سیاسی و تعیین خط مشی سیاسی و اقتصادی کشورشان، سبب بالارفتن سطح آگاهی و انتظارات تجارت گردید.* از سوی دیگر ادامهٔ حکومت خودکامه و بی‌سیاستهای دولت و زیونی آن در برای تحریمات خارجیها و تبعیضاتی که میان تجارت ایرانی و همتایان فرنگی ایشان بعمل آورده‌ند نیز سپردن بازار پولی کشور بدست بیگانگان و اعطای امتیازات و انحصارات اقتصادی به آنان و رونق کالاهای فرنگی و زوال صنایع ملی و بی‌اعتنای مقامات مملکتی به محافظه و حمایت و گسترش صنایع جدید جملگی سبب شد تا بازاریان رویارویی استبداد و استعمار قرار گیرند و با این دو نیرو به پیکار برخیزند. مبارزات طبقاتی تجارت بر ضد استبداد و استعمار از اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری پدید آمد و سر آغازی شد برای کوششهای مشکل و همبستهٔ آنان که با پدایش نوعی آگاهی طبقاتی در جماعت تجارت ایرانی همراه بود. مبارزات دسته‌جمعی تجارت که

* تردد خطوط راه آهن در روسیه و خصوصاً بین بادکوبه و باطروم و راه آهن عشق‌آباد و ایجاد خطوط کشیرانی بخاری در دریای مدیترانه و بحر خزر موجب گردید که زوار مشهد و حجاج که غالباً کاسب و تاجر بودند و نیز تجارتی که برای امور تجارتی سفر می‌کردند با سهولت به خارج از کشور مسافرت کنند و به‌آغاز تمدن اروپایی آشنا شوند و آنجه را که دیده بودند در محاذی و مجالس با آب و ناب نقل کنند. این‌گونه گزارش‌های شفاهی در آن دوره مهمترین وسیلهٔ آشناگی با تمدن اروپایی بود.

تبغه داخله و خارجه» و «ایجاد و برپا نمودن بازار مکاریه مختص ایران». حدود معاملات تبعه داخله و خارجه و نظارت مجلس و کلای تجارت بر اینگونه معاملات بخاطر آن بود که تجارت و کسبه بی اطلاع در دام و سوسدهای تجارت خارجه نیفتند و بدین منظور تقاضا کرده بودند که «مجلس و کلای تجارت حق و قدرت داشته باشند که نگذارند احتمال التجاره بهنسیه و وعده از تجارت خارجه ابیاع کند». در فصل چهارم نیز تقاضا کرده بودند که بازار مکارهای خاص امتعه ایرانی در آستانهای را در حاکم روییه تأسیس شود تا تجارت و کسبه ایرانی هنگام شرکت در بازارهای مکاره روسیه سرگردان و متضرر نشوند. چهارمین خواست تجارت رواج امتعه ایرانی و جلوگیری از ورود سیل بنیان کن کالاهای فرنگی است که موضوع فصل پنجم کتابچه تجارت بود.

متعه فرنگستان به اندازه‌ای در مملکت ایران واپر شده است از قبیل امتعه و اقمه و غیره که متعه نفیسه مملکت ایران را که به درجات شیشه بهتر و با دوامتر از متعه فرنگستان است، منسخ نموده و کارخانجات قدیم بسیار متوقف شده و ارباب صنایع تارک و از شغل اصلی خود مجدد بازمانده و پریشان شده‌اند. تجارت ایرانی متنه‌می شوند که در اندک زمان در هر بلدی از ممالک محروم، کارخانجات متعدد احداث نمایند، و اشخاص بیکار که در مملکت هستند دارای شغل و کار شوند، و احتیاج عامه از متعه فرنگستان خیلی کم شود، بلکه بعون الله صنایع داخله به خارجه حمل شود.^۵

پنجمین خواسته آنان سپردن امور تجارت و حل و فصل دعاوی آنان و احراق حق آنان از سایر طبقات به خود آنان بود که موضوع فصل ششم در مورد تشکیل مجلس و کلای تجارت است. تأمل در این فصول نشان می‌دهد که حفظ و تأمین منافع طبقاتی تجارت با محدود کردن قدرت‌های استبدادی و استعماری خلاصه می‌شود. چنانکه احترام به مالکیت فردی و تأمین حقوق مالی افراد و نیز جلوگیری از اتلاف دیون عمال دیوانی به کسبه و تجارت و نیز اعطای قدرت حل و فصل دعاوی و امور تجارت و احراق حق آنان به مجالس و کلای تجارت و رهایی آنان از محکم شرع و عرف اصولی هستند بر ضد استبداد داخلی؛ و حمایت از تجارت داخله در برابر تجارت خارجه در داخل و خارج کشور، و تأسیس بانک ملی و رواج امتعه ایرانی در برابر امتعه خارجی، جملگی اصولی هستند بر ضد استعمار خارجی.

بدیهی است که تشکیل مجلس و کلای تجارت با اختیاراتی که تجارت طالب آن بودند سبب تعید اقتدار حکم و عمال دیوانی و حکم شرع و عرف، و نیز سبب از میان رفتنه یکی از راههای عده مداخل آنان بود. از این رو بسیاری از حکام ایالات و ولایات و نیز حکام شرع

اول تا بهحال همه را برعکس رفتار نموده‌اند. غیر از اینکه... مداخلهای عمدہ بکنند و مردم و جمع تجارت را تسامح بکنند کاری دیگر نکرده‌اند...»^۶ عرایض مکرر تجارت و اعتراضات روزافزون آنان که بیاری حاج امین الضرب به گوش شاه می‌رسید سبب شد که شاه ناصرالدوله را از وزارت برکار کند و طی دستخطی در ماه شوال ۱۳۰۱ فرمان تشکیل مجلس و کلای تجارت را صادر نماید. متن این فرمان و آنچه را که شاه خود را خواهان آن شان می‌دهد شاهد گویای از فشارهای عمال دیوانی و عوامل حکومتی بر تجارت و بازاریان است:

ما طالب ترقی امور تجارت و تجارت هستیم، و طالب اعتبار تجارت و طالب ترقی و آسودگی تجارت و طالب نظم کار تجارت و وصول مطالبات تجارت، و اینکه احتمی توانند کلاه آنها را بردارد، یا مالشان را بخورد. خودشان بنشینند و مجلس مشورت بزرگی منعقد کنند، هر طور ببینند این اراده‌های ما به عمل می‌آید در حق آنها، و هر قسمی که باعث اطمینان و آسودگی عموم تجارت است به عرض برسانند، همانطور حکم شود.^۷

تجارت دارالخلافه، در اجرای دستخط ناصرالدین شاه، به مشورت نشستند و عریضه‌ای به شاه دادند و در آن تقاضاهای تشکیل مجلس و کلای تجارت را کردند که از ده نفر نمایندگان تجارت در تهران و ایالات و ولایات تشکیل گردد و بدون آنکه رئیسی داشته باشند امور را ببطور دسته‌جمعی حل و فصل کنند.^۸ بدنبال این عریضه هیأت تجارت تهران کتابچه یا اساسنامه‌ای تهیه کردند و به ناصرالدین شاه عرضه داشتند. این اساسنامه شامل شش فصل بود که بخوبی گویای نیازها و احتیاجات اساسی آنان و بیانگر منافع طبقاتی تجارت در آن زمان بشمار می‌آید.

یکی، احترام به مالکیت فردی و تأمین حقوق مالی افراد است که از اصول لايتجز ای منافع طبقاتی بازاریان بوده و همواره مورد تهدی و تجاوز عمال دیوانی قرار داشته است. بنا بر این فصل اول کتابچه اختصاص به پیشنهاد تجارت برای حفظ املاک و مستغلات داشت و راه حل آن را تأسیس دفتر مخصوص در دیوان اعلی برای ثبت املاک و مستغلات دانسته‌اند. گذشته از آن برای جلوگیری از اتلاف مال کسبه و تجارت در فصل سوم پیشنهاد کرده بودند که هر کس از عمال دیوانی که به تجارت و کسبه مدیون است از موافق و مرسوم او توافق و دین او ادا شود. دیگر، نظارت و در اختیار گرفتن بازار پولی کشور و رهایی آن از چنگ نیروهای استعماری از طریق ایجاد بانک از سوی تجارت بود. این فکر دو دهه بعد در حین انقلاب مشروطیت از اهم اموری بود که مجلس اول را به خود مشغول داشته بود. فصل دوم کتابچه به این مهمن اختصاص یافته بود. سه دیگر، حفظ و حمایت از منافع تجارت و کسبه ایرانی در داخل و خارج کشور در برابر تجارت خارجه بود. بدینگونه فصلهای سوم و چهارم اختصاص یافته بود به «حدود معاملات

در نور دید و در انقلاب مشروطیت تبلور یافت و سرانجام به فرمانروایی قاجارها پایان بخشید. این امتیاز منافع مادی صدھا تن از تجارت، واسطه‌ها و کسبه تباکو را که دست‌اندر کار مراحل مختلف تولید، آماده‌سازی، خرید و فروش و صادرات این محصول بودند، بگونه‌ای آشکار در معرض خطری جدی قرار داد. بهیان دیگر دستگاه شهپری تجارت و کسبه تباکو را درست بدیک شرکت اجنبی فروخته، عملکرد و کسارشان را مصادره کرده و آنان را به کارکنان و حق العمل کاران کمپانی خارجی بدل ساخته بود.^۶ تجارت تباکو بی‌درنگ پی‌آخاسته و پی‌گیر آن به تجهیز و بسیج نیروهای بازاریان در شهرهای تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، یزد، شیراز و دیگر شهرها پرداختند. در تبریز بازاریان از فعالیتهای نمایندگان شرکت جلوگیری کردند. در اصفهان حاج محمد حسین تاجر، انجمن تباکوی خود را باشنس کشید تا آن را به کمپانی انگلیسی تفویض نماید. در شیراز نیز بازاریان برای مبارزه با کمپانی قیام کردند. گذشته از دامن زدن به مبارزات عمومی، تجارت تباکو به اقدامات دسته‌جمعی برای نیل به مقصود نیز روی آوردند که از نمونه‌های آن اعزام هیئتی از تجارت برای مذاکره با ظل السلطان و نیز اعزام هیئتی برای ملاقات با شاه و اراثة طرحی برای پرداخت مالیاتی بیش از حق الامتیاز کمپانی تباکو به شاه بود. در سال ۱۳۰۸ هـ تجارت تباکو همراه سایر تجارت بهزاده مقدسه حضرت عبدالعظیم پنهان بردن و تحصین گزینند و طی نامه‌ای به شاه اعلام داشتند که هرگز تسليم کمپانی نخواهد شد.

سرانجام حاج محمد کاظم ملک التجار که از ابتداء رهبری مبارزه با کمپانی را در تهران در دست داشت در غرة جمادی الاولی ۱۳۰۹ هـ فتوای از حجت‌الاسلام میرزا شیرازی، مرجع تقلید شیعیان جهان، انتشار داد که طی آن حکم تحریم توتون و تباکو از روز صدور فتوا صادر شده بود. فتوای میرزا شیرازی راهمه افشار مردم گردن نهادند و بعدنیا آن ناصر الدین شاه به راسی عظیم دچار آمد و مجبور شد تادر برابر فشارهای جبهه متحد علماء بازاریان سرتسیم فرود آورد و قرارداد با شرکت تباکو را بازای پرداخت غرامت سنگینی لغو نماید.^۷

پیروزی تجارت در قیام بر ضد امتیاز تباکو که دارای جنبه‌های دوگانه مبارزه بر ضد استبداد داخلی و استعمار خارجی بود، زمینه همکاری و همگانی دو نیروی بزرگ ضد استبدادی و ضد استعماری یعنی روحانیان و بازاریان را فراهم آورد. بازار و روحانیت سوابق طولانی در همبستگی با یکدیگر داشتند. از عوامل این همبستگی نیاز متقابل اقتصادی و سیاسی آنان بود. بدین معنی که بازار مبانی اقتصادی و مالی روحانیت مستقبل را فراهم می‌ساخت و از نظر سیاسی نیز مبانی مردمی قدرت روحانیت در برابر حکومت و عمال دیوانی بود. در برابر این خدمات و فایده‌های روحانیت نیز در موقع ضروری حامی بازاریان در برابر

بهمبارزه با تحقق یافتن این فکر برخاستند و از انواع کارشنکنیها خودداری ننمودند و سرانجام این فکر تازه را در قالب منافع طبقاتی خود ریختند و مجالس و کلای تجارت را همچون دستگاهی دیوانی زیر نفوذ خود درآوردند و از تبلور و تشکیل منافع طبقاتی تجارت بصورت یک نهاد سیاسی و قضایی و اجتماعی مستقل و خودانگیخته و مقنن جلو گرفتند. چنانکه، عباس‌میرزا ملک آرا برادر ناصر الدین شاه که چندی پس از تشکیل مجالس و کلای تجارت بهوزارت تجارت منصوب شده بود در باره وضع ناسامان این وزارت‌خانه چنین می‌گوید:

چون داخل عمل شدم، دیدم چیزی که ابدأ در این عمل منظور اولیای دولت نبوده و نیست ترقی تجارت ایران است و بهیچ وجه کسی در خیال نبوده و نیست بلکه مانع ترقی هستند و انواع کارشنکنیها می‌نمایند و اگر با کسی از این رهگذر حرفی زدم خنده‌یدند و جواب دادند شما در فکر آن باشید که پولی را که داده‌اید وصول کنید. سایر فکرها غلط محسن است. وزارت تجارت فقط عبارت از این است که دعاوی تجارت را رسیدگی نموده احراق حق نمایند و مطالباتی که از مردم دارند وصول نمایند و توانانی ششصد دینار عاید و زیر تجارت بشود و در هر یک از ولایات عمل تجارت را به کسی واگذار نموده مبلغی از او پیشکش بگیرد و دیگر هر چه می‌شود بشود.^۸

عباس‌میرزا آنگاه به شرح این مطلب می‌پردازد که ظل السلطان و کامران میرزا و امین‌السلطان که تقریباً سه چهارم ایالات و ولایات را در اختیار داشتند، نمایندگان وزارت تجارت را راه نمی‌دادند و در طهران «وضع جنان بود که هر کس بستگی به امین‌السلطان یا کامران میرزا یا یکی از اهل حرم شاهی یا عمله خلوت داشت بهیچ وجه نمی‌شد متعرض او شد و پول هر تاجری را که خورده بودند ممکن نبود از آنها مطالبه نمود. بخصوص هرگاه از طرف وزارت تجارت اظهاری می‌شد بلکه حق تاجر از میان می‌رفت، مگر آن که خود تاجر به انتقام طوری با خود آنها کنار بیاید، هر چه داده بودند تفضل بود.»^۹

قیام تجارت بر ضد امتیاز تباکو

با آنکه کوشش تجارت در بهتر رساندن پیشنهادهایی که برای تجدید حیات اقتصادی کشور بعدهست آنان در کتابچه مجلس و کلای تجارت آمده بود بجا بی نرسید، لکن نیروی فرازینده آنان دست از پیکار برنداشت و همچنان متظر فرصت مناسبی بودند تا ضربه‌ای بر پیکر استبداد داخلی و استعمار خارجی فرود آورند. اعطای امتیاز تباکو به مازور زنرال تالابت در سال ۱۳۰۷ هـ / ۱۸۹۰ ب م سرآغاز پیکاری بود که بزودی طمار اقتدار و زندگی شاه قاجار را

سلسله وقایع و حوادثی بود که سرانجام به انقلاب مشروطیت انجامید. ماجرای آنچه آغاز شد که مظفر الدین شاه برای ترمیم وضع ورشکسته مالی خزانه خود که بر اثر تاراج همراهان و اطرافیان وی پدید آمده بود و نیز برای تأمین سفرهای تفریحی خود به فرنگستان در سال ۱۲۱۷ هـ ق ۱۸۹۷ ب م بیست و دو نیم میلیون روبل طلا و دو سال بعد نیز ده میلیون میلیون میلیون منات از دولت روسیه قرض گرفت و حقوق گمرکی کشور به استنای گمرک جنوب را که در منطقه نفوذ امپراطوری بریتانیا بود، ویژه پرداخت این وام نمود و سه نفر مستشار مالی بلژیکی را که سرکرده آنان مسیونور بود و از سال ۱۲۱۵ هـ ق ۱۸۹۷ ب م برای اداره گمرکهای مملکت و افزایش درآمد آن به کشور فراخوانده بود، اختیاردار امور مالی و گمرکی کشور کرد و آنان را مستقیماً رو در روی تجارت و بازاریان کشور قرار داد.^{۱۰} تعریف گمرکی که زیر فشار امپراطوری روسیه هنگام اعطای قرضهای مذکور به دولت ایران در سال ۱۲۱۷ هـ ق بر طبق قراردادی بدولت ایران تعهیل شده بود عملأً نرخ عوارض متعلق به کالاهای روسی را بطور کلی از پنج درصد کاهش داد و نرخ متعلق به کالاهای انگلیسی را بطور کلی از پنج درصد افزایش داد و نیز با کاهش و یا لغو عوارض متعلق به کالاهای صادراتی که از ۶۱ تا ۷۰ درصد آن به رویه صادر می شد زمینه مساعدی برای رشد سریعتر بازرگانی ایران و روس فراهم ساخت.^{۱۱}

عريضه‌ای که عموم تجارت شیراز در اعتراض به قواعد جدید گمرکی و دخالت مسیونور در پاسخ دستور العمل پایتخت انشا کرده‌اند حاوی نکاتی است که علل قیام تجارت در برابر مسیونور و تنظیمات جدید گمرکی را بخوبی نشان می‌دهد:

(اول) آنکه فرموده‌اند از امتعه واردہ در مملکت صد پنج بدنهند، حضرات فرنگان هم که با وجود عدل و تمام نمودن تنخواه را ارزانتر از ما و نداشتن حق العمل صد پنج می‌دهند – پس درین مسئله ما بیچارگان با آنها مساوی خواهیم شد و حال آنکه مشخص است باین واسطه کلیه رشتة امور تجارت از دست ما بیرون خواهد رفت الا اینکه دعاگویان نسبت به آنها امتیازی داشته باشیم.

(ثانیاً) اینکه فرموده‌اند از امتعه خارجه از مملکت صدی سه بدنهند – بطور انصاف و مرور ملاحظه فرمائید در کدام دولت از تنخواه خارجه از مملکت گمرک می‌گیرند – فقط این امتیاز برای این است زارعین جنس آورده بخارج فرستاده در عوض بول – تنخواه داخل مملکت نمایند که باعث آبادی مملکت باشند.

(ثالثاً) فرموده‌اند حضرات مکاری از هرباری بیست و دوشاهی حق عبور

تعذیبات عمال دیوانی بود. گذشته از آن ساخت کالبدی و اقتصادی بازار همواره گرایشهای مذهبی بازاریان را تقویت می‌کرد و بازار را بعنوان یکی از سنگرهای تغییر ناپذیر سنت و مذهب درمی‌آورد. همه این عوامل زمینه یک جبهه‌بندی طبقاتی را در جامعه شهری ایران فراهم می‌آورد که در یکسوی آن روحانیت و بازار و در سوی دیگر آن حکومت و عمال دیوانی جای داشتند. تفوق اصولی مذهبان بر اخباریون که از ابتدای حکومت قاجاریه به همت و پیشگامی ملام محمد باقر بهبهانی (وحید، مجده و مؤسس) تحقق یافته و با تأسیس مرجعیت کل تقلید از زمان شیخ مرتضی انصاری به کمال رسیده و با فتوای میرزا شیرازی در تحریر تنبیاکو به قلمرو سیاست وارد شده بود رهبری روحانیت شیعه را که باب اجتهاد را گشوده می‌دانست، در جامعه سیاسی تحکیم و تسجیل و ثبت نموده، و نیروی عظیمی به پشتیانی جماعت تجارت و بازاریان در مبارزه برصد استعمار و استبداد فراهم ساخت.*

بدینگونه پیروزی جبهه متحده بازار و روحانیت در جنبش تنبیاکو مقدمه‌ای شد برای قیام بزرگتری که در انقلاب مشروطیت متجلی گردید. هنوز چند سالی از پیروزی شورش تنبیاکو نگذشته بود که ناصر الدین شاه به دست تاجری که از مریدان سید جمال الدین اسدآبادی بود بقتل رسید و با در گذشت او کمر سلسله قاجاریه شکست. ناصر الدین شاه یک قرضاً یک کرور تومانی که برای پرداخت غرامت کمپانی تنبیاکو از خارج گرفته بود و یک جبهه متحده و پیدار و یک دستگاه اداری و روشکسته برای وارث تاج و تخت خود بجای نهاد. گذشته از آن طبیعت هم با شاه تازه روی خوش نشان نداد و قحطی و وبا نیز بهمنی خود مزید بر علت شدن و کار را بر دستگاه دیوانی قاجار سخت کردند. همه اینها دست به دست هم دادند و زمینه را برای شورش بزرگتری در دهه سوم قرن چهاردهم هجری قمری فراهم ساختند.

قیام تجارت در نهضت مشروطیت

در گیری بازاریان و تجارت بزرگ با روسای بلژیکی گمرکها و دارائی کشور مقدمه‌یک

* برای آگاهی از عقاید اخباریون که از زمان شاه عباس در روحانیت شیعه تفوق بافتند نگاه کید به مطلب مر بوط بعلماً محمد امین استرآبادی در کتاب روضات الجنات فی احوال العلماء والسداد. نوشته میر سید محمد باقر خوانساری اصفهانی. ترجمه حاج شیخ محمد باقر سعادی، کتاب فروشی اسلامیه، تهران ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۱۹۶-۲۱۴؛ برای شرح حال آقا محمد باقر بهبهانی مؤسس و مجدد مکتب اصولی جدید نگاه کید به: تصنیع العلماء. تالیف میرزا محمد تنکابنی. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه، ص ۱۹۸-۲۰۴؛ برای تأثیر تفوق اصولیان در ثبت رهبری روحانیت و نقش آن در جنبشهای سیاسی نگاه کید به: حامدالگار. نقش روحانیت پیشوای در انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات طوس، ۱۳۵۶.

عارض سعد صدیر صادرات را از نظر سیاستهای اقتصادی نادرست می‌دانند و نیز حق عبور کالا را ناحق دانسته و خدمات راهداری را با پرداخت حق گمرک از وظایف دولت می‌دانند. دوم، اعتراض به اینکه مسیونور را اختیاردار امور گمرکی قرار داده‌اند و اوی بعنوان رئیس کل گمرکات مالک محروسه ایران به تجارت حکم و امر و نهی می‌نماید. سوم، اینکه آشکارا به تحریک علماء می‌پردازند و برای جلب حمایت آنان رسماً اعلام می‌کنند که علماً متابعت و تعکین از خارجه را حرام می‌دانند و بدین ترتیب در ضمن تحریک علماء به تهدید دولت نیز می‌پردازند و سرانجام نسبت به حیف و میل در آمدهای دولتی از سوی عمال دیوانی اعتراض می‌کنند که از نوع متداول اعتراض مالیات دهنده‌اند به حکومت در نظامهای سرمایه‌داری است. رفتارهای کار اعتراض را از عرضه‌نگاری به شاه، به مبارزات دسته‌جمعی بهشیوه‌های سنتی کشانندو در اوایل سال ۱۳۲۳ هق/ ۱۹۰۵ بم در اعتراض به سیاست گمرکی دولت، در صحنه حضرت عبدالعظیم بست نشستند و وضعی بحرانی در کشور پیدید آوردند.^{۱۷} در گیری تجارت با حکومت همچنان ادامه داشت تا آنکه در اواخر سال ۱۳۲۳ هق/ ۱۹۰۵ حاکم تهران برای ثبت قیمت قند و شکر سیده‌هاشم قندی و حاج سید اسماعیل خان را که از واردکنندگان عمده شکر بودند بدبار الحکومه احظر کرد و آنان را به چوب و فلک بست.^{۱۸} بدنبال این حادثه تجارت تهران به علماً ملتگی شدند، بازارهای شهر را بستند و در مسجد شاه اجتماع کردند. پس از پیش‌خوردن این اجتماع بدیسیسه امام جمعه گروهی از بازاریان همراه گروهی از بزرگان علماء در حضرت عبدالعظیم بست نشستند و ضمن درخواست عزل عین‌الدوله صدراعظم، خواهان تشکیل عدالتخانه شدند.^{۱۹} در همان اوان پس از درگیریهایی که میان مردم و سربازان در بازار تهران درگرفت مردم بازارهای را بستند و حدود چهارده هزار نفر که اکثریت آنان کسبه و پیش‌خوران بودند به تشویق تجارت و با حمایت مادی آنان در سفارت انگلیس مستحصنه شدند. در تمام مدت که این گروه بزرگ در تحصن بودند تجارت هزینه بست نشینان را مقابل شدند. تجارت شهرهای دیگر نیز بدنبال تهران بازارهای را بستند و عملاً چرخهای اقتصاد شهری کشور را از کار انداختند و مختل کردند. مبارزات بی‌گیر جبهه متحد تجارت و علماء سرانجام مظفر الدین شاه را وادار ساخت که فرمان اعطای مشروطیت ایران را در تابستان سال ۱۳۲۴ هق/ ۱۹۰۶ بم صادر نماید.^{۲۰}

تجارت و اصناف پس از بیماران مجلس و استقرار استبداد صغیر نقش فعالی در دفاع از مجلس و مشروطیت بر عهده گرفتند و در دوران استبداد صغیر چه در تهران و چه در شهرهای دیگر و بخصوص در شهر تبریز بمقام دلیرانه‌ای برخاستند و علی‌رغم فشارهای شدید عمال محمدعلی‌میرزا و نیروی قزاق، بازارها را بستند و به مبارزات خود ادامه دادند.^{۲۱}

بدهنـدـ در واقع این بول را تجارتی دهند چرا که مکاری بالمضاعف مزید بر کرایه می‌نمایندـ تجارت که گمرک می‌دهند محض این است که تنخواه آنها را دولت بدون اخراجات دیگر سالمًا به منزل برساند. (رابع) فرموده‌اند فرنگیهای مباشرین گمرک مستخدم و اجری هستندـ اگر چنین است پس چرا (مسیونور) خود را از وزرا می‌شماردـ چنانکه چند روز تلگرافی بحضور مبارک بندگان... والا کرده بود که تجارت شیراز جلوگیری در بارهای تجارت‌خانه نموده‌اند چه حقی دارند می‌خواهند تجارت کنند می‌خواهند نکنندـ قطع نظر از اینکه این مطلب دروغ بوده این مخابره بحکم صدقیج استـ اما یکی از وزراء محترم در طهران از او موافقه فرموده‌اند که تو چکاره و چه حقی داری اینگونه تحریم و تغیر به تجارت مسلمان مینمایی و امضا تلگرافی را (رئیس کل گمرکات مالک محروسه ایران نوز) می‌نویسیـ این حکم حق صدارت عظمی استـ بهر حال تا علم دولت جاوید مدت شاهنشاه اسلام بناء خلد الله ملکه در پاس انشاء الله زیر حکم فرنگی نخواهیم رفت و تعکین آنها را نخواهیم نمود چرا که اطمینان از آنها نداریم و علماء اعلام کتر الله امثالهم هم متابعت و تعکین آنها را حرام می‌دانند. (خامس) آنکه فرموده‌اند دولت می‌خواهد وضع گمرکات را در تحت نظم مرتب قرار دهد، چهل پنجاه سال قبل اجاره گمرک بوشهر بآزاده هزار تومان بوده عمارت دولتی برپا می‌شده و تخفیف هم بعملت می‌داند حالاً صدو پنجاه تومان می‌گیرند و در سایر بلاد ایران هم دیک اضافه شده کیسه ملت را به این دولت خالی کرده چیزی هم عاید دولت نشده معلوم نیست محل مصارف این بولها کجاست علی ای حال چون تنخواه دعاگویان در گمرک بوشهر نفیط و خراب می‌شود مباشرین گمرک هم معانعت می‌نمایند که وكلاء ما بحفظ و حراست آنها روند لهذا استدعا داریم تلگرافی بطهران فرمائید که اولیاً دولت تلگرافاً بمبادرین گمرک بوشهر امر فرمایند که وكلاء ما را در حفاظت و حراست اموال ما معاف نکند که تنخواه ما محفوظ بماند تا موکب همایونی بسلامتی معاودت بطهران فرماید هر چه باشد ما مسلمان و رعیت پادشاه اسلام هستیم.^{۲۲}

تأمل در این عرضه چند مطلب اساسی را پوشش می‌کند: یکم، اعتراض به تعریفه گمرکی جدید، یکی از نظر اینکه تجارت داخلی امتیازی بر تجارت خارجی ندارند، دیگر اینکه وضع

وجود داشته است و هم راهگشایی باشد برای درک و فهم مفاهیم. نخستین سندی که در بارهٔ ترکیب طبقاتی مجلس اول انشا گردیده متن فرمان مشروطیت است که از سوی مظفر الدین شاه در ۱۴ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۴ هق، صادر شده و در متن آن چنین آمده است: «مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علماء و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافة طهران تشکیل و تنظیم شود». ^{۱۰} چنانکه ملاحظه می‌شود در این متن هشت عنوان طبقاتی آمده است، حال آنکه اگر برخی از طبقات متوجهان و مترادف را درهم ادغام کنیم یعنی قاجاریه را همراه شاهزادگان و اشراف را همراه اعیان یا اوریم می‌توانیم همان شش قشر را که مرحوم تقی‌زاده عنوان کرده است تnezی بدیم. اشکال اساسی در شیوهٔ قشریندی هنگامی پیش می‌آید که مادهٔ اول و مادهٔ ششم نظامنامه انتخابات که ملاک عمل در انتخابات بوده است، نه تنها به ذکر پنج قشر اکتفا می‌کند بلکه در تعیین قشرها نیز رعایت همسانی را نمی‌کند. بدین معنی که مادهٔ اول در تعیین طبقات، به ذکر رده‌های پنجگانهٔ شاهزادگان و قاجاریه، علماء و طلاب، اعیان و اشراف، تجار و ملاکان، و فلاحان و اصناف می‌پردازد. حال آنکه مادهٔ ششم در تعیین تعداد نمایندگان هر قشر برای تهران مقرر می‌دارد که: شاهزادگان و قاجاریه ۴ نفر، علماء و طلاب ۴ نفر، تجار ۱۰ نفر، ملاکان و فلاحان ۱۰ نفر و اصناف از هر صنفی یک نفر، جمماً ۳۲ نفر.^{۱۱} پیش از آنکه به تحلیل تناقضات و ابهامات این دو مادهٔ پردازیم بهتر است برخی از این عنوانین را بر اساس توضیحات تبصره‌های مادهٔ اول و مادهٔ دوم نظامنامه روشن کنیم.

تبیه ۲ از مادهٔ اول می‌گوید: «ملاک عبارت از ارباب مسلک است و فلاح عبارت از زارع،» آنگاه در مادهٔ دوم در بارهٔ شرایط انتخاب کنندگان می‌گوید: «رابعًا— ملاکین و فلاحين آنها باید صاحب ملکی باشد که هزار تومان قیمت داشته باشد.»

مادهٔ دوم در بارهٔ تجارتی که حق رأی دارند تصریح می‌کند: «پنجم— تجارت آنها حجره و تجارت معینی داشته باشد.» سپس در بارهٔ اصنافی که حق رأی دارند اضافه می‌کند که: «ششم— اصناف آنها باید از اهل صفت و کار معین صنفی داشته باشند و دارای دکانی باشند که کرایه آن دکان مطابق کرایه‌های حد وسط محلی باشد.»^{۱۲}

چنانکه از این توضیحات بر می‌آید مفهوم شاهزادگان و قاجاریه، علماء و طلاب و اعیان و اشراف روشن بوده و نیازی به توضیح و تعریف نداشته و تنها طبقات سه گانهٔ تجارت، اصناف و ملاکان— فلاحان نیاز به تعریف و توضیح داشته‌اند. در حالیکه مقایسه مادهٔ اول و ششم آشکارا نشان می‌دهد که طبقهٔ اعیان و اشراف نیز وضع مبهمی دارند؛ چرا که در مادهٔ اول، آنها را در ردهٔ سوم آورده‌اند در حالیکه در مادهٔ ششم که سهمیه هر طبقه را معین می‌کند و از این‌رو حائز

مباززه بازاریان با استبداد و استعمار در سال ۱۳۳۱ هق/ ۱۹۱۲ ب مهندس اشغال تبریز بدست قشون روسیه تزاری از نمونه‌های دیگر مقاومت این طبقه بود. از ۳۵ نفر کسانی که در جریان این حوادث بدست قشون روسیه به شهادت رسیدند ۱۸ نفر از اصناف، ۶ نفر از تجار، ۶ نفر از علماء و ۴ نفر از عمال دیوانی و یک نفر از فلاحان بودند. گذشته از آن روسها بسیاری از مقاومه‌های بازاریان را غارت کردند و به تخریب اموال آنان پرداختند و بسیاری از بازاریان را مورد تعقیب، شکنجه و بازداشت قرار دادند.^{۱۳} در این زمان مبارزات بازاریان در شهرهای دیگر مانند اصفهان، شیراز و مشهد و بخصوص در شهر رشت که زیر سلطه روسها بود نیز ادامه داشت و بازاریان باستن بازارها و تظاهرات دسته جمعی اعتراض خود را به استعمار خارجی واستبداد داخلی اعلام داشتند.

نقش تجارت در مجلس اول

مجلس اول هم از نظر ترکیب طبقاتی نمایندگان و هم از نظر محتوای مذکورات آنان و نقشی که تجارت بزرگ و برخی از نمایندگان اصناف در طرح و پیگیری مسائل اساسی و انتخاب تصمیمات مجلس داشته‌اند، از تجربه‌های تاریخی بر اهمیت بشمار می‌آید. فرمان مشروطیت و نیز نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی، ترکیب نمایندگان مجلس را براساس سهمیه مراتب عمده اجتماعی و نیز براساس گروه‌بندی صنفی معین کرده بود، لکن از نظر آنکه کار طبقه‌بندی اجتماعی بگونه‌ای جامع و مانع بسیار دشوار است، تناقضاتی میان فرمان مشروطیت و مواد یک و شش نظامنامه انتخابات و آگهیهای انتخاب نمایندگان طبقات مختلف پدید آمده است. بطور کلی نظر عموم بر آنست که در مجلس اول طبقات اجتماعی شهرها بدشش مرتبه اصلی بخش شده بودند، چنانکه مرحوم تقی‌زاده که خود نماینده دورهٔ اول مجلس بوده است می‌گوید: «انتخابات و کلای این دوره از روی طبقات بود و طبقات را به شش قسمت منقسم نموده بودند: شاهزادگان، اعیان، علماء، تجار، اصناف، ملاکین و فلاحين.»^{۱۴}

با آنکه رده‌بندی نمایندگان مجلس اول به قشرهای ششگانه بطور کلی مورد گفتوگو نیست و از امور مسلم و بدیهی و مورد پذیرش همگان است، لکن از نظر ترکیب و عنوانین قشرهای اجتماعی در اوخر دورهٔ قاجاریه و نیز از نظر مفاهیم طبقات اجتماعی چنانکه در وجود آن و ضمیر مردمان این زمان جریان داشته است ابهامات و تناقضاتی دارد. تجزیه و تحلیل مواد اول و ششم نظامنامه انتخابات و سنجش آن با فرمان مشروطیت و خطابهای مظفر الدین‌شاه و مشیر الدوله صدراعظم در مراسم مشروطیت و بخصوص اعلان انتخابات نمایندگان ملاکین تهران هم می‌تواند روشنگر ابهامات و تناقضاتی باشد که در کاربرد مفاهیم طبقاتی در آن‌زمان

حکم ملاکین هستند.^{۲۳}

بررسی دقیق منشأ اجتماعی و موقعیت طبقاتی نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی که بر اساس منابع و مأخذ مختلف صورت گرفته است نشان می‌دهد که از مجموع ۱۶۱ نفری که به نمایندگی مجلس برگزیده شدند ۵۷ نفر با پیش از یک‌سوم نمایندگان را بازاریان (۲۸ نفر از تجارت و ۲۹ نفر از اصناف)، ۴۷ نفر یا حدود ۲۹ درصد را علماً و طلاب، ۳۶ نفر یا حدود ۲۲ درصد را عمال دیوانی، ۸ نفر یا ۵ درصد را شاهزادگان و قاجاریه و ۱۳ نفر بسیه راسایر مراتب اجتماعی تشکیل می‌دادند.^{۲۴}

جدول ۴ – توزیع نمایندگان مجلس اول بر حسب مراتب اجتماعی آنان

درصد	تعداد	مراتب اجتماعی
۵/۰	۸	۱ – شاهزادگان و قاجاریه
۲۹/۲	۴۷	۲ – علماً و طلاب
۲۲/۳	۳۶	۳ – عمال دیوانی (اعیان)
۱۷/۴	۲۸	۴ – تجارت
۱۸/۰	۲۹	۵ – اصناف
۸/۰	۱۳	۶ – سایر و نامعلوم
۱۰۰٪		جمع ۱۶۱

این گروه اخیر که جماعت‌هست در صد نمایندگان دوره اول مجلس بودند شامل ۶ نفر از ملاکان، ۴ نفر از اطباء و ۳ نفر نامعلوم بود که احتمالاً آنان نیز از ملاکان حوزه انتخابیه خود بشمار می‌آمدند. ضمناً با توجه به اینکه شاهزادگان و قاجاریه در عین حال از موقعیت عمال دیوانی نیز برخوردار بودند، میتوان تعداد آنها بر دیوانیان افزود که در اینصورت نسبت عمال دیوانی به بیست و هفت درصد افزایش می‌یابد.

در دوره‌های بعدی مجلس شورای ملی که نظامانه انتخابات تغییر می‌کند و تعیین نمایندگان از شکل سهمیه‌صنفی و طبقاتی خارج می‌شود و بصورت عمومی در می‌آید، عملاً اصناف از صحنه مجلس کنار گذارده می‌شوند و سهم تجارت نیز در ترکیب نمایندگان پس از فروکش کردن تدبیر انقلاب از دوره دوم بعد به نسبت قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد و زیرده درصد نوسان می‌کند.^{۲۵}

نهایت اهمیت است این طبقه را حذف کرده‌اند و هیچ سهمیه‌ای برای اعیان و اشراف در نظر نگرفته‌اند. در مقابل در ماده ششم، طبقات ردیف چهار و پنج ماده اول را تنفیک کرده و در سه طبقه مشخص جا داده‌اند. بدین معنی که تجارت و ملاکان را که در ردیف چهار ماده اول قرار داشته و فلاحان و اصناف را که در اینجا ماده بوده‌اند ابتدا از یک‌دیگر تنفیک نموده و سپس در ماده ششم، تجارت و اصناف را جداگانه در ردیفهای سه و پنج و ملاکان – فلاحان را که در هم ادغام کرده‌اند، در ردیف چهار قرار داده‌اند.

ترتیب طبقات اجتماعی در ماده اول دارای اهمیت خاصی است، زیرا این ماده بوضوح نشان می‌دهد که تجارت و ملاکان از یک‌سو و فلاحان و اصناف از سوی دیگر همتر از یک‌دیگر قرار گرفته‌اند، زیرا که صرف ملاک بودن از نظر مراتب و شوون اجتماعی تنها به معنی دارا بودن املاک و مستغلات یعنی دارایی و ثروت معینی بوده و بنابراین دارندۀ آن را همتر از تجارت که آنان نیز دارای ثروت و دارایی بوده‌اند قرار می‌داده است. همینطور است در مورد فلاحان که طبق تعریف نظامنامه از خرد مالکان بحساب آمده و از این‌دو همتر از اصناف قرار گرفته‌اند. اما مسئله اساسی آنست که در ماده ششم سهمیه‌ای برای اعیان و اشراف در نظر نیامده است و بنابراین باید دید به چه ترتیبی نمایندگان این طبقه که از طبقات ممتاز بودند، به مجلس راه یافته‌ند. از سوی دیگر میدانیم که تکلیف برخی دیگر از قشرهای مشخص اجتماعی نیز که از اعیان و اشراف بودند در نظامنامه بمروشی معین نشده است. این قشرها شامل عمال دیوانی، اطباء، شعرا، اهل نظام و اهل علوم مانند منجمان و ریاضی دانان بودند. مدارک موجود نشان می‌دهد که عمل‌آور اجرای ماده ششم یعنی تعیین سهمیه طبقات و نیز در انتخاب نمایندگان طبقات معین اجتماعی، همه این قشرها را جزو سهمیه ملاکان و فلاحان بحساب آورده‌اند؛ چنان‌که در اعلان انتخاب نمایندگان ملاکان و فلاحان چنین آمده است:

«جون موافق نظامنامه انتخابات امرا و اعیان و اشراف و ملاکین باید نمایندگان خود را برای مجلس شورای ملی معین نمایند لهذا با کمال احترام و تسوییر خواهش می‌شود از اعیان و خوانین و اهل قلم و اطباء و ملاکین و صاحبان مستغلات شهری به حدودی که در نظامنامه مقرر است و طبقات نوک‌سواری اهل نظام هرگاه در جزو شاهزادگان عظام و علماء اعلام و قاجاریه و طلاب و خوانین و اصناف انتخاب نگرده‌اند، روز شنبه هفدهم شعبان از یک ساعت بعدازظهر هرگاه در صورتیکه مستغلات ایشان از هزار تومان کمتر نباشد در حاضر شده، شش نفر نمایندگان ملاکین را در شش قرعه انتخاب نمایند.... صاحبان مستغلات در صورتیکه مستغلات ایشان از هزار تومان کمتر نباشد در

امین الضرب، معین التجار بوشهری، آقا محمدوکیل التجار بزدی، میرزا محمود اصفهانی و حاجی محمد اسماعیل آقا مغازه‌ای، کم و بیش از ترقیخواهان بودند، در حالیکه حاجی شیخ محمد تقی و کیل الرعایا و نیز میرزا آقا فرشی از تندروان و کلای مجلس اول شمار می‌آمدند. نگاهی به فهرست بیست نفری ترقیخواهان و تندروان مجلس اول نشان می‌دهد که گروه ۶ یا ۷ نفری تجارت ترقیخواه در میان آنان هم از نظر کمی قابل ملاحظه بوده‌اند و هم با توجه به مشارکت فعالی که در مذاکرات و تصمیمات مجلس داشته‌اند نقشی اساسی در مجلس اول ایفا کرده‌اند.^۷

نخستین اقدام جبهه متحده تجارت ترقیخواه که در همان نخستین جلسات مجلس اول بعمل آمد، عکس العمل شدید آنان در برابر قرضه خارجی و پیشنهاد آنان بود برای تأسیس بانک ملی که با استقبال بازاریان و سایر طبقات اجتماعی روپرور گردید. جریان بدبینگونه آغاز شد که دولت از مجلس تقاضای تصویب بیست کرور تومان قرضه خارجی را از روس و انگلیس نمود. در حالیکه گروهی از نمایندگان بخاطر نیاز مبرم دولت از لایحه قرضه خارجی دفاع می‌کردند هنگامی که رئیس مجلس از طبقه تجارت نظر خواست معین التجار بوشهری چنین گفت: من مخالف این لایحه دولت هستم و مواد آن را مضر بسحال کشور و مردم می‌دانم... ما نباید برای چهار کرور تومان مملکت را تسليم خارجیها کنیم... باید دولت صورت جمع و خرج سه سال گذشته را بیاورد بعلاوه قرارداد وام ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ را به مجلس بدهد تا در مواد آن دقت و مطالعه شود. اطلاع ملت از شروط این قراردادها برای اینست که اگر شرطی منافق با استقلال مملکت در آنها بائند بهر قسمی شده بول در داخله تهیه کیم و قرض روس را بدھیم و خود را از این ننگ و عار برهانیم بعداً مخارج خودمان را به میزان عایدات ترتیب دھیم و خود را بی نیاز در قرض کردن از همسایگانی که محل مخاطره آنان می‌باشیم بنامیم. با اینحال اگر باز هم برای استفاده از معادن و کشیدن راه آهن و غیره احتیاج به بول داشته باشیم قرض را ملی قرار دھیم یعنی تشکیل بانکی به‌اسم ملت نموده و سهام آن را به مردم بفروشیم....^۸

پس از پایان بیانات معین التجار همه‌مه و ولوله عجیبی در مجلس افتاد و عموم نمایندگان تجارت نظر معین التجار را تأیید و تصدیق کردند و رأی دادند که نباید قرض کرد. بسیاری از نمایندگان دیگر نیز که تا آن زمان طرفدار لایحه وام بودند، اظهارات معین التجار را تأیید کردند و به صفت نمایندگان تجارت پیوستند و بدین ترتیب بهره‌بری و پایمردی نمایندگان طبقه تجارت لایحه دولت مواجه با مخالفت شدید اکثربت مجلس شد. سپس به همت تجارت اعلان تأسیس

نمایندگان مجلس اول در مدت دو سالی که از عمر این مجلس می‌گذشت ۲۹۷ بار تشکیل جلسه داده‌اند و در این جلسات ۱۴۲۸۹ بار سخن گفته‌اند که حدود سی و هشت درصد آن درباره روابط مجلس با حکومت مانند مسئولیت وزرا، استقاد و استیضاح از آنان، مسائل مربوط به امنیت داخلی، مسائل مربوط به ادارات مختلف، مسائل بین‌المللی و سرحدی، نیروهای انتظامی و مسائل بلدی و خدمات شهری، حدود بیست و سه درصد موارد سخن نمایندگان درباره قانون اساسی و امور پارلمانی و انتخابات، نزدیک به بیست درصد موارد درباره امور مالی و اقتصادی مانند تأسیس بانک ملی، قرضه خارجی، گمرکات و بودجه دولت، حدود سیزده درصد موارد درباره رابطه مجلس با مردم و بخصوص تظلمات مردم به مجلس و حدود پنج درصد بقیه موارد سخن نمایندگان درباره امور فرهنگی مانند اسلام و مشروطیت، مطبوعات، مدارس و اعزام دانشجو بوده است.

نظری به مسائل مطرح شده در مجلس اول جهت‌های عده‌ای ایدئولوژی بازاریان را که حمایت از سرمایه و مالکیت خصوصی و کسب و کار مردم در برابر تعاظزات و تقدیمات عمال دیوانی و استبداد داخلی از یکسو و تجاوزات اقتصادی و سیاسی استعمار خارجی از سوی دیگر و حفظ تمامیت ارضی کشور است، بخوبی نشان می‌دهد.^۹ نمایندگان تجارت جمعاً ۱۶۱ بار و نمایندگان اصناف جمعاً ۱۲۱۴ بار در مجلس اول درباره مسائل گوناگون سخن گفته‌اند که رویهم ۲۸۲۴ بار و یک پنجم کل دفعات سخن گفته‌اند و جمعاً ۱۴۹۲ بار در سخن گفتن تجارت ۶ نماینده که از ۵۰ تا ۴۰۰ بار در مجلس سخن گفته‌اند و جمعاً ۱۴۹۲ بار در سخن گفتن و مشارکت در مسائل مطروحه حدود ۹۳ درصد مجموع دفعات سخن تجارت را تشکیل می‌دهند و بدینگونه نقش مؤثری در مجلس ایفا کرده‌اند عبارتند از: آقا محمد بزدی و کیل الرعایا ایرانی (۴۱۴ بار)، حاجی محمد اسماعیل مغازه‌ای (۳۲۲ بار)، حاج شیخ محمد تقی و کیل الرعایا ایرانی (۳۰۰ بار)، حاجی آقا محمد بوشهری معین التجار (۲۹۱ بار)، حاج حسین آقا امین الضرب (۱۱۷ بار)، حاجی میرزا علی نقشینه ادیب التجار اصفهانی (۵۶ بار) و حاجی محمد تقی بنکدار (۵۴ بار). از نمایندگان اصناف نیز ۶ نفر جمعاً ۱۰۷۱ بار که ۸۸ درصد مجموع دفعات سخن اصناف بوده است، در دوران مجلس اول در مباحثات مجلس مشارکت کرده‌اند که عبارتند از: میرزا محمود کتابپرورش (۴۲۹ بار)، سیدحسین بروجردی چراغچی (۳۸۴ بار)، سیدمهدي دلال سقط فروش (۱۴۱ بار)، ملاحسن وارت (۵۱ بار)، حاجی محمد ابراهیم (۳۵ بار) و حاجی محمد ساخت‌ساز (۳۱ بار).

نمایندگان بازاریان در مجلس اول بطور کلی همراه با مجتهدان، گروه میانه‌روان مشروطه‌خواه را تشکیل می‌دادند. لکن برخی از بزرگان تجارت مانند حاج حسین آقا

بدینگونه بازاریان ایرانی و در رأس آنان تجارت بزرگ و سران اصناف در یک سلسله جنبش‌های ضد استبدادی و ضد استعماری شرکت جستند و کوشیدند تا سهمی در ادارهٔ امور جامعه برای خود بدست آورند. لکن نظر به اینکه قدرت اقتصادی و سیاسی آنان در دوران انقلاب مشروطیت کافی برای استقرار دموکراسی بورژوازی نبود، انقلاب نابالغ آنان به‌ثمر نرسید و مشروطیت ایران دقیقاً در همان لحظه‌ای که بظاهر پیروزی یافت و به استبداد صغیر به‌باری نیروهای ایلات و عشایر که متعلق به دوره‌های تاریخی دیگری بودند، پایان داد به‌خاک سپرده شد و دوباره نیروهای اجتماعی قدرت را در دست گرفتند و به‌باری نیروهای استعماری تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی را در مسیر خاصی قرار دادند.

حوالی:

- ۱ - برای آگاهی از متن «سود لایحه تشکیل دربار اعظم» که در ضمن آن میرزا حسین خان مشیر‌الدوله پیشنهاد تشکیل نه وزارت‌خانه و ارجمند وزارت تجارت و فلاحت را کرده بود نگاه کنید به اعتماد‌السلطنه، سرآت‌البلدان ناصری ج ۲، ص ۱۶۶؛ همچنین نگاه کنید به: «كتابجه و طائف و تکاليف وزارت‌خانه‌ها که به‌دستور ناصر الدین شاه بوزراء ابلاغ شده»، فتح‌الله‌الحرام ۱۲۹۹ هـ، کتابخانه و آرشیو وزارت امورخارجه، گزارش، دفتر شماره ۱۲.
- ۲ - بروندۀ عرضه‌های امین‌الضرب به‌نقل از کتاب آدمیت و ناطق، ص ۲۰۹.
- ۳ - دستخط ناصر الدین شاه به‌صدر اعظم شوال ۱۳۰۱، بروندۀ مجلس تجارت، از آرشیو حاج امین‌الضرب به‌نقل از کتاب آدمیت و ناطق، ص ۳۱۱-۳۱۰.
- ۴ - عربیة تجارت به‌ناصر الدین شاه شوال ۱۳۰۱، بروندۀ مجلس تجارت، به‌نقل از کتاب آدمیت و ناطق، ص ۳۱۳.
- ۵ - معان کتاب، ص ۲۰.
- ۶ - عباس‌میرزا ملک‌کارا، نیرح حال، با مقدمه‌ای از عباس اقبال، به‌کوشش دکتر عبدالحسین نوابی، تهران: ۱۳۲۵، ص ۶۹-۱۶۸.
- ۷ - همان کتاب، ص ۱۶۹.
- ۸ - نگاه کنید به کتاب دکتر فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران، ص ۲۳۲.
- ۹ - نگاه کنید به:

Great Britain, Foreign Office, *Correspondence Respecting the Imperial Tobacco Corporation of Persia: 1890-92*, Fo/539, Vol. 53, No. 2383; and Ernest Lehmann, *Memorandum Respecting the Imperial Tobacco Corporation of Persia*, Fo/881, Confidential 6194, May, 1892.

نیک کردی، تحریر نیباکو در ایران. ترجمه شاهرخ فایم‌مقامی، تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۰۶؛ ابراهیم تیموری، تحریر نیباکو، تهران: دکتر فوریه، سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، تهران: علمی، ۱۳۲۵؛ احمد مجد‌الاسلام

بانک ملی ایران به تصویب مجلس رسید و چنانکه پیش از این گفتیم گروه کثیری از تجارت در تهران و شهرهای دیگر بعنوان مؤسسان بانک به‌این جنبش ملی پیوستند. بدنبال این آغاز، نمایندگان تجارت و اصناف در مسائل و مباحث عمده دیگری که در مجلس مطرح می‌گردید همچون مسئله قانون اساسی، رابطه مجلس و دولت و مستولیت وزرا و بخصوص در مسائل مربوط به‌امور مالی و گمرکی و بودجه دولت و نیز در مسائل امنیت کشور و نظمات مردم فعالانه مشارکت نموده‌اند که به تحلیل و بررسی جداگانه نیاز دارد، لکن بعنوان نمونه چند تذکر و سوال نمایندگان تجارت و اصناف را در اینجا می‌آوریم. آقا میرزا محسن نماینده اصناف تهران در مورد تعویق امضای قانون اساسی اعتراض می‌کند که «می‌گویند چون شاه کسالت دارد صحة قانون اساسی به تعویق افتاده و حال اینکه هر روز احکام و قوانین را به صحة همایونی می‌رسانند».^{۲۰} یا آنکه آقا سید‌حسین بروجردی می‌گوید «اینکه می‌گویند کسالت شاه مانع شده که قانون اساسی توشیح شود، عنز و بهانه است و ما این عنز و بهانه را قبول نمی‌کنیم».^{۲۱} در مورد مستولیت وزرا در برابر مجلس، آقا میرزا ابوالحسن خان می‌گوید «باید به قانون اساسی عمل کرد، در همه جای دنیا وزراء در مجلس حاضر می‌شوند... هزار گونه کار است چه ضرر دارد هر روز یکی از ایشان حاضر بشوند».^{۲۲} در باره قدرت مجلس آقا سید محمد تقی هرانتی (نماینده صنف مسکر) می‌گوید «اگر غرض از مجلس فقط اظهار خبرخواهانه باشد اعم از اینکه قبول شود یا نشود، روزنامه‌نویسها هم اینگونه مطالب خوبی اظهار می‌دارند، شاید بهتر و مفیدتر هم گاهی می‌نویسند، پس مجلس حکم روزنامه‌نویسی را دارد».^{۲۳} حاج محمد اسماعیل آقا درباره نقش مجلس در رفع مظلوم می‌گوید «مردم از اطراف شکایت می‌کنند که کار مجلس فقط اصلاح بودجه نیست، وزارت‌خانه‌ها در دادرسی مردم بطور سابق رفتار می‌نمایند. پس باید اقدام در آن کارها نمود و رفع ظلم کرد».^{۲۴}

در مورد اصلاح امور مالی نمایندگان تجارت و اصناف شدیداً دولت را تحت فشار قرار می‌دادند. حاجی معین التجار می‌گوید « فعلًاً » اصلاح عمل مالیه از همه چیز مقدمتر است.^{۲۵} حاجی حسین آقا امین‌الضرب می‌گوید «سه فقره مطلب است که باید اقدام کرد. یکی مسئله مالیه و دیگر مسئله تبولات و دیگر تبولاتی را که از بابت مواجب برده‌اند. چه ضرر و زحمتی بدتر از این است از برای دولت و ملت که یکی هزار تومان مواجب دارد در عوض ملک پنجاه هزار تومانی را می‌برد».^{۲۶} میرزا ابوالحسن خان در باب امور گمرک می‌گوید «امروز که وزیر مالیه تشریف آورده‌اند خوبست بعضی از سوالات شود. مجلس می‌خواهد بداند که عایدات اداره گمرک چقدر است و اجزاء آن چند نفرند و چند نفر ایرانی است و مواجب اجزاء چقدر است. حساب این اداره را که خواستید رسیدگی کنید به کجا کشید و چطور شد».

Confidential, 9748, September, 1909.

- ۲۵ - برای آگاهی از نوسان نسبت نجات در ترکیب طبقاتی مجلس شورای ملی در دوره‌های بعداز مجلس اول نگاه کنید به: ذهرا شجاعی، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست دوره قانونگذاری، ص ۱۷۶ - ۱۸۰.
- ۲۶ - برای تحلیل ارزش‌های از ایدئولوژی انقلاب مشروطیت و نقش نمایندگان طبقات گستاخون اجتماعی در انتیازات در ایران، نهاد: اقبال، نهان: اقبال، نهان: اقبال، نهان: انتشارات پیام، ۱۳۵۵.
- ۲۷ - همان کتاب، ص ۲۶۱ - ۶۲.
- ۲۸ - مذاکرات مجلس اول، ص ۱۱.
- ۲۹ - همان، ص ۲۰.
- ۳۰ - همان، ص ۲۰.
- ۳۱ - همان، ص ۴۶.
- ۳۲ - همان، ص ۲۵.
- ۳۳ - همان، ص ۴۸.
- ۳۴ - همان، ص ۴۴.
- ۳۵ - همان، ص ۴۵.
- ۳۶ - همان، ص ۵۱.



- کرمانی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، به کوشش محمد خلیل سور، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۱، ص ۱۴۶ - ۱۴۷؛ محمدحسن اعتمادالسلطنه، خلیله مشهور به خوابنامه، به کوشش محمود کتیرایی، تهران: طهوری، ۱۴۵ - ۱۴۶، ص ۱۳۴۸.
- ۱۰ - برای اخلاع از جریان امر و متن قرارداد این فرضه نگاه کنید به: ابراهیم تیموری، حصر بسی خبری یا تاریخ انتیازات در ایران، نهاد: اقبال، نهان: اقبال، نهان: اقبال، نهان: انتشارات پیام، ۱۳۵۵.
- ۱۱ - نگاه کنید به کتاب روابط بازرگانی ایران و روسیه، ص ۷۴ - ۷۵.
- ۱۲ - پرورش، سال اول (۱۳۱۸ هـ)، شماره ۱۴، ص ۶ - ۷.
- ۱۳ - ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۲۷ - ۲۸، ۵۳ - ۵۵.
- ۱۴ - همان کتاب، ص ۹۱ - ۹۳.
- ۱۵ - همان کتاب ج ۲، ص ۹۹ - ۱۰۳.
- ۱۶ - همان کتاب، ج ۲، ص ۲۶۷ - ۳۵۱؛ سیداحمد نفرشی حبینی، روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، به کوشش ایرج افشار، نهاد: امیر کبیر، ۱۲۵۱، ص ۲۶ - ۲۹؛ ابراهیم صفایی، استناد مشروطیت، تهران: ۱۳۴۸، ص ۴۱ - ۴۲، ۵۷ - ۵۸، ۶۰ - ۶۱؛ احمد کسری، تاریخ مشروطه ایران، نهاد: امیر کبیر، ۱۲۵۱، ص ۴۸ - ۴۹؛ همچنین نگاه کنید به: سه مقاله درباره انقلاب مشروطیت ایران، ازم پاولوچ و دیگران، ترجمه هوشیار، تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۵۷؛ ایوانف، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه آذر تبریزی، تهران: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۵۷؛ ویکتور برار، انقلابات ایران، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، تهران: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۵۵؛ برادر ادوارد براون، انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه، نهاد: کانون معرفت، ۱۳۳۸، تاریخ استقرار مشروطیت ایران (استخراج از روی استناد محترمانه وزارت امور خارجه انگلستان) ترجمه حسن معاصر، تهران: این سینا، ۱۳۴۷.
- ۱۷ - حاج محمد ویجویه، بلوای تبریز، به کوشش علی کاتبی، تبریز: این سینا، ۱۳۴۸؛ میرزا عبدالامیر شیخ الاسلام، دو سند از انقلاب مشروطه ایران، نهاد: انتشارات توکا، ۱۳۵۶؛ سورالله دانشور علوی، تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری، تهران: کتابخانه داش، ۱۳۳۵.
- ۱۸ - نگاه کنید به این آثار: محمد روشن (به کوشش)، مشروطه گیلان از بادداشت‌های رایینو به انضمام و قایع مشهد، رشت: کتابفروشی طاعنی، ۱۳۵۲؛ ابراهیم فخرایی، گیلان در جنبش مشروطیت، تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۵۲.
- ۱۹ - سید حسن تقی‌زاده، مختصر تاریخ مجلس شورای ملی ایران، برلن: انتشارات اداره روزنامه کاوه، شماره ۵، ۱۳۳۷ هـ، ص ۲۳.
- ۲۰ - مذاکرات مجلس اول، ص ۲.
- ۲۱ - همان، ص ۶.
- ۲۲ - همان، ص ۶.
- ۲۳ - همان، ص ۸-۹.
- ۲۴ - منابعی که برای بررسی منشأ اجتماعی و موقعت طبقاتی نمایندگان دو اول مجلس شورای ملی مورد استفاده قرار گرفته‌اند از این‌فرانز: سید حسن تقی‌زاده، مختصر تاریخ مجلس شورای ملی ایران؛ مهدی سامدادر، تاریخ رجال ایران، تهران: زوار، ۱۳۴۷؛ ذهرا شجاعی، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست دوره قانونگذاری، نهاد: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴؛ گزارش پیکر حاجی میرزا اسوالحسن علوی، «رجال صدر مشروطیت» مجله پغما، سال پنجم (۱۳۳۱ - ۱۳۳۲)، شماره‌های ۳ تا ۱۲؛ همچنین نگاه کنید به گزارش چرچیل

اجتماعات شهری می‌شد و از استقلال بازاریان و مشارکت آنان در حکومت شهر جلوگیری می‌کرد. بازار زیر سلطه ارگ و جامع بود، چرا که شهر بعنوان پایگاه قدرت سیاسی، خواه مرکزی و خواه محلی، و نیز بعنوان مرکز قدرت روحانی فرصت مناسبی برای رشد و توسعه انجمنهای مستقل صنفی فراهم نمی‌آورد. در این اوضاع و احوال انجمنهای صنفی از نظر گاههای مختلف زیر نظارت دستگاه حکومتی قرار داشتند و از استقلال کامل بی‌بهره بودند. انجمنهای صنفی از نظر دستگاه حکومت مرکزی یا حکومت محلی وسیله مناسبی بودند تا سازمان گردآوری مالیات و بیکاری بتواند با پیشموران شهری به طور دسته جمعی روپرتو شود و باسانی وظیفه اش را انجام دهد. همچنانکه روستاییان را نیز با همین شیوه بطور دسته جمعی مورد استثمار قرار می‌داد و مازاد تولید آنان را گرد می‌آورد و در موارد نزوم از آنان بیکاری می‌کشید. مجموعه این شرایط موانع اساسی در راه رشد و توسعه سرمایه‌داری نوین صنعتی از درون بازارها پدید می‌آورد.

گذشته از وضع تولید شهری و روستایی و موقعیت تجار و اصناف در اجتماعات شهری، هجوم تورانیان از سده پنجم تا سده دهم و ادامه سلطه آنان بر جامعه ایرانی موانع اساسی دیگری در راه رشد سرمایه‌داری جدید فراهم ساخت. با استقرار این قبایل در ایران زمین جمعیت قبایل و عشایر تورانی و ایرانی به حدود یک چهارم جمعیت کشور رسید. این قبایل تا اوایل سده کنونی تفوق نظامی خود را محفوظ داشتند و سلطه سیاسی و نظامی خود را بر جامعه ایرانی و بر اجتماعات شهری و روستایی کشور به صور گوناگون تداوم بخشیدند. ادغام عشایر پرقدرت در نظام سیاسی به استقرار نوعی توازن میان نهادهای قدرت مرکزی و نیروهای عشایری انجامید و در نتیجه موانع مضاعفی در راه رشد سرمایه‌داری ملی در اجتماعات شهری پدید آورد. این وضعیت حتی در زمان اقتدار و سلطه حکومتهای مرکزی نیرومند نیز آثار منفی خود را، گرچه به میزانی کمتر، آشکار می‌ساخت. سلطه عشایر نایابنی‌های بازاریان را دو چندان می‌کرد، چرا که آنان هم زیر بار نایابنی‌های ناشی از فشار عمال دیوانی در شهرها قرار داشتند و هم باز نایابنی‌های ناشی از سلطه عشایر را بردوش می‌کشیدند.

بدینگونه تزاحم شیوه تولید عشایری از یکسو فعالیتهای کشاورزی را محدود می‌کرد و سبب کندی جریان آن به اجتماعات شهری می‌شد و از سوی دیگر رشد و توسعه درون‌زای سرمایه‌داری از بطن بازارها را دشوار می‌ساخت.

در نتیجه، جامعه ایرانی میان شرایط دوگانه اقتدار و سلطه حکومت مرکزی و نظام خودکامه شهپری از یکسو یا پاشیدگی آن، که همراه با سلطه نظام ملوک الطایفی و

نتیجه:

موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری و مردمسالاری

بررسی نظام سنتی جامعه ایرانی و تحولاتی که در اوآخر سده گذشته و اوایل سده کنونی هجری قمری در آن روی داده مارا به نتیجه گیریهای درباره موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری نوین صنعتی و مردمسالاری در جامعه ایرانی هدایت می‌کند.

موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری نوین صنعتی و مردمسالاری در ایران به طور عمد، از ترکیب دو دسته پدیده‌ها و نهادهای داخلی و خارجی سرچشمه می‌گیرند. موانع داخلی رشد سرمایه‌داری را باید در خصوصیات شیوه‌های تولید شهری، روستایی و ایلی و نظام سیاسی و اجتماعی حاصل از آن جست‌وجو کرد. حال آنکه موانع خارجی رشد سرمایه‌داری از وضعیت نیمه استعماری و تحولات اقتصادی و سیاسی جامعه ایرانی در شرایط سلطه استعماری مایه می‌گیرند.

موانع داخلی رشد سرمایه‌داری، به نوبه خود، به شرایط دو گانه‌ای بستگی دارد که در سیر حوادث و مشی و قایع تاریخی شکل گرفته و بمرور دور در جامعه ایرانی استقرار یافته‌اند. نخست، خصوصیات نظام سیاسی و اقتصادی در جامعه شهری و روابط خاص آن با جامعه روستایی است که سابقهای بس کهن در این سرزمین دارد. دو دیگر، مربوط به تداخل و تزاحم شیوه تولید عشایری با شیوه‌های دیگر تولید و سلطه ایلات و عشایر بر اجتماعات شهری و روستایی است.

شیوه تولید شهری و روستایی در ایران بگونه‌ای بود که سبب توسعه نیافتن تقسیم کار اجتماعی میان کشاورزی، بازرگانی و صنعت می‌گردید و در نتیجه جامعه را از جدا کردن تولید شهری و روستایی باز می‌داشت؛ اجتماعات شهری و روستایی را در واحدهای بزرگتر منطقه‌ای که دارای پیوندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی بودند گرد می‌آورد؛ و سرانجام مانع تمایز میان شهر و روستا و رویارویی آنها با یکدیگر می‌شد. این ویزگی هر چند از یکسو اهمیت شهر را در نظام اجتماعی افزایش می‌داد اما از دیگر سوی مانع خودفرمانی

مousسات اقتصادی مانند بانکها، گمرکات و بازارهای محلی و همچنین سلط آنان بر بازار گرانان و اصناف و بطورکلی وابستگی اقتصادی به قدرتهای دو گانه استعماری. در این اوضاع و احوال گروهی از سرمایه‌داران روسی و انگلیسی با حمایت حکومتهای خود به ایران روی آوردند و همراه با دولتهای خود به شکار امتیازات در کشور ما پرداختند. شکار امتیازات بازی حسابگرانه‌ای در جریان برقراری موازنۀ مثبت و موازنۀ منفی میان همسایگان شمالی و جنوبی بود. بدین ترتیب که گاهی دو نیروی استعماری فشارهای یکدیگر را ختنی می‌کردند و در نتیجه نوعی موازنۀ منفی در امر اعطای امتیازات بدید می‌آوردند، در حالیکه در مواردی اعطای امتیاز به یکی از دو قدرت استعماری سبب اعطای امتیاز مشابهی برقیب دیگر می‌شد.

در وضعیت نیمه استعماری این دوران علی‌رغم مساعد نبودن شرایط داخلی بخاطر انگیزه‌های خارجی، بازار گرانی بین‌المللی در راه رشدی شتابان افتاد و در همسازی با آن دیگر گونیهایی در شالوده مبادلات تجاری، تولیدات کشاورزی و تولیدات صنعتی پدید آمد. در این میان کشاورزی نقش عمده‌ای داشت. چون هم دستمایه اقتصادستّی برای ایجاد قدرت خرید لازم برای واردات مصنوعات غربی بود، و هم اینکه بازارها و صنایع غربی به مواد خامی که بخش کشاورزی تولید می‌کردند نیاز داشتند و اساساً توسعه روابط استعماری، مستلزم تخصص مستعمرات در تولید مواد خام بود. سرنوشت صنایع دستی و بخصوص مهمنترین بخش آن یعنی صنایع نساجی که باید با صنایع پیشگام نظام سرمایه‌داری یعنی صنایع نساجی منجسز روپارویی و همچشمی کند، از همه غم انگیزتر بود. در میان صنایع دستی یک استثنای وجود داشت و آنهم قالیبافی بود که به همت تجارت فرنگی و ایرانی رونق پیدا کرد. رونق قالیبافی و توسعه صادرات آن بهدو سبب بود: یکی تقاضای فراوان برای آن در بازارهای مغرب زمین و دیگر ناتوانی صنایع جدید غربی در تولید قالی و رفاقت با تولیدکنندگان ایرانی. لکن در صنعت قالیبافی امکانات رشد سرمایه‌داری صنعتی وجود نداشت. بدینگونه مبادلات بازار گرانی در این دوران رشد فزاینده‌ای پیدا کرد و تجارت ایرانی یا بالاستقلال و یا به نمایندگی تجارت و شرکت‌های خارجی به وارد کردن مصنوعات غربی و صادر کردن مواد خام کشور به بازارهای جهانی پرداختند.

در این اوضاع و احوال سیاست نامناسب گمرکی حکومت نیز به‌زال صنایع ستّی مدد رساند و همراه با پی‌آمدهای وضعیت نیمه استعماری از رشد و توسعه صنایع جدید جلوگیری کرد. از سوی دیگر تأسیس و گسترش فعالیتهای بانک شاهنشاهی ایران و بانک استقراضی ایران، که بر بازار پول کشور تسلط کامل پیدا کردند، نه تنها موجب تحکیم و ثبات نفوذ

خانه‌خانی یا نظام شهپری پر اکنده بود و در آن ملوک الطوایف یا شهپران محلی خود کامنه حکومت داشتند، از دیگر سوی، نوسان می‌کرد. هنگام تسلط حکومتهای مقتدر مرکزی قدرت ملوک الطوایف تا حدی محدود می‌گردید و با ایجاد امنیت در کشور تولیدات کشاورزی رونق می‌گرفت، راههای تجاری امن و آمان می‌شد، مبادلات بازار گرانی توسعه می‌یافت، صنایع و بازار گرانی رشد می‌کرد، بازارهای رونق می‌گرفت و شهرها گسترش پیدا می‌کرد. لکن بخاطر سلطه دستگاههای دیوانی بر بازار گرانان و اصناف و انواع مداخلات آنان در کار بازار موانع در راه پیدایش طبقه‌ای مستقل و خودفرمان از بازار ایران پدید می‌آمد. از سوی دیگر هنگامی که ملوک الطوایف و قدرتهای محلی در برابر قدرت مرکزی قد علم می‌کردند اساس تولیدات کشاورزی و صنعتی و مبادلات بازار گرانی به مخاطره می‌افتد و سبب ضعف مادی و مالی بازار ایران می‌گردید. در دوره قاجاریه معایب هردوی این وضعیتها کم ویش تحقق پیدا کرده بود، بدون آنکه فواید وضع نخست وجود داشته باشد. این وضعیت به‌نوبه خود از موانع اساسی در راه رشد و توسعه سرمایه‌داری نوین و پیدایش طبقه‌ای متنفذ و مقتدر از تجارت که فرمازوای بازارهای داخلی و بازار پولی کشور و نیز کارگزاران صنایع جدید باشند بشمار می‌آمد. موانع خارجی رشد سرمایه‌داری از پس آمدهای پیدایش وضعیت نیمه استعماری و وابستگی اقتصادستّی جامعه ایرانی به بازار نوپای جهانی در سده سیزدهم هجری قمری بشمار می‌آید. سلطه اقتصادی در شرایط نیمه استعماری بیشتر محظوظ به اهداف سیاسی همسایگان شمالی و جنوبی بود. بدین‌عنی که علاوه قدرتهای استعماری در ایران ابتدا متوجه منافع صرفاً سیاسی بود و پس با پیدایش و گسترش بازار جهانی در اوخر سده سیزدهم، هم منافع اقتصادی در کنار منافع سیاسی مورد توجه خاص قرار گرفت و هم اینکه گسترش فعالیتهای اقتصادی بعنوان وسیله‌ای برای تحکیم و ثبات موقعيت سیاسی در نظر آمد.

پیدایش وضعیت نیمه استعماری حاصل رقابت و کشاورزی دو نیروی مתחارک استعماری در سرزمینی بود که نهادهای حکومتی مناسبی برای اداره امور داخلی خود داشت. بدین‌گونه بدون آنکه نیروهای استعماری مستقیماً اداره امور آن کشور را بددست خود گیرند آن را همچون حایلی میان خود نگاه می‌داشتند و برای ثبات نفوذ خویش در آن سرزمین برقابت می‌پرداختند. این وضعیت آثار و نتایج پراهمیتی از نظر ماهیت تحولات اجتماعی در کشور نیمه مستعمره در بی داشت: همچون حمایت از نهادهای کهن حکومتی و حفظ وضع موجود سیاسی، پاشیدگی بازارهای کوچک و غیرقابل انسداد محلی، رشد تجارت خارجی، تخصص در تولید و صدور مواد خام، رکود صنایع دستی، اعتیاد به مصرف مصنوعات غربی، برهم خوردن توازن پرداختها، افزایش قرضه‌های خارجی، سلطه قدرتهای استعماری بر

مصنوعات خارجی رقابت داشتند مانند کارخانه‌های ریستنگی و بافتگی و کارخانه قند با شکست روپرتو می‌شدند.

چهارم اینکه، تجارت بزرگ و حتی تجارت متوسط آن زمان گرایش شدیدی به سرمایه‌گذاری در املاک مزروعی داشتند. بدینگونه قسمت قابل ملاحظه‌ای از سرمایه و نیروی آنان به‌این سوی کشانده می‌شد.

پنجم اینکه، گروهی از آنان نمایندگان تجاری شرکتهای خارجی بودند و گروهی نیز تحت الحمایه و حتی تبعه همسایگان شمالی و جنوبی شده بودند.

ششم اینکه، رونق بازار تجارت در این دوران از یکسو و از همپاشیدگی امور مالی حکومت و فقر خزانه دولت از سوی دیگر که گذشته از امور سیاسی ناشی از عوامل مالی و اقتصادی و بخصوص کاهش ارزش نقره و کسری موازنۀ برداختها و نظام نادرست وصول مالیاتها و عوارض گمرکی و عدم وصول مالیات بر درآمد از تجارت بود، سبب گردید تا تجارت نروت نسبتاً زیادی گرد آورند و از نظر مالی بر عمال دیوانی برتری پیدا کنند.

هفتم اینکه، بخاطر وابستگی اقتصاد کشور به بازار جهانی در وضعیت نیمه استعماری تجارت بزرگ به بازار گانی خارجی وابستگی پیدا کردند. لکن بخاطر نبود تخصص در فعالیتهای اقتصادی (مانند تولیدات صنعتی، واردات و صادرات کالا، بانکداری و ملکداری) تمایز میان سرمایه‌داری وابسته و سرمایه‌داری ملی بسیار دشوار می‌نمود و در بیشتر موارد بر هم انطباق پیدا می‌کرد. چنانکه تجارت بزرگ، در عین وابستگی به غرب، جنبشی اجتماعی و سیاسی برای ترویج امتعه وطی و تأسیس بانک ملی و مالاً کوتاه کردن دست خارجیها از اقتصاد کشور پدید آورده‌اند.

خصایص اجتماعی تجارت در اوخر قاجاریه بدینگونه بود که تجارت بزرگ نه تنها همچون گذشته از مژلت اجتماعی خاصی برخوردار بودند و در رده بالای هرم و سلسه مراتب اجتماعی بازار جای پاییزتر ایجاد شدند و در نظام اجتماعی نیز همراه با علماء و عمال دیوانی در رده اعیان شهر (گرچه در رده‌های پاییزتر ایجاد شدند) با تجارت روابطی که تجارت بزرگ در اوخر قاجاریه با تجارت غربی پیدا کرده بودند و به خارج سفر می‌کردند و فرزندانشان را برای تحصیل به خارج اعزام می‌نمودند و زبانهای غربی را فرا گرفته بودند، زودتر از دیگر قشرها و طبقات اجتماعی با فرهنگ غربی آشنا شدند و بخصوص برخی از خصوصیات و رفتارها و طرز فکری‌های غربی را که با منافع طبقاتی آنان نیز متناسب بود پذیرا گردیدند که از آن جمله فکر آزادی و برقراری حکومت مشروطه و مرسوم‌پذیری (به اصطلاح دموکراسی بورژوازی) باشد.

استعماری همسایگان شمالی و جنوبی در کشور ما گردید بلکه موانع اساسی در راه توسعه درون‌زای بانکداری نوین از بطن سانکداری سنتی پدید آورد. گذشته از آن شرایط نیمه استعماری و رقابت روس و انگلیس مانع رشد و توسعه شبکه‌های ارتباطی لازم در کشور ماند و تنها چند رشتراه در حوزه‌های نفوذ این دو قدرت استعماری احداث گردید. توسعه نیافتن شبکه‌های ارتباطی بهنوبه خود از موانع اساسی رشد و توسعه اقتصادی در کشور بود. بنابراین رشد اقتصادی کشور در جهت وابستگی اقتصادی و صنعتی به مغرب زمین سیر می‌کرد و از این‌رو رشد و توسعه‌ی ناهمانگ و ناقص بشمار می‌آمد.

پیدایش و استقرار وضعیت نیمه استعماری و وابستگی اقتصاد کشور به بازارهای جهانی همراه با رشد مداوم و شتابان بازار گانی خارجی در اوخر سده سیزدهم و اوایل سده چهاردهم هجری قمری، نه تنها تجارت سرمایه‌داران خارجی را به بازارهای بکر و قابل توسعه ایران جلب کرد، بلکه تجارت ایرانی را نیز، که در گذشته بیشتر در بازارهای محدود محلی فعالیت داشتند، بحرکت آورد و به گسترش فعالیتهای خود واداشت.

این تحولات سبب پیدایش گروه نسبتاً وسیعی از تجارت ثروتمند و مستنده در شهرهای بزرگ و میانه جمعیت کشور گردید که از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای خصوصیات و رفتارهایی بودند که بررسی آنها در شناخت عوامل و موانع تحقق رسالت تاریخی آنان ضروری بنظر می‌رسد.

خصوصیات اقتصادی و مالی تجارت از اینقرار بود:

یکی اینکه، عدمه فعالیت آنان گردآوری و صدور مواد خام مورد نیاز بازارهای خارجی و در رأس آن تریاک، پنه، ابریشم، خشکبار و مواد غذایی وارد کردن کالاهای صنعتی بخصوص قماش منچستر و قند و شکر و چای بود.

دوم اینکه، معمولاً در رشته خاصی از تجارت و یاده واردات یا صادرات کالاهای تخصص نداشتند و در صورت لزوم به تجارت و مبادله کالاهای گوناگون و نیز به صرافی می‌پرداختند.

سوم اینکه، برخی از آنان همراه با تجارت به سرمایه‌گذاری در صنایع نیز اقدام می‌نمودند و تمایزی میان سرمایه‌داری تجاري و صنعتی نبود. با آنکه تجارت بزرگ در زمینه تجارت با تجارت غربی که در ایران فعالیت داشتند بهلو می‌زدند، لکن در زمینه سرمایه‌گذاری صنعتی در برای آنان نقش ناچیزی داشتند. کوششها که تجارت ایرانی برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی بعمل آورده‌اند ناموفق و بسیار محدود بود. نگاهی به مشخصات و سرنوشت کارخانه‌هایی که در این دوران تأسیس شده‌اند نشان می‌دهد تنها کارخانه‌هایی موفق بودند که به آماده‌سازی محصولات کشاورزی می‌پرداختند، مانند کارخانه‌های پنه‌پاک کنی، حال آنکه کارخانه‌هایی که با

پیکار بودند، یعنی استبداد داخلی و استعمار خارجی. بدینگونه جنبش‌های ناکام سیاسی بازاریان کشور که در اواخر قاجاریه به کمال خود نرسیده بود، با ابعاد تازه‌ای که تحولات حاصله در نظام طبقاتی و گسترش دوگانگی فرهنگی میان طبقات متعدد و طبقات متقدم پدید آورده بود، در جنبش ملی کردن صنعت نفت و جنبش‌های اوایل دهه گذشته و در نهضت کنونی دوباره سر برآورد.



از نظر سیاسی تجارت بزرگ در این دوران چند خصیصه داشتند. یکی اینکه بخاطر افزایش قدرت مالی و نظارت بر امور کسبه و شبکه‌های گردآوری و توزیع کالاهای قدرت سیاسی آنان نیز در بازار فروزنی گرفت. دیگر اینکه، بیش از گذشته از استبداد، بی قانونی و دلخواهی بودن اداره امور و نیز نایابیهای ناشی از نظام حکومتی رفع می‌بردند و با آن خصومت می‌ورزیدند، سه دیگر اینکه، با همه وابستگی به سرمایه‌داری غربی بسیاری از آنان گرایشهای وطن‌دوستانه داشتند و با استعمار غرب که مانع رشد سرمایه‌داری صنعتی و استقلال و قدرت اقتصادی کشور می‌شد خصومت می‌ورزیدند و بخاطر این خصوصیات همراه با روحانیت پیشرو و روشنگران شهری و هبتهای بزرگ سیاسی ضداستعمار و ضداستبداد را بر عهده گرفتند و نقش عملهای در این جنبشها ایفا کردند. مبارزات دسته‌جمعی تجار ایجاد در گوشش مشکل آنان برای ایجاد مجلس و کلای تجارت در تهران و شهرهای بزرگ آغاز گردید و آنگاه در جنبش تعزیم تباکر و نهضت مشروطیت متبلور شد.

نظری به مسائل مطرح شده در مجلس اول، جهنهای عدده ایدن‌لوژی بازاریان را، که حمایت از سرمایه و مالکیت خصوصی و کسب و کار مردم در برآبر تجاوزات و تعدیات عمال دیوانی و استبداد داخلی از یکسو و تجاوزات اقتصادی و سیاسی استعمار خارجی از سوی دیگر و حفظ تمامی اراضی کشور است، بخوبی نشان می‌دهد. نمایندگان بازاریان در مجلس اول، بطیور کلی همراه با مجتبه‌دان، گروه میاندروان مشروطخواه را تشکیل می‌دادند، لکن برخی از بزرگان تجارت کم و بیش از ترقیخواهان بودند و حتی تنی چند از آنان از تندروان و کلای مجلس اول بشمار می‌آمدند. نگاهی به فهرست بیست نفری ترقیخواهان و تندروان مجلس اول نشان می‌دهد که گروه ۶ یا ۷ نفری تجارت رفیخواه در میان آنان هم از نظر تعداد قابل ملاحظه بودند و هم با توجه به مشارکت فعالی که در مذاکرات و تصمیمات مجلس داشتند نقشی اساسی در مجلس اول ایفا کردند. نخستین اقدام تجارت رفیخواه عکس العمل شدید آنان در برابر قرضه خارجی و پیشنهاد آنان برای تأسیس بانک ملی بود که با استقبال بازاریان و سایر طبقات اجتماعی رو برو گردید.

سر انجام آنکه، علی‌رغم نقش مؤثری که تجارت بزرگ در توسعه بازرگانی خارجی و رشد اقتصادی کشور ایقا کردند و همراه روحانیت پیشرو و جماعت بازاریان کشور جنبش‌های بزرگ سیاسی را بر ضد استبداد داخلی و استعمار خارجی بسیار داشتند لکن در دو زمینه اساسی که شامل اصلی در توسعه اقتصادی و اجتماعی بشمار می‌آید، موافقیت بدست نیاوردند: یکی توسعه صنعتی کشور و دیگری استقرار مردم‌سالاری با دموکراسی بورژوازی، ناکامی جماعت تجارت در هر دوی این زمینه‌ها تا حد زیادی بخاطر نیروهایی بود که پا آنها در تعارض و

△ ۱۸) چنین بایان سال تعصیبی مدرسه زندیه در دو شرایح محمد حسن امین دارالعلوم. مدرسه زندیه با استفاده از کمک مالی تیمار تهران اداره می شد. حدود ۱۳۴۰ تیری.



فهرست منابع و مأخذ

الف) به زبان فارسی

- آدمیت، فریدون. امیرکبیر و ایران. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶ هش.
- ایدُلولوی نهضت مشروطیت ایران. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۵ هش.
- و ناطق، هما. افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۵۶ هش.
- ابراهیم، میرزا. سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان. به کوشش مسعود گلزاری. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵ هش.
- ابن اخوه. آیین شهرداری. ترجمه دکتر جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷ هش.
- ابن بطوطه. سفرنامه. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۲۷ هش.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. مقدمه. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵ هش.
- ابوظبیخان، میرزا. مسیر طالبی، سفرنامه میرزا ابوظبیخان. به کوشش حسین خدیو جم. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲ هش.
- ادیب الملک، عبدالعلی. داعع الغرور. به کوشش ایرج افشار. تهران: مرکز پخش شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۹ هش.
- ارفع، پرس. ایران دیروز - خاطرات پرس ارفع (ارفع الدوّله). تهران: ۱۳۴۵ هش.
- اشرف، احمد. «برخی از وزیرگهای تاریخی شهرنشینی در دوره اسلامی» راهنمای کتاب شماره ۵ - ۶، ص ۲۵۷-۲۵۱.
- «راههای سه گانه تحول از جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی جدید». جهان نو. سال ۱۳۵۲، ص ۲۲-۹.
- «وزیرگهای تاریخی شهرنشینی در ایران، دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی. دوره اول، شماره ۴، ص ۴۹-۷.

- اورسل، ارنست. سفرنامه اورسل. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: انتشارات زوار، ۱۳۵۲ هش.
- ایوانف. انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه آذر تبریزی. تهران: چاپ نوبهار، ۱۳۵۷ هش.
- بامداد، مهدی. تاریخ رجال ایران. ۶ جلد. تهران: زوار، ۱۳۴۷ هش.
- بانک ملی ایران. تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران. تهران: ۱۳۲۸ هش.
- برار، ویکتور. انقلابات ایران. ترجمه سید ضیاء الدین دهشیری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ هش.
- برآون، ادوارد (پرسور). انقلاب ایران. ترجمه و حواشی احمد پژوه. تهران: کانون معرفت، چاپ دوم، ۱۳۲۸ هش.
- . نامه‌هایی از تبریز. ترجمه حسن جوادی. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱ هش.
- بلدية طهران. سالنامه احصائی شهر طهران از سنه ۱۳۰۰ الی ۱۳۰۳ شمسی. تهران: شرکت مطبوعه مدرن، ۱۳۰۴ هش.
- bastani parizi. نلاش آزادی: محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله پیرنیا. تهران: انتشارات نوین، ۱۳۵۴ هش.
- باولویج. م. و دیگران. سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران. تهران: جیبی، ۱۳۵۷ هش.
- پیگولوسگایا و دیگران. تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هزارم، ترجمه کریم کشاورز. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۶ هش.
- تاورنیه. سفرنامه. ترجمه ابوتراب نوری. اصفهان: ۱۳۲۶ هش.
- تحویلدار، میرزا حسین خان. جغرافیای اصفهان. به کوشش دکتر متوجه سوده. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۲ هش.
- تقریزی، سیداحمد. روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۱ هش.
- نقیزاده، سیدحسن. مختصر تاریخ مجلس شورای ملی ایران. برلن: انتشارات اداره روزنامه کاوه، شماره ۵، ۱۳۳۷ هش.
- تنکابنی، میرزا محمد. قصص العلماء. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه، بی‌تا.
- تیموری، ابراهیم. عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران. تهران: شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکا، ۱۳۳۲ هش.
- . تحریرم تنباکو. تهران: بی‌تا.

- اعتصام‌الملک، میرزا خانلرخان. سفرنامه. به کوشش منوچهر محمودی. تهران: ۱۳۵۱ هش.
- اعتماد‌السلطنه، محمدحسن. سالنامه ایران. تهران: ۱۲۹۱-۱۲۹۲ هق.
- . سالنامه دولت علیه ایران. تهران: ۱۲۹۲ هق.
- . تاریخ ایران. تهران: ۱۲۹۲ هق.
- مرآت‌البلدان ناصری. ۴ جلد. تهران: ۱۲۹۷-۱۲۹۴ هق.
- تاریخ منتظم ناصری. ۲ جلد. تهران: ۱۳۰۰-۱۲۹۸ هق.
- مطلع‌الشمس. ۳ جلد. تهران: ۱۳۰۳-۱۳۰۱ هق.
- المأثر والأثار. تهران: ۱۳۰۷ هق.
- سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران. تهران: ۱۳۱۴ هق.
- صدر التواریخ. (شرح حال صدر اعظم‌های پادشاهان قاجار از حاج ابراهیم کلانتر تا میرزا علی اصغر خان امین‌السلطنه)، به اهتمام محمد مشیری. تهران: سازمان انتشارات وحید، ۱۳۴۹ هش.
- خلسه یا خوابنامه اعتماد‌السلطنه یا اسرار انحطاط ایران. مشهد: کتابفروشی زوار، ۱۳۲۴ هش.
- روزنامه خاطرات اعتماد‌السلطنه. مقدمه و فهارس از ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵ هش.
- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا. نصف جهان فی تعریف الاصفهان. تصحیح و تحسیله دکتر منوچهر سوده. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۰ هش.
- الگار، حامد. نقش روحانیت پیشو در جنبش مشروطیت ایران. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات طوس، ۱۳۵۶ هش.
- امجدالواعظین تهرانی، محمدباقر گوهرخای. گوشاهی از رویدادهای انقلاب مشروطیت ایران. تهران: مرکز نشر سپهر، ۱۳۵۵ هش.
- امین‌الدوله، حاج میرزا علی خان صدر اعظم. سفرنامه امین‌الدوله. با مقدمه دکتر علی امینی. به کوشش اسلام کاظمیه. تهران: انتشارات طوس، ۱۳۵۴ هش.
- امین‌الدوله، فرخ خان. مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله. ۴ جلد. به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشی (زغفرانلو). تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶-۱۳۵۴ هش.
- انتز، ماروین. روابط بازرگانی ایران و روسیه ۱۸۲۸-۱۹۱۴. ترجمه عطاء‌الله نوریان. تهران: انتشارات دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱ هش.

- رحمیزاده صفوی. ایران اقتصادی. ۲ جلد. تهران: جلد اول، ۱۳۰۸ هش؛ جلد دوم ۱۳۰۹ هش.
- ریچاردز، فرد. سفرنامه فرد ریچاردز. ترجمه مهین دخت صبا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳ هش.
- ساسانی، خان‌ملک. دست پنهان سیاست انگلیس در ایران. تهران: انتشارات هدایت، ۱۳۵۲ هش.
- سالار فاتح، علی دیوالار. بخشی از تاریخ مشروطیت یادداشت‌های تاریخی راجع به فتح تهران و اردوی برق. تهران: ۱۳۳۶ هش.
- ساپکن، سر پرسی. هشت سال یاده هزار میل سیر در کشور شاهنشاهی. ترجمه حسین سعادت نوری. تهران: ۱۳۱۶ هش.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی. بندرعباس و خلیج فارس، اعلام‌الناس فی احوال بندرعباس. به تصویب احمد افتخاری. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۲ هش.
- شاردن، شوالیزان. سیاحت‌نامه شاردن. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۱ هش.
- شجاعی، زهرا. تمایندگان مجلس شورای ملی در بیست دوره قانون‌گذاری. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴ هش.
- شیبانی، زان. سفر اروپائیان به ایران. ترجمه سید ضیاء الدین دهشیری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲ هش.
- شیخ‌الاسلام، میرزا عبدال Amir. دو سند از انقلاب مشروطه ایران. تهران: انتشارات توکا، ۱۳۵۶ هش.
- شیرازی، میرزا صالح. سفرنامه. به‌اهتمام و مقدمه اسماعیل رائین. تهران: روزن، ۱۳۴۷ هش.
- شیندلر، هوتم. «سفرنامه خراسان (شاھرود)» در کتاب سه سفرنامه: هرات، مرو، مشهد. به‌اهتمام قدرت‌الله روشنی (زعفرانلو)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ هش.
- صفائی، ابراهیم. رهبران مشروطه. تهران: انتشارات جاویدان علمی، ۱۳۴۴ هش.
- اسناد سیاسی دوران فاچاریه. تهران: چاپ شرق، ۱۳۴۶ هش.
- گزارش‌های سیاسی علامه‌الملک. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷ هش.
- اسناد نویافته. تهران: چاپ دوم، ۱۳۴۹ هش.
- اسناد مشروطه. تهران: ۱۳۵۲ هش.
- برگهای تاریخ. چاپ دوم. تهران: ۱۳۵۲ هش.

- جمال‌زاده، سید‌محمدعلی. گنج شایگان، یا اوضاع اقتصادی ایران. برلن: انتشارات اداره کاوه، ۱۳۳۵ هق.
- جناب، سید‌علی. الاصفهان. اصفهان: مطبعة فرهنگ، ۱۳۰۳ هش.
- حاج سیاح. خاطرات حاج سیاح. به کوشش حمید سیاح. تهران: ۱۳۴۶ هش.
- حکیم‌العالک، علیقی. روزنامه حکیم‌العالک یا سفرنامه اول ناصرالدین شاه به خراسان. تهران: ۱۲۸۶ هق.
- خراسانی، محمدحسن. تاریخ انقلاب طوس. تهران: چاپ علمی، ۱۳۳۱ هش.
- خوانساری اصفهانی، میرسید محمدباقر. روضات الجنات فی احوال العلماء والسداد. ترجمه حاج شیخ محمدباقر ساعدی. تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۶ هش.
- خورموجی، محمدجعفرین. حقایق الاخبار ناصری. به کوشش حسین خدیبو جم. تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۴۴ هش.
- المانی، هانری رنه. سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه و نگارش فرهودی (متترجم همایون). تهران: ابن‌سینا و امیرکبیر، ۱۳۳۵ هش.
- دانشور علوی، نورالله. تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری. تهران: کتابخانه داش، ۱۳۳۵ هش.
- دروویل، سرهنگ گاسپار. سفرنامه دروویل. ترجمه جواد محبی. تهران: مطبوعاتی گوته، ۱۳۳۷ هش.
- دوگوبینو، کنت. سه سال در ایران. ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران: چاپ دوم، دولت آبادی، یحیی. تاریخ معاصر یا حیات یحیی. ۴ جلد. تهران: کتابفروشی ابن‌سینا، ۱۳۲۱-۱۳۲۶ هش.
- دهگان، ابراهیم. تاریخ اراک. اراک: ۱۳۳۰ هش.
- ذبیحی، مسیح. استرآباد نامه. به کوشش مسیح ذبیحی و با همکاری ایرج افشار و محمد تقی دانشپژوه. تهران: انتشارات فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۴۸ هش.
- تاریخی گرگان). تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴ هش.
- رایینو، هل. ولایات دارالمرز گیلان. ترجمه جعفر خمامی‌زاده. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ هش.
- مشروطه گیلان به‌انضمام وقایع مشهد. به کوشش محمد روشن. رشت: کتابفروشی طاعتی، ۱۳۵۲ هش.

- فاثم مقامی، جهانگیر. یکصد پنجماه سند تاریخی از جلایران تا بهلوی. تهران: نشریه کمیته ستاد بزرگ ارتشتاران. ۱۳۴۸ هش.
- قاجار، رضاقلی میرزا. سفرنامه رضاقلی میرزا نوہ فتحعلی شاه. به کوشش اصغر فرمانفرمائی قاجار. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۴۶ هش.
- کاساکوفسکی، کلنل. خاطرات کلنل کاساکوفسکی. ترجمه عباسقلی جلی. تهران: کتابهای سیمرغ. ۱۳۴۴ هش.
- کاظمزاده، فیروز. روس و انگلیس در ایران: ۱۸۶۲-۱۹۱۴. ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی. ۱۳۵۴ هش.
- کدی، نیکی. تحریم تباکو در ایران. ترجمه شاهرخ فاثم مقامی. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی. ۱۳۵۶ هش.
- کسری، احمد. تاریخ مشروطه ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۵۱ هش.
- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم، (سهیل کاشانی). تاریخ کاشان. به کوشش ایرج افشار. تهران: ابن سینا. ۱۳۴۱ هش.
- کلانتر فارس، میرزا محمد. روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس شامل وقایع قسمتهای جنویس ایران از سال ۱۱۴۲ تا ۱۱۹۹ هجری قمری. با اهتمام عباس اقبال. ضمیمه سال دوم مجله یادگار، ۱۲۲۵ هش.
- کبفر، انگلبرت. در دربار شاهنشاه ایران. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: انتشارات انjen آثار ملی. ۱۲۵۰ هش.
- گرمرودی، میرزا فتاح خان. «سفرنامه مسني». در کتاب سفرنامه میرزا فتاح خان گرمرودی بهاروپا در زمان محمد شاه قاجار. به کوشش فتح الدین فتاحی. تهران: ۱۳۴۷ هش.
- لسان الملک، میرزا محمد تقی سپهر. ناسخ التواریخ. ج ۱. تهران: ۱۲۷۳ هق.
- لشکر نویس نوری، سید محمد. «سفرنامه مرو». در کتاب سه سفرنامه: هرات، مرزو، مشهد. به اهتمام قدرت الله روشنی (زغفرانلو). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۴۷ هش.
- مجدالاسلام کرماتی، احمد. تاریخ انقلاب مشروطت ایران. مقدمه و تصحیح محمود خلیل بور. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان. ج ۱، (ظاهر ۱۲۴۷ هش): ج ۲، ۱۲۵۰ هش؛ ج ۳، ۱۲۵۱ هش.
- مجدالملک، حاج میرزا محمد خان. رساله مجده. با مقدمه و مقابله و تصحیح سعید نفیسی. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران. ۱۳۲۱ هش.
- مجلس شورای ملی. مذاکرات مجلس اول. تهران: ۱۳۲۴ هش.

- بنجاه نامه تاریخی. چاپ دوم، تهران: چاپخانه رشیدیه، ۱۳۵۲ هش.
- استناد گزیده از سپهسالار و ظل السلطان. تهران: چاپ دوم، ۱۳۵۲ هش.
- نامه‌های تاریخی دوران قاجاریه. تهران: انتشارات بابک، چاپ دوم، ۱۳۵۵ هش.
- صفنیا، رضا. استقلال گمرکی ایران. تهران: انتشارات وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه، ۱۳۰۷ هش.
- طبری، احسان. فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران. تهران: ظهیر الدوله. استناد تاریخ وقایع مشروطه ایران، نامه‌های ظهیر الدوله. به کوشش جهانگیر قائم مقامی. تهران: انتشارات طهوری. ۱۳۴۸ هش.
- علوی، حاجی میرزا ابسوالحسن. «رجال صدر مشروطت». یسفما. سال ۵ (۱۳۳۱-۱۳۲۲) شماره‌های ۳ تا ۱۲.
- فاتح، مصطفی. بنجاه سال نفت ایران. تهران: انتشارات چهر. ۱۳۲۵ هش.
- فخرائی، ابراهیم. گیلان در جنبش مشروطتی. تهران: کتابهای جیبی. ۱۳۵۲ هش.
- فراءهانی، میرزا حسین. سفرنامه. به اهتمام حافظ فرمانفرمائیان. تهران: مرکز تحقیق و مطالعه تمدن و فرهنگ ایران و خاورمیانه، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران. ۱۳۴۲ هش.
- فرای، ریچارد. بخارا! دستاوردهای قرون وسطی. ترجمه محمود محمودی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۴۸ هش.
- فرصت حسینی شیرازی، میرزا آقا. آثار عجم. بمعنی: ۱۳۱۲ هق.
- فرهاد معتمد، محمود. سپهسالار اعظم. تهران: شرکت نسبی علی اکبر علمی و شرکا. ۱۳۲۵ هش.
- فریدالملک، محمد علیخان همدانی. خاطرات فرید. گردآورنده مسعود فرید. تهران: انتشارات زوار. ۱۳۵۴ هش.
- فسانی، حاجی میرزا حسن طبیب. فارستانه ناصری. گفتار دوم. تهران: ۱۳۱۲ هق.
- فلاندن، اوژن. سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. ترجمه حسین پورصادقی. تهران: اشرافی، ۱۳۵۶ هش.
- فلور، و. م. «تجار در ایران عصر قاجار»، ترجمه غلامعلی عرفانیان. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی. سال ۱۳ شماره ۱، ۱۳۵۶ هش، ص ۳۵-۱۰۰.
- فوریه، دکتر. سه سال در دربار ایران. (از ۱۳۰۶-۱۳۰۹ قمری). ترجمه عباس اقبال. تهران: ۱۳۲۵ هش.

- مرآقد مطهره. تهران: ۱۲۸۷ هـ.
- . «وظائف و تکاليف وزارت‌خانه‌ها که به دستور ناصرالدین شاه به وزراء ابلاغ شده»، به تاریخ ذی‌حججه‌الحرام ۱۲۹۹ هـ. آرشیو وزارت امور خارجه، گزارشها و رسائل، شماره ۱۲.
- .. سفرنامه خراسان. تهران: ۱۳۰۶ هـ.
- . سفرنامه ناصرالدین شاه به عراق و بلاد مرکزی ایران. تهران: ۱۳۱۱ هـ.
- نظام‌الاسلام کرمانی. تاریخ بیداری ایرانیان. به‌اهتمام سعیدی سیرجانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، مقدمه ۱۳۴۶ هـ؛ بخش اول ۱۳۴۶ هـ؛ بخش دوم ۱۳۴۹ هـ.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه. دستور‌الکاتب فی تعیین المراتب. مسکو: اداره انتشارات معاصر، حسن. تاریخ استقرار مشروطیت در ایران. (مستخرج از روی استناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان) تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۷ هـ.
- نصرت‌الملک، الحاج محمد رحیم نصرت‌ماکوئی. تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو. قم: چاپخانه علمیه.
- نیکیتین، ب. خاطرات و سفرنامه. ترجمه علی‌محمد فرهوشی. تهران: معرفت، ۱۳۲۶ هـ.
- واحسن، رابت گرانت. تاریخ قاجار. ترجمه عباسقلی آذری. تهران: چاپ تصویر، ۱۳۴۰ هـ.
- وزارت خارجه انگلستان. کتاب آبی راجع به اوضاع ایران. استناد وزارت خارجه انگلستان. ۵ جلد. ترجمه زیر نظر سردار اسعد. تهران.
- وزیری کرمانی، احمدعلی خان. جغرافیای کرمان. به‌کوشش دکتر ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۵۳ هـ.
- . تاریخ کرمان (سالاریه). به‌اهتمام ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۰ هـ.
- وکیلی طباطبائی بزدی، حاج میرزا رضاخان. «تاریخ عراق عجم». فرهنگ ایران‌زمین. ج ۲ (سال ۱۳۴۵-۴۶).
- ویجویه، حاجی محمد باقر. تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز. تبریز: انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۴۸ هـ.
- هدایت، مهدیقلی، مخبر‌السلطنه. گزارش ایران. تهران: ۱۳۳۳ هـ.
- . خاطرات و خطرات. تهران: کتابفروشی زوار، چاپ دوم، ۱۳۴۴ هـ.
- هولستر، ارنست. ایران در یکصد و سیزده سال پیش. ترجمه محمد عاصمی. تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران، ۱۳۵۵ هـ.

- مجتهدی، مهدی. ایران و انگلیس. تهران: چاپخانه نقش جهان، ۱۳۲۶ هـ.
- . رجال آذربایجان در عصر مشروطیت. تهران: ۱۳۲۷ هـ.
- محبوبی اردکانی، حسین. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ هـ.
- مدرس، میرزا محمد علی. ریحانة‌الادب فی تراجم المعرفین بالکنیه اواللقب یا کنی و القاب. ۸ جلد. تهران: کتابفروشی خیام.
- مراغه‌ای، حاج زین‌العابدین. سیاحت‌نامه ابراهیم بیک. تهران: کتابهای صدف، ۱۳۴۴ هـ.
- مستوفی، عبدالله. شرح زندگی من با تاریخ اجتماعی راداری دوره قاجاریه. ۳ جلد. تهران: کتابفروشی محمد علی علمی، ۱۳۲۴ هـ.
- معاصر، حسن. تاریخ استقرار مشروطیت در ایران. (مستخرج از روی استناد محرمانه وزارت ملک‌آراء، عباس میرزا. شرح حال عباس میرزا ملک‌آراء. با مقدمه‌ای از عباس اقبال‌اشتبانی. به‌کوشش دکتر عبدالحسین نوائی. تهران: انتشارات بابک، ۱۳۲۵ هـ.
- منشی، محمد علی. سفرنامه رکن‌الدوله به‌سرخس. به‌کوشش محمد گلبن. تهران: ۱۳۵۶ هـ.
- موریه، جیمز. سرگذشت حاجی بابای اصفهانی. ترجمه میرزا حبیب اصفهانی (اوآخر قرن ۱۳ هـ). تصحیح سید محمد علی جمال‌زاده. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۸ هـ.
- موزز، هنری. سفرنامه ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی). ترجمه علی مستترجم (متوجه مخصوص ناصرالدین شاه). به‌کوشش محمد گلبن. تهران: انتشارات سحر، ۱۳۵۶ هـ.
- میرزا رفیع. دستور‌الملوک. به‌کوشش محمد نقی داشن‌بژوه. ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. سال ۱۶ شماره ۵ و ۶، تهران: ۱۳۴۷-۴۸ هـ.
- میرشنبیکنف، ل. ی. ایران در چند جهانی اول. ترجمه ع. دخانیاتی. تهران: کتابهای سیمیرغ، ۱۳۴۴ هـ.
- مینورسکی، و. سازمان اداری حکومت صفوی. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: زوار، ۱۳۲۴ هـ.
- نادر میرزا. تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز. ۱۳۲۳ هـ.
- ناصرالدین شاه. «دستور العمل تشخيص و ترقیم القاب، ۱۲۷۹ هـ» فرهنگ ایران‌زمین. شماره ۱۹ (۱۳۵۲ هـ)، ص ۴۹-۶۱.
- . روزنامه سفر از طهران الی کربلا و نجف و سایر اماکن فیض مواطن و

Busch, Briton, C. *Britain and the Persian Gulf, 1894–1914*. Berkeley: University of California Press, 1967.

Cahen, C. «Ya-t-il eu des corporations professionnelles dans le monde musulman classique?» in A.H. Hourani and S.M. Stern eds., *The Islamic City: A Colloquium*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 1970, pp. 51–64.

Churchil, George P., *Biographical Notices of Persian Statesmen and Notables*. FO/ confidential, 9748, London: Foreign Office, September, 1909.

Curzon, George N. *Persia and the Persian Question*. 2 vols. London: Longmans, Green and Co., 1892.

Edwards, Cecil. *The Persian Carpet*. London: Gerald Duckworth and Co., 1960.

Entner, M. *Russo-Persian Commercial Relations: 1828–1914*. Gainsville: University of Florida Press, 1965.

Floor, W.M., «The Guilds in Iran, an Overview». in *ZDMG*, 125 (1975), pp. 99–116.

—. «The Merchants (tujjar) in Qajar Iran.» in *ZDMG*, 126 (1976), pp. 101–135.

—. «The Customs in Qajar Iran.» in *ZDMG*, 126 (1976), pp. 281–311.

Fraser, J.B. *Narrative of a Journey into Khorasan in the Years 1821 and 1822*. London: Longmans, Green and Co., 1825.

Gilbar, Gad, «Demographic Developments in Late Qajar Persia, 1870–1906». in *Asian and African Studies*. vol. 11, 1976, pp. 125–156.

—. «Persian Agriculture during the Late Kadjar Period, 1860–1906: Some Economic and Social Aspects.» in *Asian and African Studies*. Vol. 12, 1978.

—. «The Big Merchants (tujjar) and the Persian Constitutional Revolution of 1906» in *Asian and African Studies*. Vol. 11, 1977, pp. 275–303.

Gleadlow-Newcomen, A.H., *Report on The British Indian Commercial Mission to South-Eastern Persia during 1904–1905*, Calcutta: Office of the Superintendent of Government Printing, India, 1906.

فهرست منابع و مأخذ

ب) به زبانهای خارجی

Abdullaev, Z.Z. *Promyshlennost i zarozhdenie rabochego klassa Irana v kontse XIX-nachale XX vv*. Baku: 1963.

Ashraf, Ahmad. «Historical Obstacles to the Development of a Bourgeoisie in Iran», in M.A. Cook, ed. *Studies in the Economic History of the Middle East from the Rise of Islam to the Present Day*. London: Oxford University Press, 1970, pp. 308–332.

—. With Hormoz Hekmat. «Merchants and Artisans and the Developmental Processes of the Nineteenth Century Iran», in Avrom L. Udovitch, ed. *Land, Population and Society, Studies in the Economic History of the Middle East*. Princeton: Darwin Press, 1980.

—. «The Merchants of Shiraz in the Late Nineteenth Century», to be published in a volume of *Iranian Studies* devoted to the Economic History of Iran in the Nineteenth Century, forthcoming, 1981.

—. «The Emerging Class Structure of Iran in the late Nineteenth and Early Twentieth Centuries», to be published in a forthcoming book on *State, Society, and Economy in the Nineteenth Century Iran and the Ottoman Empire*, edited by Gad Gilbar, forthcoming, 1981.

Benjamin, S.G.W. *Persia and the Persians*. Boston: Ticknor and Company, 1887.

Binning, Robert B.M. *A Journal of Two Years' Travel in Persia, Ceylon, Etc.* 2 vols. London: WM. H. Allen and Co., 1857.

Bradley-Birt, F.B. *Through Persia from the Gulf to the Caspian*. London: Smith Elder and Co., 1909.

Browne, E.G., *The Persian Revolution of 1905–1909*. London: Cambridge University Press, 1910.

- Hambly, Gavin. «An Introduction to the Economic Organization of Early Qajar Iran». In *Iran, Journal of the British Institute of Persian Studies*. Vol. II, 1964.
- Helfgott Leonard M. «Tribalism as a Socioeconomic Formation in Iranian History» in *Iranian Studies*, Vol. X, Nos. 1–2, Winter-Spring 1977, pp. 36–61.
- Issawi, Charles. *The Economic History of Iran, 1800–1914*. Chicago: The University of Chicago Press, 1971.
- Kazemzadeh, Firuz. *Russia and Britain in Persia, 1864–1914, A Study in Imperialism*. New Haven: Yale University Press, 1968.
- Keddie, Nikki R. *Religion and Rebellion in Iran; The Tobacco Protest of 1891–1892*. London: Frank Cass & Co., 1966.
- Kent, Roland G. *Old Persian*, 2nd ed. Revised, New York: American Oriental Society, 1935.
- Kuznetsova, N.A. «Urban Industry in Persia During the 18th, and early 19th. Centuries». In *Central Asiatic Review*, Vol. XI, No.3. 1963, pp. 308–21.
- Lambton, A.K.S. «The Case of Hajji Abd al-Karim: A Study on the Role of the Merchants in mid-nineteenth Century Persia.» in G.E. Bosworth, *Iran and Islam*. Edinburgh: Edinburgh University Press, 1971, pp. 331–360.
- «Persian Society Under the Qajars.» *Royal Central Asian Journal*. Vol. XLVII, part II (April, 1961), pp. 123–139.
- Lapidus, Ira, M. *Muslim Cities in the Later Middle Ages*. Cambridge: Harvard University Press, 1967.
- Lehmann Ernest. *Memorandum Respecting the Imperial Tobacco Corporation of Persia*, FO/881, confidential 6194, London: Foreign Office, May, 1892.
- Loeffler Reinhold. «Tribal Order and the State: The Political Organization of Boir Ahmad» in *Iranian Studies*. Vol. XI, 1978, pp. 145–172.
- Lorini, Eteocle. *La Persia, Economica Contemporanea e la sua Questione Monetaria*. Roma: Ermanno Loescher and Co., 1900.
- Mahdavi, A. «Les archives Aminozarb, source pour l'histoire économique et sociale de l'Iran (Fin xix^e-début xx^e siècle)». in *Le Monde Iranien et L'Islam*. No. IV, 1976–1977, pp. 195–222.
- Great Britain, Foreign Office. *Persia, Correspondence Respecting the Reuter and Falkenhagen Concessions, 1872–75*. FO/881, confidential, 2710.
- . *Persia, Correspondence Respecting the Imperial Tobacco Corporation of Persia, 1890–92*, FO/539, Vol. 53, No. 2383, London: 1893.
- Great Britain, Parliament. *House of Commons, Sessional Papers*. Accounts and Papers, Diplomatic and Consular Reports on Trade and Finance, «Copy of Report lately made by Colonel Pelly to the Indian Government on the Trade of the Persian Gulf.» London, 1871. Vol. LI, cd. 456.
- . Persia, «Report by Mr. Dickson on the Trade of Persia.» London, 1872. Vol. LIX, cd. 549.
- . «Statement of the Trade of British India with British Possessions and Foreign Countries for the Five Years 1870–71 to 1874–75.» London, 1876. Vol. LVII, cd. 1616.
- . Persia, «Report by Mr. Baring on Trade and Cultivation of Opium in Persia.» London, 1882, Vol. LXIX, cd. 3131. pp. 48–62.
- . Persia, «Report by Mr. Dickson on the Trade of Persia.» London, 1884–85, Vol. LXXVI, cd. 4383. pp. 1–8.
- . Persia, «Report on the Cultivation of Olives in Northern Persia.» London, 1890–91, Vol. LXXXIV, cd. 6206–11, pp. 1–3.
- . Persia, «Report for the Years 1892–93 and 1893–94 on the Trade, etc., of the Consular District of Isfahan» London, 1894. Vol. LXXXVII, cd. 7293–46.
- . Persia, «Report for the Years 1894–95 on the Trade, etc., of Khorasan». London, 1895. Vol. IC, cd. 7828–24.
- . Persia, «Report on the Cultivation of Olives in the Districts of Ghilan,» London, 1897, Vol. LXXXVIII, cd. 8278–6, pp. 1–4.
- . Persia, «Report on the Trade and General Conditions of the City and Province of Kermanshah, by Mr. H.L. Rabino, Agent of the Imperial Bank of Persia.» London, 1903, Vol. LXXIII, cd. 1387–3, pp. 72–75.
- . Persia, «Report for the Years 1904–03 on the Trade of the Kerman Consular District», London 1905, cd. 2236–118, Vol. LXXXI.
- Greaves, R. *Persia and the Defence of India*. London: The Athlone Press, 1959.

فهرست راهنمای

تهیه کننده: فرخ امیرفریار

الف

- استبداد: ۱۰۶، ۹
— ۱۱۲-۱۱۰، ۱۰۶، ۹
— ۱۱۳۲، ۱۲۲، ۱۱۶
صفیر: ۱۱۵: — ۱۰۹
استرآباد: ۶۰، ۵۰، ۵۱
استرخان: ۷۴
استعمار: ۱۰۶، ۹-۸
— ۱۱۲-۱۱۰، ۱۱۲-۱۱۱
۹۵، ۸۹: — ۱۶، ۱۶
۱۱۲: — ۱۱۲
۱۱۲۹، ۱۱۲، ۱۰۹، ۱۰۸
— ۱۲۲، ۱۳۰
اسدآبادی، سیدجمال الدین: ۱۱۲
اسعار: ۱۰۳
اسلامیه اصفهان شرکت: ۱۰۱: — پارچه‌ها:
— شعب: ۱۰۱: — پارچه‌ها:
۱۰۱
اسماعیل خان: ۴۰
اسماعیل خان، حاج سید: ۱۱۵
اسماعیل خان، حاج سید: ۱۱۷
اشرف: ۱۱۸، ۱۱۷: — زمین‌دار:
۷
اشرف (بهشهر): ۱۰۱، ۶۲
اصفهان: ۷۸، ۶۰، ۵۷، ۴۰، ۳۰: —
۱۰۰، ۹۹، ۹۵، ۹۲، ۸۵، ۸۰
— ۱۱۶، ۱۱۱
۹۶

آ

- ابریشم: ۹۱، ۹۰، ۸۷، ۷۷
— ۹۱: — باقی: ۹۲: — نای: ۹۲-۹۰، ۸۰، ۷۷
اجربزی (سازی)، کارخانه و ۹۹، ۹۸، ۸۵، ۶۵
کوره: ۹۹، ۹۸، ۸۲، ۶۶
کشی: ۸۴، ۷۴
ابن خلدون: ۲۵: — ۲۷
اتحادیه، حاج رحیم: ۸۱
آرزومنیان، برادران: ۸۱، ۷۸
اتحادیه، شرکت: ۷۶
آستانه: ۶۰، ۶۹، ۷۹
اجلالالدوله، شاهزاده: ۲۹
آسیاب بخاری، کارخانه: ۶۵
اخباریون: ۱۱۲
آخر صوفیه: ۲۹
ادسا: ۷۸، ۷۲
ادب التجار اصفهانی، حاجی
آنابجنی ← شیخ محمد تقی،
میرزا علی نقشبند: ۱۲۰
ارباب جمشید: ۷۸
ارباب گیو: ۸۱
ارباب، محمدامین: ۷۹
ارتباطات: ۸۶: — شبکه‌ها:
المانی‌ها: ۶۵، ۶۶
اردیل: ۷۹، ۶۳
امارهای: ۱۳: — ی بازرگانی: ۱۹
اردستان: ۱۰۱
— ی نقوس: ۱۳
ارگ: ۸۴
اروپا: ۹۰، ۷۴
اهن تراشی، کارخانه: ۸۳
اره کنی: ۹۵
استاد: ۲۴: استادان: ۲۳

Markwart, J. *A Catalogue of the Provincial Capitals of Iranshahr*. ed. by G. Messina. Roma: Pontificio Instituto Biblico, 1931.

Marx, Karl, *Pre-capitalist Economic Formation*. ed. by, E. Hobsbawm, New York: International Publishers, 1964.

Massignon, Louis. «Karamatians.» in *Encyclopedia of Islam*. Leiden, 1913.

—. «Les corps de métiers et la cité islamique» in *Revue Internationale de Sociologie*. 1920, vol 28, pp. 73-88.

—. «Sinf», in *Encyclopaedia of Islam*. Leiden: 1931.

—. «Islamic Guilds» in *Encyclopedia of the Social Sciences*. New York: 1943.

McDaniel, Robert. *The Shuster Mission and the Persian Constitutional Revolution*. Minneapolis: Bibliotheca Islamica, 1974.

Nowshirvani, Vahid. «The Beginning of Commercial Agriculture in Iran.» In A. Udovitch. *Land, Population and Society, Studies in Economic History of the Middle East*. Princeton: Darwin Press, 1980.

Picot, H. «Biographical Notices of Members of the Royal Family, Notables, Merchants, and Clergy». F.O. 881/7028, London: Foreign Office, December, 1897.

Rabino, J. «Banking in Persia», London: The Institute of Bankers, 1891.

Reid, James. «The Qajar Uymaq in the Safavid Period, 1500-1722», in *Iranian Studies*. Vol. XI, 1978, pp. 117-144.

Smith, John, Jr. «Turanian Nomadism and Iranian Politics.» in *Iranian Studies*. Vol. XI, 1978, pp. 57-81.

Stuart, Charles. *Journal of a Residence in Northern Persia and the Adjacent Provinces of Turkey*. London: R. Bentely, 1854.

Weber, Max. *Economy and Society*. New York: Bedminster Press, 1968, Vol. 3.

Whigham, H.J. *The Persian Problem*. London: C. Scribner and Sons, 1903.

Wright, Denis. *The English Amongst the Persians During the Qajar Period, 1787-1921*. London: Heinemann, 1977.